

۴۶۷

# کیمهان

KAYHAN LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباحزاده

جمعه ۱ تا ۷ تیر ۱۴۰۳ خورشیدی

سال چهل و یکم - شماره ۱۹۳۳

## «صنعت گروگانگیری» در جمهوری اسلامی

**خرید سالنامه مهسا**



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند  
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت  
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل  
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

**خرید کتاب سقوط بهشت**



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند  
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت  
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل  
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

\*\*\*\*\*

**KAYHANLIFE**  
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

**کیهان شما ، کیهان لندن**

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- [https://t.me/kayhan\\_london](https://t.me/kayhan_london)

\*\*\*\*\*

10 New Square-Lincoln's Inn  
London WC2A 3QG  
Tel: 0044 (0)20 3633 3684  
e-mail:  
info@kayhan.london  
ads@kayhan.london  
editorial@kayhan.london  
www.kayhan.london  
www.kayhanlife.com

\*\*\*\*\*

سال چهل و یکم  
کیهان شماره ۱۹۳۳ (۴۶۷)

جمعه ۱ تا ۷ تیر ۱۴۰۳  
۲۱ تا ۲۷ ژوئن ۲۰۲۴



**آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد**

نشانی سایت:  
[www.kayhan.london](http://www.kayhan.london)  
روابط عمومی:  
[info@kayhan.london](mailto:info@kayhan.london)  
آگهی و تبلیغات:  
[ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london)  
سر دبیری:  
[editorial@kayhan.london](mailto:editorial@kayhan.london)

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

**KAYHANLIFE**  
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY  
[www.kayhanlife.com](http://www.kayhanlife.com)

**کیهان لندن منتشر کرد:**



کتاب «سوریه : چاله عنكبوت  
به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن [ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london) یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

- Satrap Publishing: Email: [satrap@btconnect.com](mailto:satrap@btconnect.com)  
[www.satrap.co.uk](http://www.satrap.co.uk)
- Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
- Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
- Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
- UTOPIRAN, 89 Rue du Rousseau, 75018 Paris, FRANCE
- Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

پیشگفتارها: رضا تقی‌زاده و حسن شریعتمداری

# کیمهان

## فهرست مطالب

۴ ..... سـر مـقاله - تـبلیغات اـنتخاباتی در خدمت کارزار تحریم... / الـاهه بـقراط

۴-۵ ..... تـیتر هـفته - «صـنعت گـرو گانگـیری» در جـمهوری اسـلامی... /

۶ ..... شـاهزاده رضا پهلوی: ریشه جنگ‌های منطقه رژیم ایران است... /

۷ ..... خـسرو بیت‌اللهی خـلبان پـیشین نـبروی هـوایی ارتش شاهنشاهی در گذشت... /

۷ ..... پیام همدردی شاهزاده رضا پهلوی به مناسبت درگذشت سروان بیت‌اللهی... /

۸ ..... ذپیلماسی گروگانگیری بار دیگر جواب داد: سوئد حمید نوری را با دو گروگان در... /

۸-۹ ..... شاهزاده رضا پهلوی: وظیفه ما مقابله با تلاش‌های جمهوری اسلامی برای تأثیر گذاری... /

۹ ..... ایرج مصداقی: آزادی حمید نوری استقلال دستگاه قضائی سوئد را... /

۹ ..... شیرین عبادی: آزادی حمید نوری که جنایتش به اثبات رسیده، خاک پاشیدن... /

۱۰-۱۱ ..... مدیرانجمن ایران - ایتالیا: پوزسیون جعلی یعنی افرادی که همیشه... /

۱۱ ..... قصبه چشم و ابروی امامان... / خیراندیش (احمد احرار)

۱۲-۱۳ ..... سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران - خاطرات علینقی عالیخانی (بخش ۲۰)... /

۱۴ ..... آژانس بین‌المللی انرژی: ایران تعداد ساتر بیفویژها در تأسیسات اتمی... /

۱۵ ..... سایه سنگین بر نامه هسته‌ای بر انتصابات ۸ تیر... / احمد رافت

۱۶-۱۷ ..... «منظره انتخاباتی» شش معتمد علی خامنه‌ای: دروغ‌گویی و فراق‌نگی و اعتراض به... /

۱۷-۱۸ ..... وعده‌های نخب‌نمای نامزدهای جانشینی رئیس... /

۱۸-۱۹ ..... اقتضاح بر ای‌نامز اصلاح‌طلبان: از قهر خشن مشاور «فرهنگی» بز شکیان تا شعارهای مردم... /

۲۰-۲۱ ..... پیش از پنجاه سال خبررسانی در آلمان درباره ایران (بخش ۴)... / الـاهه بـقراط

۲۲-۲۳ ..... گفتگو با دکتر امیر حمیدی درباره «پروژه فتنوس ایران»... / اروشنگ آسترکی

۲۳ ..... پهلوی: انتخاب پادشاهی یا جمهوری حق مردم ایران است... /

۲۴-۲۵ ..... گفتگو درباره کتاب «بازخوانی مفهوم امت»... / افروزه نوردستروم

۲۶-۲۷ ..... ملکه ایران داستان زندگی اش را برای هالیوود روایت می‌کند... /

۲۸ ..... اثر انگشت حکومت ایران در حمله «هفت اکتبر»... /

۲۹ ..... مجید گلپور: ایران اولویت پارلمان آینده اروپا نخواهد بود... /

۲۹ ..... هشدار رهبران «گروه هفت» به جمهوری اسلامی در مورد افزایش غنی‌سازی... /

۳۰-۳۱ ..... فاکس نیوز: حزب الله چالشی بزرگتر از حماس برای اسرائیل... /

۳۱ ..... بر اثر واژگونی دوقایق حامل پناهجویان ۱۲ نفر کشته و ده هانفر... /

۳۲ ..... حمله سنگین اسرائیل به جنوب لبنان؛ احتمال کشته شدن هاشم صفی‌الدین... /

۳۲-۳۳ ..... منابع اسرائیلی: موساد هر لحظه از شبانه‌روزی داند حسن نصرالله کجا مخفی... /

۳۳ ..... هشدار وزیر خارجه اسرائیل به حسن نصرالله: در صورت وقوع جنگ تمام‌عیار... /

۳۴ ..... آمریکای اسرائیل در حال بررسی اطلاعات جدید «مدل سازی تولید سلاح اتمی»... /

۳۴-۳۵ ..... در پی حمله حوثی‌ها دو کشتی در دریای سرخ در آستانه غرق شدن هستند... /

۳۵ ..... رافائل گروسی: برجام بی‌معنا شده و کسی از آن تبعیت نمی‌کند... /

۳۶-۳۷ ..... ابعاد ناشناخته قتل مشکوک بهاره لاهی کارگردان و مستندساز ایرانی... /

۳۷ ..... راه‌اندازی پرواز مستقیم «ماهان ایر» از ایران به چین... /

۳۸ ..... حملات بی‌وقفه حوثی‌ها در دریای سرخ؛ کشتی یونانی «ام‌وی توتر» با... /

۳۸-۳۹ ..... در پی حمله حوثی‌ها دو کشتی در دریای سرخ در آستانه غرق شدن هستند... /

۳۹ ..... جاوید رحمان: کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت «جنایات شیع علیه بشریت و... /

۴۰-۴۱ ..... کارگزار قسه‌خوانی در «بنیاد فرهنگي ژاله اصفهانی» لندن... /

۴۱ ..... گفتگو با شاهین مقدم درباره رأی دادگاه اوتار بودر پرونده پروازی اس ۷۵۲... /

۴۲ ..... ادعای وزارت خارجه جمهوری اسلامی: سلاح هسته‌ای هیچ جایگاهی در... /

۴۲-۴۳ ..... واکنش وزارت خارجه جمهوری اسلامی به بیانیه «گروه هفت»... /

۴۳ ..... گزارش هادرباره حمله یک افغان باقمه به امام جماعت و نمازگزاران... /

۴۴ ..... متحد استراتژیک جمهوری اسلامی روسیه است یا غرب؟... / اسمیغ

۴۵ ..... هدف از سفر پوتین به کره شمالی: تحلیل یک استراتژی سیاسی... / ابهرام فرخی

۴۵-۴۶ ..... نقش الگوهای رفتاری در سرنوشت مردم... / ترانه جوانبخت

۴۶-۴۷ ..... ۱۹۸۹ نقطه‌ی عطف تاریخی... / اوچیدو حدت حق

۴۸ ..... ریزش معدن شن و ماسه سازند... /

۴۸-۴۹ ..... رئیس اداره تعزیرات حکومتی باو در یک حمله مسلحانه به قتل رسید... /

۴۹ ..... توقف عملیات نجات کارگران مدفون شده در معدن شن و ماسه سازند... /

۵۰ ..... سهیم ۱۶ درصدی زنان از بازار کار ایران؛ تبعیض جنسیتی تا پرداخت حقوق... /

۵۱ ..... برگزاری دادگاه آتش‌سوزی در زندان اوین... /

۵۲ ..... هشدار معاون وزیر صمت درباره تشدید محدودیت برقی... /

۵۳ ..... گزارش اتاق بازرگانی ایران و اتاق تهران: رویا فروشی بس است... /

۵۴ ..... شاخص فلاکت به تفکیک استانی در سال ۱۴۰۲... /

۵۵ ..... سوءاستفاده دولت از صنعت اتومبیل‌سازی برای جبران کسری بودجه... /

۵۶ ..... چند وعده غذای حیوان خانگی برخی شهر و نندان از حقوق ماهانه یک خانوار... /

۵۷ ..... بودجه هنگفت برای نهاد های حکومتی و «هیج» برای محرمان... /

۵۸ ..... سیستان و بلوچستان محروم، ابزار سوءاستفاده‌ی نامزدها در تبلیغات نمایش... /

۵۹ ..... ترک تحصیل به دلیل فقر برای ایرانی‌ها؛ سهمیه و تخفیف شهر به برای... /

۶۰-۶۱ ..... لاپوشانی مافیای دارویی وابسته به حکومت در آلودگی فلزی محلول‌های دیالیز... / افروزه نوردستروم

۶۱ ..... یاسین موسوی نوکیس مسیحی با اتهامات امنیتی به ۱۵ سال زندان محکوم شد... /

۶۲-۶۳ ..... خبرهای کوتاه... /

۶۴ ..... پشت‌جلد - عکس هفته - نسدا

بازنشر  
بازنشر

بازنشر



سرمقاله

تیر هفته

# «صنعت گروگانگیری» در جمهوری اسلامی

## تبلیغات انتخاباتی در خدمت کارزار تحریم جامعه انتخاب خود را کرده است!

مرتب شنیده می‌شود که جمهوری اسلامی برای فلان مقدار «مشارکت» برنامه‌ریزی کرده و با تقلب و رأی‌سازی و انواع ترفندها نام فردی از صندوق بیرون می‌آید که حتی پیش از تأیید صلاحیت از سوی شورای نگهبان، توسط «رهبر» منصوب شده. و مرتب شنیده می‌شود که مردم نیز تصمیم خود را گرفته‌اند و هیچ اعتنایی به انتصاب جانشین «قاضی مرگ» و «قصاب تهران» ندارند.



دستگاه تبلیغاتی نظام هم فردی مانند محمدجواد ظریف را که هیچ‌کاره و فقط مجری اوامر است به عنوان «نامزد نیابتی» و سخنگوی کاندیدای جناح اصلاح طلب رژیم راهی مناظره و سفر کرده تا شاید موفق به جلب «حضور» مردم در این نمایش شود.

اینکه جمهوری اسلامی فقط به «حضور» مردم نیاز دارد و نه به نظر و رأی آنها، موضوع تازه‌ای نیست. همیشه همینطور بوده. منتها اینبار تحریم انتصابات خرداد ۱۴۰۰ که سیدابراهیم رئیسی از صندوق بیرون آورده شد تا در سقوط هلی‌کوپتر کشته شود، و تعمیق تنگنایی که رژیم همواره در آن گرفتار بوده، کار را به جایی رسانده که وابستگان و دلبستگان حتی حرف از جذب «آرای پهلوی» می‌زنند! درست در همین هنگام، تروییستی اعلام شدن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توسط دولت کانادا، کشوری که به بهشت فاسدان و اختلاسگران و هواداران رژیم معروف شده، چه بسا بر تصمیم در مورد فرد انتصابی که قرار بود از صندوق بیرون بیاید تأثیر بگذارد.

یکی از دلایل اصلی این وضعیت آنست که دوگانه‌سازی جعلی و بازی «بد و بدتر» بین «دو بال» نظام که هر دو در خدمت اهداف انقلاب ۵۷ و ایدئولوژی مذهبی آن مبنی بر صدور انقلاب اسلامی و تحقق «امت واحده» در جهان هستند، هم در جامعه و هم در غرب که هر کدام بدون توجه به این هدف، این دوگانه را در جهت اهداف خودشان تعبیر می‌کردند، دیگر جواب نمی‌دهد. جامعه نیاز به اصلاح و تغییر و بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی داشت و ظاهراً «انتخاب» دیگری جز این دو جناح نداشت؛ و غرب به امید «تغییر رفتار» رژیم با این یا آن رئیس دولت، «انتخاب» دیگری در برابر خود نمی‌دید. آنهم در حالی که انتخاب دیگر همواره و از همان سال ۵۷ و حتی در فرافروم خود نظام نیز وجود داشته: نه به جمهوری اسلامی! یعنی همان انتخابی که اقلیتی از ایرانیان در داخل و خارج و در روندی خونین و مرگبار در پیش گرفتند تا با تجربه‌های سنگین به اکثریت نیز ثابت و در دست کم یک دهه اخیر به مسیر اصلی جامعه تبدیل شود.

همین واقعیت است که تبلیغات انتخاباتی نامزدهای جانشینی «قاضی مرگ» را بیشتر به کارزار تحریم نه تنها علیه فایض ۸ تیر بلکه بر ضد کل نظام تبدیل کرده. فرقی هم نمی‌کند که نتایج آن با چه اعداد و ارقام و چه فردی اعلام شود. جامعه مدت‌هاست انتخاب خود را کرده و معلوم نیست رژیم بر اساس کدام شواهد و مستندات فکر می‌کند که می‌تواند این روند را با افراد دروغگو و فاسد و تکراری خود به عقب برگرداند و یا به سود خود ترمیم کند!



● **جمهوری اسلامی از ابتدای تشکیل تا امروز دست کم ۱۷۳ شهروند خارجی و دوتاببعیتی را با اتهامات واهی امنیتی بازداشت کرده و هنوز بیش از ۲۹ گروگان در زندان‌های خود دارد که ۲۰ نفر از آنها شهروند کشورهای غربی و یا ایرانیانی با تابعیت دوگانه هستند. گروگان‌هایی که منبع درآمد و امتیاز برای حکومت به شمار می‌روند.**

حمید نوری که در دادگاهی در سوئد پس از ۹۳ جلسه به اتهام جنایت جنگی و قتل به حبس ابد محکوم شده بود و دادگاه تجدید نظر نیز این حکم را تأیید کرده بود، ۲۶ خرداد ۱۴۰۳ آزاد شد و به تهران بازگشت. همزمان یوهان فلودروس دیپلمات سوئدی اتحادیه اروپا و سعید عزیزی تابعیت دوگانه ایرانی- سوئدی با وساطت سلطان‌نشین عمان آزاد شدند و به استکهلم بازگشتند.

است که با محکومیت حمید نوری توانسته بود طلسم مصونیت جنایتکاران نظام را بشکند. رضا معینی از پایه‌گذاران کارزار «ماندگاری خاوران» (محل دفن بسیاری از اعدام‌شدگان تابستان ۶۷) در شبکه اجتماعی «ایکس» به درستی نوشت: «حمید نوری در دادگاهی عادلانه و منصفانه با بهره از وکیل و حق دفاع تیره نشد و مجازاتش در دادگاه تجدید نظر هم کاهش نیافت. داد و ستد حمید نوری با گروگان‌های خارجی چندان مهم نیست.» دادگاه استکهلم در حقیقت تنها حمید نوری را به اتهام اعدام‌های تابستان ۶۷ محکوم نکرد، بلکه کل نظام در ارتباط با این جنایات محکوم شد. محکومیتی که در گزارش بسیار مهم ۳۰ خرداد جاوید رحمان، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور ایران در حاشیه پنجاه و ششمین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل به وضوح به آن اشاره شده است. جاوید رحمان کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت خورشیدی را «جنایت شنیع علیه بشریت و نسل‌کشی» می‌خواند.

**معافه‌ه یک جنایتکار با شهروندان عادی**  
وزارت دادگستری سوئد یک ماه قبل از این معافه‌ه طرح قانونی را به مجلس فرستاده بود تا بعد از تصویب دولت این کشور اروپایی بتواند زندانیان غیرسوئدی را برای گذراندن مدت محکومیت به کشورهای خودشان منتقل کند. این قانون البته هنوز در انتظار قرار گرفت در دستور کار مجلس بود، که نخست‌وزیر سوئد با استفاده از قانون دیگری که به دولت اجازه عفو متهمین را می‌دهد، حمید نوری را آزاد کرد.

اگر حمید نوری در دادگاهی صالح با استفاده از حق دفاع از خود و انتخاب وکیل و بر پایه بیش از ۶۰ شهادت

در دادگاه سوئد کل نظام محکوم شد اگرچه احتمال معافه‌ه حمید نوری که در تابستان ۶۷ با نام مستعار حمید عباسی در دوران اعدام‌های جمعی در زندان گوهردشت دستیار هیات مرگ و ابراهیم رئیسی بود با گروگان‌های سوئدی قابل پیش‌بینی بود، ولی شتاب در این معامله تا حدی غافلگیرکننده بود.

منابع سوئدی از عجله جمهوری اسلامی برای بازگرداندن حمید نوری می‌گویند که گویا قصد داشته است از آزادی این متهم به جنایت جنگی و قتل قبل از ۸ تیر برای گرم کردن تئور انتخابات استفاده کند. زمامداران جمهوری اسلامی اینگونه معامله‌ها را «اقتدار دیپلماتیک» نامیده و می‌خواهند افکار عمومی داخل کشور را فریب دهند که از قدرت مذاکره با کشورهای غربی برخوردارند. البته بعید به نظر می‌رسد که آزادی حمید نوری بتواند در شرکت مردم در سیرک انتخابات تأثیری داشته باشد. انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان در اسفند سال گذشته نشان دادند که دیگر با این ترفندها نمی‌توان مردم را به حوزه‌های رای‌گیری کشاند.

از آنسو، هدف دیگر این معامله اخیر تلاش برای نشان دادن ضعف مخالفان نظام و به ویژه جنبش دادخواهی

از جمله نام‌های شناخته شده بین گروگان‌ها می‌توان به دو شهروند فرانسوی ژاک پاری و سسیل کوهلر اشاره کرد که هردو از فعالان اتحادیه آموزگاران این کشور اروپائی هستند

دریافت پول و اسلحه به خانه بازگشتند. تمام شهروندانی که بدون هیچ دلیلی در ایران بازداشت، محاکمه و برخی محکوم نیز شدند یا در ازای دریافت

و صحبت‌های ۱۲ کارشناس محکوم شده است، یوهان فلودروس یک شهروند عادی بدون ارائه هیچ مدرک و شواهدی با اتهامات واهی چون «جاسوسی» و «افساد



که در سال ۲۰۲۲ بازداشت شدند. از دوتابعیتی‌ها علاوه بر احمدرضا جلالی، می‌توان به ناهید تقوی و جمشید شارمهد که هر دو تابعیت آلمانی دارند، و یا مهران رئوف، شهرام نام‌آور و نسرین روشن که ایرانی-بریتانیائی هستند اشاره کرد. شهاب دلیلی با تابعیت دوگانه ایرانی-آمریکائی و سرین بدیعی که تابعیت نیوزلند را دارد نیز دو گروگان دیگر هستند. غزاله شارمهد، که پدرش جمشید شارمهد زیر حکم اعدام قرار دارد، در واکنش به آزادی حمید نوری در شبکه «ایکس» به طنز می‌نویسد: «باید به دولت سوئد، جوزپ بورل (مقام ارشد اتحادیه اروپا در سیاست خارجی و امنیت) و دیگر رهبران اروپائی تبریک گفت که بی‌وقفه برای آزادی یک قاتل جمهوری اسلامی تلاش کردند.»

پول و اسلحه و یا در معاوضه با تروریست‌های جمهوری اسلامی آزاد شدند و به کشور محل سکونت خود بازگشتند. چند روز قبل از حمید نوری، یک شهروند فرانسوی به نام لوئی آرنو نیز باز هم با وساطت سلطان‌نشین عمان با بشپیر بی‌آزار از مسئولان سابق صداسویمی جمهوری اسلامی و عامل نفوذی سرویس‌های اطلاعاتی در فرانسه معاوضه شده بود. قبل از آن دولت بلژیک نیز اسدالله اسدی دیپلمات تروریستی را که در دادگاه آنتورپ به ۲۰ سال زندان به اتهام دست داشتن در عملیات بمب‌گذاری محکوم شده بود با یک مددکار بلژیکی به نام البویه وندکاستل، توماس کیس دافمارکی و مسعود مصاحب ایرانی با تابعیت اتریشی معاوضه کرده بود.

فی‌الارض» به زندان محکوم شده بود. سعید عزیزی نیز به اتهاماتی که مشخص نشده حکم ۵ سال زندان دریافت کرده بود. گویا تنها مدارکی که در دادگاه سعید عزیزی ارائه شدند عکس همسرش در تظاهراتی پس از قتل مهسا (ژینا) امینی در سوئد و عکسی از دخترش در مراسم دریافت دیپلم دبیرستان با پرچم شیروخورشید بوده است.

احمدرضا جلالی قدیمی‌ترین زندانی ایرانی سوئدی ولی در زندان اوین ماند و نتوانست با وجود ۸ سال و دو ماهی که در زندان است و حکم اعدامی که برایش به اتهام «جاسوسی» و «همکاری با دولت متخاصم» صادر شده به آغوش خانواده در سوئد بازگردد. این پزشک ایرانی-سوئدی که در اردیبهشت ۱۳۹۵ به دعوت دانشگاه تهران برای چند کنفرانس به ایران سفر کرده بود، در فایلی صوتی به زنان انگلیسی خطاب به اولف کریسترسون نخست وزیر و رهبر حزب میانه‌رو «مودرات» می‌پرسد چرا برای او که حدود ۳۰۰۰ روز در زندان است و زیر حکم اعدام قرار دارد اقدامی انجام نگرفته است.

منابع سوئدی می‌گویند جمهوری اسلامی آزادی حمید نوری را آنقدرها هم مهم نمی‌دانست که در ازای پس گرفتن او، دکتر احمدرضا جلالی را آزاد کند. این گمان به واقعیت نزدیک است. اگر برای سوئد و دیگر کشورهای دموکراتیک معیار چنین اقداماتی ارزش جان انسان‌ها است، برای جمهوری اسلامی زندانیان خارجی و دوتابعیتی فقط گروگان‌هایی هستند که در مقابل پول یا خواست‌های دیگری می‌توانند آزاد شوند.

### گروگانگیری برای اخاذی

گروگانگیری از همان ابتدای تشکیل جمهوری اسلامی با گروگان گرفتن دیپلمات‌های آمریکائی که ۵۲ نفر از آنها ۴۴۴ روز در دست رژیم بودند در دستور کار قرار گرفت. گروگان‌هایی که زمان ریاست جمهوری رونالد ریگان در ازای

### غرب فعلا تمایلی به تغییر سیاست ندارد

در این میان، اگرچه در ماه‌های اخیر شاهد چرخش نسبی در سیاست‌های کشورهای اروپائی به ویژه شدت بیان و تهدید در رابطه با پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی هستیم، ولی بعید به نظر می‌رسد که همچنان معاملاتی نظیر آنچه دولت سوئد انجام داد صورت نگیرد. اروپائی‌ها به دلایلی، و آمریکا به دلایل دیگری، از واکنش جمهوری اسلامی واهمه دارند. لزوم مذاکره با جمهوری اسلامی در رابطه با پرونده هسته‌ای، امکان عملیات تروریستی گروه‌های وابسته به رژیم حاکم بر ایران در کشورهای اروپائی، و تشدید بحران‌ها در خاورمیانه برخی از این دلایل هستند. به نظر نمی‌رسد با توجه به جنگ غزه در شرق و جنگ اوکراین در غرب و درگیر بودن ایالات متحده با انتخابات ریاست جمهوری خود در نوامبر ۲۰۲۴ و مسائل داخلی کشورهای اروپایی مانند گسترش افراط‌گرایی اسلامی و سیاسی، غرب در حال حاضر تمایلی به رویارویی جدی با جمهوری اسلامی داشته باشد حتی اگر به تغییر رفتار آن از جمله با انتخابات نمایشی ۸ تیر دیگر باور نداشته باشد.

برای آزادی نازنین زاغری و انوشه آشوری که شهروندی بریتانیا را دارند، دولت این کشور ۵۲۰ میلیون دلار پرداخت کرد. قبل از آن دولت آمریکا برای آزادی محمدباقر نمازی ۷ میلیارد دلار از پول‌های مسدود شده جمهوری اسلامی در کره جنوبی را آزاد کرده بود. دولت آمریکا برای آزادی جیسون رضائیان روزنامه‌نگار ایرانی آمریکائی و سه دوتابعیتی دیگر (سعید عابدینی، امیر میرزایی حکمتی و نصرت‌الله خسروی) یک میلیارد و ۷۰۰ هزار دلار پول نقد را با یک هواپیما به ایران فرستاده بود. مشخص نیست سال گذشته دولت‌های ایتالیا و فرانسه در ازای آزادی آلسیا پیرنو و سانتیاگو سانچز کوخودر چه مقدار پرداخت کردند. البته جمهوری اسلامی که از ابتدای تشکیل تا امروز دست‌کم ۱۷۳ شهروند خارجی و دوتابعیتی را به دلیل اتهامات واهی امنیتی بازداشت کرده، هنوز هم بیش از ۲۹ گروگان در زندان‌های خود دارد که ۲۰ نفر از آنها شهروند کشورهای غربی و یا ایرانیانی با تابعیت دوگانه هستند. نام برخی از این افراد مشخص نیست، مانند ۶ نفری که به اتهام «جاسوسی» بازداشت شده‌اند و یا ۴ نفری که متهم به «شیطان‌پرستی» هستند.

شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با شبکه مصری «الغد»:

## ریشه جنگ‌های منطقه رژیم ایران است؛ من برای ایرانیان آزادی را تضمین می‌کنم



شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با شبکه مصری «الغد»

بین‌المللی نسل‌کشی می‌کند، ملاقات شما ممکن است این پیام را برساند که گویی از اسرائیل حمایت می‌کنید.» شاهزاده پاسخ داد: «من از رابطه خوب ایران در آینده با هر کشوری در منطقه حمایت می‌کنم، چه اسرائیل و مصر و چه عربستان سعودی یا هر حکومت دیگر، من در مورد آینده ایران صحبت می‌کنم... از داشتن روابط با سایر کشورها و هر کشوری که بخواهد ما آزادی داشته باشیم استقبال می‌کنم، همه تفاوت‌ها را فراموش کنید، من می‌خواهم از کشورم و از منافع ایران حمایت کنم.»

«من خودم را به عنوان رهبر تحول و گذار معرفی می‌کنم» در بخشی از این مصاحبه مجری برنامه پرسید، «آقای پهلوی، اگر برای حکومت کردن به ایران بازگردید، آیا ایرانی را خواهیم دید که با اسرائیل متحد و با اعراب دشمن باشد؟» و این پاسخ را شنید: «قبل از هر چیز، چرا می‌گویید من از اسرائیل حمایت می‌کنم و از اعراب حمایت نمی‌کنم؟ چرا می‌گویید من ضد عرب هستم؟ من می‌گویم باید درگیری‌ها را متوقف کنیم. نه اینکه دائماً با هم در جنگ باشیم، باید فضایی وجود داشته باشد که اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها بتوانند در آن به توافق برسند. من نمی‌خواهم سیستمی وجود داشته باشد که از این درگیری‌ها سوء استفاده کند.»

شاهزاده رضا پهلوی ادامه داد، «من خودم را به عنوان رهبر تحول و گذار معرفی می‌کنم، بنابراین، به مردم این فرصت را می‌دهم که برای آینده خود تصمیم بگیرند. دیپلماسی و روابط خارجی حکومت آینده هم در زمان خودش مشخص خواهد شد. اما من در اینجا درباره تضمین‌هایی صحبت می‌کنم که شهروندان ایران باید از آن برخوردار شوند. من در پی یک سیستم دموکراتیک هستم و نه سیستم دیکتاتوری که در حال حاضر وجود دارد، یعنی از هر دین و جنسیت و نژادی باید آزادی برای همه ایرانیان و آزادی برای همه عقاید وجود داشته باشد. این چیز است که من برای ایرانیان تضمین می‌کنم و این همان چیزی است که ایرانی‌ها می‌خواهند ببینند و ما می‌خواهیم در این زمینه به آنها کمک کنیم.»

من از آن صحبت می‌کنم مهیا شدن یک فضای مناسب برای صلح است اما برخی حکومت‌ها حامی تروریست هستند و این به صلح نمی‌انجامد.»

مجری در ارتباط با همین موضوع دوباره پرسید، «چگونه در سایه اشغال اراضی فلسطینی توسط اسرائیل از محیط مناسب برای صلح می‌گویید؟ چطور در سایه اشغال می‌شود صلح برقرار کرد؟ آیا موافقید کشوری بخشی از خاک ایران را اشغال کند و آنوقت شما از محیط مناسب برای صلح حرف بزنید؟» شاهزاده توضیح داد، «من می‌گویم که دو طرف این فرصت را برای برپا کردن صلح دارند، اما باید محیطی مناسب برای این صلح فراهم شود، بنابراین باید شرایط آن را فراهم کنیم، باید در میان هر دو طرف گفتگو برای صلح شکل بگیرد و کارهای تروریستی متوقف شود.»

مجری پرسید، «یعنی شما قربانی و جلا را با هم برابر می‌دانید؟ ملتی تحت اشغال داریم و نیروهای اشغالگر اسرائیلی اقدام به کشتار روزانه صدها نفر می‌کنند. طی هشت ماه حدود ۴۰ هزار فلسطینی کشته شدند، مردم ایران که اکثریت‌شان با موضوع فلسطین همبستگی دارند صحبت‌های شما را می‌شنوند؛ البته جدا از موضعی که نسبت به رژیم دارند. این ممکن است باعث خدشه‌دار شدن چهره شما نزد مردم ایران شود.» شاهزاده رضا پهلوی در پاسخ تأکید کرد، «باز هم تکرار می‌کنم هرگز موافق جانبداری [از هیچ طرفی] نیستم و موافق برخی افکار هم نیستم.»

«من از منافع کشورم دفاع می‌کنم»

در میانه‌ی تنش‌های خاورمیانه، شاهزاده رضا پهلوی و آمیخای شیکلی وزیر مبارزه با یهودستیزی اسرائیل در اولین هفته از ماه ژوئن دیدار و گفتگو کردند. مجری شبکه «الغد» با اشاره به این دیدار از شاهزاده رضا پهلوی پرسید، «بایدن به اسرائیل هشدار داد ممکن است به دلیل اقداماتش در فلسطین به یک کشور منزوی تبدیل شود. وقتی با وزیر کشوری ملاقات می‌کنید که جنگی وحشتناک علیه فلسطینی‌ها به راه انداخته و طبق گزارش سازمان‌های

● شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با تلویزیون مصری «الغد» با اشاره به نفع جمهوری اسلامی و عوامل آن از درگیری و جنگ در منطقه گفت، «من نمی‌خواهم سیستمی وجود داشته باشد که از این درگیری‌ها سوء استفاده کند.»  
● وی در پاسخ به پرسش مجری مبنی بر اینکه دیدار او با آمیخای شیکلی، وزیر امور مبارزه با یهودی‌ستیزی اسرائیل به منزله حمایت‌اش از این کشور است پاسخ داد «من از کشورم و از منافع ایران حمایت می‌کنم.»  
● «از اینکه صدای مرا مردم مصر می‌شنوند خوشحالم؛ از مصری‌ها ممنونم، زیرا آنها در گذشته خانواده مرا پذیرفته‌اند.»

● «من خودم را به عنوان رهبر تحول و گذار معرفی می‌کنم، بنابراین به مردم این فرصت را می‌دهم که برای آینده خود تصمیم بگیرند. دیپلماسی و روابط خارجی حکومت آینده هم در زمان خودش مشخص خواهد شد. اما من در اینجا درباره تضمین‌هایی صحبت می‌کنم که شهروندان ایران باید از آن برخوردار شوند، من در پی یک سیستم دموکراتیک هستم و نه سیستم دیکتاتوری که در حال حاضر وجود دارد.»

● «باید آزادی برای همه ایرانیان و آزادی همه عقاید وجود داشته باشد، این چیز است که من برای ایرانیان تضمین می‌کنم و این همان چیزی است که ایرانی‌ها می‌خواهند ببینند.»

هشت ماه پس از حمله تروریستی «هفت اکتبر» به اسرائیل و آغاز عملیات ارتش این کشور در غزه علیه حماس در شرایطی که تلاش‌های بین‌المللی برای توقف جنگ و رسیدن به آتش‌بس ادامه دارد، شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با تلویزیون مصری «الغد» با اشاره به نفع جمهوری اسلامی و عوامل آن از درگیری و جنگ در منطقه گفت، «من نمی‌خواهم سیستمی وجود داشته باشد که از این درگیری‌ها سوء استفاده کند.»

در مقدمه این مصاحبه که روز پنجشنبه ۱۳ ژوئن ۲۴ (خردادماه) انجام شد، رضا پهلوی خطاب به مجری برنامه گفت، «از اینکه صدای مرا مردم مصر می‌شنوند خوشحالم، از مصری‌ها ممنونم، زیرا آنها در گذشته خانواده مرا پذیرفته‌اند.» وی سپس در پاسخ به پرسشی درباره بحران غزه و ویرانی‌ها و جان باختن هزاران غیرنظامی در جنگ، وضعیت را یک «تراژدی» خواند و گفت، «باید برای توقف جنگ و رسیدن به آتش‌بس یک برنامه‌ریزی درست وجود داشته باشد، ما با چشم خودمان می‌بینیم چه اتفاقی افتاده؛ قربانیان اسرائیلی و فلسطینی را می‌بینیم و این بسیار دردناک است، من فکر می‌کنم این بحران منشاء خود را دارد و آن رژیم ایران است.»

ریشه اختلافات منطقه در رژیم ایران است

شاهزاده در ادامه افزود، «معتقدم ریشه اختلافات در منطقه، انقلاب اسلامی در ایران است که روابط با همسایگان را قطع کرد و به صلح و ثبات ضربه زد.» در ادامه مجری پرسید، «آقای پهلوی، شما می‌گویید که [رژیم] ایران مسبب همه چیز است اما من می‌خواهم توضیح بدهم که موضوع فلسطین به سال ۱۹۴۸ باز می‌گردد در حالی که شما می‌گویید اصل مشکل رژیم ایران است. رژیم ایران در سال ۱۹۷۹ روی کار آمد!» شاهزاده رضا پهلوی پاسخ داد، «آنچه

## پیام همدردی شاهزاده رضا پهلوی به مناسبت درگذشت سروان خسرو بیت‌اللهی



سروان خسرو بیت‌اللهی

سروان خسرو بیت‌اللهی خلبان پیشین نیروی هوایی ارتش شاهنشاهی و رایزن حزب مشروطه ایران (لیبرال دمکرات) روز شنبه ۱۵ ژوئن (۲۶ خردادماه) در شهر کالیفرنیا در سن ۷۴ سالگی درگذشت.

شاهزاده رضا پهلوی در یک پیام همدلی که یکشنبه ۲۷ خرداد در رسانه‌های اجتماعی منتشر شد از درگذشت این عضو نیروی هوایی ارتش شاهنشاهی ایران ابراز تأسف کرده و با خانواده و یاران وی اظهار همدلی کرده است.

متن پیام به شرح زیر است:

«از شنیدن خبر درگذشت سروان خلبان خسرو بیت‌اللهی بسیار اندوهگین شدم.

او از خلبان‌های زنده نیروی هوایی ارتش شاهنشاهی ایران بود که پس از فاجعه ۵۷ نیز تسلیم خمینی و رژیم اهریمنی‌اش نشد و همراه با دیگر هم‌زمان میهن‌پرست خود در عملیات نقاب با هدف نجات میهن و ملت حضور داشت.

زنده‌یاد بیت‌اللهی در دوره تبعید اجباری به فعالیت سیاسی برای آزادی ایران با هدف استقرار دولت ملی روی آورد و برای سال‌ها از اعضای رهبری و رایزنان حزب مشروطه ایران بود.

یاد سروان خسرو بیت‌اللهی را گرامی می‌دارم و شریک اندوه خانواده محترم و دوستان، و نیز یارانش در حزب مشروطه هستم.

رضا پهلوی»

## خسرو بیت‌اللهی خلبان پیشین نیروی هوایی ارتش شاهنشاهی درگذشت



خسرو بیت‌اللهی

عملیات که با هدف سرنگونی جمهوری اسلامی سازماندهی شده بود، پایگاه هوایی «شاهرخی» (نوژه) در همدان بود اما ۱۸ تیرماه ۱۳۵۹ این عملیات لو رفت و ده‌ها نفر از افسران و درجه‌داران ارتش بازداشت و شمار زیادی از آنها از جمله سعید مهدیان و آیت محقق اعدام شدند.

خسرو بیت‌اللهی بارها در مصاحبه‌های خود گفت، «جمهوری اسلامی نیروی هوایی مقتدر ایران را هم مثل دیگر بخش‌های کشور نابود کرد.»

اخیراً شماری از خلبان‌های نیروی هوایی ارتش شاهنشاهی در مراسم بزرگداشت یکصدمین سالگرد تأسیس نیروی هوایی ارتش شاهنشاهی ایران که ۳۱ ماه مه (۱۱ خردادماه) با حضور شاهزاده رضا پهلوی در تالار کتابخانه «ریچارد نیکسون» در شهر یوربا لیندا در کالیفرنیا برگزار شد که یاد جانباختگان راه میهن از جمله مهدیان و محقق گرامی داشته شد.

سروان بیت‌اللهی در سال‌های تبعید تلاش‌های زیادی برای تقویت صدای آزادیخواهی ایرانیان در داخل و خارج کشور کرد و به عنوان چهره‌ای ملی‌گرا شناخته می‌شود. او به عنوان یکی از دبیران ارشد حزب مشروطه در صحنه سیاسی فعالیت داشت.

سروان خسرو بیت‌اللهی متولد ۱۳۲۹ و زاده شهر شیراز بود. وی سال ۱۳۴۸ وارد دانشکده خلبانی نیروی هوایی ارتش شد و به عنوان دانشجوی خلبانی اولین پرواز خود را در پایگاه «قلعه مرغی» در جنوب تهران انجام داد. این ارتشی میهن‌دوست پس از پایان دوره تکمیلی خلبانی در آمریکا در سال ۱۹۷۴ به ایران بازگشت و در ارتش مشغول خدمت شد. درباره زندگی وی و همچنین دوران خدمت در ارتش شاهنشاهی و مسائل مرتبط با قیام شاهرخی، مستندی در سال ۱۴۰۲ در شبکه «ایران اینترنشنال» و در برنامه «شاهد تاریخ» منتشر شده است.

● سروان خسرو بیت‌اللهی خلبان پیشین نیروی هوایی ارتش شاهنشاهی و رایزن حزب مشروطه ایران (لیبرال دمکرات) روز شنبه ۱۵ ژوئن (۲۶ خردادماه) در شهر کالیفرنیا در سن ۷۴ سالگی درگذشت.

● بیت‌اللهی متولد ۱۳۲۹ و زاده شهر شیراز بود. وی سال ۱۳۴۸ وارد دانشکده خلبانی نیروی هوایی ارتش شد و به عنوان دانشجوی خلبانی اولین پرواز خود را در پایگاه «قلعه مرغی» در جنوب تهران انجام داد. این ارتشی میهن‌دوست پس از پایان دوره تکمیلی خلبانی در آمریکا در سال ۱۹۷۴ به ایران بازگشت و در ارتش مشغول خدمت شد.

● خسرو بیت‌اللهی یکی از افسرانی بود که در طراحی «عملیات نقاب» که توسط جمهوری اسلامی و لودهندگان آن «کودتای نوژه» نام گرفت شرکت داشت. مرکز این عملیات که با هدف سرنگونی جمهوری اسلامی سازماندهی شده بود پایگاه هوایی «شاهرخی» (نوژه) در همدان بود اما ۱۸ تیرماه ۱۳۵۹ این عملیات لو رفت و ده‌ها نفر از افسران و درجه‌داران ارتش بازداشت و شمار زیادی از آنها از جمله سعید مهدیان و آیت محقق اعدام شدند.

● وی در سال‌های تبعید تلاش‌های زیادی برای تقویت صدای آزادیخواهان در داخل و خارج کشور کرد و به عنوان چهره‌ای ملی‌گرا شناخته می‌شود. او به عنوان یکی از دبیران ارشد حزب مشروطه در صحنه سیاسی فعالیت داشت.

خسرو بیت‌اللهی خلبان پیشین نیروی هوایی ارتش شاهنشاهی و رایزن حزب مشروطه ایران (لیبرال دمکرات) روز شنبه ۱۵ ژوئن (۲۶ خردادماه) در شهر کالیفرنیا در سن ۷۴ سالگی درگذشت.

سروان بیت‌اللهی یکی از افسرانی بود که در طراحی «عملیات نقاب» که توسط جمهوری اسلامی و لودهندگان آن «کودتای نوژه» نام گرفت، شرکت داشت. مرکز این

## دیپلماسی گروگانگیری بار

### دیگر جواب داد:

# سوئد حمید نوری را با دو گروگان در جمهوری اسلامی مبادله کرد!

● کاظم غریب آبادی معاون بین‌الملل قوه قضائیه و دبیر «ستاد حقوق بشر» جمهوری اسلامی در شبکه اجتماعی «ایکس» از آزادی حمید نوری از زندانی در سوئد خبر داد.

● نخست وزیر سوئد هم اعلام کرده است که در جریان تبادل زندانی با رژیم ایران، یوهان فلودرس و سعید عزیزی در هواپیمای بازگشت به سوئد هستند.

● دستگیری و محاکمه تاریخی حمید نوری با تلاش و پیگیری شماری از ایرانیان تبعیدی به ویژه ایرج مصداقی زندان سیاسی دهه شصت خورشیدی انجام شد. اکنون مبادله جنایتکاری که در یک دادگاه معتبر و بطور مستند به حبس ابد محکوم شده بیش از آنکه به معنی آزادی وی باشد بیشتر مترادف با نامشخص بودن سرنوشتی است که در ایران در انتظار اوست. به ویژه آنکه وی در جریان تجدید نظر از وکلای خود خواسته بود در صورت آزادی احتمالی به جمهوری اسلامی تحویل داده نشود!

کاظم غریب آبادی معاون بین‌الملل قوه قضائیه و دبیر ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی روز شنبه ۲۶ خردادماه در پیامی در شبکه اجتماعی «ایکس» از آزادی حمید نوری از زندانی در سوئد خبر داد.

غریب‌آبادی در پیام خود گفته است که حمید نوری که از سال ۹۸ در سوئد در «بازداشت غیرقانونی بسر می‌برد، آزاد و تا ساعتی دیگر به کشور بازخواهد گشت.»

نخست وزیر سوئد هم اعلام کرده است که در جریان تبادل زندانی با جمهوری اسلامی ایران، یوهان فلودرس و سعید عزیزی در هواپیمای بازگشت به سوئد هستند.

دولت عمان نیز اعلام کرد که به دلیل درخواست‌های رژیم ایران و دولت سوئد از عمان برای میانجیگری در پرونده زندانیان دو کشور در نهایت توافق میان دو کشور برای تبادل زندانیان انجام شده است.

حمید نوری (با نام مستعار عباسی) به اتهام مشارکت در اعدام‌های تابستان سال ۶۷ از سوی دادگاهی در پایتخت سوئد در تیرماه سال ۱۴۰۱ به حبس ابد محکوم شد.

یکی از کسان یکه با حمید نوری مبادله شد، یوهان فلودروس کارمند اتحادیه اروپاست که در آوریل ۲۰۲۲ (فروردین ۱۴۰۱) وقتی با دوستانش برای سفر تفریحی به ایران رفته بود به اتهام «جاسوسی» بازداشت شد.

دولت سوئد بیش از ۵۰۰ روز بازداشت این فرد را مخفی نگه داشت تا اینکه روزنامه «نیویورک تایمز» چهارم سپتامبر (۱۳ شهریور ۱۴۰۲) به گروگان گرفته شدن او را افشا کرد.

سعید عزیزی شهروند دوتابعیتی ایرانی- سوئدی نیز ۲۱ آبان ۱۴۰۲ توسط نیروهای امنیتی در منزل شخصی خود واقع در تهران بازداشت شد. او نیز با اتهامات امنیتی به پنج سال زندان محکوم شده بود.

دادگاه پژوهش با استیناف حمید نوری در تاریخ آذرماه ۱۴۰۲، حکم حبس ابد حمید نوری را که بیشتر در تاریخ

۲۴ خرداد ۱۴۰۲ از سوی دادگاه منطقه‌ای استکهلم صادر شده بود تأیید کرده بود. در آذرماه ۱۴۰۲ حدود ۴۵۵ فعال سیاسی و کنشگر مدنی در بیانیه‌ای تأیید حکم حبس ابد حمید نوری را شکست جمهوری اسلامی و پیروزی جنبش دادخواهی دانسته بودند.

شایعه مبادله حمید نوری با گروگان‌های سوئدی در ایران از مدت‌ها پیش مطرح بود اما شماری از فعالان سیاسی مخالف جمهوری اسلامی احتمال چنین مبادله‌ای را رد می‌کردند. برخی دیگر گفته بودند چنین مبادله‌ای اشتباه و خطرناک است.

وزارت خارجه عمان در بیانیه‌ای اعلام کرد، «در راستای دستورات سلطان هیثم بن طارق، و در پاسخ به تماس‌های دولت‌های ایران و سوئد برای حل مشکلات اتباع زندانی این دو کشور، تلاش‌های دولت عمان به توافق تبادل میان دو کشور منتهی شد.»

طبق این بیانیه قرار است حمید نوری، فلودرس و سعید عزیزی به مسقط منتقل شوند و از آنجا به تهران و استکهلم منتقل بروند. در جریان درخواست تجدید نظر از سوی حمید نوری، وکلای وی اعلام کرده بودند که او خواسته است در صورت آزادی به جمهوری اسلامی برگردانده نشود! حالا وی که در تمام دوران بازداشت و جلسات دادگاه کاملاً جانانه از رژیم اسلامی و زمامداران آن دفاع می‌کرد به دامان ولی‌نعمت خود برگردانده می‌شود و احتمالاً نخستین چیزی که در انتظار وی است «تخلیه اطلاعاتی» توسط هم‌قطاران خودش در نیروهای امنیتی است.

دستگیری و محاکمه تاریخی حمید نوری با تلاش و پیگیری شماری از ایرانیان تبعیدی به ویژه ایرج مصداقی زندان سیاسی دهه شصت خورشیدی انجام شد. اکنون مبادله جنایتکاری که در یک دادگاه معتبر و بطور مستند به حبس ابد محکوم شده بیش از آنکه به معنی آزادی وی باشد بیشتر مترادف با نامشخص بودن سرنوشتی است که در ایران در انتظار اوست. پیشتر در روز چهارشنبه ۱۲ ژوئن (۲۳ خردادماه) نیز لویی



آرنو شهروند فرانسوی پس از مدت‌ها حبس در ایران با میانجیگری عمان آزاد شد. لویی آرنو شهروند فرانسوی پاییز سال ۱۴۰۱ در ایران در جریان اعتراضات سراسری خیزش ملی به اتهام «تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت ملی» بازداشت شده بود. او پس از برگزاری چند جلسه دادگاه در آبان ۱۴۰۲ به پنج سال زندان محکوم شد.

از دید مقامات و رسانه‌های حکومتی ایران، نتیجه‌بخش بودن گروگانگیری و اخاذی، حاصل «دیپلماسی عزتمندانه» آنهاست. در عمل اما مبادله جنایتکاری مانند حمید نوری با گروگان‌های سوئدی نشان می‌دهد که دیپلماسی گروگانگیری رژیم بار دیگر جواب داده و موفق بوده است. این در حالیست که دست‌کم یک گروگان ایرانی- سوئدی دیگر در دست جمهوری اسلامی اسیر است؛ دکتر احمدرضا جلالی که در آوریل ۲۰۱۶ به دعوت مقامات دانشگاهی به ایران سفر کرد ولی به اتهام جاسوسی دستگیر و به اعدام نیز محکوم شد!

## شاهزاده رضا پهلوی:

### وظیفه ما مقابله با

# تلاش‌های جمهوری اسلامی برای تأثیرگذاری بر سیاست دولت‌های جهان و منطقه است



شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با خبرنگاران / پاریس ۲۱/ فوریه ۲۰۲۳ / رویترز

● «مبادله حمید نوری، نافی دستاورد بزرگ ملت ایران و فعالان مخالف جمهوری اسلامی در محاکمه و محکومیت یکی از عوامل جنایتکار رژیم از طریق امکانات قضایی موجود در دموکراسی‌های غربی نیست. این گام بزرگ، سنگ بنای اقدامات بعدی برای پاسخگو کردن دیگر مقامات جنایتکار جمهوری اسلامی در راستای فشار حداکثری بر رژیم و در مسیر دادخواهی است.»

● «زمان این مبادله در آستانه سیرک انتخابات رژیم با هدف ناامید کردن شما، تبلیغ این دروغ که شما تنهائید، و تشویق شما به رای دادن، انتخاب شده است. یقین دارم پاسخ مردم میهن‌پرست و آزادیخواه ایران به این مکر اهریمنی، یک نه قاطع خواهد بود. نه شما تنهائید و نه شرکت در سیرک انتخابات، راه حل مسائل و مشکلات ایران است.»

● «حمایت جهانی، هزینه‌ای را که مردم ایران در مسیر پیروزی می‌دهند، کمتر خواهد کرد و زمان رسیدن به آزادی را کوتاه‌تر. برای همین است که جمهوری اسلامی با شدت و حدت می‌کوشد بر سیاست دولت‌های جهان و منطقه درباره خود تأثیر بگذارد. وظیفه ما ناگزیر، مقابله با این تلاش‌ها است نه ناامید شدن و کنار نشستن.»

شاهزاده رضا پهلوی که پیشتر مبادله حمید نوری را به عنوان «یک جنایتکار جنگی» با دو شهروند سوئدی و ایرانی- سوئدی توسط دولت سوئد «اهانت به حاکمیت قانون، حقوق بشر و شرافت حداقلی» و همچنین «مماشات غیرمستولانه با رژیم جنایتکار حاکم بر ایران» خوانده بود که حتا قادر به آزادی «تمامی گروگان‌ها» هم نشده، روز دوشنبه ۲۸ خرداد ۱۴۰۳ در یک بیانیه به نکاتی در همین ارتباط پرداخت.

وی با تأکید بر اینکه محاکمه حمید نوری در سوئد



«دستاور بزرگ ملت ایران» در مسیر دادخواهی و سنگ بنای اقدامات بعدی برای پاسخگو کردن دیگر مقامات جمهوری اسلامی است، به سوء استفاده رژیم از این موضوع در آستانه نمایش انتخابات چهاردهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی برای بالا بردن سطح مشارکت مردم در سیرک انتخابات نیز اشاره کرد.

نکته دیگری که در این بیانیه بر آن تأکید شده، ضرورت تشکل بیشتر و سازمانیافته‌ی ایرانیان خارج کشور جهت فشار حداکثری بر رژیم و حمایت حداکثری از مردم ایران است: «حمایت جهانی، هزینه‌ای را که مردم ایران در مسیر پیروزی می‌دهند، کمتر خواهد کرد و زمان رسیدن به آزادی را کوتاه‌تر. برای همین است که جمهوری اسلامی با شدت و حدت می‌کوشد بر سیاست دولت‌های جهان و منطقه درباره خود تأثیر بگذارد. وظیفه ما ناگزیر، مقابله با این تلاش‌ها است نه ناامید شدن و کنار نشستن.»

متن کامل این بیانیه به شرح زیر است:  
هم‌میهنان،

دولت سوئد در اقدامی غیرمستولانه و غیر اخلاقی، حمید نوری، یک جنایتکار جنگی را با دو شهروند سوئدی مبادله کرده است. پیش از این گفته‌ام که این اقدام نه فقط به لحاظ اخلاقی محکوم است، بلکه حتی از منظر منافع سوئد، و دیگر کشورهای اروپایی و غربی نیز اقدامی زیان‌بار و ناپسندانه است. در اینجا ما می‌توانیم نکاتی را درباره این مبادله و ارتباط آن با مبارزه ملت ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی و احیای حاکمیت ملی در چارچوب یک دموکراسی سکولار بیان کنیم. نخست اینکه مبادله حمید نوری، نافی دستاورد بزرگ ملت ایران و فعالان مخالف جمهوری اسلامی در محاکمه و محکومیت یکی از عوامل جنایتکار رژیم از طریق امکانات قضایی موجود در دموکراسی‌های غربی نیست. این گام بزرگ، سنگ بنای اقدامات بعدی برای پاسخگو کردن دیگر مقامات جنایتکار جمهوری اسلامی در راستای فشار حداکثری بر رژیم و در مسیر دادخواهی است.

دوم آنکه زمان این مبادله در آستانه #سیرک\_انتخابات رژیم با هدف ناامید کردن شما، تبلیغ این دروغ که شما تنهاییید، و تشویق شما به رای دادن، انتخاب شده است. یقین دارم پاسخ مردم میهن‌پرست و آزادیخواه ایران به این مکر اهریمنی، یک نه قاطع خواهد بود. نه شما تنهاییید و نه شرکت در سیرک انتخابات، راه حل مسائل و مشکلات ایران است. مسیر پیروزی روشن است و فردای پیروزی روشن‌تر. نکته سوم و پایانی اینکه اگر چه مبادله این جنایتکار، اقدامی مضر و غیرسازنده است اما اتفاقاً ما ایرانیان خارج از کشور را در مسیر متشکل شدن و سازمان یافتن برای فشار حداکثری بر رژیم و حمایت حداکثری از مردم ایران مصمم‌تر می‌سازد.

چنانکه بارها گفته‌ام ما مردم ایران اگرچه در مسیر آزادی میهن روی پای خودمان ایستاده‌ایم، اما یکی از وظایف مهم ایرانیان خارج از کشور، فعالیت و تلاش سازمانیافته، هماهنگ و هدفمند برای همراه کردن سیاستمداران کشورهای محل اقامت‌شان با سیاست فشار حداکثری بر رژیم و حمایت حداکثری از مبارزه مردم ایران است. حمایت جهانی، هزینه‌ای را که مردم ایران در مسیر پیروزی می‌دهند، کمتر خواهد کرد و زمان رسیدن به آزادی را کوتاه‌تر. برای همین است که جمهوری اسلامی با شدت و حدت می‌کوشد بر سیاست دولت‌های جهان و منطقه درباره خود تأثیر بگذارد. وظیفه ما ناگزیر، مقابله با این تلاش‌ها است نه ناامید شدن و کنار نشستن.

پاینده ایران  
رضا پهلوی

## ایرج مصداقی : آزادی حمید نوری استقلال دستگاه قضائی سوئد را زیر سوال می‌برد

شنبه صبح ۲۶ خرداد ۱۴۰۳ (۱۵ ژوئن ۲۰۲۴) معاون بین‌المللی قوه قضائیه جمهوری اسلامی خبر داد که حمید نوری دادیار پیشین زندان گوهردشت که در سوئد محاکمه و زندانی شده بود، آزاد شده و به ایران باز می‌گردد. همزمان خبرگزاری رسمی عمان نیز خبر داد که با میانجیگری این کشور، جمهوری اسلامی و سوئد برای آزادی متقابل شهروندان بازداشت شده در دو کشور، توافق کرده‌اند. دقایقی پس از انتشار این گزارش، نخست‌وزیر سوئد هم خبر داد که دو شهروند سوئدی زندانی در جمهوری اسلامی به نام سعید عزیز و یوهان فلودروس آزاد شده و به زودی به این کشور باز خواهند گشت. البته سه زندانی دیگر با شهروندی سوئد در زندان‌های جمهوری اسلامی باقی خواهند ماند که یکی از آنها دکتر احمدرضا جلالی است که به اتهام «همکاری با دولت متخاصم» زیر حکم اعدام قرار دارد. حمید نوری بر اساس شکایت بازماندگان اعدام‌های تابستان ۶۷ و ۱۸ آبان ۱۳۹۸ هنگام ورود به فرودگاه استکهلم در یک پرواز مستقیم از ایران دستگیر شد. شکایت علیه حمید نوری بر اساس شواهد مربوط به قتل عام مخفیانه چندین هزار زندانی سیاسی در تابستان سال ۶۷ تنظیم شد. در زمان



ویدئو

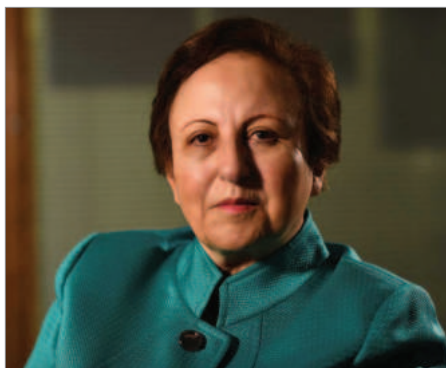
اعدام‌های تابستان سال ۶۷ حمید نوری با نام مستعار «حمید عباسی» دادیار زندان گوهردشت بود. دادستانی سوئد بر اساس اصل مسئولیت قضایی بین‌المللی که بررسی جرائم فارغ از محل ارتکاب آنهاست علیه حمید نوری اعلام جرم و بر همین اساس او را محاکمه کرد. در دادگاهی که ۹۳ جلسه به طول انجامید و دست کم ۶۰ شاک و شاهد و ۱۲ کارشناس صحبت کردند، حمید نوری در تیرماه ۱۴۰۱ به جرم «نقض فاحش قوانین بشردوستانه بین‌المللی و قتل» به حبس ابد محکوم شد. دادگاه تجدید نظر نیز ۲۸ آذر سال گذشته صدور حکم حبس ابد برای حمید نوری را تأیید کرد. در اسفند ۱۴۰۲ دیوان عالی سوئد اعلام کرد که درخواست تجدید نظر در حکم حمید نوری را بررسی نخواهد کرد و به این ترتیب حکم حبس ابد بار دیگر تأیید شد. احمد رأفت با ایرج مصداقی که در سال ۶۷ در گوهردشت زندانی بود و یکی از شاکیان اصلی پرونده حمید نوری است در همین ارتباط گفتگو کرده است.

## شیرین عبادی: آزادی حمید نوری که جنایاتش به اثبات رسیده، خاک پاشیدن در چشم عدالت است

● شیرین عبادی در متنی که در رسانه‌های اجتماعی وی و پیش از اعلام خبر ورود حمید نوری به تهران منتشر شده نوشته است: «در دنیایی که عدالت به مسلخ مصلحت‌اندیشی سیاستمداران می‌رود، دشوارترین کار بر عهده‌ی دادخواهان است. همان انسان‌هایی که علی‌رغم علم بر روح معامله‌گر و چرتکه‌انداز سیاست، بر سر آرمان‌های خود مانده‌اند و از مسیر عدالتخواهی منحرف نمی‌شوند.»

شیرین عبادی حقوقدان و برنده جایزه صلح نوبل و رئیس کانون مدافعان حقوق بشر در واکنش به خبر مبادله حمیدنوری، از جنایتکاران جمهوری اسلامی، با دو شهروند عادی سوئدی و ایرانی- سوئدی که توسط رژیم ایران به گروگان گرفته شد بودند، آن را «خاک پاشیدن در چشم عدالت» دانست.

عبادی در متنی که در رسانه‌های اجتماعی وی و پیش از اعلام خبر ورود حمید نوری به تهران منتشر شده نوشته است: «در دنیایی که عدالت به مسلخ مصلحت‌اندیشی سیاستمداران می‌رود، دشوارترین کار بر عهده‌ی دادخواهان است. همان انسان‌هایی که علی‌رغم علم بر روح معامله‌گر



و چرتکه‌انداز سیاست، بر سر آرمان‌های خود مانده‌اند و از مسیر عدالتخواهی منحرف نمی‌شوند.

خبری که پیش از این بسیاری از مدافعین حقوق بشر نگرانش بودند سرانجام منتشر شد و حمید نوری پس از ۹۳ جلسه محاکمه‌ای که ۹ ماه به طول انجامید و در آن به حبس ابد محکوم گردید قرار است آزاد شود و به محل جنایات خود بازگردد.

شکی نیست آزادی حمید نوری دادیار سابق زندان گوهردشت که جنایاتش به اثبات رسیده بود، خاک پاشیدن در چشم عدالت است. اما با این وجود، محاکمه‌ی عادلانه‌ی او نقطه‌ای روشن در تاریخ دادخواهی خواهد بود.

حمید نوری تنها بنا بر ملاحظات سیاسی از چنگ قانون می‌گریزد اما به یاد داشته باشیم که او در یک پروسه‌ی عادلانه محاکمه و مجرم شناخته شد. فرایندی که دنیا را تا همیشه برای امثال او ناامن خواهد کرد.»

## مدیر انجمن ایران- ایتالیا: اپوزیسیون جعلی یعنی افرادی که همیشه تحت تعقیب و زندانی و سرخط خبرها هستند و امکاناتی دارند که بقیه زندانیان ندارند!



● ماریوفیلیو برامبلا مدیر انجمن ایران- ایتالیا در مصاحبه با روزنامه نگار ایتالیایی فرانچسکا مازینی: در تاریخ معاصر بسیاری از حکومت‌های دیکتاتوری یک اپوزیسیون جعلی دست‌ساز و داخلی ایجاد کردند؛ یعنی افرادی که همیشه تحت تعقیب و زندانی و سرخط خبرها هستند ولی در این میان اما نام مخالفین واقعی کمتر شنیده می‌شود.

● بدرفتاری، ضرب و جرح و خشونت فیزیکی نسبت به زندانیان رفتار سیستماتیک رژیم است، به ویژه نسبت به زنانی که شهادت رفتن به خیابان‌ها و میدان‌ها برای تظاهرات را دارند.

● جامعه جهانی، اتحادیه اروپا و ایالات متحده، همگی باید روی انزوای کامل جمهوری اسلامی تمرکز کنند. مراکز رژیم که در غرب هم فعال هستند باید تحریم شوند؛ با سران این رژیم باید قطع رابطه کرد و آنان را در سطح بین‌المللی منزوی ساخت. در آن صورت می‌توان گفت که گامی رو به جلو برداشته‌ایم.

دادگاه نرگس محمدی و نامه برخی زندانیان زن در حمایت از او بار دیگر نام محمدی را در رسانه‌های غرب بر سر زبان‌ها انداخت. در این رابطه ماریوفیلیو برامبلا مدیر انجمن ایران- ایتالیا در مصاحبه با روزنامه نگار ایتالیایی فرانچسکا مازینی به بیان برخی مسائل پیرامون فعالیت نرگس محمدی و شرایط فعلی ایران پرداخته است.

«وبسایت تک ۲۴» می‌نویسد، ایرانی که جمهوری اسلامی ساخته سرزمینی است که حقوق بشر در آن بطور فاحشی نقض می‌شود. رژیم جمهوری اسلامی به هیچکس رحم نمی‌کند و در سرکوب بین زن و مرد تفاوتی قائل نیست. در واقع رفتار حامیان علی خامنه‌ای از جمله پلیس و گشت ارشاد او، در داخل و خارج از زندان‌های ایران، وحشیانه‌تر از قبل هم شده است. انجمن ایران- ایتالیا سازمانی است متشکل از ایرانیان در تبعید ساکن ایتالیا و گروهی از فعالین و سیاستمداران ایتالیایی. طبق گفته مدیر این انجمن «تقریباً نیمی از اعضای انجمن شهروندان ایرانی در تبعید هستند، مخالفانی که در کشور ما (ایتالیا) زندگی می‌کنند و ما به لطف حضور این افراد، در مورد آنچه در ایران می‌گذرد، یک رصدخانه برجسته ساخته‌ایم. در داخل ایران مخالفان بی‌شماری وجود دارند، شاید بتوانیم بگوییم اکثریت جمعیت ایران. مردم ایران با رژیم در تضاد کامل هستند اما نمی‌توانند آن را علنی بیان کنند. مخالفان اغلب مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند، به ویژه افرادی که با خارج کشور در تماس‌اند. متأسفانه در غرب درک درستی از شرایط سیاسی و اجتماعی ایران وجود ندارد».

**فرانچسکا مازینی:** ماجرای نرگس محمدی، فعال سیاسی زندانی در تهران، جامعه جهانی را بسیار تحت تأثیر قرار داد؛ به‌خصوص پس از دریافت جایزه صلح نوبل سال ۲۰۲۳. داستان او به نوعی تبدیل به نماد نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی ایران شده. جلسه دادگاه غیرعلنی و در غیاب متهم، حتی اعتراض برخی از زنان محبوس در همان زندان را نیز برانگیخت. انجمن ایران- ایتالیا در این مورد چه نظری دارد؟

**ماریوفیلیو برامبلا:** ما به عنوان یک انجمن سیاسی همبستگی و احترام کامل خود را نسبت به حقوق انسانی خانم نرگس محمدی به عنوان یک زندانی و یک مخالف جمهوری اسلامی اعلام می‌کنیم. اینکه به خانم محمدی جایزه صلح نوبل اعطا شد در کل اتفاق مثبتی بود چون

تمامیت‌خواه، مذهبی و بنیادگرا قابل اصلاح نیست. این حکومت باید بطور کامل از بین برود و حکومتی سکولار پایه‌گذاری شود و این تغییر باید با رای شهروندان ایران و از مسیر یک مجلس مؤسسان، یک فراندوم و فرایندی دموکراتیک رخ دهد.

محمدی اما متعلق به آن جریان سیاسی است که اصلاح جمهوری اسلامی را مد نظر دارند؛ با حفظ اصول اساسی و پایه‌های مورد نظر انقلاب ۱۹۷۹ و بنیانگذار آن، خمینی. کارشناسان ایرانی ما معتقدند که این عملیات فریبی است برای تشکیل نوعی اپوزیسیون جعلی از داخل خود رژیم. در تاریخ معاصر بسیاری از حکومت‌های دیکتاتوری این کار را انجام دادند و یک اپوزیسیون جعلی دست‌ساز و داخلی ایجاد کردند؛ یعنی افرادی که همیشه تحت تعقیب و زندانی و سرخط خبرها هستند ولی در این میان اما نام مخالفین واقعی کمتر شنیده می‌شود.

در نظر بگیرید که خانم محمدی در حالی که در زندان است می‌تواند مصاحبه انجام دهد، کتاب بنویسد و حتی با خارج کشور ارتباط برقرار کند. سایر مخالفان این امکانات را ندارند. تمام مخالفان ملی‌گرا، پادشاهی‌خواه و لیبرال که به عنوان مثال به رهبری شاهزاده رضا پهلوی اعتقاد دارند، زندانی می‌شوند، ناپدید می‌شوند و حتی به پای چوبه دار می‌روند. این اتفاق برای مخالفان چپ رادیکال هم می‌افتد. من فکر می‌کنم وقتی همسر نرگس محمدی جایزه صلح نوبل را به موسوی نخست وزیر سیاه‌ترین روزهای ایران تقدیم می‌کند، چیزی درست نیست و یک جای کار می‌لنگد. به همین دلیل از مردم در غرب دعوت می‌کنیم تا خود را به خوبی در مورد آنچه در ایران می‌گذرد، از جمله در مورد موقعیت نرگس محمدی آگاه کنند چون رسانه‌ها همه چیز را تعریف نمی‌کنند.

### - شرایط حقوق بشر در ایران چگونه است؟

- با وجود جمهوری اسلامی هیچ پیشرفتی در زمینه حقوق بشر وجود ندارد، به ویژه برای کسانی که به دلایل سیاسی در زندان هستند. زندانیان هیچ نوع حمایتی ندارند و تحت شکنجه و بدرفتاری‌اند. حتی ایرانیان در تبعید هم در امان نیستند. ایرانی‌هایی که به ایتالیا آمده‌اند و عضو انجمن ما هستند، به دلیل فعالیت‌های سیاسی که با شجاعت

به هر حال این جایزه به یک زن ایرانی رسید. با این حال، می‌توانست انتخاب بسیار بهتری باشد اگر این جایزه بجای یک نفر به تمام زنانی داده می‌شد که در جنبش انقلابی ایران نقش دارند. من فکر می‌کنم در آنصورت بسیار نمادین‌تر و متحدکننده‌تر می‌بود. نرگس محمدی شخصیتی مناقشه‌برانگیز است زیرا او نزدیک به خانواده رئیس‌جمهور سابق رژیم، هاشمی رفسنجانی، است. خانواده‌ای که نماینده جناح اصلاح‌طلب در جمهوری اسلامی است و ظاهراً با رهبر فعلی یعنی علی خامنه‌ای و جریان فعلی در قدرت اختلاف دارد. او را یک «نئوشریعت‌ست» می‌دانند، جریانی برآمده از تفکرات علی شریعتی که یکی از نظریه‌پردازان انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ بود. شریعتی حامی نوعی رادیکالیسم بود که به اسلام سیاسی منجر می‌شود.

به همین دلیل من تعجب نکردم که همسر خانم محمدی بجای تقدیم نوبل به قربانیان سرکوب خونین در ایران، تصمیم گرفت این جایزه را به میرحسین موسوی، نخست وزیر خمینی در دهه سیاه ۱۹۸۰ تقدیم کند. دوران موسوی در ایران دوران ترور و سرکوب در ببحوجه جنگ ایران و عراق بود. موسوی چند سالی است که به دلیل درگیری‌های قدیمی و درونی خود رژیم از حلقه قدرت بیرون گذاشته شده. نام او شاید برای خیلی‌ها در ایتالیا اهمیتی نداشته باشد، اما او یکی از رهبران اپوزیسیون جعلی اصلاح‌طلب در ایران، و یکی از افرادی است که در سیاست‌های غلط و جنایات جمهوری اسلامی دست داشته است.

### - وضعیت زندانیان در زندان‌های ایران چگونه است؟ نرگس محمدی را نماد آزادی از ظلم رژیم می‌دانند!

- نرگس محمدی شخصیتی نیست که بسیاری از رسانه‌های غربی از او به تصویر می‌کشند. او شخصیتی به شدت مناقشه‌برانگیز است. او وابسته به بخشی از بدنه‌ی جمهوری اسلامی است، یعنی اصلاح‌طلبان. او با رهبر فعلی و اکثریت محافظه‌کار رژیم ایران مشکل دارد، نه با کلیت آن. محمدی خواهان پایان تمامیت‌جمهوری اسلامی نیست، خواسته‌ای که برای مثال شاهزاده رضا پهلوی به آن معتقد است. او در آمریکا ساکن است و مرکز ثقل اپوزیسیون رژیم است. شاهزاده رضا پهلوی می‌گوید که جمهوری اسلامی دقیقاً به دلیل ماهیت‌اش به عنوان یک حکومت



انجام می‌دهند، دیگر نمی‌توانند به کشورشان بازگردند.

بسیاری از ایرانی‌ها حق دیدن عزیزانشان را هم ندارند. برخی شاید بتوانند خودشان را نزدیک ایران برسانند و مثلاً در جایی مثل ترکیه با عزیزانشان دیدار کنند. آنها دیگر نمی‌توانند پا به ایران بگذارند، فقط به این دلیل که خواستار تغییر رژیم هستند، آنها هیچ جرمی مرتکب نشده‌اند و صرفاً به دلیل عقیده سیاسی‌شان امکان زندگی در وطن‌شان از آنها گرفته شده. این خود نوعی خشونت و نقض فاحش حقوق انسان است. بدرفتاری، ضرب و جرح و خشونت فیزیکی نسبت به زندانیان رفتار سیستماتیک رژیم است، به ویژه نسبت به زنانی که شهامت رفتن به خیابان‌ها و میدان‌ها برای تظاهرات را دارند. آنها همه مخالفان را زندانی می‌کنند، اوین فقط معروف‌ترین آنهاست، اما تعداد این زندان‌ها بسیار زیاد است. خشونت و بی‌رحمی دستگاه انتظامی جمهوری اسلامی ایران اکنون برای همه آشکار شده است. ناگفته نماند که خشونت علیه زنان در خارج از زندان هم وجود دارد. برای مثال الهه توکلیان دختری است که از ناحیه چشم توسط نیروهای سپاه مورد اصابت گلوله قرار گرفت. او نماد این وضعیت شده است. به او شلیک کردند چون برای شرکت در تظاهرات به خیابان رفته بود. مردی که به او شلیک کرد تمام صورتش را نشانه گرفته بود و گلوله به چشم او اصابت کرد. همه ما سرگذشت غم‌انگیز مهسا امینی را به یاد داریم؛ او بر اثر ضرب و جرح نیروهای گشت ارشاد جانش را از دست داد.

این فقط زنان نیستند که مورد بدرفتاری قرار می‌گیرند، شکنجه می‌شوند یا به قتل می‌رسند. وضعیت پسران و مردان ایرانی هم همین است. انقلاب سال ۲۰۲۲ بر روی خون زنان و مردان ایرانی شکل گرفت.

**چگونه می‌توان جلوی نقض حقوق بشر را در ایران گرفت؟ چطور می‌شود سیستمی را که رژیم از آن تغذیه می‌کند درهم شکست؟ جامعه جهانی برای بهبود شرایط مردم ایران چه کاری می‌تواند انجام دهد؟**

مردم ایران، اعم از زن و مرد، به ویژه جوانان در آرزوی یک انقلاب ملی هستند. میل به تغییر وجود دارد اما تا کنون دست بالا را پیدا نکرده زیرا جمهوری اسلامی هنوز از حمایت‌های بین‌المللی بسیاری برخوردار است. در این شرایط مخالفان و اپوزیسیون عملاً با دستان خالی به مبارزه‌شان با دستگاه سرکوبی ادامه می‌دهند که به خوبی توسط رژیم مسلح و تأمین مالی می‌شود. ناگفته نماند که ایران روی اقیانوسی از نفت خوابیده است. ایران کشوری است با توانمندی‌های عظیم و تمام درآمدهایی که به کشور می‌رسد سهم دستگاه‌های امنیتی و نظامی است. به همین دلیل بود که خیزش انقلابی در سال ۲۰۲۲ سرکوب شد.

جامعه جهانی، اتحادیه اروپا و ایالات متحده، همگی باید روی انزوای کامل جمهوری اسلامی تمرکز کنند. مراکز رژیم که در غرب هم فعال هستند باید تحریم شوند؛ با سران این رژیم باید قطع رابطه کرد و آنان را در سطح بین‌المللی منزوی ساخت. در آن صورت می‌توان گفت که گامی رو به جلو برداشته‌ایم. در عوض، شاهدیم که کشورها قراردادهای پشت سر هم با رژیم ایران می‌بندند، به تجارت و روابط دیپلماتیک ادامه می‌دهند. باید یک سیاست تحریم کامل [علیه رژیم] وجود داشته باشد، همه ابزارها برای انجام این کار وجود دارد. سپس باید از مخالفان درون کشور، از معترضان ایرانی حمایت کنیم. ما باید صدای رهبران اپوزیسیون ایرانی در تبعید را بشنویم. آنها به کشورهای مختلف می‌روند، در پارلمان‌ها صحبت می‌کنند تا تصویری جایگزین از آینده ایران ارائه بدهند. باید صدای آنها را بشنویم.

\*منبع: تگ ۲۴

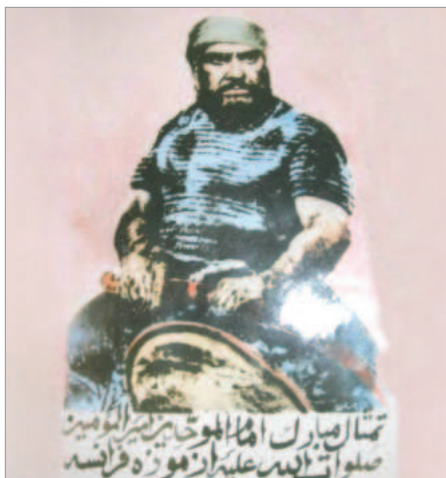
\*ترجمه و تنظیم: امیرسالار خسروی

## قضیه چشم و ابروی امامان!

خبراندیشی (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۰۷۸) مهرماه ۱۳۸۴

با نشر



از سگ دوزخ نقاشی می‌شد. اشعار و روایاتی هم که چه نقلان و چه مداحان و چه روضه خوانها در مسجد و منبر یا در کوچه و بازار، چاشنی کلامشان بود همه از صباحت منظر انبیا و اولیا و کراهت منظر اشقیاء حکایت داشت:

ای ماه بنی هاشم - خورشید لقا، عباس  
نور بصر حیدر - شمع شهدا عباس

شمایلی سیاه قلم حضرت علی، پدر حضرت عباس، نیز که در بسیاری خانه‌ها و مغازه‌ها قاب شده و به دیوار آویخته بود همین خصوصیتها را داشت. هیچ وقت هم نشنیدیم که آخوندی ایراد کرده و گفته باشد این نقاش حضرت علی را کجا دیده که چنین تصویری از او کشیده؟

در گرماگرم ملی شدن نفت که گروه گروه خبرنگاران خارجی به ایران می‌آمدند، یک خبرنگار فرانسوی به مرحوم آشتیانی‌زاده گفته بود حضرت علی را دیدم. آشتیانی‌زاده که آن زمان وکیل مجلس بود با تعجب می‌پرسد کجا؟ جواب می‌شوند در میدان جلو مجلس برای جمعیت مشغول سخنرانی بود!

آشتیانی‌زاده می‌گفت با نشانی‌های بیشتری که داد فهمیدم شمس قنات آبادی را به جای حضرت علی گرفته است! در حقیقت، تصویری هم که اینجا و آنجا از حضرت علی بر در و دیوار دیده می‌شد بیشتر به آقا شمس شباهت داشت و کمتر به صاحب ذوالفقار. اتفاقاً در این اواخر تصویر دیگری از حضرت علی چاپ و نشر شده بود که می‌گفتند اصلش در موزه واتیکان نگهداری می‌شود و نقاش آن یک ایتالیایی است که در صدر اسلام می‌زیست و به حجاز و شام سفر کرده و حضرت علی را هم دیده است.

این تابلو، هیچ شباهتی به شمایل قلم موصوف نداشت. مردی را نشان می‌داد با چهره عبوس و نه چندان مطبوع. ستر بازو، کوتاه گردن، زره بر تن، دستمالی بسته بر سر، نشسته بر زمین و شمشیری روی زانو.

یکی از دوستان ما این تابلو را قاب گرفته و در سرسرای منزلش به دیوار آویخته بود. مادر پیر او که دور از تهران می‌زیست روزی به دیدن پسرش می‌رود و در بدو ورود چشمش به آن تابلو می‌افتد. با شگفتی می‌پرسد این عکس کیست؟ پسرش می‌گوید عکس واقعی حضرت علی است. مادر به تلخی و تندی می‌گوید از خودت خجالت نمی‌کشی؟ این عمر است نه علی!

«مقام معظم رهبری» در دیدار با ذاکران و مداحان بر آنها توپیده و تشر زده است که اینقدر چرند نگوئید. اینقدر قربان و صدقه بر و رو و قد و قواره امام و پیغمبر نروید. وقتی درباره حضرت ابوالفضل صحبت می‌کنید هی نگوئید قربان چشمش بشم. مگر چشم قشنگ در دنیا کم است؟ مگر ارزش حضرت ابوالفضل به چشمهای قشنگ او بوده؟ اصلاً مگر شما ابوالفضل العباس را دیده‌اید و می‌دانید چشمش چگونه بوده است؟! یکی نبود که بلند شود و بگوید قربان آن چشم خمار و ابروان طاق و جفتت بروم، ما که اینها را از خودمان درنیابورده‌ایم. عمری از زبان شما «علما» شنیده و در کتابها و رسالات و مقالاتتان خوانده‌ایم.

شهید محراب، حاج سید عبدالحسین دستغیب شیرازی، در کتاب مستطاب «ایمان» عطف به «سفینه البحار» آورده است «جمال یوسف را شنیدید که بی‌نظیر بوده است در عالم ماده. به قدری دلریا بود که وقتی در مجلس زنان مصر وارد شد کارد و ترنج به دست زنان بود. دستهای خود می‌بردند و نمی‌فهمیدند چون مجذوب جمال یوسف شده بودند (فلاًماً) رایبه اکبرنه و قطعن ایدیهن) هنگامی که وضع برگشت و عزیز مصر مرد و یوسف به سلطنت مصر رسید بر برخوردی که با زلیخا داشت یوسف به او فرمود چرا آن کارها را کردی (تهمت زدن به یوسف) گفت به واسطه جمال تو بود. یوسف فرمود پس چه می‌کردی اگر می‌دیدی جمال محمد را؟

تصویری که فرهنگ آخوندی از امام و پیغمبر به دست می‌دهد همه همین گونه است. امام و پیغمبر و مردان خاندان نبوت و امامت لزوماً باید خوش قد و هیکل و خوش چشم و ابرو باشند. ما و اعضای باشگاه موسسیدان عموماً پرده‌های بزرگ نقاشی را که بر آنها تصویری از واقعه کربلا نقش شده بود دیده‌ایم و به خاطر داریم. در تمام این تابلوها حضرت ابالفضل با صورتی گرد و نورانی مثل بدر منیر، چشم بادامی، ابروان کمانی، بینی قلمی، ریش محرابی سیاه‌رنگ تصویر می‌شد در حالی که با یک ضربه شمشیر، کافری را از فرق تا کمر دو شقه کرده بود.

در مقابل، اشقیاء و کفار الزاما کریه‌المنظر بودند. شمر و یزید که هیچ، حتی خولی اصبعی که طبق روایات تاریخی جوانی خوش آب و رنگ بوده است با چهره‌ای خوفناکتر

# عَلَمِ دَسْتور قهوه داد و مجلس ختم دولت خود را برچید!

برای نخستین و آخرین بار در ایران، نخست وزیر وقت با نخست وزیر آینده در حضور شاه جلسه داشتند و برنامه انتقال دولت را تهیه می‌کردند

حسنعلی منصور خوش صدا و خوش ژست و خوش قیافه بود اما حرفی برای گفتن نداشت!

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از بهمن‌ماه ۱۳۸۰ تا مهرماه ۱۳۸۱ - از شماره ۸۹۲ تا ۹۲۳)

## مقدمه

«بنیاد مطالعات ایران» هفتمین مجلد از مجموعه «توسعه و عمران ایران» را چاپ و منتشر کرد. این مجلد به خاطرات و ملاحظات دکتر علینقی علیخانی وزیر بازرگانی و رئیس دانشگاه تهران در دوران قبل از انقلاب اختصاص دارد. ازین مجموعه، قبلاً گفتگو با عبدالرضا انصاری (آب و برق خوزستان) گفتگو با اکبر اعتماد (برنامه انرژی اتمی ایران) گفتگو با پرویز مینا (تحول صنعت نفت ایران) گفتگو با منوچهر گودرزی و خداداد فرمانفرمائیان و عبدالمجید مجیدی (برنامه ریزی عمرانی و تصمیم‌گیری سیاسی) گفتگو با محسن شیرازی (صنعت گاز ایران) گفتگو با باقر مستوفی (صنعت پتروشیمی ایران) انتشار یافته که گزیده‌هایی از هرکدام را خوانندگان ما در صفحه «خاطرات و تاریخ» ملاحظه کرده‌اند. غلامرضا افخمی که آرشو تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات زیر نظر او قرار دارد در مقدمه‌ای بر «سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران» می‌نویسد:

«علینقی علیخانی از ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۸ یعنی بیشترین سالهای دهه چهل شمسی، مسئولیت سیاستگذاری و اجرای سیاستهای اقتصادی کشور را به عهده داشته است. رابطه او با علم صمیمی، با منصور رسمی و با هویدا، اقلاً در سالهای اول، دوستانه بود... شاه همواره پشتیبان علیخانی و نظرات او بود اما در همان حال، شاه و هویدا هر دو معتقد به اولویت رسالت دولت در توسعه اقتصادی بودند... تضاد میان نیازهای اقتصاد آزاد و الزامات سیاسی حکومت، تنش می‌آفرید و بر جو سیاسی اثر می‌گذاشت. این تنشها متدرجاً رابطه علیخانی و هویدا را مشکل کرد و در نهایت منجر به استعفا علیخانی شد.»

ازین کتاب بخشهایی را برگزیده‌ایم که به تدریج می‌خوانید. طبق معمول کوشیده‌ایم مطالب را طوری تنظیم و تقسیم بندی کنیم که هر شماره تا حدود امکان مطلب مستقلی باشد.

چندی پس از آن به من اطلاع دادند که برای دولت آینده‌ای که تشکیل می‌شود جلساتی در حضور اعلیحضرت همایونی هست و می‌بایست من هم شرکت بکنم. در این جلسه‌ها چند نفر از سوی دولت آینده بودند، یعنی خود حسنعلی منصور، هویدا، و دو سه نفر از همکاران او هم شرکت می‌کردند. اما خوب خاطر من نیست کی‌ها بودند. از این طرف، علم که نخست وزیر وقت بود، عطاءالله خسروانی که قرار بود در دولت آینده باشد، معینیان که قرار بود در دولت آینده باشد و سپهبد ریاحی و من، هر چند هفته‌ای یک بار، درست توالی تاریخش در نظرم نیست، جلساتی حضور اعلیحضرت داشتیم. کانون مترقی و سپس حزب ایران نوین، آن زمان برنامه‌هایی تهیه کرده بودند که در دولت آینده چه کارهایی را به چه صورتی می‌خواهند بکنند، که از این نظر فوق‌العاده خوب بود. اینها را با اعلیحضرت مطرح می‌کردند و اعلیحضرت هم برنامه‌ها را در این کمیسیون که خودشان هم ریاستش را داشتند مطرح می‌کردند. به‌هرحال چند جلسه‌ای در حضور اعلیحضرت در ارتباط با برنامه دولت آینده داشتیم.

● این خیلی جالب است. فکر نمی‌کنم جای دیگر این مسأله که شما الان مطرح می‌کنید مطرح شده باشد، که برای مدتی بین کسانی که قرار بود دولت آینده را تشکیل بدهند و کسانی که از اعضای دولت علم بودند، با خود علم و در حضور شاه یک چنین برنامه‌ای اجرا شد. در اینجا تنش خاصی بین دو طرف وجود نداشت؟

نه، به هیچ وجه تنش نبود. به‌رغم داوری خودم درباره حسنعلی منصور، من می‌بایستی این نکته را بگویم که حسنعلی منصور دارای استعداد سیاسی بود و موفق شد که یک کارهایی بکند که بقیه نکرده بودند. اولاً جوانهای تحصیلکرده را دور خودش جمع کرده بود. از این گذشته سعی می‌کرد که از راه آنها اندیشه‌های تازه‌ای را در فضای سیاسی ایران مطرح بکند، اقلاً در حد اداری و تکنوکراسی، حالا اگر در سطح واقعی سیاسی نباشد. این کاری که جلسه



سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران

(بخش ۲۰)

خاطرات علینقی علیخانی

ویراستار - دکتر غلامرضا افخمی

عرض اعلیحضرت رساندم و به شما تکرار می‌کنم من در نهایت صمیمیت با شما کار خواهم کرد.

● همانطور که گفتید، تا آنجایی که من می‌دانم، اعلیحضرت با هیچکس این طوری صحبت نکرده؟ خیلی نادر این حرف را زده بود.

● خیلی نادر این حرف را زده بود. یعنی ایشان نگفت که من از شما می‌خواهم این کار را بکنید؛ گفت من می‌خواهم شما به من اطمینان بدهید که با او کار می‌کنید؟ اطمینان؟ البته او فکر می‌کرد که امر می‌کند. نه، من حالا شاید به آن صورت گفتم. گفت، به صورت آمرانه، که من از شما می‌خواهم که این کار را بکنید. یک چنین صورتی. حالا واژه دقیقش یادم نیست. به‌هرحال، شاه به منصور گفته بود خیال شما راحت باشد. چون منصور نگران بود که در رابطه با من که نمی‌خواهم وزیر دولت او باشم، چه اتفاقی می‌افتد. ولی پس از گفت و گو در منزل مجید رهنما، خیلی خوب از هم جدا شدیم. روز بعد که شنبه بود، صبح طبق معمول شورای عالی برنامه داشتیم. علم، با طنز همیشگی خودش، گفت قهوه بیاورند تا قهوه دولت را بخوریم. البته قهوه را دوست داشت. ولی آن روز خواست به این ترتیب فاتحه دولت خودش را بخواند. ظهر آن روز علم استعفا داد. بعد از ظهر آن روز، که البته من می‌دانستم، رفتیم به نخست‌وزیری و بعد با حسنعلی منصور و دولت جدید رفتیم حضور اعلیحضرت معرفی شدیم. فوری هم بعد از معرفی، جلسه هیأت وزیران تشکیل شد و با او شروع کردم به کار. پیش از این هم یادآور شده بودم که یکی از کسانی که همان روز حسنعلی منصور معرفی کرده بود و حتی تا پیش از معرفی نمی‌دانست که شغلش چه خواهد بود، فکر می‌کرد معاون نخست وزیر می‌شود، ولی بعد معلوم شد که یک وزارتخانه‌ای را به او خواهند داد، یکی دو روز بعد به من گفت که مرا منصور انتخاب نکرده مرا اعلیحضرت انتخاب کرده. این نحوه رفتار برخی از کسانی بود که صرفاً به علت تماس با منصور

به این صورت داشته باشیم، همچنان که اشاره می‌کنید خیلی غیر عادی بود و تنها باری بود که در ایران این اتفاق افتاده بود. ولی، به‌هر حال، برای دولت آینده برنامه‌ها را آنجا روشن می‌کردیم که چه کار باید بکنیم. چندین جلسه به این صورت داشتیم و دیگر بیش از پیش روشن بود که دولت علم رفتنی است و خود او هم این امر را با خنده و شوخی تلقی می‌کرد. البته، سالیان بعد که با او خیلی نزدیکتر شدم، فهمیدم که در واقع این تحویل و تحول برای او خیلی تلخ بود. احساس می‌کرد که وظایف خودش را بخوبی انجام داده و چرا شاه باید او را از کار برکنار بکند. ولی به ظاهر همه با هم خیلی رفتار گرم و دوستانه‌ای داشتند.

یک روز پنجشنبه، خوب خاطر من می‌آید که در ماه اسفند ناگهان به من تلفن شد که اعلیحضرت همایونی مرا احضار کرده‌اند. من رفتم حضورشان در کاخ مرمر. از یک مراسم پیشاهنگی بر می‌گشتند و لباس پیشاهنگی تنشان بود. تنها باری بود که ایشان را با لباس پیشاهنگی دیدم. به من گفتند که من به شما و به کاری که در وزارت اقتصاد می‌کنید بسیار علاقمند هستم. (این از آن صحبت‌هایی بود که کمتر اتفاق می‌افتاد شاه با کسی بکند) بنابراین می‌خواهم سر کارتان باشید. می‌دانم که علاقه‌ای به همکاری با منصور نداشتید، ولی باید به من اطمینان بدهید که با او با صمیمیت کار خواهید کرد. من هم خودم اینجا پشتیبان اقدامات شما هستم. من هم البته تأیید کردم که اطاعت می‌کنم و این کار را خواهم کرد. روز جمعه، که فردای آن روز می‌شد، منزل مجید رهنما ناهار مهمان بودم. حسنعلی منصور هم آنجا بود. مرا کنار کشید و گفت اعلیحضرت دیروز با شما صحبتی کردند؟ ما رفتیم اتاق جداگانه‌ای، که بعد هم بقیه مهمانها که دیدند مدتی طول کشیده اسم این صحبت دو نفری ما را گذاشتند کنفرانس سران، به شوخی. منصور از من پرسید که موضوع چیست؟ به او توضیح دادم که اعلیحضرت یک چنین صحبتی را با من کردند و من هم به

➔ به مقامی رسیده بودند.

رفتار منصور و من با هم فوق‌العاده مؤدبانه و همراه با احتیاط از هر دو طرف بود. ولی هر کاری که من داشتم و هر پیشنهادی که من داشتم او بدون گفتگو می‌پذیرفت و هیچ وقت ایرادی نمی‌گرفت. حتی در موردی هم که قبلاً درباره‌ی لندرو پادآور شدم، خود او هیچ‌گونه حرف مؤکدی نزد، برعکس، وقتی دید صحبت ما دارد تند می‌شود و به یک جای باریکی می‌رسد، کوتاه آمد و گفت در این صورت نظری را که وزیر اقتصاد می‌گوید تأیید نکنیم و مسأله تمام شد. به‌تدریج که با هم کار می‌کردیم، او متوجه شد که من واقعاً سر قول خودم باقی هستم. یعنی او نخست وزیر است و من هر کاری که می‌کنم به او گزارش می‌دهم و مطابق اصولی که می‌بایست رفتار می‌کنم. هیچ تفاوتی برای من ندارد که به جای علم او نخست وزیر است. به همین دلیل هم بود که همان هفته‌ای که متأسفانه تیر خورد و چند روز بعد کشته شد، به هویدا گفته بود که اینهایی را که من خودم آوردم، برای من توطئه می‌کنند و پشت سرم حرف می‌زنند. ولی این کسی که نه خودش مایل بود بیاید، و نه من مایل بودم که بیاید، همیشه با صمیمیت با من کار کرده. و واقعاً هم به همین صورت بود.

### منصور در مقایسه با علم

#### ● روش منصور با علم خیلی فرق داشت؟

کاملاً فرق داشت. منصور خیلی اهل تظاهر بود. مثلاً با علم ما وقتی می‌خواستیم برویم به مجلس شورای ملی هر کس سوار اتومبیلش می‌شد و به مجلس می‌رفت. مجلس سنا که می‌خواستیم برویم، چون از نخست وزیری تا مجلس سنا چند صد متر بیشتر راه نبود، پیاده می‌رفتیم. علم اهل این گونه تظاهرات نبود که حتماً این مسافت کوتاه را با اتومبیل و نمره سه رنگ نخست وزیری برود. احتیاجی نداشت که تظاهر بکند. ولی منصور فوق‌العاده مقید بود که مردم ببینند که هیأت وزیران در حال حرکت است. بخصوص روز اولی که برای معرفی دولت جدید به مجلس می‌رفتیم، از همه خواست که در آغاز همه بیایند به نخست‌وزیری و از آنجا سوار اتومبیل بشویم و آن وقت این اتومبیل‌های سیاه دولتی پشت سر هم راه بیفتند و روز روشن از خیابان شاه و نادری رد بشوند و سپس از خیابان اسلامبول شلوغ رد بشوند. بروند به مجلس. خوب، همه مردم هم نگاه می‌کردند. منصور هم آگاهانه این کار را می‌کرد که مردم نگاه بکنند. از این کارها خوشش می‌آمد، که من متنفر بودم، ولی او دوست داشت. بعد هم که قرار بود به مجلس سنا برویم، باز همین اتومبیلها را به راه انداخت، که خاطر من آید به او گفتم که سنا نزدیک ماست و همیشه اینجا پیاده می‌رفتیم. گفت نه، هیأت وزیران باید با اتومبیل بروند. ما دو مرتبه سوار اتومبیل شدیم و این چند صد متر را با اتومبیل رفتیم. چیزی که باید یادآور بشوم این است که شریف امامی که رئیس مجلس سنا بود و اقبال که آن موقع رئیس شرکت ملی نفت بود خیلی با بی‌اعتنایی با منصور رفتار می‌کردند. این کمی حالت زننده داشت. خاطر من آید هفته اولی که او نخست وزیر شد، شب عید بود، و مراسمی بود در کاخ مرمر، که خاطر من نیست به چه مناسبت آنجا جمع شده بودیم. این دو نفر جلو نخست وزیر ایستاده بودند، که همکار من سپهبد ریاحی، که او هم البته در آن جلسات مشترک علم و منصور شرکت داشت، چون می‌بایست وزیر باقی بماند، ناراحت شد. به من گفت صحیح نیست که نخست وزیر را به این صورت پشت سر نگاه داشته‌اند. به هر صورت یک کمی او را هلهل دادیم که جلوتر برود بایستد. همه فکر می‌کردند منصور سخنان خوبی است. اما، در واقع، سخنان منصور هیچ وقت محتوایی نداشت. او چیز خاصی نداشت که بگوید. خوش صدا بود. خوش ژست بود.

خوش قیافه بود. اما حرفی برای گفتن نداشت. به شما گفتم، آدم خیلی سطحی بود.

### ● در جلسات کابینه در زمینه‌های سیاستهای مختلف دولت با او گفتگو و مشورت عمومی انجام می‌گرفت. بحث وجود داشت؟

سعی می‌کرد چیزهایی که از دیگران یاد گرفته آنها را به کار ببرد. آدم با هوشی بود. بخصوص خیلی اصرار داشت که جلسات هیأت وزیران طول بکشد. در نتیجه ما ساعت مثلاً 6 بعد از ظهر شروع می‌کردیم و بعد جلسه تا یک بعد از نصف شب ادامه پیدا می‌کرد، که کار بی ربطی بود. به‌هر حال برای من فوق‌العاده سخت بود. به‌خاطر بار خیلی سنگینی که داشتم، من هر روز صبح خیلی زود پشت میزم بودم و نمی‌توانستم تا یک بعد از نصف شب یا دو بعد از نصف شب همینطور ادامه بدهم. ولی او مایل بود که این کار را بکند و اصرار داشت که رادیو هم بگوید که جلسه هیأت وزیران در 2 بامداد تمام شد. این کار اصلاً ارزشی نداشت. به همه می‌گفتم و به خودش هم گفتم وقتی که آدم خسته است راندمان کارش پایین می‌افتد. دقت کرده بودم از یک ساعتی به بعد همه وزیران همان صحبت‌هایی را که قبلاً کرده بودند تکرار می‌کردند. ولی او مایل بود که رادیو بگوید جلسه تا ساعت دو بعد از نصف شب بوده و، از آن مهمتر، اعلیحضرت هم بدارند که این دولت از آن دولتها

این زمان درآمد و بعد هم به مرگ منصور منجر شد، آوردن ماده مربوط به حقوق دیپلماتیک برای نظامیهای آمریکایی بود. این موضوع مورد بحث قرار گرفت در کابینه و در مجلس وقتی که شما در دولت بودید؟

من در آن موقع در یکی از سفرهای کمسیونهای مشترک اقتصادی با یکی از کشورهای بلوک شرق بودم. در تهران نبودم. این است که وقتی که لایحه را به هیأت وزیران آوردند و بعد به مجلس بردند من حضور نداشتم. وقتی زمان علم این جریان برای اولین بار مطرح شد، من در آنجا خیلی تعجب کردم و مخالفت کردم که این کار صحیح نیست. فکر می‌کردم که لایحه کنار گذاشته شده. فکر نمی‌کردم که این را به عنوان یک تصویبنامه نگاه داشته‌اند که بعد به تصویب برسانند. اصلاً در آن جلسه خاطر من چندین نفر مخالف بودند که این کار اصلاً معنی ندارد. تا اینکه گویا ناگهان این را هم جزء تصویبنامه‌های قانونی که باید به تصویب برسد، یا به هر حال به صورتی درآمد که درست شکل حقوقش را نمی‌دانم چه بود، به منصور دادند. منصور هم خیلی با عجله به مجلس برده بود. بعد خبر شد که این لایحه در مجلس با واکنش تند چند تن از نمایندگان روبرو شده و این یکی از آن بارهایی بود که منصور مورد حمله شخصی قرار گرفت. گمان می‌کنم، تا آنجایی که شنیدم، زهتاب‌فرد، که نماینده آذربایجان بود و مرد خیلی صریح و با شهامت است، رسماً گفته بود که سرهنگ



کابینه منصور در مجلس سنا - از راست به چپ هوشنگ نهاوندی، محمود کشفیان، عطاءالله خسروانی، حسنعلی منصور، جمشید آموزگار، علینقی عالیخانی، سپهبد اسماعیل ریاحی

باتسویچ، رئیس CIA در ایران. خانه پدر شما را اجاره کرده و بنابراین شما با آنها مربوط هستید. یک چنین حرفهایی زده بود. به‌هرحال برای منصور فوق‌العاده گران تمام شده بود.

### ● در مجلس شورا هلاکو رامبد و دیگران نیز حمله کرده بودند و در مجلس سنا هم به همین ترتیب. روزی که منصور را کشتند شما کجا بودید؟

من پشت میزم بودم. ولی پیش از آن باید به شما بگویم که واقعاً منصور در مورد این امتیازی که به آمریکاییها دادند هیچ تقصیری نداشت. یعنی همه گمان می‌کنند که او بود که آمریکاییها را به این صورت مصونیت داد. ولی در واقع آمریکاییها به شاه فشار آورده بودند که اگر می‌خواهید کمک نظامی‌مان ادامه پیدا بکند، می‌بایست این کار را بکنید و او تسلیم شده بود در برابر فشار آمریکاییها. شاید اگر یک نخست وزیر دیگری بود مقاومت می‌کرد. اما منصور مقاومت نکرد. اما اینکه این را می‌چسبانند به منصور، خلاف انصاف است. زیرا تصویبنامه در زمان علم مطرح و تصویب شده بود به‌هرحال این یک جریان بود. (ادامه دارد)

نیست، تا 2 بعد از نصف شب کار کرده. حالا چه کار کرده، مطرح نبود. بعدها شنیدم که شاه هم خیلی تحت تأثیر این تظاهر منصور قرار گرفته و می‌گفته عجب دولت پرکاری است که به این صورت کار می‌کند. در حالی که این تظاهر بود. در اواخر دولت منصور، یک حالت طغیان علیه رفتار او در میان مجلسیها بخصوص دیده می‌شد. منصور یک مقدار با غرور و تبختر با آنها صحبت می‌کرد. قیافه‌ای می‌گرفت حاکی از این که مسائلی را که من می‌گویم چیزهایی است فنی و علمی که شما نمایندگان نمی‌دانید و بهتر است به حرفهای من گوش بکنید. البته، این نکته را به زبان به این صورت نمی‌آورد، ولی یک چنین اثری را در دیگران گذاشته بود. نمایندگان مجلس هم از این حالت تبختر منصور ناراحت بودند. ولی او همچنان این رفتار را با کسانی که می‌توانست داشته باشد داشت. ولی همچنان که گفتم، خود من با او روابط بسیار محترمانه خوبی داشتم.

### حقوق دیپلماتیک برای نظامیان آمریکایی

● یکی از مسائلی که به صورت مسأله سیاسی عمده در

## آژانس بین‌المللی انرژی اتمی: ایران تعداد سانتریفیوژها در تأسیسات اتمی نطنز و فردو را افزایش داده است



جمهوری اسلامی ایران اوایل سال ۱۴۰۱ به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرد که در تأسیسات زیرزمینی نطنز اقدام به راه‌اندازی سانتریفیوژهای نسل جدید کرده است

را افزایش می‌دادند. برخی تحلیلگران و حتی شماری از سیاستمداران در داخل ایران پیش‌بینی کرده‌اند که ادامه این روند زمینه‌ساز فعال شدن «مکانیسم ماشه» علیه جمهوری اسلامی خواهد بود. وزارت خارجه جمهوری اسلامی پنجشنبه ۱۷ خردادماه در بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن قطعنامه شورای حکام اعلام کرد که این اقدام را «سیاسی و غیرسازنده و در ادامه سیاست‌های شکست‌خورده قبلی برخی از کشورهای غربی و تلاشی برای سوء استفاده سیاسی از ساز و کارهای بین‌المللی علیه کشورهای مستقل می‌داند.» در این بیانیه تأکید شده، صدور قطعنامه، «هیچ تأثیری» بر اراده جمهوری اسلامی ندارد.

تهران آژانس را متهم می‌کند که گزارش‌های خود را بر اساس «اسناد و مدارک جعلی اسرائیل» تنظیم می‌کند. نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل پس از صدور قطعنامه توبیخی در پاسخ به پرسش «المانیتور» اعلام کرد که این قطعنامه «تصمیم عجولانه و غیرعقلانه» بود که «اثر مخربی» بر همکاری‌ها در آینده خواهد داشت. این ادعا در حالیست که دلیل اصلی صدور این قطعنامه، عدم «همکاری» جمهوری اسلامی به ویژه در سال‌های اخیر و در دوران دولت بایدن است!

بهرورث کمالوندی سخنگوی سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی روز ۱۶ خردادماه ساعتی پس از تصویب این قطعنامه عنوان کرد، «باید تجربه به آنها ثابت کرده باشد که ایران مقابل فشارهای سیاسی از حقوق مسلم خود کوتاه نمی‌آید.»

در این گزارش آمده است: «ایران هیچ اطلاعاتی درباره زمان انجام این فعالیت ارائه نکرده است.» توسعه برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی در حالی صورت می‌گیرد که شورای حکام در قطعنامه اخیر خود از تهران خواست که غنی‌سازی اورانیوم را متوقف کند و با بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری کرده و ممنوعیت اعمال شده بر بازرسان این آژانس را لغو کند.

جمهوری اسلامی به تلافی تصویب قطعنامه توبیخی در شورای حکام آژانس اما اقدام به افزایش تعداد سانتریفیوژها در سایت‌های فردو و نطنز کرده است.

ماتیو میلر سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا در واکنش به افزایش تعداد سانتریفیوژها در ایران اعلام کرد، «گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به روشنی نشان می‌دهد که تهران برنامه هسته‌ای خود را به گونه‌ای گسترش می‌دهد که هیچ هدف صلح‌آمیز معتبری ندارد.»

میلر افزود، «این اقدامات برنامه‌ریزی شده، ادعاهای ایران [در مورد صلح‌آمیز بودن برنامه‌های اتمی خود] را بیشتر زیر سوال می‌برد. اگر [جمهوری اسلامی] ایران این برنامه‌ها را اجرا کند، ما به شکل مناسب پاسخ خواهیم داد.»

وی بار دیگر خواستار همکاری رژیم ایران با آژانس و اجرای تعهدات خود شد و افزود، اگر جمهوری اسلامی ایران با آژانس همکاری نکند آمریکا همراه با متحدان خود آماده است که فشارها بر [رژیم] ایران را افزایش دهد.

یک دیپلمات به رویت‌ز گفته بود حتی اگر قطعنامه توبیخی علیه جمهوری اسلامی صادر نمی‌شد باز هم آنها غنی‌سازی

● آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز پنجشنبه ۱۳ ژوئن (۲۴ خرداد) گزارش داد که ایران دو آبشار از سانتریفیوژهای پیشرفته در تأسیسات هسته‌ای زیرزمینی فردو نصب کرده و می‌خواهد در تأسیسات نطنز نیز سانتریفیوژهای بیشتری نصب کند.

● در این گزارش تأکید شده که ایران به این نهاد نظارتی سازمان ملل اطلاع داد که هشت آبشار حاوی ۱۷۴ سانتریفیوژ IR-6 طی سه تا چهار هفته آینده در واحد یک تأسیسات غنی‌سازی فردو نصب خواهد کرد.

● جمهوری اسلامی از مدت‌ها پیش برای نصب هشت آبشار سانتریفیوژ در واحد یک فردو برنامه‌ریزی کرده بود، اما بجای نصب ماشین‌آلات، تنها «زیرساخت‌های لازم» را برای آبشارها آماده کرده بود. پیش از این، تأسیسات فردو در مجموع هشت آبشار فعال داشت.

● ماتیو میلر سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا در واکنش به افزایش تعداد سانتریفیوژها در ایران اعلام کرد، «این اقدامات برنامه‌ریزی شده، ادعاهای ایران [در مورد صلح‌آمیز بودن برنامه‌های اتمی خود] را بیشتر زیر سوال می‌برد. اگر ایران این برنامه‌ها را اجرا کند، ما به شکل مناسب پاسخ خواهیم داد.»

یک هفته پس از تصویب قطعنامه توبیخی علیه جمهوری اسلامی در شورای حکام، آژانس بین‌المللی در گزارشی اعلام کرد که جمهوری اسلامی تعداد سانتریفیوژها در تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم را افزایش داده است.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز پنجشنبه ۱۳ ژوئن (۲۴ خرداد) گزارش داد که ایران دو آبشار از سانتریفیوژهای پیشرفته در تأسیسات هسته‌ای زیرزمینی فردو نصب کرده و می‌خواهد در تأسیسات نطنز نیز سانتریفیوژهای بیشتری نصب کند.

در این گزارش تأکید شده که ایران در روزهای ۹ و ۱۰ ژوئن (۲۰ و ۲۱ خرداد) به این نهاد نظارتی سازمان ملل اطلاع داد که هشت آبشار حاوی ۱۷۴ سانتریفیوژ IR-6 طی سه تا چهار هفته آینده در واحد یک تأسیسات غنی‌سازی فردو نصب خواهد کرد.

جمهوری اسلامی از مدت‌ها پیش برای نصب هشت آبشار سانتریفیوژ در واحد یک فردو برنامه‌ریزی کرده بود، اما بجای نصب ماشین‌آلات، تنها «زیرساخت‌های لازم» را برای آبشارها آماده کرده بود. پیش از این، تأسیسات فردو در مجموع هشت آبشار فعال داشت.

این گزارش می‌افزاید که آژانس سه‌شنبه ۱۱ ژوئن (۲۲ خرداد)، نصب دو آبشار از این نوع سانتریفیوژها در واحد یک را تأیید کرده است. همچنین گفته شد چهار آبشار دیگر هم در حال نصب است.

جمهوری اسلامی همچنین در کارخانه غنی‌سازی زیرزمینی خود در نطنز، طرحی را برای نصب تعداد نامشخصی سانتریفیوژ پیاده کرده و به آژانس اطلاع داده است که ۱۸ آبشار از ماشین‌های پیشرفته IR-2m را راه‌اندازی خواهد کرد.

## سایه سنگین برنامه هسته‌ای بر انتصابات ۸ تیر



موافقین برنامه اتمی نظامی به ۷۱ درصد افزایش یافته است. این نظرسنجی به این دلیل که از سوی نهادی ارائه شده که در کانادا به ثبت رسیده و با نهادهای دانشگاهی آمریکا نیز همکاری دارد، می‌تواند برای توجیه فعالیت‌های هسته‌ای نظامی مورد استفاده قرار گیرد. نباید فراموش کرد که در ماه‌های اخیر مشاورین سیاست بین‌المللی «بیت رهبری» چون کمال خرازی و علی‌اکبر ولایتی هم به نوعی تغییر در سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی را به خاطر تضمین «امنیت ملی» اعلام کرده بودند.

البته مانند همیشه جمهوری اسلامی با انداختن سنگی، در انتظار واکنش‌ها می‌ماند تا در نهایت تصمیمی اتخاذ کند. اگر IranPoll دستیابی به مپ اتمی را خواست اکثریت ایرانی‌ها اعلام می‌کند، از سوی دیگر لابیگران جمهوری اسلامی در کشورهای اروپایی در این روزها سخت مشغول تبلیغ برای یکی دیگر از کاندیداهای علی‌خامنه‌ای هستند. این لابیگران که یا اندیشکده‌های اروپایی سرگرم کار هستند و یا در دانشگاه‌ها تدریس می‌کنند، سردار پاسدار محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی یازدهم و دوازدهم را بهترین گزینه برای کاهش تنش بین تهران و پایتخت‌های اروپایی و واشنگتن معرفی می‌کنند. به گفته این لابیگران، بنا بر آنچه کیهان لندن از طریق یک منبع دیپلماتیک اروپایی اطلاع یافته است، این سردار سپاه تنها فردی است که می‌تواند افراطی‌هایی چون سعید جلیلی را منزوی ساخته و زمینه برای کاهش تنش در زمینه‌های مختلف، از جمله برنامه هسته‌ای آماده سازد. البته لابیگرانی که سنگ محمدباقر قالیباف را به سینه می‌زنند به مخاطبان اروپایی خود گفته‌اند که با توجه به کوهلوت و بیماری علی‌خامنه‌ای، این سردار فاسد تنها فردی است که می‌تواند پس از مرگ رهبر جمهوری اسلامی بحران جانشینی را نیز مدیریت کند.

هدف از لابیگری برای محمدباقر قالیباف در کشورهای غربی با هدف تاثیرگذاری بر انتخاب خامنه‌ای برای جانشینی ابراهیم رئیسی انجام می‌گیرد. رهبر جمهوری اسلامی که بارها نشان داده است اهمیتی برای رای و انتخاب مردم ایران قائل نیست، در شرایطی چنین بحرانی چه از نظر اقتصادی و چه اجتماعی نمی‌تواند نظر کشورهای اروپایی را در انتخاب خود برای جانشینی ابراهیم رئیسی نادیده بگیرد.

۱۶ ماهی که از عمر برجام باقی مانده، نگه داشتن شرایط در همین وضعیت کنونی است. البته دولت کنونی آمریکا نیز در آستانه انتخابات ریاست جمهوری این کشور که در ماه نوامبر ۲۰۲۴ برگزار خواهد شد، قصد ندارد دست به اقدام یا اقداماتی بزند که بتواند بر جو انتخاباتی تاثیر بگذارد.

قطعه‌نامه اخیر شورای حکام سازمان بین‌المللی انرژی اتمی و بیانیه‌های سه کشور اروپایی و ۷ کشور صنعتی جهان به نگرانی‌های ناگفته‌ای در داخل نظام نیز دامن زده است. تنها کسی که با نگاهی به «انتخابات» ۸ تیر واکنشی تند و عصبانی در این رابطه از خود نشان داده، حسین شریعتمداری است. مدیر مؤسسه غصبی کیهان در تهران معتقد است قطعه‌نامه شورای حکام و بیانیه‌های اخیر قدرت‌های غربی عصائی است که این دولت‌ها زیر بغل نامزدهای غربگرا گذاشته‌اند. البته جناح‌هایی که می‌توان سعید جلیلی را در انتصابات پیش رو، کاندیدی مورد حمایت آنها دانست، وعده عدم مذاکره در رابطه با پرونده هسته‌ای را می‌دهند و از هم‌اکنون سرگرم زمینه‌سازی در این رابطه نیز هستند. در روزهای گذشته نهادی به نام IranPoll که در تورنتو در کانادا مستقر است و با برخی دانشگاه‌های آمریکائی نیز همکاری دارد، نتایج یک نظرسنجی را در رابطه با برنامه اتمی جمهوری اسلامی منتشر ساخت. این نهاد که مدعی است این نظرسنجی بین ۲۰ فوریه و ۲۶ مه امسال در داخل ایران انجام گرفته، همیشه سر بزنگاه نظرسنجی‌های مورد علاقه جمهوری اسلامی را منتشر می‌سازد و اکنون نیز مدعی شده که ۹۲ درصد از کسانی که در این نظرسنجی شرکت کردند موافق برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز هستند. البته منتشركندگانی این نظرسنجی می‌گویند در سال ۲۰۲۰ شمار موافقان برنامه اتمی غیرنظامی ۹۰ درصد بوده و الان دو درصد نیز افزایش یافته است.

در این نظرسنجی که به احتمال نزدیک به یقین ساختگی و دستکاری شده است، پرسشی در مورد برنامه هسته‌ای نظامی جمهوری اسلامی نیز مطرح شده. ۶۹ درصد از کسانی که برگزارکنندگان این نظرسنجی مدعی صحبت با آنها شده‌اند، خواهان دستیابی جمهوری اسلامی به مپ اتمی هستند. البته این نهاد وابسته به جمهوری اسلامی ادعا می‌کند که پس از حمله اخیر اسرائیل به ساختمانی در دمشق که به گفته تهران محل کنسولگری بوده است، تعداد

● اگرچه ۶ نفری که قرار است نام یکی از آنها را علی‌خامنه‌ای از صندوق رای دربیابود، تلاش دارند در مناظره‌ها اشاره‌ای به پرونده هسته‌ای نکنند ولی به خوبی می‌دانند که نخواهند توانست هشدارهای پی در پی غربی‌ها در مورد را نادیده بگیرند.

● شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، اجلاس هفت کشور صنعتی جهان و سه کشور اروپایی بریتانیا، فرانسه و آلمان که عهده‌دار مذاکرات هسته‌ای با جمهوری اسلامی هستند، با قطعه‌نامه و بیانیه نگرانی خود را از رشد فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی اعلام کرده‌اند.

● یک نهاد نظرسنجی ثبت شده در کانادا ولی وابسته به جمهوری اسلامی مدعی است در آخرین نظرسنجی‌اش که در بین ماه‌های فوریه و مه انجام گرفته، ۶۹ درصد از مصاحبه شونده‌گان موافق دستیابی جمهوری اسلامی به مپ اتمی هستند.

احمد رأفت - در انتخابات سال ۱۳۹۲ در یکی از برنامه‌های تلویزیونی، حسن روحانی کلیدی از جیب درآورد و گفت با آنها قفل تحریم‌ها را باز خواهد کرد. تحریم‌هایی که سعید جلیلی، یکی از ۶ نامزد جانشینی ابراهیم رئیسی پس از کشته شدن وی در سقوط هلی‌کوپتر (۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳) در ۶ سالگی که دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی و مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای در دو دولت محمود احمدی‌نژاد بود برای کشور به ارمان آورده بود. اگرچه امروز تحریم‌ها به سختی آن روزها نیستند و به ویژه دولت جو بایدن بسیاری را، چون تحریم‌های نفتی، نادیده می‌گیرد، ولی پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی بار دیگر در دستور کار دولت‌های غربی قرار گرفته است.

اگرچه ۶ نفری که قرار است نام یکی از آنها را علی‌خامنه‌ای از صندوق رای دربیابود، تلاش دارند نامی از پرونده هسته‌ای نیاورند و سیاست ابراهیم رئیسی را که گفته بود «نبايد معیشت مردم را به مذاکرات هسته‌ای گره زد» را ادامه دهند، ولی در خلوت می‌دانند که نخواهند توانست هشدارهای پی در پی غربی‌ها را نادیده بگیرند. ۱۶ خرداد شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قطعه‌نامه‌ای را به تصویب رساند که در آن به جمهوری اسلامی هشدار می‌دهد روند کنونی غنی‌سازی ۶۰ درصدی اورانیوم را متوقف سازد.

در آخر هفته گذشته اجلاس هفت کشور صنعتی جهان که با نام «جی هفت» شهرت دارد نیز بیانیه‌ای در همین رابطه منتشر ساخت. سه کشور اروپایی بریتانیا، فرانسه و آلمان که از زمان ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد عهده‌دار مذاکرات هسته‌ای با جمهوری اسلامی هستند، در حاشیه اجلاس «جی هفت» در بیانیه‌ای نگرانی خود را از رشد فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی و به ویژه نصب هشت آبشار ۱۷۴ سانترفیوژی جدید از نسل IR6 در تاسیسات نظنز و فردو را اعلام کردند.

در چنین وضعیتی علی‌خامنه‌ای نمی‌تواند پرونده هسته‌ای و مذاکرات در این رابطه با غرب را نادیده بگیرد و باید رئیس جمهوری را از صندوق رای بیرون آورد که به حداقل مذاکرات بتواند بحران را تا اکتبر سال ۲۰۲۵ که عمر برجام به پایان می‌رسد به نوعی مدیریت کند که سه کشور اروپایی به دنبال فعال کردن «مکانیسم ماشه» نباشند. با فعال شدن «مکانیسم ماشه» کلیه تحریم‌های قبل از امضای برجام در سال ۲۰۱۵ میلادی بدون رای گیری مجدد در شورای امنیت باز خواهد گشت. برای جمهوری اسلامی در

## «مناظره انتخاباتی» شش معتمد علی خامنه‌ای دروغگویی و فرافکنی و اعتراض به نارضایتی عمومی از حکومت



برگزاری نماز جماعت برای نامزدهای انتخابات پیش از برگزاری مناظره و پخش آن از صداوسیما!

با گوشت و پوست‌شان مشکلات اقتصادی را درک می‌کنند.» پورمحمدی همچنین گفت: «مردمی که به ما اعتماد ندارند، در بورس سرمایه‌شان از بین رفته پول‌هایشان را تبدیل به دلار و طلا می‌کنند، جای پراکنده می‌برند، حاضر نیستند به تولید هدایت کنند. تا اعتماد نسازیم، ما را باور نکنند که نمی‌شود رشد اقتصادی داد و تازه می‌گوییم از منابع خارجی، حالا در این برنامه آمده ده میلیارد یورو، این ده میلیارد یورو نمی‌شود این سیاست‌های این برنامه هشت درصدی را تبعا اجرا کرد. ببینید نمی‌شود ما خودفربیی یا خوشبینانه با مسائل برخورد کنیم.»

پورمحمدی افزود: «به هر حال کارشناسان مسائل را می‌بینند، مردم دارند لمس می‌کنند، من تازه این حرف‌هایی که اینجا زدم، با کارشناسان متعهد باسواد دانشگاه‌های معتبر و صنعتی و تهران و شریف و علامه و جوانان انقلابی بسیار هم جدی، تعبیر خیلی تندی کردند، من نمی‌خواستم آن تعبیر را بگویم و بدبینی‌ها را.»

امیرحسین قاضی زاده هاشمی که مانند دیگر نامزدها برنامه واقعی برای ارائه نداشت، خود را جوان‌ترین نامزد با ۲۰ سال سابقه اجرایی توصیف کرد و با بیان اینکه سایر نامزدها نیز تا کنون در حکومت جمهوری اسلامی، عهده‌دار مسئولیت‌های مختلف بوده‌اند و به آنها گفت طوری صحبت نکنید که «انگار دنیا از امروز شروع شده است» و بدون در نظر گرفتن نقش خود در گذشته، عملکردهای دیگران را نقد نکنید!

حسن روحانی که دولت‌اش در مناظره شب گذشته به دلایل مختلفی از برجام گرفته تا عملکرد اقتصادی زیر توپ جناح رقیب رفت، صبح امروز در نامه‌ای به رئیس سازمان صداوسیما، خواستار دادن فرصت پاسخ به «ادعاها و اتهامات برخی داوطلبان» در جریان میزگردها و اولین مناظره انتخابات شد.

برخی تحلیلگران و رسانه‌های داخلی در واکنش به نخستین بخش مناظره از نامزدها انتقاد کردند. علی شریعتی فعال اقتصادی و عضو اتاق بازرگانی در شبکه «ایکس» نوشته بازنده اصلی مناظره دیشب شورا محترم ←

نقشی نداشته‌اند! آنها فقط غر زدن و کلی‌گویی کردند! مسعود پزشکیان نامزد مورد حمایت اصلاح‌طلبان به ناکارآمدی مدیران ارشد حکومت پرداخت و گفت: «مشکل ما مدیریت بی‌تخصص و انسان‌های صفر کیلومتر و بی‌تجربه هستند.»

او همچنین گفت: «افرادی که فقط شعار دادند و نتوانستند آن‌ها را عملی کنند، باید محاکمه شوند.» مسعود پزشکیان در حالی این سخنان را مطرح کرد که خودش در دولت محمد خاتمی وزیر بهداشت و درمان، و مدتی هم وزیر علوم بود. او چند دوره هم نماینده مجلس شورای اسلامی بوده و هم‌اکنون نماینده تبریز در مجلس شورای اسلامی است!

علیرضا زاکانی شهردار کنونی تهران نیز در پاسخ به اظهارات مسعود پزشکیان گفت: «افرادی که ناکارآمد بودند الان در ستاد آقای پزشکیان هستند. کارشناسی خوب است ولی واگذاری کار به کارشناس خطرآفرین است، مثل بنزین صبح جمعه.»

در بخشی از این مناظره علیرضا زاکانی حتا در دروغی آشکار مدعی شد که در دوران کرونا ایالات متحده به ایران واکسن نداده و این موضوع سبب جان باختن شمار زیادی از شهروندان شده است! با پایان مناظره، کاربران شبکه‌های اجتماعی به «دروغ» زاکانی اشاره کرده و یادآور شدند این علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی بود که با واردات واکسن مخالف کرد. همچنین نامه‌ای در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که نشان می‌دهد نام زاکانی دومین نفر در میان ۲۵۰۰ فردی است که به عنوان پزشک خواستار جلوگیری از واردات واکسن کرونا شدند!

مصطفی پورمحمدی از مقامات امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی نیز به نظر می‌رسد از اتاق‌های امنیتی حکومت خط گرفته تا با اشاره بر چه موضوعاتی تلاش کند افکار عمومی را به خود جلب کند. او در بخشی از مناظره شب گذشته گفت: «ما همه مشکلات اقتصادی را می‌دانیم، به خصوص ما با اعداد و ارقام و کارشناسان با اعداد و ارقام آشنایی زیادی داریم، اما مردم لمس می‌کنند، روزمره درگیر مشکلات اقتصادی‌اند،

● مناظره‌های تلویزیونی شش نامزد انتخابات چهاردهم ریاست جمهوری از شامگاه گذشته، دوشنبه ۲۸ خردادماه، آغاز شده است. نخستین مناظره تلویزیونی به صحنه رویارویی نامزدهای انتخاباتی با روی دایره ریختن بخشی از ناکارآمدی‌ها و تباکاری‌های نظام از جمله ائتلاف منابع کشور و بحران‌های اقتصادی، و همچنین اعتراف به نارضایتی عمومی مردم از حکومت تبدیل شد.

● تا پیش از انتخابات ریاست جمهوری اسلامی که قرار است روز جمعه هشتم تیرماه برگزار شود، چهار مناظره تلویزیونی دیگر قرار است برگزار شود که طبق معمول رقبا پنه‌های یکدیگر را به آب خواهند داد و مشکلات را به گردن دولت‌های قبلی خواهند انداخت و طوری دروغ گفته و ادعا خواهند کرد که گویی اصلا در این نظام نبوده و نقشی در مشکلاتی که مطرح می‌کنند نداشته‌اند!

نخستین مناظره تلویزیونی شش نامزد انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری اسلامی در ایران با دروغ‌پردازی و اعتراف نامزدها به ناکارآمدی حکومت به ویژه در حوزه اقتصاد و گسترش شدید نارضایتی عمومی از نظام برگزار شد.

مناظره‌های تلویزیونی شش نامزد انتخابات چهاردهم ریاست جمهوری از شامگاه گذشته، دوشنبه ۲۸ خردادماه، آغاز شده است. نخستین مناظره تلویزیونی به صحنه رویارویی نامزدهای انتخاباتی با روی دایره ریختن بخشی از ناکارآمدی‌ها و تباکاری‌های نظام از جمله ائتلاف منابع کشور و بحران‌های اقتصادی، و همچنین اعتراف به نارضایتی عمومی مردم از حکومت تبدیل شد.

صداوسیما جمهوری اسلامی برای «انتخابات نمایشی» جمهوری اسلامی یک «مایش» هم راه انداخته بود که از ورود نامزدها با تشریفات نظامی به ساختمان صداوسیما تا شرکت در نماز جماعت را شامل می‌شد!

در مناظره شب گذشته نامزدهای انتخابات بجای اینکه برنامه‌ها و نقشه راه خود برای اداره دولت را ارائه کرده و از سوی رقبا مورد نقد و بررسی قرار بگیرند، همگی گویی از دنیای دیگری آمده و در طول همه سال‌های گذشته در بروز باتلاقی از مشکلات اقتصادی و سیاسی و اجتماعی هیچ



# وعده‌های نخ‌های نامزدهای جانشینی رئیسی

## یک دانشجو خطاب به پزشکيان:

### «ما از فریب رنگارنگ هر روزه شما بیزاریم»



در ایران بوده گفته «در حوزه اجتماعی، اینترنت موضوعی جدی برای من است. امروز اینترنت مانند آب است برای زندگی» و «این فیلترینگ در شأن این مردم بزرگ نیست، در انتخاب وزیر ارتباطات بسیار با دقت و وسواس عمل خواهیم کرد.»

پورمحمدی عضو «هیئت مرگ» در دهه شصت خورشیدی و همدست سیدابراهیم رئیسی در کشتار هزاران زندانی سیاسی در سال ۶۷، در دولت نخست حسن روحانی وزیر دادگستری بود. در روزهای گذشته خبری درباره مسئولیت حسام‌الدین آشنا در ستاد تبلیغاتی پورمحمدی منتشر شد. حسام‌الدین آشنا که خودش هم از نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی و داماد قربانعلی دری نجف‌آبادی است، در دولت حسن روحانی مسئول نهاد ریاست جمهوری بود. آشنا خبر مسئولیت در ستاد پورمحمدی را تکذیب کرد اما ارتباط انتخاباتی با او را رد نکرد و گفت: «هر یک از داوطلبان فعلی از من مشاوره بخواهد به او مشاوره خواهیم داد ولی مطابق نظرات و دیدگاه‌هایی که درست می‌دانم.»

وعده‌های نامزدهای انتخاباتی حاشیه‌های زیادی نیز به همراه دارد. علیرضا زاکانی از نیروهای اصولگرا و شهردار تهران در وعده‌های مضحک و عوام‌فریبانه گفته در تهران روزانه ۱۲۰ تن گوشت «درب خانه مردم» تحویل دهد. این وعده‌ی مضحک که ادعای «آب و برق مجانی» خمینی رهبر انقلاب ۵۷ و بنیانگذار جمهوری اسلامی را تداعی می‌کند، با واکنش‌های زیادی روبرو شد. مرتضی افقه اقتصاددان این وعده را «تحقیرآمیز» خوانده و گفته عموماً وعده‌های نامزدهای انتخاباتی در حوزه اقتصاد تا کنون «هیجانی» بوده است.

«مسکن» از جمله دیگر محورهای وعده‌های اقتصادی نامزدهای انتخاباتی در روزهای گذشته بوده است. امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی گفته «وعده چهار میلیون مسکن شهید رئیسی را به نتیجه خواهیم رساند!» وی تحقق این وعده را در پیش رفتن با «قدرت، زنجیره و استمرار بیشتر» دانسته است!

● علیرضا زاکانی از نیروهای اصولگرا و شهردار تهران در وعده‌های مضحک و عوام‌فریبانه گفته در تهران روزانه ۱۲۰ تن گوشت «درب خانه مردم» تحویل دهد!

● مرتضی افقه اقتصاددان معتقد است وعده‌های «رویایگونه و ساده‌پندارانه سابقا هم مطرح می‌شد ولی به دلیل عدم برخورد با عوام فریبی‌ها کماکان نقل گفتمان‌های سطح کلان کشوری است.»

● دبیر انجمن اسلامی دانشگاه «شریف» خطاب به پزشکيان: «ما از این فریب رنگارنگ هر روزه شما بیزاریم... شما گفته‌اید که با دختران بی‌حجاب نباید با خشونت برخورد شود. آیا فراموش کرده‌اید که بی‌حجابی برای نظام حرام سیاسی اعلام شده است؟ اگر مقامات بالادستی دستور به چنین برخوردهایی بدهند آیا شما جرأت ایستادن در برابر آنها را دارید؟»

شش نامزد انتخابات فمایشی چهاردهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی در حالی کمپین‌های تبلیغاتی خود را با سفرهای استانی و حضور در دانشگاه‌ها آغاز کرده‌اند که فقط وعده‌های تکراری و نخ‌ها شده می‌دهند. مسعود پزشکیان نامزد مورد حمایت اصلاح‌طلبان از سوی دانشجویان با انتقادات گسترده‌ای روبرو شده و آنها با اعلام «بیزاری» از فریبکاری اصلاح‌طلبان گفته‌اند «فراموش نکرده‌ایم که مردم در اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ برای چه به خیابان آمده بودند.»

ده روز دیگر تا برگزاری انتخابات زود هنگام ریاست جمهوری اسلامی برای گزینش جانشین ابراهیم رئیسی که یکشنبه ۳۰ اردیبهشت در حادثه مشکوک سقوط هلی‌کوپتر کشته شد، باقی مانده و از امشب، دوشنبه ۲۸ خرداد ۱۴۰۳ قرار است مناظره‌های تلویزیونی نامزدها آغاز شود. در روزهای گذشته شش نامزد مورد تأیید علی خامنه‌ای نتوانستند وعده‌های قابل توجهی ارائه کنند.

مصطفی پورمحمدی از جمله چهره‌های امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی و تنها آخوند حاضر در کارزار فمایشی انتخابات، وعده‌ی تلاش برای خاتمه دادن به فیلترینگ را داده است. او که خود از جمله آمران و مجریان سرکوب

نگهبان هست! تأیید صلاحیت با دانش ضعیف، فقدان تجربه و شخصیت پوششی قاضی زاده هاشمی و زاکانی بدترین کارنامه تکراری این شورا است.

صدرا محقق روزنامه‌نگاری که در جریان اصلاح‌طلب شناخته می‌شود در شبکه «ایکس» نوشت: «ساعت کلی‌گویی و بدیهیات ابتدایی از جنس فلان چیز مهم است و تورم خیلی بد است، با ادبیات تکراری و حوصله سربر. بقیه‌شون رو که می‌دونستیم چطورین- منهای پورمحمدی که فراتر از انتظار ظاهر شد- ولی صحبت‌های پزشکيان هم مثل لباس‌هاش و کاغذهای روی میزش و جمله‌بندی‌هاش شلخته بود.»

رضا رشیدپور مجری صداوسیما حکومت و از حامیان اصلاح‌طلبان نیز در شبکه «ایکس» نوشت: «تا اینجا کار نقطه قوت مناظره، مبل‌ها و دکور کپی شده از اجلاس داووس بود.» سیامک قاسمی تحلیلگر اقتصادی نیز در آنچه «جمع‌بندی مناظره دیشب» خوانده نوشته «این بنده خداها که حتی در حد عدد کسری بودجه دولت و تعریف نقدینگی چیزی از اقتصاد نمی‌دانند، اما مشکل اینه که اونهایی هم که کاغذ نوشتند و دست اینها دادند هم چیزی از چالش‌های اساسی اقتصاد ایران نمی‌دانند. هیچ در هیچ!»

روزنامه «خراسان» نوشته که «به نظر می‌رسد صداوسیما باید در نحوه برگزاری مناظرات بعدی تجدید نظر کند. باید پرسش‌ها مصداقی‌تر و نامزدها به پاسخ روشن به پرسش‌های مشخص ملزم شوند تا بتوان امکان مقایسه بین نامزدها را فراهم آورد.»

روزنامه «فره‌یختگان» هم نوشت که «سطح برخی نامزدها در مناظره بقدری پایین بود که عملکرد شورای نگهبان در تأیید آنها را زیر سوال برد.»

خبرگزاری «مه‌ر» هم به پشت صحنه استودیوی مناظره‌های انتخاباتی انتقاد کرده و نوشته «در بک گراند صحنه نمایی از شهر مشخص بود. شهری که نه المانی از ایران داشت که به عنوان یک بک گراند کشوری دیده شود و نه مؤلفه‌ای از شهر تهران مثل برج میلاد در آن به چشم می‌خورد و صرفاً چراغانی‌های یک شهر دیده می‌شد که می‌توانست هر نقطه‌ای از جهان تصور شود.»

این گزارش افزوده رنگ قهوه‌ای استفاده شده در دکور استودیو در حالی که قرار بوده المان مذهبی را به همراه داشته باشد، یادآور «محفل» بوده است. برخی هم در فضای مجازی به نامناسب بودن صندلی نامزدها اشاره می‌کردند که گویی با نوعی سختی باید برگه‌های خود را در اطرافشان نگه می‌داشتند و جلویشان میزی نبود که بتوانند با راحتی بیشتری نوشته‌ها را مقابلشان قرار دهند.

محسن اسلامی سخنگوی ستاد انتخابات کشور اما گفته «با توجه به رعایت قانون از سوی نامزدها هم از نظر زمان و هم از منظر احترام به یکدیگر و مراقبت از صحبت‌ها، اولین مناظره چهاردهمین انتخابات ریاست جمهوری نسبت به مناظره‌های ادوار قبلی یک گام به جلو و خیلی متفاوت بود.» در این میان مصطفی رجبی مشهدی سخنگوی صنعت برق کشور هم اعلام کرده که «آغاز پخش دور نخست مناظره نامزدهای چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، مصرف برق کشور را ۷۰۰ مگاوات افزایش داد.»

تا پیش از انتخابات ریاست جمهوری اسلامی که قرار است روز جمعه هشتم تیرماه برگزار شود، چهار مناظره تلویزیونی دیگر قرار است برگزار شود. مناظره دوم ۳۱ خرداد، مناظره سوم اول تیر، مناظره چهارم ۴ تیر و مناظره پنجم ۵ تیر خواهد بود که طبق معمول رقبا پته‌های یکدیگر را به آب خواهند داد و مشکلات را به گردن دولت‌های قبلی خواهند انداخت و طوری دروغ گفته و ادعا خواهند کرد که گویی اصلاً در این نظام نبوده و نقشی در مشکلاتی که مطرح می‌کنند نداشته‌اند!

علیرضا زاکانی اما در وعده‌های دروغین روی دست او بلند شده و رقم ساخت مسکن را دو و نیم برابر افزایش داده و ادعا کرده که «امروز اگر تدبیر دولت به دادن مشوق برای ترمیم بافت‌های ناپایدار و فرسوده صورت بگیرد، مردم خودشان با این نقدینگی سرگردان می‌توانند خانه‌ها را بسازند و بجای چهار میلیون وعده دولت، مردم ۱۰ میلیون واحد خانه می‌سازند.»

سردار پاسدار محمدباقر قالیباف هم گفته «چشم‌انداز ما این است که یک کارمند ایرانی اگر همه درآمدش را برای مسکن قرار دهد بتواند بعد از ۷ سال صاحب خانه شود در صورتی که این شاخص در حال حاضر ۱۳ سال است.» سعید جلیلی هم گفته «با برنامه‌ریزی که در برنامه هفتم توسعه صورت گرفته ما به هیچ عنوان نباید با کمبود زمین مواجه باشیم چرا که ۰/۲ از مساحت کل کشور برای ساخت و ساز در نظر گرفته شده که فرصت خوبی به نظر می‌رسد.»

اینهمه در حالیست که «مسکن مهر»، «مسکن اجتماعی» و «مسکن ملی» عناوین سه طرح دولتی هستند که طی دو دهه گذشته در دولت‌های محمود احمدی‌نژاد، حسن روحانی و ابراهیم رئیسی برای حل معضل مسکن به اجرا درآمده و همگی شکست خورده‌اند.

وعده‌های نامزدهای جانشینی «قاضی مرگ» در حوزه مسکن در حالی بر صاحب خانه شدن مردم متمرکز است که بیش از ۴۰ میلیون نفر از جمعیت کشور مستأجرند و بر اساس گزارش مقامات حکومت نیمی از آنها حتی در پرداخت اجاره خانه نیز با مشکلات جدی روبرو هستند. به نظر می‌رسد نخستین گام یک اقدام کارآمد در زمینه مسکن، حمایت از مستأجرانی است که در پی افزایش قیمت‌ها، بسیاری از آنها بی‌خانمان، پشت‌بام خواب و پارک‌خواب و حاشیه‌نشین شده‌اند.

مرتضی افقه معتقد است این وعده‌های «رویگونه و ساده‌پندارانه سابقا هم مطرح می‌شد ولی به دلیل عدم برخورد با عوام فریبی‌ها کهاکان نقل‌گفتمان‌های سطح کلان کشوری است.»

سعید جلیلی که هم‌اکنون عضو شورای راهبردی روابط خارجی، عضو حقیقی مجمع تشخیص مصلحت نظام و نماینده علی خامنه‌ای در شورای عالی امنیت ملی است، در بخش زیادی از وعده‌های دولت روحانی را کوبیده و مدعی شده عقب‌ماندگی‌های ناشی از فعالیت دولت روحانی را جبران خواهد کرد.

سعید جلیلی در اظهار نظری گفته «دولت حسن روحانی در اواخر کارش نمی‌توانست نفت بفروشد.» وی همچنین تأکید کرده باید عقب‌ماندگی هشت ساله‌ی پیش از دولت رئیسی با «رشد صفر و منفی» جبران شود.

محمدباقر قالیباف رئیس کنونی مجلس شورای اسلامی نیز موضوع «مهاجران افغانستانی» را از جمله وعده‌های خود قرار داده و بر جلوگیری از ورود پناهجویان افغانستانی به ایران و اخراج مهاجران غیرقانونی تأکید کرده است. روزنامه اصلاح‌طلب «هم‌میهن» اما همین وعده را موضوعی برای رویارویی با نامزد رقیب جریان خود قرار داده و نوشته چنین وعده‌ای نشان از برخورد‌های «گازانبری» و «مهاجرستیزی» به سبک احزاب راست افراطی اروپا دارد.

در این میان، مسعود پزشکیان نماینده مورد حمایت جریان اصلاح‌طلب که از حامیان سرسخت سپاه پاسداران و از مدافعان اقدامات رهبر جمهوری اسلامی است، بیش از آنکه وعده‌های مشخص انتخاباتی بدهد، بیشتر به شعاردادن و فرافکنی مشغول است. او از مبارزه با فساد گفته اما آن را درازمدت دانسته و حتی برنامه و

چشم‌اندازی در این زمینه نشان نداده است.

مخالفت ضمنی با «طرح سراسری نور» و تعیین پوشش از سوی عُرف نیز از دیگر محورهای سخنان مسعود پزشکیان است. این اما در حالیست که او از حامیان طرح «گشت ارشاد» بوده که در دولت اصلاح‌طلب محمد خاتمی تدوین و تصویب شد. پزشکیان در سال ۹۱ که نماینده مجلس شورای اسلامی بود طرح سنووال از محمود احمدی نژاد رئیس جمهور وقت را امضا کرده که «چرا طرح عفاف و حجاب اجرا نشده است!» او همچنین تأکید کرده بود که حجاب قانون است و باید اجرا شود.

مسعود پزشکیان در گفتگوی ویژه خبری خود بر سرسپردگی خود به خامنه‌ای تأکید کرده و گفته که «قرار نیست برنامه جدید بنویسیم و سیاست جدیدی اجرا کنیم» و «سیاست‌های کلی رهبری مشخص است» و «بنابراین نقشه سیاست‌ها معلوم است و مجریان وظیفه اجرای مسیرهای تعیین شده را دارند تا ما را به آن هدف‌ها برساند.»

او همچنین در نشست در دانشگاه تهران گفت «رهبری را قبول دارم؛ اصلاً ذوب او هستم، حق توهین و بی‌احترامی ندارید!»

اصلاح‌طلبان که همواره در انتخابات بر رأی قشر دانشجو حساب ویژه باز می‌کردند، اینبار نیز مسعود پزشکیان را راهی دانشگاه‌ها کردند تا شاید رأی بخشی از دانشجویان مردد شرکت در انتخابات را به سود خود جذب کند اما او در نشست‌های دانشگاهی ناکام ماند و با تندترین برخوردها روبرو شد.

علی کریمی دبیر انجمن اسلامی دانشگاه «شریف» (دانشگاه صنعتی آریامهر) روز گذشته در نشست پزشکیان در این دانشگاه، در سخنانی تند گفت: «شما کاندیدای انتخاباتی هستید که حتی صلاحیت مقربین حلقه اصلی حاکمیت هم در آن احراز نشده است. این صلاحیت که از روی مصلحت است، چه ارزشی دارد جز آنکه نمایی باشد برای جذب مشارکت مردم؟»

او در ادامه با اشاره به سرکوب گسترده دانشگاه‌ها در اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ افزود: «ما دیدیم که چگونه پیش چشمان ما در دانشگاه شریف هنگامی که امنیت و آرامش دانشگاه زیر پای نهادهای امنیتی بود، از آنها حمایت کرده و لحظاتی بعد خود را طرفدار جنبش مردم نشان دادید.» وی در ادامه پرسید: «اکنون چه چیزی تغییر کرده، جز آنکه تاریخ مصرف اصلاح‌طلبان برای مردم گذشته است.»

او با اشاره به بازداشت‌های گسترده دانشجویان منتقد و «تبدیل دانشگاه به مکانی امنیتی» گفت: «آیا نمی‌دانید سازمان نظامی که افتخار پوشیدن پیراهن آن را دارید اکنون به یک تشکیلات سیاسی و امنیتی تبدیل شده است.»

دبیر انجمن اسلامی دانشگاه «شریف» با تأکید بر اینکه «ما از این فریب رنگارنگ هرروزه شما بیزاریم» گفت: «یادمان می‌رود آن بیماری که مرگ را به بالین مردم آورد نه کرونا که ویروس منحوس خوکامگی بود.»

علی کریمی در بخش دیگری از سخنانش گفت: «در سرزمینی که اصحاب قدرت ساخته‌اند، خواهرانمان به یمن گشت ارشاد امنیت حضور در خیابان را ندارند. ما روبرو شدن زنان و دختران را به جرم گیسوان دیده‌ایم. آقای پزشکیان، شما گفته‌اید که با دختران بی‌حجاب نباید با خشونت برخورد شود. آیا فراموش کرده‌اید که بی‌حجابی برای نظام حرام سیاسی اعلام شده است؟ اگر مقامات بالادستی دستور به چنین برخوردهایی بدهند آیا شما جرأت ایستادن در برابر آنها را دارید؟»

## افتتاح برای نامزد اصلاح‌طلبان؛ از قهر خشن مشاور «فرهنگی» پزشکیان تا شعارهای مردم علیه «ظریف دروغگو»!

● شماری از شهروندان در اصفهان در حالی که خطاب به ظریف فریاد می‌زدند «حجالت‌بخش ظریف دروغگو» و «به اصفهان نفس بده، زاینده‌رود رو پس بده» با انتقادهای مکرر از وضعیت مدیریت آب در این استان او و پزشکیان را دوره کردند.

● یک دانشجوی ۱۸ ساله در اصفهان خطاب به پزشکیان گفت: به عنوان نماینده‌ای از سوی نسل زد، نسلی که به سنت شکنی و مطالبه‌گری شناخته شده و اعتقادی به اصلاح از طریق صندوق رأی ندارد صحبت می‌کنم.

● محمد فاضلی مشاور «فرهنگی» مسعود پزشکیان در برنامه زنده تلویزیونی ضمن درگیری لفظی با کارشناس برنامه، با قهر و غضب از جای خود بلند شد و میکروفون را پرت کرد و از استودیو بیرون رفت!

● پروژه «دو قطبی کردن انتخابات» تا کنون با شکست روبرو شده و مسعود پزشکیان نامزد اصلاح‌طلبان نتوانسته افکار عمومی و اصطلاحاً «قشر خاکستری» یا همان شهروندان مردد را برای شرکت در انتخابات تحت تأثیر قرار دهد.

تبلیغات انتخاباتی مسعود پزشکیان، نامزد اصلاح‌طلبان در چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، با حاشیه‌های زیادی همراه شده است. او که طی روزهای گذشته با انتقاد شدید دانشجویان دانشگاه‌های «تهران» و «شریف» (دانشگاه صنعتی آریامهر) روبرو شده بود، روز گذشته نیز اعتراض کشاورزان اصفهان منتظرش بود. مشاور «فرهنگی» او نیز شامگاه گذشته در صداوسیما حکومت درگیری راه انداخت و در برنامه زنده میکروفون را پرت و استودیو را ترک کرد.

کمتر از ۱۰ روز مانده به انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری اسلامی در ایران، جمهوری اسلامی نتوانسته تئور یخزده‌ی انتخابات نمایشی را گرم کند. اصلاح‌طلبان نیز مانند دور پیشین در سال ۱۴۰۰ نتوانسته‌اند مانند ربع قرن گذشته «شور انتخاباتی» ایجاد کنند.

پروژه «دو قطبی کردن انتخابات» نیز تا کنون با شکست روبرو شده و مسعود پزشکیان نامزد اصلاح‌طلبان نتوانسته افکار عمومی و اصطلاحاً «قشر خاکستری» یا همان شهروندان مردد را برای شرکت در انتخابات تحت تأثیر قرار دهد.

مسعود پزشکیان صبح روز چهارشنبه ۳۰ خردادماه به همراه محمدجواد ظریف راهی اصفهان شد؛ هرچند اصلاح‌طلبان در اصفهان تدارک ویژه‌ای برای این تور انتخاباتی دیده بودند اما در ابتدای حضور پزشکیان و

➔ ظریف در پل خواجه اصفهان مردم آنها را دوره کرده و علیه‌شان شعار دادند.

شماری از شهروندان خطاب به ظریف فریاد می‌زدند «خجالت‌بخش ظریف دروغگو». همچنین هنگام حضور ظریف و پزشک‌ها در پل خواجه، مردم با شعارهای «به اصفهان نفس بده، زاینده‌رود رو پس بده» و انتقادهای مکرر از وضعیت مدیریت آب در این استان و سایر استان‌ها که منجر به خشکی زاینده‌رود شده، آنها را دوره کردند.

همچنین یکی از کشاورزان با انتقاد از عملکرد دولت‌های پیشین خطاب به پزشک‌ها و ظریف گفت خشکی زاینده‌رود «نتیجه اقدامات دولت اصلاحات» و «کارنامه رفقای آقای دکتر» است. در حالی که اطرافیان پزشک‌ها تلاش داشتند این کشاورز را ساکت کنند، پزشک‌ها در پاسخ به او گفت: «به این یکی دولت رأی بدهید تا درستش کند.»

در نشست تبلیغاتی پزشک‌ها در یک ورزشگاه در اصفهان نیز یک دانشجوی دختر ۱۸ ساله طی سخنانی به پزشک‌ها با تأکید بر اینکه حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی نادیده گرفته شده است، گفت: «به عنوان نماینده‌ای از سوی نسل زد، نسلی که به سنت‌شکنی و مطالبه‌گری شناخته شده و اعتقادی به اصلاح از طریق صندوق رأی ندارد صحبت می‌کنم؛ آیا شما در دولت‌تان توان برخورد با گشت ارشاد، حجاب‌بان‌ها و نیروهای خودسر را دارید؟ اگر پاسخ‌تان مثبت است، ضمانت اجرایی این قول چیست؟»

او در بخش دیگری از سخنانش به دانشجویان اخراجی و تشکلهای منحل شده دانشجویی اشاره کرد و پرسید برای اینها چه برنامه‌ای دارید؟

شامگاه چهارشنبه نیز مسعود پزشک‌ها به همراه محمد فاضلی و محمد بهشتی دو مشاور «فرهنگی» خود در میزگرد فرهنگی انتخابات در شبکه دو صداوسیما حکومت حضور پیدا کردند.

در بخش پایانی میزگرد که به صورت زنده پخش می‌شد، شهاب اسفندیاری کارشناس برنامه خطاب به مسعود پزشک‌ها گفت: «در مورد اخراج اساتید به نحوی صحبت کردید که با استادی که تخلف هم کرده می‌خواهید مباحثات کنید؛ دکتر فاضلی که کنار شما هستند عضو هیئت علمی پیمانی دانشگاه شهید بهشتی بودند، طبق مقررات عضو هیئت علمی عضو پیمانی نه می‌تواند مأمور باشد نه خارج از دانشگاه سمت بگیرد. ایشان در ریاست جمهوری و وزارت نیرو سمت داشتند و طبق گفته رئیس دانشگاه و مدیرگروه دو سال مراجعه و حضور در دانشگاه نداشتند، ۸ سال دوره پیمانی‌شان طول کشیده اخراج شدند!» چه «الم شنگه‌ای» در دانشگاه‌ها و رسانه‌ها راه انداختند. ۹۰ هزار عضو هیئت علمی داریم، به خاطر ۵ نفر حیثیت آموزش عالی ما را خدشه‌دار کردند. اینها بازی سیاسی است، مقهور بازی‌های سیاسی نشوید.»

پس از این جملات محمد فاضلی ناگهان برآشفته شد و به شهاب اسفندیاری گفت «دروغ می‌گویید». او با عصبانیت و پرخاش بدون اینکه درباره علت اخراج‌اش از هیئت علمی دانشگاه توضیحی ارائه دهد، از جای خود بلند شد و میکروفون را پرت کرد و از استودیو بیرون رفت!

او دقایقی بعد پستی در شبکه «ایکس» منتشر اما بعد از ساعتی آن را پاک کرد. تصویر این پست اما همچنان در شبکه‌های اجتماعی موجود است. او نوشته بود: «دکتر پزشک‌ها شایسته اون برخورد بود. وقتی برای حمایت از او به صداوسیما رفته‌ام، توهین آمیز، من را بی‌فرهنگ خطاب بکنند، پاسخش ترک صداوسیما حکومت و نامزد کوتاه‌قامت است. ما بازیچه کوتاه‌قامتان نیستیم.»

در حالی که این رفتار عصبی و خشن محمد فاضلی با



مسعود پزشک‌ها و محمود جواد ظریف در سفر تبلیغاتی به اصفهان؛ چهارشنبه ۳۰ خردادماه ۱۴۰۳

علی کریمی دبیر انجمن اسلامی دانشگاه «شریف» (دانشگاه صنعتی آریامهر) خطاب به پزشک‌ها گفت: «شما کاندیدای انتخاباتی هستید که حتی صلاحیت مقربین حلقه اصلی حاکمیت هم در آن احراز نشده است. این صلاحیت که از روی مصلحت است، چه ارزشی دارد جز آنکه ناپیشتی باشد برای جذب مشارکت مردم؟»

او در ادامه با اشاره به سرکوب گسترده دانشگاه‌ها در اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ افزود: «ما دیدیم که چگونه پیش چشمان ما در دانشگاه شریف هنگامی که امنیت و آرامش دانشگاه زیر پای نهادهای امنیتی بود، از آنها حمایت کرده و لحظاتی بعد خود را طرفدار جنبش مردم نشان دادید.» وی در ادامه پرسید: «اکنون چه چیزی تغییر کرده، جز آنکه تاریخ مصرف اصلاح‌طلبان برای مردم گذشته است.»

او با اشاره به بازداشت‌های گسترده دانشجویان منتقد و «تبدیل دانشگاه به مکانی امنیتی» گفت: «آیا نمی‌دانید سازمان نظامی که افتخار پوشیدن پیراهن آن را دارید اکنون به یک تشکیلات سیاسی و امنیتی تبدیل شده است.»

دبیر انجمن اسلامی دانشگاه «شریف» با تأکید بر اینکه «ما از این فریب رنگارنگ هرروزه شما بیزاریم» گفت: «یادمان نمی‌رود آن بیماری که مرگ را به بالین مردم آورد نه کرونا که ویروس منحوس خوکامگی بود.»

علی کریمی در بخش دیگری از سخنانش گفت: «در سرزمینی که اصحاب قدرت ساخته‌اند، خواهرانمان به یمن گشت ارشاد امنیت حضور در خیابان را ندارند. ما ربه‌شدن زنان و دختران را به جرم گیسوان دیده‌ایم. آقای پزشک‌ها، شما گفته‌اید که با دختران بی‌حجاب نباید با خشونت برخورد شود. آیا فراموش کرده‌اید که بی‌حجابی برای نظام حرام سیاسی اعلام شده است؟ اگر مقامات بالادستی دستور به چنین برخوردهایی بدهند آیا شما جرأت ایستادن در برابر آنها را دارید؟»

درگیری میان اصولگرایان و اصلاح‌طلبان در حالی برای کسب ریاست دولت چهاردهم در جریان است که در آنسو مردم نسبت به نمایش انتخابات بی‌تفاوت هستند و تئور انتخابات نزد افکار عمومی همچنان سرد است!

واکنش گسترده کاربران روبرو شده، اصلاح‌طلبان نیز با استفاده از هشتگ #فاضلی تلاش برای بهره‌برداری از رفتار ضدفرهنگی محمد فاضلی به سود خود و زدن رقیب دارند! محمد حبیبی فعال صنفی آموزگاران که در سال‌های گذشته بارها زندانی و محاکمه شده با کنایه به بیانیه حمایتی محمد فاضلی از شرکت در انتخابات نوشته: «سخت بود آقای محمد فاضلی؟ دفعه بعد که خواستی بیانیه روزنه‌گشایی بدهی، به هزاران معلم و دانشجو و کارگری فکر کن که بازداشت شدند، کتک خوردند، حبس کشیدند، تحقیر شدند و اخراج شدند. به آن بازنشسته‌ای که در مقابل چشمان همسرش، دستش را شکستند. به دخترانی که هر روز سرکوب می‌شوند.»

مهدی محمودیان روزنامه‌نگاری که او هم بارها سابقه بازداشت و زندان دارد خطاب به محمد فاضلی نوشته «جناب فاضلی؛ شما که در برابر قطع بلندگو اینگونه برافروخته شدید، چگونه مردمی که حیات و ممات‌شان به نابودی رفته و صدای‌شان خفه شده را به روزنه‌گشایی دعوت کردید؟ کاندید ریاست جمهوری حتی جرات نکرد در دفاع از حق شما قدمی بردارد، چگونه انتظار داشتید چند نماینده ۴درصدی برای حق مردم بایستند؟»

یکی از کاربران نیز نوشته «وقتی دست‌هایی جوانان کشور را از هشتک‌های عمیق و وزین مثل ادب مرد به ز دولت اوست، به سمت هشتک‌های ضداخلاقی و کثیفی مثل من سلیطه‌ام و من بی‌ناموسم هدایت می‌کنند، باید انتظار داشته باشیم چنان سقوط اخلاقی اتفاق بیفتد که رفتار زنده فاضلی هم توسط سران اصلاحات و حامیان آنها فضیلت تلقی شود!»

از سوی دیگر هشتگ #دولت\_عصبانی در «ایکس» تویت شده و کاربران معتقدند اصلاح‌طلبان نه تنها طرحی برای حل مشکلات ندارند بلکه با خشونت و عصبانیت با هرگونه نقدی برخورد می‌کنند.

مسعود پزشک‌ها نامزد مورد حمایت اصلاح‌طلبان طی روزهای گذشته در دو دانشگاه «تهران» و «شریف» (آریامهر) هم در جمع دانشجویان حاضر شد اما مورد انتقاد قرار گرفت.

## بیش از پنجاه سال خبررسانی در آلمان درباره ایران با استناد به مجله «اشپیگل» - (بخش ۴)

بازنشر



الاهه بقراط

ویژه اروپا در ارتباط با ایران باشد، علاوه بر منابع دیگر از آرشیو مستندات و مطالب خود «اشپیگل» از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۶ (دوران اصلاحات و دولت اول احمدی نژاد) استفاده شده است. این گزارش مفصل اکنون پس از ۱۶ سال به مناسبت مصاحبه اخیر «اشپیگل» با شاهزاده رضا پهلوی که با عنوان «بله، من خواهان یک انقلاب هستم» منتشر شد، در چند شماره کیهان هفته بازنشر می‌شود.

این گزارش تحقیقی در پاییز ۲۰۰۸/۱۳۸۷ منتشر شد. روی جلد مجله «اشپیگل» با عکس شاه جوان که در این گزارش آمده مربوط به شماره ۳۴ این هفته‌نامه آلمانی به تاریخ ۲۰ اوت ۱۹۵۲ درست یکسال پیش از ۲۸ امرداد ۱۳۳۲ است که یکی از خوانندگان کیهان لندن سال‌ها پیش از آن از کتابخانه شخصی خود به نویسنده هدیه کرده بود. در تهیه این گزارش که می‌تواند نمونه‌ای از برخورد رسانه‌های غرب به

بهمان خوشم نمی‌آید. کسی که می‌خواهد تظاهرات کند، باید فکر بتواند هم بکند. کسی که می‌خواهد چیزی را به سوی سقوط براند، باید بتواند راهی برای آن پیدا کند. و درهانونفر، تخم مرغ و گوجه فرنگی گندیده پرتاب کرده و یا اعلامیه پخش می‌کنند. آنها در داخل، محمدرضا پهلوی، شاه ایران، حاکم مورد

بهمان خوشم نمی‌آید. کسی که می‌خواهد تظاهرات کند، باید فکر بتواند هم بکند. کسی که می‌خواهد چیزی را به سوی سقوط براند، باید بتواند راهی برای آن پیدا کند. و درهانونفر، تخم مرغ و گوجه فرنگی گندیده پرتاب کرده و یا اعلامیه پخش می‌کنند. آنها در داخل، محمدرضا پهلوی، شاه ایران، حاکم مورد

### بخش چهارم

اشپیگل در اوایل دهه شصت میلادی در یک تیتیر دو پهلوی، شاه را با هیتلر مقایسه می‌کند: «خاطرات شاه: به شیوه هیتلر». در متن خبر اما خواننده متوجه می‌شود که این عنوان را اشتباه دریافته است بدون آنکه به این اندیشیده باشد که چه بسا عمد اشپیگل در این بوده است که این تیتیر چنین فهمیده شود. اشپیگل گزارش می‌دهد محمدرضا شاه خاطرات خود را منتشر کرده است و با اشاره ای به مضمون آن می‌افزاید:

«تنظیم کننده خاطرات سلطنتی متفقین سرزنش می‌کند که آنها به جای اینکه با رضا شاه و یا با پسر وی به توافق برسند، به شیوه هیتلر به کشور ما حمله کرده و به این ترتیب یکی از اصولی را که خودشان برای آن می‌جنگند، زیر پا نهادند» (۱۵ مارس ۶۱).

در اینجا خواننده متوجه می‌شود نه خاطرات شاه بلکه شیوه‌ای که متفقین به ایران «حمله» کردند، به «شیوه هیتلر» بوده است.

روشن است که اشپیگل از خطاهای دیگران می‌آموزد. گزارش مجله اشترن، گردانندگان این مجله را هشیار ساخت. هیچ کس نمی‌توانست کسی مانند شاه ایران را که پدرش به رژیم نازی تمایل نشان می‌داد، با هیتلر مقایسه کند بدون آنکه مجبور شود تاوان آن را پس بدهد.

با وجود این مقایسه نامسقیم، کتاب خاطرات شاه به نام «مأموریت برای وطنم» به آلمانی ترجمه و در جمهوری فدرال آلمان منتشر و به قیمت نوزده مارک و هشتاد فنیک به فروش رسید (Im Dienst meines Landes؛ مرکز انتشارات آلمان؛ اشتوتگارت؛ ۱۹۶۱؛ ۳۳۶ صفحه).

از ۱۹۷۰ و یا بهتر بگوییم از جنبش دانشجویی در سال ۱۹۶۷ و مرگ بنو اونه زورگ Benno Ohnesorg دانشجوی آلمانی، اشپیگل به تمامی مسیر دیگری در پیش می‌گیرد که زیر تأثیر مجموعه فضای سیاسی و گروهها و دانشجویان چپ‌گرای ایرانی که در آن دوران در جمهوری فدرال آلمان زندگی می‌کردند قرار داشت. اشپیگل علیه رژیم ایران به موضع گیری می‌پردازد. عمده منابع خبری اشپیگل چپ‌گرایان و دانشجویانی هستند که در «کنفدراسیون» فعالیت می‌کردند. ظاهراً با اینکه این افراد در حال حاضر عمرشان از هفتاد نیز گذشته است، و مانند همان زمان نیز به دور از وطن خود بسر می‌برند، ولی همچنان مهمترین منبع خبری خبرنگارهای آلمان درباره ایران هستند.

به هر روی، رودولف آتوگشتاین، سردبیر اشپیگل، در رابطه با تظاهرات دانشجویی روز دوم ژوئن ۱۹۶۷ زیر عنوان «چرا آنها تظاهرات می‌کنند؟» چنین می‌نویسد:

«من بیننده تلویزیون از شعارهایی مانند «جانسون قاتل» [رییس جمهوری وقت آمریکا] یا «شاه- هیتلر- فلان و



منزاعه کشوری را که وی خودش آن را نمونه ترقی می‌شمارد، دوست می‌دارند و اینها در خارج، از او متفرند و حکومت وی را حکومت پلیسی و زندان می‌نامند».

این گزارش که تلاش می‌کند تا جنبه‌های مثبت و منفی رژیم شاه را به نمایش بگذارد با واکنش‌های متفاوت روبرو می‌شود. یکی از خوانندگان اشپیگل که دانشجوی یزدان شناسی (تئولوژی) در شهر توینگن است برای اشپیگل چنین می‌نویسد: «بی تردید با ارزش ترین گوهر تاجی که شاه ایران بر سر خودش گذاشت، همانا رودولف آتوگشتاین بود. آتوگشتاین با این گزارش در اشپیگل نه تنها پاهای شاه را بوسید، بلکه آن را لیسید».

سال‌های دهه هفتاد از راه می‌رسند. بر اساس اصل «سهیم کردن کارگران در سود کارخانجات» که یکی از اصول اصلاحات شاه بود، یک سوم از سهام کارخانجات به کارگران واگذار می‌شود. شاه برنامه‌های عظیم برای کشورش در ذهن می‌پروراند. او می‌خواهد کشور را بسازد، مدرنیزه کند و در راه صنعتی شدن هدایت نماید. او می‌خواهد کشورش را به پنجمین کشور صنعتی جهان تبدیل کند. هر دو طرف، یعنی هم ایران و هم جمهوری فدرال آلمان، بر روی همکاری‌های عالی و گسترده حساب می‌کنند.

در رابطه با منافع اقتصادی، گزارش‌های زیادی در



اما چرا لازم نیست در خارج به شاه یادآوری کرد که در کشورش زندان دارد. چون او خودش این را می‌داند و چه بسا نکته غم انگیز در این نیست. شاید او خودش را واقعا در نقش یک اصلاحگر می‌بیند. نباید به سوی او گوجه فرنگی پرتاب کرد و کسی که چنین می‌کند، معلوم است که باید روی شیلنگ آب پلیس حساب کند، حتی اگر زن باشد» (۱۹۰۶،۶۷).

هیئت تحریری و ناشر اشپیگل تلاش می‌کنند تا یک تصویر واقعی از واقعیت به نمایش بگذارند و همه طرفین را به خردگرایی فرا می‌خوانند.

شش ماه بعد در تاریخ ۲۳ اکتبر ۱۹۶۷ اشپیگل با عنوان «هفت شبانه روز جشن» منتشر می‌شود. چهل و هشتمین سال تولد شاه و مراسم تاجگذاری وی است. گزارش مفصل اشپیگل چنین آغاز می‌شود:

«هموطنان او در داخل ایران برای وی به عنوان شاهنشاه، شاه شاهان، و نماینده خدا بر زمین، جشن می‌گیرند. هموطنان او در خارج از ایران وی را قاتل و شاه آمریکایی می‌نامند.

هموطنان او در کشور با عکس وی خیابان‌ها و دکانها، پنجره‌ها و ماشین‌ها، دفاتر و بوتیک‌ها را تزیین می‌کنند. هموطنان او در خارج از ایران به عکس‌های وی، مثلاً



«شاه با این فرمان می‌خواهد از یک سو نارضایتی تنگدستان ایران را کاهش دهد و از سوی دیگر عمدتاً به شرکت‌های صنعتی که سرمایه‌ناچیز دارند، یاری رساند». همزمان، ایران خود را به تسلیحات نظامی مجهز می‌کند. به گزارش اسپیکل «شاه ایران در هجده ماه گذشته بیش از دو و نیم میلیارد دلار به خرید تسلیحات اختصاص داد... در کشاکش درگیری‌های خاورمیانه پادشاه ایران کشور خود را به یک قدرت بزرگ شرقی تبدیل می‌کند... ارتش عراق، همسایه ایران، که در مرزهای ایران همواره سبب درگیری می‌شود، این بار به شیخ نشین کویت هجوم آورده است که پیش از این یک بار در سال ۱۹۶۱ آن را اشغال کرده بود.

حتی برای عرضه ارزانت‌تر گاز طبیعی به شورویها، شاه پذیرفت از همسایه شمالی کمونیست تسلیحات شامل خودروهای سنگین، کامیون و خودروهای صحرایی و راکت‌های ضد هوایی به ارزش صد و ده میلیون دلار تحویل

سازماندهی پرداختند. آنها شدیداً با از میان برداشتن ساختار فئودالی مخالف بودند. آنها با حق رأی زنان مخالف بودند. آنها با برابری حقوقی و سیاسی اقلیت‌های مذهبی مخالف بودند. خمینی دستگیر و به تبعید در عراق فرستاده شد. پانزده سال بعد «انقلاب واقعی ایران» زیر رهبری سیاسی و مذهبی او روی داد تا تمامی «تناقضات» این مردم را یک بار برای همیشه هم برای این جامعه و هم برای جهان روشن کند. هر ملتی سرانجام خود باید تصمیم بگیرد: جامعه جهانی و مدرنیته یا انزوا و سنت. هر دو با هم، ممکن نیست.

پنج ماه پیش از انتشار این گزارش اما، اسپیکل درباره «ضرب و شتم، شوک الکتریکی و اعدام‌های مصنوعی» نوشته بود (روح ژنرال: ۱۰ مه ۷۱). در این گزارش از قول ناظران بین‌المللی و سازمان عفو بین‌الملل چنین آمده بود: «اکثر زندانیان شکنجه می‌شوند و با وجود بیماری، آزاد نمی‌گردند. شمار زندانیان سیاسی در ایران با لحاظ احتیاط

→ اسپیکل وجود دارد. نقش نفت را در این گزارش‌ها به روشنی می‌توان دید. در این زمان اسپیکل زیر عنوان «با هر گل چندین خار می‌رویند» درباره هشت سال «انقلاب سفید» در ایران گزارش می‌دهد (۱۱ اکتبر ۷۱).

در این گزارش، اصلاحات شاه که خود وی آن را در برابر «انقلاب سرخ» کاملاً آگاهانه «انقلاب سفید» نامید، به مثابه «انقلاب برای ثروتمندان» ارزیابی می‌شود. اسپیکل می‌نویسد:

«وزارت اطلاعات و جهانگردی در تهران می‌تواند مغرور از صورت عملکرد خود همچنان به خدمت بپردازد:

با به پایان رسیدن اصلاحات ارضی در ۲۲ سپتامبر دیگر زمیندار بزرگ در ایران وجود ندارد. سه میلیون و بیست و شش هزار کشاور به این ترتیب صاحب زمین‌هایی شدند که خود بر روی آنها کار می‌کردند.

تقریباً هفتاد هزار دیپلمه دبیرستان به عنوان «سپاهی دانش» به روستاها اعزام شدند تا کودکان روستایی را خواندن



بگیرد. البته تا کنون هیچ مورد جدی برای ارتش ایران پیش نیامده است... ولی از وقتی که اتحاد شوروی به مثابه یکی از صادرکنندگان تجهیزات و تسلیحات نظامی حدود یک سال پیش یک پیمان دوستی و پشتیبانی با عراق که دشمن موروثی ایران است، منعقد کرد تا از این طریق دسترسی دائمی شوروی به آبهای خلیج تضمین شود، شاه ایران بطور جدی نگران شده و به شدت به تجهیز تسلیحاتی کشور ادامه می‌دهد.

وی طی دیدار کاسیگین از کشور با ناراحتی می‌گوید: «حتی اگر ما از نظر توانایی‌های خود در برابر دشمن ضعیف باشیم، ولی ترجیح می‌دهیم کشورمان نابود شود تا اینکه به دیگران تسلیم گردد» (۰۲ آوریل ۷۳).

تنها هفت سال بعد، مدت کوتاهی پس از آنکه شاه دیگر شاه نبود، و انقلاب اسلامی او را از کشور رانده بود، عراق این «دشمن موروثی» به ایران حمله کرد. جمهوری اسلامی هشت سال جنگ را توانست به برکت تجهیزات نظامی و تسلیحاتی که ارتش در دوران شاه به آن مجهز شده بود، دوام بیاورد. اتحاد شوروی، ایالات متحده آمریکا، اسرائیل و هم چنین جمهوری فدرال آلمان با ارسال اسلحه به هر دو طرف یاری می‌رسانند. (ادامه دارد)

حدود سه هزار نفر تخمین زده می‌شود که از آنها حدود سیصد نفر از بیش از ده سال پیش در زندان بسر می‌برند. نکته جالب اینجاست که در همین گزارش، بر خلاف گزارش پیشین، که پنج ماه بعد منتشر شد، از «انقلاب سفید» به نیکی یاد می‌شود: «حکومت ایران که با «انقلاب سفید» به پیشرفت‌های قابل توجهی در زمینه اقتصادی و اجتماعی دست یافت، تمامی شکایات بین‌المللی را علیه روشهای خشن با تکیذهای مختصر انکار می‌کند». گویا تناقضات مردم ایران به خیرگرایی‌های خارجی نیز سرایت کرده بود. ولی «انقلاب سفید» بدون توجه به این تناقضات در سال ۱۹۷۲ نیز به پیش برده می‌شود. اسپیکل زیر عنوان «سهام ملی در تهران» می‌نویسد:

«رضا پهلوی، شاه ایران، طرح یک اقتصاد ملی را ارائه کرده است. بر اساس این طرح، تمامی صنایع خصوصی باید یک سوم از سهام خود را به مردم واگذار کنند. در واگذاری این سهام، کارگران آن صنایع از اولویت برخوردارند». عین همین واگذاری سهام را رودولف آتوگشتاین دو سال بعد در مورد مؤسسه اسپیکل و کارکنان آن به عمل آورد. ولی شاه به نظر اسپیکل اهداف دیگری غیر از آتوگشتاین را دنبال می‌کرد. اسپیکل می‌نویسد:

و نوشتن بیاموزند و به پدران آنها حفر قنات و ساختن پل را آموزش دهند. پنجاه و پنج درصد کودکان روستایی امروز به مدرسه می‌روند.

«سپاه بهداشت»، پزشکان جوان و دانشجویان پزشکی، خدمات پزشکی و مشاوره و تدابیر بهداشتی را در کشور بر عهده گرفته‌اند. چهارده هزار تخت بیمارستانی در اورژانس‌های روستایی آماده گشته‌اند.

درآمد یک کشاورز بطور متوسط تا صد و پنجاه درصد افزایش یافته و این افزایش در هیچ منطقه‌ای کمتر از پنجاه درصد نیست.

با این همه این آمار درباره آنچه واقعاً در کشور روی می‌دهد، سکوت می‌کند: اکثر روستاییان به کار روزانه دوازده ساعته در مزارع مشغولند اما با کار بر روی مزارعی که به آنها تعلق دارد، آشنایی ندارند و نمی‌دانند با این آزادی عمل نوین چه کنند».

این گزارش با تیزبینی پیشگویانه‌ای چنین پایان می‌یابد: «انقلاب سفید شاه تناقضات جامعه ایران را تشدید کرد. انقلاب واقعی ایران هنوز روی نداده است».

به درستی نیز «انقلاب واقعی ایران» هنوز در پیش بود چرا که ملایان درست بر زمینه همین تناقضات (سنت و مدرنیته، دین و سکولاریسم) به رهبری آیت الله خمینی به

# گفتگو با دکتر امیر حمیدی درباره «پروژه ققنوس ایران»؛ هدف ما راهکارهای بازسازی ایران پس از جمهوری اسلامی است که قطعاً خواهد رسید



امیر حمیدی

داریم که متخصصان در کمیته‌های مربوط روی آنها کار می‌کنند تا بتوانند همه آنها را مرتب به‌روز کنند و طرح‌ها را با مسائل منطقه‌ای و مسائل درون ایران مطابقت دهند. ما سازمان سیاسی نیستیم، ما تخصصی و پژوهشی هستیم و دولتی که در آینده امور را به دست بگیرد، نتایج پژوهش‌ها و طرح‌ها در اختیارشان قرار خواهد گرفت تا بتوانند برای بازسازی ایران استفاده کنند.

● من پاسخ پرسش‌ها را گرفتم؛ شما برآوردتان اینست که در آینده نزدیک فروپاشی جمهوری اسلامی اتفاق خواهد افتاد و به درازا نخواهد کشید. دکتر حمیدی، پژوهشگران ققنوس در زمینه‌های مختلف، آمارهایی را در مورد ایران و شرایط کنونی آن مثلاً در زمینه اقتصادی یا اجتماعی نیاز دارند تا بتوانند پژوهش‌ها و راهکارها را بر پایه آنها پیش ببرند و طراحی کنند. ولی موضوعی که همواره درباره جمهوری اسلامی مطرح بوده، عدم شفافیت آماری و اقدام به آمارسازی یا سانسور آماری است؛ بسیاری از آمارهای بین‌المللی درباره ایران هم بر مبنای همان آمارهای غیرمطمئن است که از سوی جمهوری اسلامی در اختیار آنها قرار می‌گیرد و به دلیل فضای امنیتی حاکم بر کشور هم در بسیاری از موارد امکان دسترسی به آمار واقعی یا حتی تحقیقات میدانی برای کسب آمارهای درست وجود ندارد. آیا پژوهش‌های ققنوس بر پایه آمارهای ارائه شده از سوی جمهوری اسلامی است؟

-پرسش بسیاری خوبی را مطرح کردید و این یک واقعیت است که سازمان‌های خارجی دسترسی آماری ندارند و آمارهایی که از سوی جمهوری اسلامی در اختیارشان قرار می‌گیرد را قبول می‌کنند و اساساً این حکومت از سال ۵۷ تا کنون روی دروغ پایه‌ریزی کرده است. حتی در مورد پاندمی کرونا هم دیدیم که جز جعل و دروغ‌سازی چیز دیگری نبود. خوشبختانه فرهیختگان بین‌المللی، دانشمندان و پژوهشگرانی که با ما همکاری می‌کنند واقعاً پیش‌تازان علم و روشنگری هستند و روابط علمی خوبی با

نیاز به دیپلماسی ماهرانه داریم. این اتفاقات هم یک‌شبه نخواهد افتاد و ما مجبوریم متخصصان را در کمیته‌های مختلف جمع کنیم و زنجیروار دست به دست هم بدهیم تا بتوانیم سرزمین‌مان را از این بن‌بست خارج کنیم و با سرگرفتن روابط دیپلماتیک عادی با کشورهای مختلف و اجرای مقررات بین‌المللی اجرا شوند بتوانیم از نظر اقتصادی، سیاسی، انرژی و محیط زیست شرایطی را به وجود بیاوریم که فرزندان ایران بتوانند به راحتی در کشورشان زندگی کنند.

● ولی دقیقاً مشخص نیست چه زمانی جمهوری اسلامی فرو خواهد باشد و چه زمانی دولت موقت مستقر خواهد شد؛ با توجه به این موضوع، آیا اساساً در «ققنوس» یک چشم‌انداز نسبت به زمان فروپاشی جمهوری اسلامی وجود دارد؟

-این پروژه تحقیقات چشمگیر و پراهمیتی دارد و همواره هم این تحقیقات دنباله‌دار است و همکاران در این اندیشکده به کار خود ادامه می‌دهند. به تاریخ هم که نگاه کنیم، هیچ دولت دیکتاتور و فاسدی که بر پایه جهل و تاریکی و خرافات بوده نتوانسته دوام بیاورد و «اگر»ی وجود ندارد و این حکومت‌ها زیر پای مردم آزادیخواه نابود خواهند شد و جمهوری اسلامی هم استثنا نیست و از هم پاشیده خواهد شد و آن زمان مواردی مانند امنیت ملی بسیار مهم خواهد بود. اینکه فرایند حاصل از عملکرد یک پدیده امنیتی در راستای حفظ پدافند از حقوق حقه‌ی مردم خودش چه می‌تواند باشد، می‌تواند جانی، مالی، اقتصادی، شغلی، یا امنیت ملی و سیاسی و اجتماعی و... باشد. برای دستیابی به چنین امنیتی، حکومتی که سر کار خواهد آمد احتیاج به مکانیزم‌ها و امکاناتی دارد که بتواند در خدمت مردم آن جامعه باشد و امنیت آنها را حفظ کند و از این نظر هیچ تفاوتی با کشورهای پیشرفته نخواهد داشت. کارشناسی که متخصص چه امنیت و چه موضوعات دیگری مانند اقتصاد و محیط زیست هستند در کنفرانس دو روزه یوسی‌ال‌ای تا جایی که وقت بود به تعدادی از این موضوعات پرداختند. ما در مجموع ۱۸ اولویت

● چندی پیش کنفرانس دو روزه «پروژه ققنوس ایران» در لس‌آنجلس برگزار شد. کیهان لندن در ارتباط با فعالیت‌های این اندیشکده با دکتر امیر حمیدی مدیرمسئول دوره‌ای هیئت هماهنگی این اندیشکده گفتگو کرده است. ● «هدف ما بازسازی ساختاری ایران است. هدف ما پس از جمهوری اسلامی است که در ایران چالش‌ها و فرصت‌های بسیار مهمی همراه خود خواهد داشت و بنابراین ما باید تحقیقات‌مان را انجام دهیم و طرح‌هایمان را تکمیل کنیم. به همین دلیل سعی ما اینست که اندیشمندان و دانشمندان را در رشته‌های تخصصی خودشان و در ارتباط با معضلات اجتماعی که در ایران وجود دارد دور هم جمع کنیم.»

● «ما در پروژه ققنوس از تمام فرهیختگان بین‌المللی، دانشمندان، نویسندگان، پژوهشگران، هنرمندان، کارآفرینان و همه پیش‌تازان و کوشندگان که فعالیت آنها بازسازی آینده ایران را در بر می‌گیرد، بهره می‌بریم»  
روشنک آسترکی - اندیشکده «پروژه ققنوس ایران» هفته گذشته و در روزهای ۱۹ و ۲۰ خردادماه ۱۴۰۳ برابر با هشتم و نهم ژوئن ۲۰۲۴ کنفرانس دو روزه‌ای را در دانشگاه یوسی‌ال‌ای شهر لس‌آنجلس برگزار کرد. در این نشست پژوهشگران و دانشمندان «پروژه ققنوس ایران» که در سوم اسفندماه ۱۳۹۷ توسط شاهزاده رضا پهلوی بطور رسمی در واشنگتن بنیان گذاشته شد تا به بررسی و تحقیق درباره مسائل و مشکلات ایران پرداخته و راهکارهای علمی و عملی برای رفع و کاهش آنها ارائه دهند، طرح‌هایی را با موضوعات مختلف از محیط زیست تا روانشناسی اجتماعی و سیاست درباره ایران آینده مطرح کردند. کیهان لندن در ارتباط با فعالیت‌های اندیشکده «پروژه ققنوس ایران» با دکتر امیر حمیدی مدیرمسئول دوره‌ای هیئت هماهنگی این اندیشکده گفتگو کرده است.

● نخست به کنفرانس دو روزه اندیشکده «پروژه ققنوس ایران» که در دانشگاه یوسی‌ال‌ای برگزار شد بپردازیم. هدف از برگزاری این کنفرانس چه بود و ارزیابی شما از دستاوردهای این کنفرانس فشرده چیست؟

-هر برنامه، هر حرکت بزرگی یکسری عملکردهایی دارد. هدف ما بازسازی ساختاری ایران است، هدف ما پس از جمهوری اسلامی است که در ایران چالش‌ها و فرصت‌های بسیار مهمی همراه خود خواهد داشت و بنابراین ما باید تحقیقات‌مان را انجام دهیم و طرح‌هایمان را تکمیل کنیم. به همین دلیل سعی ما اینست که اندیشمندان و دانشمندان را در رشته‌های تخصصی خودشان و در ارتباط با معضلات اجتماعی که در ایران وجود دارد دور هم جمع کنیم، کمیته‌هایی تشکیل دهیم و این افراد بتوانند در رشته‌های تخصصی خود کار کنند و ریزفاکتورها را بدانند که چه اتفاقی افتاده تا بتوانند برای آینده ایران طرح‌های عملی ارائه کنند. با توجه به اینکه خاورمیانه آبیست حوادث بسیار بزرگی است، یکی از موضوعات بسیار مهم سیاست خارجی خواهد بود؛ موضوع هسته‌ای ایران و رابطه ایران با کشورهای همسایه، گروه‌های تروریستی در منطقه، آزاد ساختن دارایی‌ها و سرمایه‌های ایران در خارج کشور از مسائل مهم خواهند بود و برای رسیدن به بهترین نتیجه ما

## پهلوی: انتخاب پادشاهی یا جمهوری حق مردم ایران است



پرچم شیروخورشید شعار «جاوید شاه» سر دادند. خاطره جمعی در ایران به خوبی می‌داند سنگ بنای ایران نوین در دوران دو پادشاه پهلوی گذاشته شد و از این رو در ناخودآگاه خود انسجام، اتحاد و شکوه ملی را در پهلوی می‌جوید. فرزند شاه فقید ایران در یکی از تازه‌ترین گفتگوهای رسانه‌ای که با مجله اشپیکل آلمان انجام داده در پاسخ به این پرسش که: بخشی از حامیان شما قاطعانه خواهان بازگشت پادشاهی هستند. ترجیح شما هم همین است؟ می‌گوید حق آنهاست که این را بخواهند.

تلاش‌ها و راهکارهای متخصصان داخل و خارج کشور به سمت ترقی و پیشرفت خواهد رفت و اتفاقات سال ۵۷ و یک پسریت دیگر اتفاق نخواهد افتاد. درست است؟ -بله، بسیار شفاف شما اشاره کردید. خوشبختانه با دوراندیشی شاهزاده رضا پهلوی این پروژه به وجود آمده و دستاوردهای همه این مجموعه‌ها قطعاً گام بلندی برای پی‌ریزی یک ایران آباد و آزاد است.

● دکتر حمیدی، اگر توضیح دیگری درباره فعالیت ققنوس دارید لطفاً بفرمایید.

-من از شما صمیمانه سپاسگزارم که وقت گذاشتید تا درباره ققنوس صحبت کنیم و آرزوی سلامتی و آزادی برای ملت ایران زمین دارم و امیدوارم که زنجیروار دست به دست بدهیم و بتوانیم هر کدام در حد توان تلاش کنیم که ققنوس‌وار برخیزیم. دست‌های بهم پیوسته ما می‌تواند امیدی باشد و راهی را هموار کند که مردم دوباره روی آرامش و امنیت و آزادی ببینند. اسم این اندیشکده «ققنوس» است و امیدوارم در واقعیت نیز به همان شکل اسطوره‌ای، ایران دوباره از خاکستر خود برای آزادی و آبادی برخیزد.

● سپاس به خاطر زمانی که در اختیار من و کیهان لندن قرار دادید.

مهر ۱۳۵۰ هلیکوپتری در پاسارگاد فرود آمد که مسافرانی ویژه داشت. مردی که او را آریامهر می‌نامیدند و زنی که ملکه تاجدار ایران بود. در حالی که چشم‌های سران و پادشاهان ۶۹ کشور جهان به عظمت پادشاهی ایران دوخته شده بود، شاه پهلوی سوگند یاد کرد که بزرگی و سربلندی این سرزمین را به عنوان ودیعه‌ای مقدس که گذشتگان به ما سپرده‌اند با اراده‌ای پولادین حفظ خواهیم کرد و این کشور را سربلندتر و پیروزتر از همیشه به آیندگان خویش خواهیم سپرد. ۴۵ سال بعد در آبان ۱۳۹۵ شعار «پهلوی، پهلوی» در پاسارگاد طنین‌انداز شد و مردم با برافراشتن

بازسازی آینده ایران را در بر می‌گیرد، بهره می‌بریم و سعی کردیم این سازمان را در شش سال گذشته و در کنفرانس‌ها و کمیته‌هایی پیش ببریم که هدف‌اش در عین حال ایجاد همسویی و همگرایی بین متخصصین و دانشگاهیان، چه در درون ایران و چه در خارج از ایران نیز هست. فکر می‌کنم کاملاً مشخص است که داریم چه می‌کنیم. شاهزاده رضا پهلوی با آن ایده‌ای که این ساختار را ساخته و همیشه به صورت بسیار روشن گفته ما باید بر این باور باشیم که با یاری رساندن و قبول مسئولیت‌های تخصصی خود بتوانیم این سرزمین را بسازیم. می‌دانم اسم‌اش را سیاسی یا غیرسیاسی می‌گذارند اما آنچه مشخص است کشور را متخصصان می‌سازند. و این چشم‌اندازی است که شاهزاده رضا پهلوی دارد برای ساختن ایرانی سکولار، دموکرات، قانونمند و آباد با حفظ و حراست از تمامیت ارضی سرزمین و احترام به قوانین بین‌المللی و... فکر می‌کنم اینهمه شکی برای کسی باقی نمی‌گذارد که برای بنای مجدد ایران نوین پس از فروپاشی این رژیم کودک‌کش باید آماده باشیم.

● پس اگر توضیحات شما را درست متوجه شده باشیم، می‌فرمایید که این طرح‌ها و همه آنچه ققنوس انجام داده و می‌دهد این امیدواری را به مردم درون کشور می‌دهد که در فدای براندازی جمهوری اسلامی، ایران بر اساس

درون ایران دارند و دانشمندان درون سرزمین‌مان هم می‌خواهند که کشور را بهتر بسازند و خوشبختانه ما این امکان را در کشور داریم که پژوهش‌ها در زمینه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی تا تکنولوژی و محیط زیست را با همکاری دانشمندان و پژوهشگران در آنجا پیش ببریم و در کنفرانس دو روزه در دانشگاه یوسی‌ال‌ای هم در یک بخش مقاله‌ای از سوی یکی از دانشمندان درون کشور در رابطه با نیروگاه اتمی بوشهر ارائه شده بود که بدون ذکر نام ایشان از سوی دکتر معارفی در کنفرانس ارائه شد.

من اتفاقاً از تمام دانشمندان درون کشور تقاضا دارم برای همکاری و برای اینکه کشور برای همه ایرانیان است باید دست به دست بدهیم و با قبول مسئولیت‌های تخصصی خودمان شتابی به پیمودن راه باقی‌مانده برای آزاد کردن سرزمین مادری‌مان بدهیم تا بتوانیم ایرانی آزاد، سکولار و دموکرات و قانونمند و آباد و امن و مرفه داشته باشیم.

● افرادی که علاقمند هستند با ققنوس همکاری داشته باشند، چگونه می‌توانند با ققنوس ارتباط بگیرند؟

-در وبسایت ققنوس، شرایط همکاری توضیح داده شده و ایمیل‌ها پیوست و «اتچمنت» نفرستند چون به دلیل مسائل امنیتی باز نمی‌کنیم؛ فقط در متن ایمیل، اطلاعات کلی درباره خودشان، تحصیلات و سابقه کاری و پژوهشی را بفرستند و ما با آنها تماس می‌گیریم. همینطور همه تلاش‌مان را می‌کنیم که امنیت این افراد به خطر نیفتد و شیوه همکاری هم هر طور که دوست داشته باشند پیش می‌بریم چون ما احتیاج به آمارها و کمک دانشمندان درون ایران داریم. ما می‌دانیم که بسیاری از متخصصان در وزارتخانه‌های مختلف از اقتصاد تا کشاورزی و آموزش و پرورش و صنایع و... و همچنین بهداشت و درمان مشغول به کار هستند. هر کدام از افرادی که در این وزارتخانه‌ها همکاری دارند، و مایل‌اند با ققنوس همکاری کنند و بخشی از روند بازسازی ایران در آینده باشند، ما دست‌مان را به سوی آنها دراز می‌کنیم و با آنها همکاری می‌کنیم.

● ققنوس اعلام کرده سازمان سیاسی نیست و اندیشکده فعال در حوزه علم و تکنولوژی و فناوری است اما مردم در ایران که چشم به خارج کشور و جامعه دیاسپورا نیز دارند، با توجه به تجربه تلخ انقلاب ۵۷ به دنبال این هستند که ببینند آیا چشم‌اندازی وجود دارد که با هزینه‌ای که برای براندازی جمهوری اسلامی می‌دهند، سعادت آنها و کشور تضمین شود و شرایط بدتر نشود؟ به نظر شما آیا طرح‌ها و فعالیت ققنوس و به ویژه وقتی به صورت عمومی در کنفرانس‌هایی مانند کنفرانس اخیر در یوسی‌ال‌ای درباره آنها صحبت می‌شود چه تأثیری بر افکار عمومی در ایران دارد و چگونه می‌تواند به روند براندازی جمهوری اسلامی کمک کند؟

-اجازه بدهید به این شکل شفاف توضیح بدهم. پروژه ققنوس با دوراندیشی شه‌ریار سرزمین‌مان شاهزاده رضا پهلوی و به واسطه موقعیت ویژه‌ای که ایران به آن دچار است درست شده. ایشان تشخیص دادند که برای سرعت بخشیدن به بازسازی دوباره چرخ‌های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و همه معضلاتی که کشور امروز به آن دچار است، نیاز به یک تشکیلات منسجم و کارآمد هست و پروژه ققنوس ایران در سال ۲۰۱۸ میلادی با همین زمینه شکل گرفت. حالا این را هر کسی چطور می‌خواهد معنی یا ترجمه کند، سیاسی یا غیرسیاسی، در فعالیت آن نقشی بازی نمی‌کند. ما در پروژه ققنوس از تمام فرهیختگان بین‌المللی، دانشمندان، نویسندگان، پژوهشگران، هنرمندان، کارآفرینان و همه پیشتا‌زان و کوشندگان که فعالیت آنها

## گفتگو درباره کتاب «بازخوانی مفهوم امت» سید قطب و نواب صفوی دو پدر معنوی علی خامنه‌ای



نواب صفوی و سید قطب

پادشاهی پهلوی، ظالم و غیراسلامی هستند و باید برانداخته شوند و حکومت ایران باید اسلامی و بخشی از امت اسلام باشد. این عینا عقیده قطب درباره غیراسلامی بودن حکومت جمال عبدالناصر بود. از این رو، جمال عبدالناصر یکبار مورد سوء قصد ناموفق قرار گرفت.

نواب که گروه فدائیان اسلام را تاسیس کرده بود عینا در ایران دست به ترور زد. از جمله این افراد عبارت بودند از عبدالحسین هژیر (نخست وزیر)، علی رزم‌آرا (نخست وزیر)، حسین علا (نخست وزیر)، حسنعلی منصور (نخست وزیر)، حسین فاطمی (وزیر خارجه)، احمد زنگنه (وزیر فرهنگ) و احمد کسروی (نویسنده).

تاثیرپذیری خامنه‌ای از قطب تا آنجا بود که ۳ کتاب از کتاب‌های قطب را در سنین ۲۰ تا ۳۰ سالگی به فارسی ترجمه کرد. دیگر کتاب سید قطب را هم محمد خامنه‌ای، برادر بزرگ خامنه‌ای، ترجمه کرده که بیانگر این است که این دو برادر، در فضای فکری سید قطب بوده‌اند. سه کتابی که توسط علی خامنه‌ای به فارسی برگردانده شدند عبارتند از: «المستقبل لهذاالدين» ترجمه شده با عنوان «آینده در قلمرو اسلام»، «الاسلام و مشکلات الحضاره» با عنوان «ادعاینامه علیه تمدن غرب» و کتاب «تفسیر قطب بر قرآن» با نام «فی ظلال القرآن» که بخش‌هایی از آن توسط علی خامنه‌ای با نام «در سایه قرآن» برگردان شده است. (بخش‌های دیگر توسط مصطفی خرم‌دل).

اگر دقت کنید کتاب اول، بازتاب نگاه نویسنده به پتانسیلی است که او در فراگیر شدن اسلام می‌دید و نام کتاب دوم با ترجمه خامنه‌ای، بیانگر نگاه غرب‌ستیزانه است.

نکته مهم در نظریه‌پردازی سید قطب آن است که او ترور و وحشت‌آفرینی را در بستر مفهوم جهاد، تئوریزه کرده بود. ظهور انواع و اقسام گروه‌های جهادی با نام‌های مختلف در گوشه و کنار دنیا همه به این شجره خبیثه برمی‌گردد که سید قطب آن را آبیاری کرد. تفکری که بر نواب صفوی تاثیر گذاشت و او هم علی خامنه‌ای را تحت تاثیر قرار داد. ←

و عقب افتادن از قافله دانش، موجبات این فروپاشی را رقم زد. همانطور که روم باستان با آن عظمتی که داشت فروپاشید.

● در بخش دیگری از این کتاب اشاره کردید که مسئله پرداختن به «امت» و احیای «امت اسلامی» ایده‌ای نیست که فقط به علی خامنه‌ای محدود شود.

-بله، در ایران تنها علی خامنه‌ای نیست که به چنین باوری معتقد بوده است. خمینی هم چنین می‌اندیشید، حتی این نگاه تمدنی موهوم در شیعه و سنی سیاسی شکل گرفته بود. بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی میان اهل تسنن، حتی یک کشور سنی بر اساس خلافت تا امروز شکل نگرفته اما در ایران یک کشور با حکومت اسلامی شکل گرفت اما نه تحت نام «خلافت» بلکه به نام «ولایت فقیه». گو اینکه خامنه‌ای عمیقاً به احیای امت باور دارد، اما جالب اینجاست که او این اعتقاد را از سید قطب گرفته است.

● لطفاً در مورد دیدگاه‌های سید قطب برای خوانندگان ما توضیح دهید.

-سید قطب یکی از رهبران جنبش اخوان المسلمین در مصر است. دیدگاه سید قطب این بود که می‌بایست یک دولت اسلامی تشکیل داد و برای احیای تمدن اسلامی نیازمند جهاد هستیم. در این زمان یک رابطه بسیار مهم ایجاد شد. نواب صفوی به قاهره رفت و در دیدار با سید قطب به شدت تحت تاثیر افکار وی قرار گرفت.

پس از بازگشت به ایران، او در مشهد سخنرانی داشت. در پای منبر او، جوانی ۱۴ ساله به نام علی خامنه‌ای حضور داشت که به گفته خودش به شدت تحت تاثیر افکار و سخنان نواب صفوی قرار گرفت. بعدها در زمانی که خامنه‌ای رییس جمهوری اسلامی شد، شرکت پست در ۱۳۶۳ هجری به «یادبود شهادت» سید قطب منتشر کرد. این بیانگر آن است که خامنه‌ای از طریق نواب صفوی ارادت به سید قطب داشت.

نواب صفوی در آن سخنرانی معتقد بود حکومت و

● حسین علیزاده کاردار پیشین سفارت ایران در فنلاند که همزمان با اعتراضات به نتایج انتخابات ریاست جمهوری اسلامی خرداد ۸۸، از سمت خود کناره گرفت، چندی پیش کتابی با عنوان «بازخوانی مفهوم امت» به زبان انگلیسی منتشر کرد.

● «دیدگاه سید قطب این بود که می‌بایست یک دولت اسلامی تشکیل داد و برای احیای تمدن اسلامی نیازمند جهاد هستیم. در این زمان یک رابطه بسیار مهم ایجاد شد. نواب صفوی به قاهره رفت و در دیدار با سید قطب به شدت تحت تاثیر افکار وی قرار گرفت.»

● پس از بازگشت نواب صفوی به ایران در مشهد سخنرانی داشت. در پای منبر او، جوانی ۱۴ ساله به نام علی خامنه‌ای حضور داشت که به گفته خودش به شدت تحت تاثیر افکار و سخنان نواب صفوی قرار گرفت.»

● «تاثیرپذیری خامنه‌ای از سید قطب تا آنجا بود که ۳ کتاب از کتاب‌های قطب را در سنین ۲۰ تا ۳۰ سالگی به فارسی ترجمه کرد. دیگر کتاب سید قطب را هم محمد خامنه‌ای، برادر بزرگ خامنه‌ای، ترجمه کرد.»

● «نکته مهم در نظریه‌پردازی سید قطب آن است که او ترور و وحشت‌آفرینی را در بستر مفهوم جهاد، تئوریزه کرد. ظهور انواع و اقسام گروه‌های جهادی با نام‌های مختلف در گوشه و کنار دنیا همه به این شجره خبیثه برمی‌گردد که سید قطب آن را آبیاری کرد. تفکری که بر نواب صفوی تاثیر گذاشت و او هم علی خامنه‌ای را تحت تاثیر قرار داد.»

فیروزه نوردستوم- حسین علیزاده کاردار پیشین سفارت جمهوری اسلامی ایران در فنلاند است که پس از شکل گرفتن اعتراضات به نتایج انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۸۸، از سمت خود کناره گرفت. این نویسنده و پژوهشگر «موسسه صلح تامپره» در فنلاند، چندی پیش کتابی با عنوان «بازخوانی مفهوم امت» به زبان انگلیسی منتشر کرد. پیشتر در سال ۱۳۸۴ کتاب «تاریخ روابط ایران و مصر» نیز توسط وی منتشر شده بود. کیهان لندن به منظور بررسی بیشتر کتاب «بازخوانی مفهوم امت» با حسین علیزاده گفتگو کرده است.

● بر خلاف باور عموم که «امت» را به عنوان «جامعه دین‌باوران مسلمان» تعریف می‌کند، چرا در کتاب خود، «امت» را یک مفهوم سیاسی دانسته‌اند؟

-پیشتر یک اعتقادی در اسلامگرایان شکل گرفت که می‌گفت ما یک امت واحد بودیم، آنها معتقدند این امت واحد، یک تمدن درخشان در به اصطلاح دوران تمدن طلایی اسلام برای بشریت به ارمغان آورده بود. باورمندان به این تفکر معتقدند جهان کفر این تمدن را از بین برده است.

به اعتقاد من این ایده‌های موهوم است و چیزی به نام «تمدن اسلامی» نداریم. آنچه بوده تمدنی است که بر بال فرهنگ و تمدن‌هایی مانند ایران و اندلس رشد کرده است. اگر اسلام تمدنی آورده باید در مکه و مدینه و در جایی که اسلام رشد کرد، دانشمندانی ظهور می‌کردند، در صورتی که این رشد در سوی دیگر و در اروپا و آفریقا و اندلس بود. در اینجا ابن سینا و آنجا ابن رشد اندلسی ظهور کردند. ولی اگر فرض بگیریم در گذشته تمدنی به نام تمدن اسلامی وجود داشت، عامل خارجی موجب فروپاشی آن نشد، بلکه امت آن را از درون پاشید. مشکلاتی از قبیل فساد از یکسو



بلوک شرق در تقابل بلوک غرب در نظام دوقطبی است. ایده تشکیل یک بلوک مسلمان در درون خود، اندیشه نزاع تمدنی را دارد. همانکه ساموئل هانتینگتون از آن با عنوان «نبرد تمدن‌ها» نام برده است.

● آیا می‌توان گفت نکته مهم کتاب شما در این است که مفهوم «امت» را به بلوک مسلمانی تعبیر کرده‌اید و به این موضوع پرداخته‌اید که مفهوم «امت اسلامی» ایده‌ای متوهمانه و مخاطره‌آمیز است؟

-بله، همانطور که دنیای آن زمان به نظام دو قطبی بلوک شرق و بلوک غرب، تقسیم شده بود، مفهوم امت را در کتابم معنا کردم، یعنی بلوک مسلمانی. بنا به تصور باورمندان به مفهوم «امت اسلامی» ما یک امت مسلمانی، یکپارچه و بدون مرز با یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون جمعیت. بجز ما کسانی که آن طرف مرز قرار دارند دشمن ما هستند. همانها بودند که سرزمین ما را استعمار کردند و نهاد خلافت را بر اساس قرارداد سایکس-پیکو (Sykes-Picot) از بین بردند که این یک ادعای نادرستی است. این همان نکته‌ای است که ساموئل هانتینگتون در کتاب «نبرد تمدن‌ها» بر آن دست گذاشته. او می‌گوید یک زمانی بود که دنیا دارای دو بلوک شرق و غرب بود، بلوک شرق فروپاشید، بلوک غرب سرجای خود هست، اما چه چیزی از این پس، بلوک غرب را تهدید خواهد کرد؟ او می‌گوید زمانی خواهد رسید که نبرد تمدن‌ها شکل می‌گیرد و از جمله اشاره می‌کند که دو تمدن به تقابل با غرب خواهند آمد، تمدن چینی و تمدن اسلامی. او همین مسئله را پیش‌بینی کرده بود. کتاب من هم به همین مسئله اشاره می‌کند که اگر به مفهوم سیاسی «امت» باور داشته باشید اولاً تحقیق ناپذیر است، چون مدعی برافکنند مرزهاست و دوم بر فرض اینکه تحقیق هم پیدا کند، در این مفهوم، یک نزاع تمدنی بسیار خونین با بلوک دیگر نهفته است. یعنی نزاع خارجی. خطر دوم، نزاع داخلی است. فرض کنیم یک سرزمین یکپارچه به این وسعت بزرگ تشکیل دادیم، رهبر امت چه کسی است؟ هر کسی که بگوید من رهبر این امت یگانه هستم و بر یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون نفر حکمرانی می‌کنم، در تقابل با دیگر مسلمانان قرار می‌گیرد، مثال زنده آن، ابوبکر بغدادی است که گفت می‌خواهم امت تشکیل دهم، مرزها را برمی‌دارم و رهبر و خلیفه این امت هم من هستم، ولی با او جنگیدند. حالا بجای او هر کس دیگری ادعا کند که من رهبر امت اسلامی هستم با او خواهند جنگید، پس در درون مفهوم امت، دو خطر خوابیده، اولاً تحقیق ناپذیر است، و دوم، این مفهوم، خود را در تنازع با جهان غیراسلام قرار می‌دهد، از آنتیست گرفته تا مسیحی، یهودی، بودایی و بهایی. از سوی دیگر تنازع درونی هم ایجاد می‌کند اینکه این لقمه چرب و شیرین در دست چه کسی باشد؟ و هم مدعیان بر سر آن می‌جنگند.

● به دلیل همین خطرات احتمالی است که جهان عرب تمایلی به صدور انقلاب اسلامی از سوی جمهوری اسلامی نداشته...  
-... وقتی انقلاب اسلامی در ایران شکل گرفت و موضوع صدور انقلاب اسلامی مطرح شد چرا رهبران نظام بحث صدور انقلاب را مطرح کردند؟ چون می‌خواستند مرزها را بردارند و بگویند ما یک امت واحد هستیم، عراق، اردن، کویت، عربستان همه باید مثل ما باشند. اینجا بود که از همان زمان خمینی، این خطر، از سوی کشورهای مسلمان احساس شد و هرچه جلوتر رفتیم آنها به این باور رسیدند که این ایدئولوژی در درون خود یک ایدئولوژی تمامیت‌گرا و اقتدارگراست. تمامیت‌گرا یعنی خود را مالک کل جهان اسلام می‌داند. اقتدارگراست یعنی قرار نیست کل جهان اسلام را با کسی سهیم شود.

خلافت بودند. خمینی همین ایده را گرفت و آن را تحت نهاد «ولایت فقیه» مطرح کرد.

به یاد داشته باشید هنگامی که داعش، سرزمینی را تصرف می‌کرد «خلافت اسلامی» و نه «جمهوری اسلامی داعش» اعلام می‌کرد. چرا ابوبکر بغدادی خود را «خلیفه» و نه رئیس جمهور می‌نامد؟ به این دلیل که معتقدند مدل تاریخی



حسین علیزاده

برای ما وجود داشته، مبنای ۱۳۰۰ سال پس از فوت پیامبر، جانشینان (خلفای) پیامبر اسلام بر ما حکومت می‌کردند تا سال ۱۹۲۴، این نهاد با ۱۳ قرن قدمت، توسط آنتاتورک از بین رفت و حالا که خود را تحت استعمار می‌دیدند برای جلوگیری از ورود ایدئولوژی‌های وارداتی، اندیشه «امت» را مطرح کردند.

● در کتاب‌تان به افرادی اشاره کرده‌اید که مفهوم «امت» را به عنوان یکپارچگی سرزمین می‌بینند؛ همچنین نوشته‌اید تحقیق مفهوم «امت» امکان‌ناپذیر است. چرا؟  
-به یک دلیل ساده. برای اینکه در ایده تشکیل امت واحد قرار است همه مرزهای موجود در کشورها از میان برداشته شود و من از آن به عنوان امت- دولت (Umma-State) نام می‌برم که در تقابل با پارادایم دولت ملت (nation state) قرار دارد. این پارادایم از سال ۱۶۴۸ جهان امروز را برای حدود ۵۰۰ سال بر اساس دولت-ملت تاسیس کرده است. دولت-ملت، یعنی هر جمعیتی با یک اشتراکاتی یک سرزمینی را در اختیار خود دارند، همراه با یک نقشه‌ای که از این سرزمین ترسیم کرده‌اند. وقتی بحث «امت» را مطرح می‌کنید اولین مسئله آن این است که با سنت ۵۰۰ ساله پارادایم nation state مخالفت می‌کند. آیا کشورهای جهان حاضرند مرزهای خود را از دست بدهند؟ پس به این دلیل معتقدم که تحقیق مفهوم «امت» امکان‌ناپذیر است. نکته دوم و مهم‌تر آن است که مفهوم «امت» دو مخاطره در خود نهفته دارد. خطر اول اینکه می‌گویند بر فرض اینکه ما مرزهای سرزمینی را در ۵۷ کشور مسلمان برداشتیم؛ رهبر این «امت واحد» کیست؟! مگر هنگامی که ابوبکر البغدادی خود را رهبر امت اسلام و خلیفه رسول‌الله دانست، دیگران پذیرفتند؟ اگر اردوغان چنین ادعایی کند، دیگران خواهند پذیرفت؟ اکنون که خامنه‌ای را امام امت می‌نامند جهان اسلام آن را پذیرفته است؟

دومین خطر این است که درک اسلام‌گرایان از امت، عبارت است «بلوک واحد مسلمانی». این مفهوم، عیناً مانند مفهوم

علاوه بر علی خامنه‌ای که سه کتاب سید قطب را ترجمه کرد، مترجمان دیگری هم کتاب‌های سید قطب و اخوان المسلمین را ترجمه کردند. در آن دهه، بارشی از افکار مسموم اخوان المسلمین، تحت مفهوم «اسلام سیاسی» در ایران شکل گرفت که از جمله علی خامنه‌ای را تحت تأثیر قرار داد. از این رو، واژه‌پردازی‌هایی چون جاهلیت مدرن، جهاد، دولت اسلامی، امت واحد و... همه مفاهیم سیاسی وارداتی در ایران است. اگر نبود، ترجمه آثار اخوان المسلمین به ویژه قطب، هیچ رد پای پرنرنگی از نگاه ایدئولوژیک به اسلام سیاسی در متفکران ایرانی مسلمان معاصر نمی‌داشتیم. بنابراین، مفهوم سیاسی امت، اندیشه‌ای وارداتی است، اما، به دست خمینی بارور شد و از اینجا است که او و خامنه‌ای خود را «امام امت» نامیدند.

با این حساب، دو تعبیر «امام امت» و «امت امام» اولین بار برای خامنه‌ای استفاده نشد. نخستین بار، این واژگان برای خمینی استفاده شد و علی خامنه‌ای میراثدار آن است. با نگاه او مبنی بر «آینده در قلمرو اسلام» است که خامنه‌ای برای خود، نقش تمدن‌ساز اسلامی قائل است و معتقد است که نظام جمهوری اسلامی در نهایت منتهی به احیای تمدن نوین اسلامی می‌شود.

بطور کلی اگر فردی اسلام را از بستر دین (تئولوژی) خارج کند و به ایدئولوژی تبدیل کند، این ایدئولوژی برای به قدرت رسیدن است. در مصر، حسن البنا با تاسیس جنبش اخوان المسلمین، درخت اسلام سیاسی را به عنوان یک ایدئولوژی کاشت و سید قطب آن را آبیاری کرد.

● چرا افرادی همچون حسن البنا و سید قطب، اسلام را از بستر یک عقیده و دین خارج کردند؟

-اینها می‌دیدند بیشتر کشورهای با اکثریت مسلمان، تحت استعمار فرانسه یا انگلستان و برخی کشورهای دیگر قرار گرفته‌اند مثلاً مصر، تحت استعمار انگلستان بود. برای مبارزه با استعمار، انواع ایسم‌ها شکل گرفت، مثلاً جنبش سوسیالیسم عربی یا ماتریالیسم کمونیسم و دیگر ایدئولوژی‌ها در مصر ظهور پیدا کردند. در این میان، آنها که مسلمان بودند نمی‌خواستند ایدئولوژی‌های اروپایی را مبنای مبارزه علیه استعمار به کار بگیرند، مثل مارکسیسم یا لنینیسم. یک‌دفعه به خود آمدند و گفتند مسلمانان به واسطه خلافت عثمانی حکومت پهناوری داشتند که در جنگ جهانی اول شکست خورد و بنیاد خلافت در ۱۹۲۴ ملغی شد. از این رو، این اخوان المسلمین بود که با تاسیس در ۱۹۲۸ (۴ سال پس از انحلال خلافت عثمانی) ایده بازگشت به احیای خلافت و جانشینی رسول‌الله را مطرح کرد. احساس متفکران سنی این بود که پیکر اسلام بدون سر (نهاد خلافت) شده و باید آن را احیا کرد. این احساس در متفکران شیعه هرگز شکل نگرفته بود چرا که به باور شیعه، نهاد رهبری، امامت است و نه خلافت و ثانیاً نهاد امامت، منحصر در امامان معصوم است و در زمان غیبت امام زمان، شیعیان وظیفه تاسیس دولت اسلامی ندارند. این باور شیعه با ظهور خمینی واژگون شد و تاسیس دولت را منحصر در وظایف امام معصوم ندانست. او این نظریه را مطرح کرد که فقیهان، به جانشینی از امام زمان می‌توانند تشکیل دولت دهند. درواقع، او زندانه اول به عنوان یک فقیه، خود را نایب امام زمان دانست و سپس برای خود قباوی ولایت فقیه را دوخت.

اما، درواقع او افکار قطب را وام گرفت که معتقد بود باید خلافت را احیا کنیم تا بتوانیم امت اسلامی را احیا کنیم. اینجا است که اندیشه «امت» بسیار پرنرنگ می‌شود، از ابوالعلا مودودی تا حسن البنا و قطب تا داعش، همه به دنبال احیای امت اسلامی از طریق احیای دولت اسلامی تحت نهاد

## ملکه ایران داستان زندگی اش را برای هالیوود روایت می کند

آن که برای من بسیار مهم است، صحبت شود.» او ادامه می دهد: «بسیاری از جوانان و مردم ایالات متحده در مورد کشور ما نمی دانند و آنچه می دانند عمدتاً منفی است، به ویژه با توجه به همه چیزهایی که اکنون در آنجا می گذرد. امیدوارم این دو پروژه باعث جلب توجه مردم در سراسر جهان به کشور و تمدن ما شود.»

«دولاین» در توضیح این پروژه ها می نویسد که تمرکز آنها بر نشان دادن استقامت زنی متمرکز خواهد بود که با وجود بیش از ۴۵ سال تبعید و سوگ از دست دادن همسر و دو فرزندش، همچنان عمیقاً به وظیفه خود به عنوان شهبانوی یک سرزمین و دل بسته به میهن، پایبند است. او هرگز ازدواج مجدد نکرد و هویت ایرانی خود را رها نداشت. ازدواج او با شاه بسیار فراتر از زندگی مشترک یک زن و مرد و یا بین «رعیت و حاکم» بوده است. بلکه پیوند یک شهروند با وطنی بود که مرگ آنها را از هم جدا کرد.

روزانا گریس از بنیانگذاران «گروه سرندیپیتی» تحت تأثیر مرگ مهسا امینی در سال ۲۰۲۲ در بازداشت پلیس امنیت اخلاقی و گشت ارشاد و موج اعتراضات سراسری، با



شهبانو فرح پهلوی / مه ۱۹۶۰ / تهران / رویترز

● وبسایت «دولاین» در یک گزارش اختصاصی خبر می دهد که شهبانو فرح پهلوی داستان زندگی خود را بر پردهی بزرگ سینمای هالیوود روایت می کند.

● شهبانو درباره دو پروژه داستانی و مستند که برای تهیه آنها به روایت زندگی خود پرداخته است می گوید: «من می خواهم نشان دهم ایران چیست و مردم ایران چه کسانی هستند. می خواهم در مورد کشورم به ویژه تاریخ و فرهنگ آن که برای من بسیار مهم است، صحبت شود. بسیاری از جوانان و مردم ایالات متحده در مورد کشور ما نمی دانند و آنچه می دانند عمدتاً منفی است، به ویژه با توجه به همه چیزهایی که اکنون در آنجا می گذرد. امیدوارم این دو پروژه باعث جلب توجه مردم در سراسر جهان به کشور و تمدن ما شود.»

● وقتی «دولاین» از شهبانو درباره سریال «آخرین شاه» که نتفلیکس قرار است بر اساس الگوی سریال «تاج» درباره خانواده سلطنتی انگلستان بسازد پرسید، اظهار بی اطلاعی کرد و گفت: «من نشنیده ام که آنها در مورد شاه فقید برنامه ای برای اجرا داشته باشند.»



شاه و شهبانو در سفر به واشنگتن و ضیافت کاخ سفید در کنار جان اف کندی و ژاکلین کندی



مه ۱۹۶۰ / تهران / رویترز

علیاحضرت و کامبیز آتابای رئیس دفتر ایشان تماس گرفت. موضوع مشترک بین امینی و پهلوی، مبارزهی زنانی است که می ایستند و برای حقوقی که به آن اعتقاد دارند می جنگند. گریس می گوید که به خاطر قدرت و تعهد بی دریغ ملکه ایران به حقوق زنان، به داستان زندگی علیاحضرت علاقمند شده است. در دوران سلطنت پهلوی از ۱۹۲۵ تا ۱۹۷۹ زنان از آزادی های بسیار از جمله حق رأی برخوردار بودند در حالی که حاکمان چه قبل از پهلوی و چه پس از آن بطور گسترده حقوق زنان را محدود کردند.

شهبانو با آگاهی از تمرکز «سرندیپیتی» بر بیان دقیق تاریخی، با این همکاری موافقت کرد. «گروه رسانه ای میدلتون» بعداً وارد این پروژه شد.

در بیانیه مشترک تهیه کنندگان این پروژه از جمله آمده است: «برای ما افتخار بزرگی است که این روایت بسیار مهم را با مخاطبان به اشتراک بگذاریم. ما بر این باوریم که زمان مناسبی برای روایت زندگی علیاحضرت فرح پهلوی ←

۲۰۰۶ به انتشار جدیدترین خبرهای هالیوود می پردازد، نوشته که روایت داستان زندگی ملکه ایران با همکاری تولیدکنندگان «گروه سرندیپیتی» و «گروه رسانه ای میدلتون» صورت می گیرد.

این وبسایت می نویسد، زندگی علیاحضرت فرح پهلوی این فرصت را به وی داده تا در ساختن یک مستند و یک فیلمنامه که در حال حاضر در دست تهیه است شرکت داشته باشد. فیلمبرداری پروژهی مستند اخیراً در واشنگتن دی سی آغاز شده و انتظار می رود تولید آن در طول سال ادامه یابد. پروژه فیلمنامه نیز همزمان در حال انجام است.

شهبانو به «دولاین» می گوید: «من از اینکه گروه سرندیپیتی روایت زندگی مرا در یک فیلم مستند و یک پروژه داستانی بازگو می کند خوشنود هستم اما می خواهم که آنها در این آثار به فراتر از زندگی من بپردازند. من می خواهم نشان دهم ایران چیست و مردم ایران چه کسانی هستند. می خواهم در مورد کشورم به ویژه تاریخ و فرهنگ

● روزانا گریس از بنیانگذاران «گروه سرندیپیتی»، یکی از مجریان این پروژه سینمایی، تحت تأثیر مرگ مهسا امینی در سال ۲۰۲۲ در بازداشت پلیس امنیت اخلاقی و گشت ارشاد و موج اعتراضات سراسری، با علیاحضرت و کامبیز آتابای رئیس دفتر ایشان تماس گرفت. موضوع مشترک بین امینی و پهلوی، مبارزهی زنانی است که می ایستند و برای حقوقی که به آن اعتقاد دارند می جنگند. گریس می گوید که به خاطر قدرت و تعهد بی دریغ ملکه ایران به حقوق زنان، به داستان زندگی علیاحضرت علاقمند شده است. در دوران سلطنت پهلوی از ۱۹۲۵ تا ۱۹۷۹ زنان از آزادی های بسیار از جمله حق رأی برخوردار بودند در حالی که حاکمان چه قبل از پهلوی و چه پس از آن بطور گسترده حقوق زنان را محدود کردند.

وبسایت «دولاین» در یک گزارش اختصاصی خبر می دهد که شهبانو فرح پهلوی داستان زندگی خود را بر پردهی بزرگ سینمای هالیوود روایت می کند. این وبسایت که از سال

است، نه فقط به عنوان یک ملکه، بلکه به عنوان یک زن، مادر و همسر.»

شهبانو ترجیح خاصی برای اینکه چه کسی در این پروژه سینمایی بازی کند، ندارد، اما مشتاق است داستان زندگی شاه فقید را برای کسانی روایت کند که وی را نمی‌شناخته و نمی‌شناسند: «من می‌خواهم مردم ببینند که او چه نوع انسانی بود؛ عاشق کشورش و مردم‌اش بود. در دوره او دیدیم که ایران با انقلاب سفید چقدر در ارتباط با زنان و جوانان و روستاها پیشرفت کرد. تبلیغات منفی هم البته خیلی زیاد بود. من نمی‌گویم هر کاری که ما انجام دادیم عالی بود، اما شاه فقید واقعاً به ایران اهمیت می‌داد. البته با توجه به آنچه در ایران اتفاق افتاده همیشه می‌گویم «اگر این کار را طور دیگری انجام می‌دادیم شاید...» با اینهمه با تمام اتفاقاتی که برای وی و کشورمان افتاده، ایشان هیچوقت حرفی علیه مردم و هموطنان خود نگفتند.»

«ددلین» همچنین به سریال «آخرین شاه» اشاره می‌کند که قرار است توسط «تفلیکس» ساخته شود و می‌نویسد این سریال از سریال «تاج» درباره خانواده سلطنتی انگلستان و ملکه الیزابت الگو گرفته و در واقع ربطی به زندگی واقعی پهلوی‌ها ندارد. بر اساس آنچه درباره «آخرین شاه» در ماه مه منتشر شده، این پروژه «داستان قهرمانانه و در عین حال غم‌انگیز یک زن، مادر و ملکه را روایت می‌کند که تلاش

سال پیش از تلویزیون شنیدم که یکی از افراد نزدیک به رئیس جمهوری اسلامی می‌گوید که ما با دو هواپیما از ایران خارج شدیم و هواپیمای دوم پر از جواهرات و سنگ‌های قیمتی بود! در حالی که من نگران بودم که مبادا جواهراتی را که در آنجا رها شده بودند بزدند. خوشبختانه برخی از هموطنان در ایران پس از اینکه در خبرها تایید شد که این جواهرات در موزه هستند ایمیل‌هایی نیز برای من ارسال کردند.» وی البته بیش از اینها از دست داده است از جمله هزاران کتاب و عکس و نقاشی. ایرانیان داخل و خارج ایران تابلوهایی را به وی فروخته و یا هدیه کرده‌اند و از آنجا که فرزندان وی قادر به نگهداری از این آثار نیستند، بنیادی را تأسیس کرد تا همه این آثار که در تبعید جمع‌آوری شده برای تماشا و لذت از هنر در اختیار همگان قرار بگیرد: «فکر می‌کردم این بنیاد بتواند تاریخ و فرهنگ ایران را بازگو کند به امید روزی که اوضاع در ایران تغییر کند و همه چیز به روال عادی برگردد.»

ملکه ایران که ۸۵ سال دارد توضیح می‌دهد: «به این فکر می‌کنم که قبل از ترک دنیا چه کاری انجام دهم. در تمام روز مشغول هستم و این باعث خوشحالی من می‌شود زیرا اگر بتوانم یک کار مثبت انجام دهم، به من انرژی می‌دهد.»

«موگلی» سگ کوچک همراه دیرینه‌ی شهبانوست که در میان مشغله‌های روزانه لیخند بر لبانش می‌آورد. این سگ

چیزهایی می‌گویند.»  
 او ادامه داد: «الان مردم با وجود محدودیت‌ها از طریق اینترنت و با تلفن فیلم‌ها و چیزهای مربوط به گذشته را می‌بینند. من تعجب می‌کنم که چگونه این فیلم‌های قدیمی مانند سفرهای اعلیحضرت، سخنانی‌های ایشان و سفر من به نقاط مختلف ایران را پیدا می‌کنند. جوان‌ها می‌بینند که ما واقعاً چه بودیم و این البته مرا بسیار متأثر می‌کند. بسیاری از آنها بعد از همه این اتفاقات به دنیا آمده‌اند. برای من ایمیل می‌فرستند و همدردی می‌کنند و گاهی هم من با آنها تماس می‌گیرم. بسیار خوشحالم که هنوز زنده هستم و همه اینها را می‌شنوم. همانطور که همیشه



تظاهرات ایرانیان علیه جمهوری اسلامی در جریان اعتراضات جنبش ملی مهسا / واشنگتن / ۱۱ فوریه ۲۰۲۳



شهبانو فرح پهلوی در نمایشگاه آثار اهدایی ۲۱/ مه ۲۰۲۴ / پاریس

می‌گویم، بذرهایی که با عشق و مراقبت می‌کارید هرگز از بین نمی‌روند.»  
 وقتی از او پرسیده شد آیا هنگام یادآوری داستان زندگی خود برای ساختن دو پروژه مستند و داستانی، چیزی هست که از آن پشیمان باشد، گفت: «فکر کردن به آن هیچ فایده‌ای ندارد. گذشته، گذشته است. نمی‌خواهم از خودراضی باشم اما در تمام واکنش‌های مردم چه در داخل و چه در خارج، همدردی که از طرف آنها احساس می‌کنم همان چیزی است که به من انرژی بسیار می‌دهد.»

خانواده نیز برای علیاحضرت ملکه از اهمیت بالایی برخوردار است و او اغلب به آینده آنها فکر می‌کند: «اولین چیزی که برایشان آرزو می‌کنم اینست که زندگی شادی داشته باشند و همچنین روزی کشور خود را آزاد ببینند و بتوانند به آن برگردند.»

\*منبع: وبسایت DEADLINE  
 \*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

را پرنسس نور، نوه‌اش و فرزند ارشد ولیعهد رضا پهلوی و پرنسس یاسمین، به وی هدیه داده است. هنگام انتخاب نام برای توله‌سگ، از نوه‌اش نور الهام گرفت که سگی از همین نژاد به نام «بالو» از داستان «کتاب جنگل» داشت.  
 او همچنین به یاد می‌آورد: «بیش از ۶۰ سال پیش، زمانی که من رئیس پیشاهنگی دانش‌آموزی در ایران بودم، خودم «بالو» بودم و دخترم فرحناز پیشنهاد داد که اسم سگم «موگلی» باشد و همینطور هم شد.»

شهبانوی ایران در خارج از خانه از برخورد با هم‌میهنان ایرانی خود که از وی به نیکی یاد می‌کنند لذت می‌برد. او پزشکی را در ایالات متحده به یاد می‌آورد که چند سال پیش به ایران رفت و از محل نگهداری جذامیانی دیدن کرد که ملکه در اواخر دهه شصت میلادی برای کمک به مبتلایان این بیماری و شکست تابوی جذام تأسیس کرده بود.  
 علیاحضرت به همین اندازه به جوانانی انگیزه می‌دهد که دور از چشم محدودیت‌های رژیم از طریق رسانه‌های

می‌کند همسرش، شاه ایران، خانواده‌اش، سلسله‌اش و میهن‌اش را نجات دهد. از دیدگاه شهبانو فرح پهلوی، مبارزه‌ای حماسی برای بقای سلطنت ایران در چهارراه دنیای مدرن است.»

اما وقتی «ددلین» از شهبانو درباره سریال «آخرین شاه» پرسید، اظهار بی‌اطلاعی کرد و گفت: «من نشنیده‌ام که آنها در مورد شاه فقید برنامه‌ای برای اجرا داشته باشند.»

شهبانو فرح که در دوران اوج خود به خاطر مد و زیبایی با ژاکلین کندی مقایسه می‌شد، نخستین بار به عنوان شهبانوی ایران در روز عروسی خود در دسامبر ۱۹۵۹ با لباسی طراحی شده از ایو سن لوران و زیور تاج و گردنبند و گوشواره از Arpels و Van Cleef ظاهر شد. این لباس و جواهرات پس از خروج آنها از ایران در کشور ماند و امروز در موزه لباس سلطنتی مورد تحسین قرار می‌گیرند.

علیاحضرت فرح پهلوی مشتاقانه منتظر است تا بسیاری از روایت‌های نادست در مورد خانواده‌اش را از طریق دو پروژه جدید مستند و داستانی افشا کند. وی می‌گوید: «چند

# اثر انگشت حکومت ایران در حمله «هفت اکتبر»؛ مذاکرات تشکیلات خودگردان فلسطینی و حماس برای تشکیل دولت ائتلافی در غزه!



راهپیمایی هواداران نظام جمهوری اسلامی در تهران در حمایت از «آرمان‌های فلسطین» و حماس

## بهبان دادن به دست اسرائیل

ابو توماه روزنامه‌نگار گفت: «در حالی که تشکیلات خودگردان و شخص محمود عباس تا کنون به صورت علنی جنایات هفت اکتبر را محکوم نکردند، عباس اخیراً از حماس انتقاد کرد و گفت آنها به دست اسرائیل برای حمله به غزه بهانه دادند.»

وی همچنین گفت، «محمود عباس درخواست از حماس برای آزادی گروگان‌های اسرائیلی را مطرح نکرده و همچنین نگفته که کنترل غزه باید از دست حماس خارج شود، هرچند عباس و برخی مقامات تشکیلات خودگردان، مقامات فتح و حماس را به دلیل آغاز جنگ با اسرائیل و آوردن یک نکتب جدید برای فلسطینیان در نوار غزه مورد انتقاد قرار دادند.» محمود الهباش مشاور محمود عباس هشدار داده، «کشتار هفت اکتبر ممکن است ۱۰۰ بار و شاید حتی جدی‌تر تکرار شود.»

جبرئیل رجوب عضو کمیته مرکزی سازمان «الفتح» در تشکیلات خودگردان فلسطین در ماه نوامبر، با حمایت از جنایت «هفت اکتبر» نسبت به تکرار حمله مشابه در یهودیه و سامره هشدار داد.

به گفته ابو توماه «برخی مقامات رام‌الله در مورد امکان تشکیل یک دولت ائتلافی با حماس صحبت می‌کنند.»

وی در اینباره به «JNS» گفت: «آنها بر این باورند که جنگ با حماس به جایی نمی‌رسد و روز بعد از جنگ آنها به حضور خود در غزه ادامه خواهد داد. بسیاری از فلسطینی‌ها از حماس حمایت می‌کنند و به همین دلیل است که تشکیلات خودگردان در مواضع عمومی خود در قبال حماس محتاط است.»

در شرایطی که دولت‌های غربی تلاش می‌کنند با میانجیگری دولت‌های عربی جنگ در غزه را متوقف کنند و طرح صلح را پیش ببرند اما مقامات اسرائیل بارها اعلام کرده‌اند که به هیچ عنوان حضور حماس در غزه را تحمل نخواهند کرد.

«اولین بار نیست» که تشکیلات خودگردان فلسطین جمهوری اسلامی ایران را به دلیل دخالت در امور داخلی فلسطینی‌ها به ویژه حمایت از حماس در غزه و برخی گروه‌های مسلح در کرانه باختری رود اردن (یهوده و سامره) مورد انتقاد قرار داده است.

در همین زمینه محمود الهباش مشاور محمود عباس به «العربییه» گفته بود، «رژیم ایران می‌خواهد از آرمان فلسطین در جهت منافع و طرح و برنامه‌های خاص خودش استفاده کند. قربانی کردن مردم فلسطین و ریختن خون آنها به نفع جمهوری اسلامی است. به نفع کسانی است که خواستار تجارت با خون مردم فلسطین هستند و به صورت واضح می‌گویم که بعد از صحبت‌های ولی فقیه رژیم ایران جایی برای حرف‌های خوش خیالانه نیست.»

مایکل میلیشتاین رئیس انجمن مطالعات فلسطین در مرکز دایان در دانشگاه تل آویو توضیح می‌دهد، «این دومین بار سومین بار است که فلسطینی‌ها با لحن تند در مقابل بیانه‌ها و مواضع [رژیم] ایران در مورد جنگ واکنش نشان می‌دهند.» به گفته این تحلیلگر، «این رویدادها نشان‌دهنده خصومت عمیق اعراب سنی‌مذهب از جمله فلسطینی‌ها علیه محور شیعه و جمهوری اسلامی است. حماس از حمایت نظامی برخوردار است اما حتی این سازمان نیز نمی‌تواند شکاف‌های عمیق ایدئولوژیک و مذهبی را نادیده بگیرد.»

ایال هولتا مشاور امنیت ملی سابق اسرائیل، همچنین به «رد پای حکومت ایران در برنامه‌ریزی و انگیزه بالقوه [حماس] در پرتو تلاش‌ها برای عادی‌سازی روابط [اسرائیل] با عربستان سعودی» اشاره می‌کند.

گیلا گاملیل وزیر اطلاعات کشور اسرائیل در مصاحبه‌ای با «JNS» گفت: «رد پای رژیم ایران را می‌توان در هر درگیری که اکنون در خاورمیانه در جریان است، از غزه گرفته تا لبنان و تا دریای سرخ پیدا کرد.»

با اینهمه محمود عباس همواره از اعتراف یا محکومیت کامل حملات «هفت اکتبر» خودداری کرده است.

● پایگاه خبری «جوییش نیوز سندیکا» (JNS) در مطلبی با عنوان «اثر انگشت [حکومت] ایران در جنایت هفت اکتبر کاملاً واضح است» می‌نویسد با اینکه تشکیلات خودگردان فلسطین و رئیس آن محمود عباس از علی‌خامنه‌ای به دلیل حمایت از حمله مرگبار حماس به اسرائیل انتقاد کردند، اما در مقابل حماس مواضع محتاطانه دارند.

● هرچند محمود عباس با انتقاد از حماس گفته آنها به اسرائیل بهانه حمله به غزه را دادند اما خالد ابو توماه، روزنامه‌نگار اسرائیلی، به «JNS» می‌گوید، «محمود عباس درخواست از حماس برای آزادی گروگان‌های اسرائیلی را مطرح نکرده و همچنین نگفته که کنترل غزه باید از دست حماس خارج شود.»

● وی مدعی شد، «برخی مقامات رام‌الله در مورد امکان ایجاد یک دولت ائتلافی با حماس صحبت می‌کنند.»

پایگاه خبری «جوییش نیوز سندیکا» (JNS) در مطلبی با عنوان «اثر انگشت [حکومت] ایران در جنایت هفت اکتبر کاملاً واضح است» می‌نویسد با اینکه تشکیلات خودگردان فلسطینی و رئیس آن محمود عباس از علی‌خامنه‌ای به دلیل حمایت از حمله مرگبار حماس به اسرائیل انتقاد کردند، اما در مقابل حماس مواضع محتاطانه دارند.

در مقدمه این نوشتار که ۱۷ ژوئن (۲۸ خردادماه) منتشر شد آمده، «هنگامی که هزاران تروریست تحت رهبری حماس حدود ۱۲۰۰ مرد، زن و کودک اسرائیلی را در «هفت اکتبر» به قتل رساندند و صدها نفر دیگر را به گروگان گرفتند، این موضوع بیشتر نشان داد که چگونه رژیم ایران با پشتیبانی از حماس و تأمین مالی آنها به آشوب‌های منطقه‌ای دامن می‌زند.»

در جلسه توجیهی وزارت خارجه ایالات متحده که در ۲۳ اکتبر برگزار شد، یک مقام ارشد دفاعی گفت که «کاملاً واضح است» که تهران از حماس و «دیگر شرکاء و نیابتی‌های خود در سراسر منطقه» از جمله حزب‌الله در لبنان و حوثی‌ها در یمن پشتیبانی مالی می‌کند و به آنها تجهیزات و اطلاعات می‌رساند.

این مقام مسئول خاطرنشان کرد: «وقتی گسترش فعالیت و حملات بسیاری از این گروه‌ها را نگاه می‌کنید می‌کنید، اثر انگشت [حکومت] ایران در تمام آنها قابل مشاهده است.» وی توضیح داد، تشکیلات خودگردان فلسطین اصرار دارد که هیچ طرف خارجی از درد و رنج فلسطینیان در غزه سوء استفاده نکند. در همین ارتباط محمود عباس اوایل ژوئن (اواسط خردادماه) در واکنش به اظهارات جنگ‌طلبانه علی‌خامنه‌ای در تمجید از عملیات مرگبار حماس [در مراسم سالگرد روح‌الله خمینی] گفت، «مردم فلسطین به جنگ‌هایی نیاز ندارند که در خدمت آزادی و استقلال آنها نباشد.»

مقامات جمهوری اسلامی و شماری از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همچنین گفته بودند عملیات «هفت اکتبر» انتقام کشته شدن قاسم سلیمانی در (ژانویه ۲۰۲۰ توسط آمریکا) بود.

اما دفتر محمود عباس اعلام کرد، طرح چنین اظهاراتی آشکارا با هدف «قربانی کردن فلسطینی‌ها» صورت می‌گیرد و کمکی به تشکیل کشور مستقل فلسطین نمی‌کند.

خالد ابو توماه، روزنامه‌نگار اسرائیلی، به «JNS» می‌گوید،

خرداد) گزارش داد که ایران دو آبخاز از سانتریفیوژهای پیشرفته در تأسیسات هسته‌ای زیرزمینی فردو نصب کرده و می‌خواهد در تأسیسات نظنز نیز سانتریفیوژهای بیشتری نصب کند. در این گزارش تأکید شده که ایران به این نهاد نظارتی سازمان ملل اطلاع داد که هشت آبخاز حاوی ۱۷۴ سانتریفیوژ IR-6 طی سه تا چهار هفته آینده در واحد یک تأسیسات غنی‌سازی فردو نصب خواهد کرد. این اقدام به تلافی صدور قطعنامه تویبخی علیه جمهوری اسلامی در شورای حکام آژانس بین‌المللی انجام شد و حکومت قصد دارد با افزایش تعداد سانتریفیوژها، سطح یا میزان غنی‌سازی را افزایش دهد، هرچند که یک دیپلمات به رویترز گفته بود حتی اگر قطعنامه تویبخی علیه جمهوری اسلامی صادر نمی‌شد باز هم آنها غنی‌سازی را افزایش می‌دادند. در ادامه بیانیه «گروه هفت» آمده است که رژیم «ایران باید در گفتگوهای جدی شرکت کند و با همکاری کامل و انطباق با مکانیسم نظارت و راست‌آزمایی آژانس تضمین‌های قانع‌کننده‌ای در مورد صلح‌آمیز بودن برنامه‌های اتمی خود ارائه دهد.» در این بیانیه همچنین به جمهوری اسلامی درباره‌ی انعقاد قرارداد برای ارسال موشک‌های بالستیک به روسیه هشدار داده شده و آمده، «ما از ایران می‌خواهیم کمک به

## هشدار رهبران «گروه هفت» به جمهوری اسلامی در مورد افزایش غنی‌سازی اورانیوم و ارسال موشک به روسیه



نشست رهبران هفت کشور صنعتی در «بورگو اگنازیا» در جنوب ایتالیا / ژوئن ۲۰۲۴

جنگ روسیه در اوکراین را متوقف کند و موشک‌های بالستیک و فناوری‌های مرتبط را به این کشور انتقال ندهد، زیرا این تشدید اساسی تنش و تهدیدی مستقیم برای امنیت اروپا خواهد بود.» کشورهای عضو «گروه هفت» اواخر اسفندماه ۱۴۰۲ به جمهوری اسلامی هشدار داده بودند، «اگر به ارسال موشک‌های بالستیک یا فناوری‌های مرتبط به روسیه ادامه دهد، آماده واکنش‌های سریع و هماهنگ از جمله اقدامات جدید و مهم هستیم.» یک مقام ارشد دولت بایدن همانوقت گفت که ایالات متحده و متحدانش «در این مورد یکصدا هستند» و روشن خواهند کرد که هزینه این اقدامات برای رژیم ایران بیشتر از منافع آن خواهد بود. این مقام دولتی گفت که یکی از گزینه‌ها که درباره آن صحبت شده، ممنوعیت پرواز هواپیماهای شرکت «ایران ایر» به اروپاست. از بین هفت کشور صنعتی دنیا تنها آمریکا، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داده است اما بریتانیا با تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران مخالف است و کشورهای اتحادیه اروپا نیز بر سر آن اتفاق نظر ندارند. اخیراً اعلام شد که آلمان و شماری از اعضای این اتحادیه در حال کار بر روی مراحل اولیه تروریستی اعلام کردن سپاه هستند.

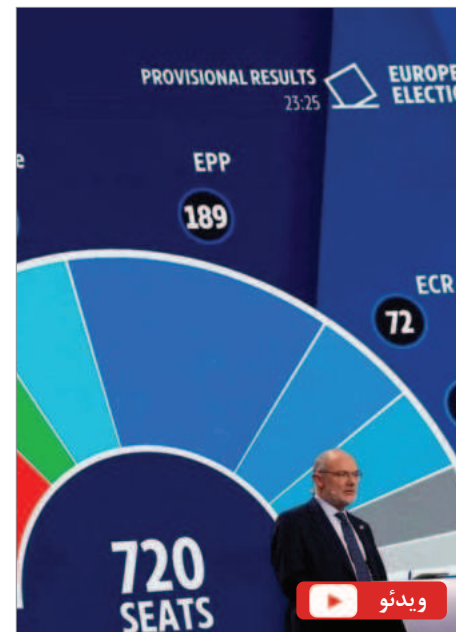
● **هفت قدرت صنعتی دنیا در بیانیه‌ای به جمهوری اسلامی اعلام کردند، «ما از تهران می‌خواهیم تشدید تنش‌های هسته‌ای را متوقف و آن را معکوس کند و ادامه فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم را که هیچ توجیه غیرنظامی معتبری ندارد، متوقف سازد.»**

● **کشورهای عضو «گروه هفت» اواخر اسفندماه ۱۴۰۲ نیز به جمهوری اسلامی هشدار داده بودند: «اگر به ارسال موشک‌های بالستیک یا فناوری‌های مرتبط به روسیه ادامه دهد، آماده واکنش‌های سریع و هماهنگ از جمله اقدامات جدید و مهم هستیم.»**

رهبران «گروه هفت» روز جمعه ۱۴ ژوئن (۲۵ خرداد) به جمهوری اسلامی در مورد توسعه برنامه غنی‌سازی هسته‌ای هشدار دادند و گفتند در صورت انتقال موشک‌های بالستیک تهران به روسیه، آماده اجرای اقدامات جدید خواهند بود. به گزارش رویترز در این بیانیه آمده است: «ما از تهران می‌خواهیم تشدید تنش‌های هسته‌ای را متوقف و آن را معکوس کند و ادامه فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم را که هیچ توجیه غیرنظامی معتبری ندارد، متوقف سازد.» آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز پنجشنبه ۱۳ ژوئن (۲۴

## مجید گلپور مشاور نهادهای اروپایی در بروکسل:

## ایران اولویت پارلمان آینده اروپا نخواهد بود



شهروندان ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا هفته گذشته در انتخاباتی که از ۶ تا ۹ ژوئن برگزار شد، ۷۲۰ نماینده پارلمان جدید اروپا را انتخاب کردند. در این انتخابات در برخی کشورها چون فرانسه، آلمان و اتریش احزاب راستگرا توانستند موفقیت چشمگیری به دست آورند.

در روزهای آینده مذاکرات برای تشکیل کمیسیون اروپا که به نوعی دولت مشترک این ۲۷ کشور به حساب می‌آید آغاز خواهد شد ولی بسیار بعید به نظر می‌رسد که ائتلاف کنونی که در برگیرنده احزاب محافظه‌کار، سوسیال دموکرات، لیبرال دموکرات و سبزهاست تغییری پیدا کند زیرا آنها با وجود رشد احزاب راستگرا، در پارلمان آینده نیز از اکثریت برخوردار خواهند بود.

سیاست‌های پارلمان و کمیسیون جدید اروپا با توجه به افزایش حضور نیروهای راستگرا در چه زمینه‌هایی تغییر پیدا خواهد کرد؟ آیا سیاست آینده اتحادیه اروپا در رابطه با ایران و جمهوری اسلامی تغییر می‌یابد؟ پارلمان، کمیسیون و شورای اتحادیه اروپا چگونه عمل می‌کنند؟ این پرسش‌ها را احمد رأفت با مجید گلپور مشاور نهادهای اروپایی در بروکسل مطرح کرده است.

## فاکس نیوز: حزب الله چالشی بزرگتر از حماس برای اسرائیل: «نگین تاج امپراتوری ترور رژیم ایران»



انتقال سوخت از ایران به لبنان با دلای حزب الله، حرکت کامیون‌ها در روستای العین در شمال شرقی لبنان / سپتامبر ۲۰۲۱

اقتصاد حماس و حزب الله شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در حوزه تأمین مالی و آموزش نظامی از تهران دارند.

ادی کوهن روزنامه‌نگار و محقق اسرائیلی لبنانی تبار درباره حزب الله می‌گوید، «حزب الله و حماس هر دو سازمان‌های تروریستی هستند که عمدتاً توسط جمهوری اسلامی تأمین مالی می‌شوند. وفاداری حزب الله فقط به جمهوری اسلامی است اما حماس وفاداریش به همه کسانی است که به آن کمک می‌کنند.»

کوهن مشاور سابق دفتر نخست‌وزیر اسرائیل، توضیح داد، «حماس در محاصره دریا قرار دارد و نمی‌تواند به کشورهای دیگر پرواز کند و نمی‌تواند کالا یا اسلحه را به راحتی دریافت کند. در حالی که حزب الله قادر به این کار است.»

تعداد تروریست‌هایی که برای هر دو سازمان می‌جنگند متفاوت است. ارتش اسرائیل از زمان آغاز جنگ، نیروهای تروریستی حماس را نزدیک به ۵۰ درصد کاهش داد و به ۹ تا ۱۲ هزار نفر رسانده است. ارتش اسرائیل در وبسایت خود نوشت: «تحت هدایت رهبر حزب الله، حسن نصرالله، این گروه دارای نیروی نظامی از ۲۰ تا ۲۵ هزار جنگجوی تمام‌وقت و ده‌ها هزار ذخیره اضافی است... یگان نخبه رضوان حزب الله به ویژه به دلیل مهارت رزمی و اهمیت استراتژیک خود در درگیری‌ها در سراسر منطقه مورد توجه است. این واحد خاص با کمک نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تأسیس شد.» یک استاد مطالعات خاورمیانه نیز به فاکس نیوز گفت: «اولین تفاوت اصلی بین حماس و حزب الله این است که حماس از نظر سازمانی و ایدئولوژیک از اخوان المسلمین می‌آید، بنابراین یک گروه افراطی سنی است.»

وی افزود: «حزب الله اما از جناح دیگری می‌آید و توسط جمهوری اسلامی تأسیس شده. آنها شیعه هستند، اما از نوع شیعیان جهادی متشکل از اسلام‌گرایان شیعه لبنانی که از دهه ۱۹۸۰ توسط سپاه پاسداران جذب و تأمین مالی شده‌اند. آنها در شمال منطقه بقاع در همان سال مستقر شده و به سمت جنوب تا حومه جنوبی بیروت و سپس به سمت جنوب

فاکس نیوز در گزارشی که ۱۶ ژوئن (۲۷ خردادماه) به قلم بنجامین وینتال منتشر شد، می‌نویسد: «جمهوری اسلامی از جنبش‌های تروریستی خاورمیانه، حماس و حزب الله که به اسرائیل اعلان جنگ کرده‌اند و همچنین مسئول ارتکاب حملات تروریستی متعدد علیه غیرنظامیان و پرسنل نظامی آمریکایی هستند، حمایت مالی می‌کند.»

جانانان کانریکوس، کارشناس ارشد «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» (FDD) و سخنگوی سابق ارتش اسرائیل می‌گوید، «حزب الله نگین تاج امپراتوری ترور و شرارت جمهوری اسلامی است و با اختلاف، قوی‌ترین نماینده جمهوری اسلامی است که مجهز به قابلیت‌های دولت-ملت و حتی با قدرت آتش بیشتر از چندین ارتش اروپایی امروزی است.» با وجود فقر گسترده و بی‌ثباتی اقتصادی در ایران، بر اساس گزارش منابع دفاعی اسرائیل و وزارت خارجه آمریکا، جمهوری اسلامی منبع مالی دست و دلباز حزب الله است و سالانه بیش از ۷۰۰ میلیون دلار در اختیار این سازمان تروریستی لبنانی قرار می‌دهد که توسط خود رژیم ایران در دهه هشتاد میلادی در آن کشور بنیان گذاشته شد. همکاری نظامی مشترک بین رژیم ایران و حزب الله یکی از ویژگی‌های دیرینه در لبنان، سوریه و سراسر اروپا با توجه به تروریسم و برنامه‌ریزی جنگ بوده است.

کانریکوس می‌افزاید، «حزب الله در تمام معیارهای نظامی از نظر تعداد پرسنل، جنگجویان مسلح، آموزش و تجهیزات آنها بسیار قدرتمندتر از حماس است.»

حزب الله زرادخانه عظیمی متشکل از ۱۵۰ هزار فروند موشک و راکت در اختیار دارد که به سمت اسرائیل هدف گرفته است. ارتش اسرائیل از زمان آغاز جنگ در غزه، عرضه شدن ۲۰ هزار موشک و راکت به حماس را کاهش داده است. با این حال، حماس دو هفته پیش توانست هشت موشک از شهر رفح به سمت اسرائیل پرتاب کند. فاکس نیوز همچنین هفته گذشته گزارش داده بود که حزب الله بیش از ۲۰۰ موشک، راکت و پهپاد به سمت اسرائیل پرتاب کرده است.

● در شرایطی که اسرائیل در آستانه سومین جنگ تمام‌عیار علیه حزب الله به دلیل ادامه موشک‌پرانی‌ها و شلیک پهپادها و راکت‌های مرگبار قرار دارد، تفاوت‌ها و شباهت‌ها میان حزب الله و حماس زیر ذره‌بین رفته است.

● با وجود فقر گسترده و بی‌ثباتی اقتصادی در ایران، بر اساس گزارش منابع دفاعی اسرائیل و وزارت خارجه آمریکا، جمهوری اسلامی منبع مالی دست و دلباز حزب الله است و سالانه بیش از ۷۰۰ میلیون دلار در اختیار سازمان این تروریستی لبنانی قرار می‌دهد که خودش در دهه هشتاد میلادی در آن کشور بنیان گذاشت.

● جانانان کانریکوس کارشناس ارشد «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» (FDD) و سخنگوی سابق ارتش اسرائیل در گزارشی به قلم بنجامین وینتال برای فاکس نیوز می‌گوید، «حزب الله نگین تاج امپراتوری ترور و شرارت جمهوری اسلامی است و با اختلاف، قوی‌ترین نماینده جمهوری اسلامی است که مجهز به قابلیت‌های دولت-ملت و حتی با قدرت آتش بیشتر از چندین ارتش اروپایی امروزی است.»

● ادی کوهن روزنامه‌نگار و محقق اسرائیلی لبنانی تبار درباره حزب الله می‌گوید، «حزب الله و حماس هر دو سازمان‌های تروریستی هستند که عمدتاً توسط جمهوری اسلامی تأمین مالی می‌شوند. وفاداری حزب الله فقط به جمهوری اسلامی است اما حماس وفاداریش به همه کسانی است که به آن کمک می‌کنند.»

● وی بیان می‌کند، «تا زمانی که جامعه بین‌الملل قادر بودن این وضعیت را درک نکند و برای تسهیل یک توافق دیپلماتیک که غیرنظامیان اسرائیلی را سالم به خانه‌هایشان برگرداند، با فوریت عمل نکند، تنها گزینه‌ای که برای اسرائیل باقی می‌ماند گزینه نظامی است.»

در شرایطی که اسرائیل در آستانه سومین جنگ تمام‌عیار علیه حزب الله به دلیل ادامه موشک‌پرانی‌ها و شلیک پهپادها و راکت‌های مرگبار قرار دارد، تفاوت‌ها و شباهت‌ها میان حزب الله و حماس زیر ذره‌بین رفته است.

## بر اثر واژگونی دو قایق حامل پناهجویان ۱۲ نفر کشته و ده‌ها نفر مفقود شدند



واژگونی قایق پناهجویان در مدیترانه / عکس: آناتولی

همزمان قایقی دیگر در سواحل جزیره لامپدوسا پیدا شد که ۶۱ سرنشین داشت اما ۱۰ تن از آنان قبلاً جان خود را از دست داده بودند و بقیه نجات پیدا کردند. البته منابع مختلف آمار متفاوتی از تعداد سرنشینان و مفقودشدگان ارائه داده‌اند.

به نظر می‌رسد کشته‌شدگان حین سفر بر اثر استنشاق گاز آگروز مسموم شدند و جان خود را از دست دادند.

حدود ۳۰ کودک نیز در بین مفقودشدگان هستند. در تصویری که از واژگونی قایق‌ها منتشر شده دیده می‌شود که تعداد زیادی از پناهجویان جلیقه نجات ندارند.

برخی منابع غیررسمی می‌گویند اغلب این پناهجویان از ایران و افغانستان بودند که بطور غیرقانونی از سواحل ترکیه سوار قایق شده بودند.

آژانس پناهندگان سازمان ملل، سازمان بین‌المللی مهاجرت و صندوق کودکان سازمان ملل در بیانیه‌ای مشترک گفتند که سرنشینان قایقی که مؤسسه خیریه آلمانی پیدا کرده است، از کشورهای سوریه، مصر، پاکستان و بنگلادش بودند.

با وجود افزایش اقدامات نظارتی و کنترل بر ورود مهاجران به کشورهای اروپایی، فقط در سال ۲۰۲۳ بیش از ۱۵۷ هزار پناهجوی غیرقانونی از راه‌های مختلف وارد ایتالیا شدند. این پناهجویان عمدتاً از طریق قاچاقچیان خود را به اروپای غربی و مرکزی می‌رسانند.

غیرنظامیان خود باید از آن استفاده کرد، در حال حاضر به نظر نمی‌رسد که کارآمد باشد.»

آمریکا هم حماس و هم حزب‌الله را به عنوان سازمان‌های تروریستی خارجی تحریم کرده است. اتحادیه اروپا صرفاً به اصطلاح «شاخه نظامی» حزب‌الله را که یک نهاد تروریستی است، تحریم کرده آنهم در حالی که فرانسه از اعلام ممنوعیت کامل تروریستی حزب‌الله جلوگیری کرده است. اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۳ حماس را به عنوان یک سازمان تروریستی تحریم کرد.

● **خبرگزاری «آناتولی»** ترکیه روز دوشنبه گزارش داد بر اثر واژگونی یک قایق حامل مهاجران غیرقانونی در سواحل ناحیه «کالابریا» در آب‌های جنوب ایتالیا دست‌کم ۱۰ نفر غرق و بیش از ۵۰ نفر مفقود شدند.

● **همزمان قایقی دیگر در سواحل جزیره لامپدوسا پیدا شد که ۶۱ سرنشین داشت اما ۱۰ تن از آنان قبلاً جان خود را از دست داده بودند و بقیه نجات پیدا کردند.**

● **برخی منابع غیررسمی می‌گویند اغلب این پناهجویان از ایران و افغانستان بودند که بطور غیرقانونی از سواحل ترکیه سوار قایق شده بودند.**

در اثر غرق شدن دو قایق حامل پناهجویان در دریای مدیترانه، دست‌کم ۱۲ نفر غرق و ده‌ها نفر مفقود شده‌اند.

خبرگزاری «آناتولی» ترکیه روز دوشنبه گزارش داد بر اثر واژگونی یک قایق حامل مهاجران غیرقانونی در سواحل ناحیه «کالابریا» در آب‌های جنوب ایتالیا دست‌کم ۱۰ نفر غرق و بیش از ۵۰ نفر مفقود شدند.

به گزارش شبکه تلویزیونی «رایانویز ۲۴» ایتالیا، ملوانان یک کشتی باربری به تعدادی از سرنشینان این قایق که هنوز زنده بودند کمک کرده و ۱۲ نفر از آنان نجات پیدا کردند که به نیروهای گارد ساحلی ایتالیا تحویل داده شدند. تعدادی از پیکر پناهجویان که روی آب شناور بودند یا امواج آنها را به ساحل آورده بود نیز پیدا شدند.

کانریکوس سخنگوی سابق ارتش اسرائیل در همین ارتباط گفت: «یک وضعیت دیپلماتیک بسیار چالش‌برانگیز به وجود آمده است.»

وی تأکید می‌کند: «تا زمانی که جامعه بین‌الملل حاد بودن این وضعیت را درک نکند و برای تسهیل یک توافق دیپلماتیک که غیرنظامیان اسرائیلی را سالم به خانه‌هایشان برگرداند با فوریت عمل نکند، تنها گزینه‌ای که برای اسرائیل باقی می‌ماند گزینه نظامی است. اما متأسفانه گزینه نظامی که برای اجرای مسئولیت هر دولتی جهت حفاظت از جان

لبنان پس از شروع عقب‌نشینی اسرائیل گسترش یافتند.» این استاد مطالعات خاورمیانه در بخش دیگری عنوان کرد، هدف نهایی حماس نابودی اسرائیل، ایجاد امارت یا کشوری شبیه به طالبان در فلسطین است، اما مهم‌تر از آن، پیوستن آن نهاد اسلامی به خلافت جدید است. در این منطقه، حماس یک گروه «ناسیونالیست» نیست، بلکه یک سازمان پان‌اسلامیست است. در مقابل حماس، حزب‌الله دقیقاً به دکتترین رژیم ایران معتقد است، یعنی ایجاد یک جمهوری مدل خمینی در لبنان برای پیوستن به جمهوری اسلامی خواهر در ایران و همچنین در عراق و یمن و در نهایت تشکیل یک «نوع خلافت شیعه خمینی (جهادی) که به امامت [امت واحده] معروف است». این در حالیست که اسلامگرایان شیعه خلافت سنی را رد می‌کنند.

انقلاب اسلامی روح‌الله خمینی در سال ۱۹۷۹ جمهوری اسلامی را در ایران با مأموریت صدور اسلامگرایی شیعه خود به سراسر جهان تأسیس کرد.

این استاد دانشگاه با اشاره به این سوابق توضیح داد، «آنها [حماس و حزب‌الله] که از نظر ایدئولوژیک در تضادهای رو در رو قرار دارند، چگونه بهم رسیدند و چه چیزی بین آنها مشترک است؟ آنچه مشترک است، اول این است که هر دو می‌خواهند موجودیت اسرائیل را از بین ببرند. این هدف مشترک نهایی است. سپس، آنها هر دو می‌خواهند همه رژیم‌های عربی را که در مسیر صلح با اسرائیل هستند یا مانع جهاد آنها می‌شوند، سرنگون کنند.»

به گفته کارشناسان خاورمیانه، حمایت مالی رژیم ایران از هر دو جنبش تروریستی، عاملی حیاتی در درک جینگوئیسم (جنگ طلبی شوونیستی) در منطقه و بی‌ثباتی منطقه «شام» و مرکز اسلام در خاورمیانه است.

قطر میزبان اسماعیل هنیه رهبر سیاسی حماس است که در سال ۲۰۲۲، یعنی دو سال قبل از حمله حماس به جنوب اسرائیل- به شبکه قطری الجزیره گفت که تهران هر سال دست‌کم ۷۰ میلیون دلار به حماس می‌دهد.

هنیه در ماه مارس گفت: «جمهوری اسلامی در خط مقدم حمایت از آرمان و [مردم] فلسطین ایستاده است.»

بروس هافمن کارشناس مبارزه با تروریسم نیز در مقاله‌ای در ۱۴ ژوئن در وبسایت شورای روابط خارجی خاطرنشان کرد که «حدود ۵۰۰ عضو حماس در ایران برای آمادگی برای حملات هفت اکتبر آموزش دیده‌اند که بازتابی از حمایت دیرینه جمهوری اسلامی از حماس است.»

وی توضیح داد که حماس و حزب‌الله در سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۵ زمانی که «صدها نفر از کادرها و رهبران حماس توسط اسرائیل به جنوب لبنان تبعید شدند، توسط حزب‌الله میزبانی شدند که آنها را با رژیم تهران مرتبط کرد. آنها پذیرفته و حمایت مالی شدند. به آنها گفته شد که این دو گروه جهادی می‌توانند با هم کار کنند.

او همچنین گفت که حماس تا آنجا از این گروه شیعه استقبال کرد که در سال ۲۰۱۱ در نهایت در کنار رژیم بشار اسد علیه جناح‌های سلفی جهادی سنی قرار گرفت. این یک بحران بزرگ برای حماس بود بطوری که سنی‌ها آن را متهم به خیانت به آنها کردند. اما در نهایت، زمانی که اسد در سوریه دوباره به قدرت رسید و رژیم اسلامی نبرد را به غزه تغییر داد، حماس دوباره «بدنامی جهادی» در منطقه را به دست آورد.

در بخش دیگری از گزارش فاکس‌نیوز آمده، از نظر استراتژیک، حزب‌الله در حال حاضر از موقعیتی برخوردار است که اسرائیل در دقیقاً در جایی ننگه داشته که این گروه می‌خواهد چرا که اسرائیل اگرچه به دستاوردهای نظامی زیادی دست یافته اما در سطح استراتژیک، حزب‌الله از کاهش توانایی‌ها و توانمندی‌های اسرائیل سود می‌برد.

## حمله سنگین اسرائیل به جنوب لبنان؛ احتمال کشته شدن هاشم صفی‌الدین قائم مقام حسن نصرالله

منابع اسرائیلی:  
موساد هر لحظه  
از شبانه‌روز  
می‌داند  
حسن نصرالله  
کجا مخفی  
شده است



حسن نصرالله در کنار قاسم سلیمانی فرمانده «سپاه قدس»

● روزنامه «یدیوتو آحرونوت» در مقاله‌ای نوشت موساد بطور صد درصدی در هر ساعت از شبانه‌روز اطلاع دارد که نصرالله چطور جابجا می‌شود و کجا مستقر است. ● اکنون گفته می‌شود نصرالله در محله «ضاحیه» بیروت در یک زیرزمین مخفی شده. برخی منابع عربی معتقدند این وضعیت وی، احتمال تمایل تل‌آویو به ترور او را تقویت می‌کند. ● سمدار بیری سردبیر بخش عربی روزنامه «یدیوتو آحرونوت» می‌گوید، «یک مقام بلندپایه ایرانی پس از کشته شدن طالب سامی عبدالله مشهور به «ابوطالب» از فرماندهان ارشد حزب‌الله در حمله هوایی اسرائیل به بیروت رفت، اما [به دلیل شرایط امنیتی] به دفتر حزب‌الله نرفت». ● وی در بخشی از مقاله خود نوشت، «به نظر می‌رسد که فرماندهان موساد می‌دانند چگونه با دقت صد درصد در هر ساعتی از روز مکان نصرالله را مشخص کنند حتی اگر محل خود را عوض کند... خود نصرالله نیز به این باور رسیده که دست اسرائیل به وی می‌رسد اما فعلا از



تا ساعاتی پس از این حمله پهپادهای اسرائیلی در جنوب لبنان در حال گشت زدن بودند.

این گزارش هیچکدام از مقامات حزب‌الله به صورت رسمی کشته شدن صفی‌الدین را تأیید نکرده‌اند. اسرائیل به تلافی حملات موشک حزب‌الله سحرگاه چهارشنبه ۲۳ خرداد طالب سامی عبدالله مشهور به «ابوطالب» فرمانده «یگان نصر» حزب‌الله را در حوالی روستای «جویا» در جنوب لبنان هدف قرار داد. وی یکی از فرماندهان نزدیک به قاسم سلیمانی بود. حاج ابوطالب فرمانده «یگان نصر» حزب‌الله همراه با سه نفر از همکارانش در یک اتومبیل هدف حمله قرار گرفت. برخی منابع عربی گزارش دادند او مهم‌ترین فرمانده میدانی حزب‌الله بوده که بعد از عملیات «هفت اکتبر» در کارزار اسرائیل برای حذف فیزیکی فرماندهان ارشد گروه‌های تروریستی منطقه کشته شده است. محل مأموریت‌های «یگان نصر» در جبهه جنوبی لبنان در مرز اسرائیل و حد فاصل «پنت جیبل» تا «مزارع شعبا» است. حزب‌الله در بیانیه‌ای با تأیید مرگ ابوطالب تهدید کرد که انتقام او را از اسرائیل خواهد گرفت و در همین ارتباط ده‌ها راکت دیگر به اسرائیل پرتاب کرد. به تلافی این حملات بود که اسرائیل محلی را که گفته می‌شود شیخ صفی‌الدین در آن مستقر بود هدف قرار داد. زینب سلیمانی تیرماه ۱۳۹۹ شش ماه بعد از شکار قاسم سلیمانی فرمانده پیشین سپاه قدس توسط پهپادهای آمریکایی در بغداد، با پسر سیدهاشم صفی‌الدین معاون اجرایی حزب‌الله لبنان ازدواج کرد. وزارت خزانه‌داری آمریکا سیدهاشم را در سال ۲۰۱۸ در فهرست تروریست‌های بین‌المللی قرار داد. پیشتر در سال ۲۰۱۷ عربستان سعودی نیز او را به عنوان تروریست در لیست سیاه قرار داده بود.

● در ادامه درگیری‌های سنگین میان اسرائیل و حزب‌الله، پهپادهای نیروی هوایی ارتش اسرائیل یک ساختمان سه طبقه در منطقه «جناتا» در جنوب لبنان را هدف قرار دادند. ● به گزارش رسانه‌های منطقه‌ای، در حمله‌ای که پنجشنبه شب ۱۳ ژوئن (۲۴ خردادماه) اتفاق افتاد دست‌کم ۲۰ نفر و به گفته برخی منابع ۳۰ نفر کشته و زخمی شدند. ● شبکه خبری مصری «القاهره» گزارش داد، شیخ هاشم صفی‌الدین نفر دوم حزب در این حمله کشته شده است. ● صفی‌الدین رئیس شورای اجرایی حزب‌الله و پدر شوهر زینب سلیمانی دختر قاسم سلیمانی است. تا لحظه تنظیم این گزارش هیچکدام از مقامات حزب‌الله به صورت رسمی کشته شدن صفی‌الدین را تأیید نکرده‌اند. در دومین شب از درگیری‌های سنگین میان اسرائیل و حزب‌الله، پهپادهای نیروی هوایی ارتش اسرائیل یک ساختمان سه طبقه در منطقه «جناتا» در جنوب لبنان را هدف قرار دادند. گفته می‌شود در این حمله هاشم صفی‌الدین قائم‌مقام حسن نصرالله کشته شده است. حمله پهپادی اسرائیل به یک ساختمان در حد فاصل روستای «جناتا» و «دیر قانون» در جنوب لبنان به گزارش رسانه‌های منطقه‌ای، در حمله‌ای که پنجشنبه شب ۱۳ ژوئن (۲۴ خردادماه) اتفاق افتاد دست‌کم ۲۰ نفر و به گفته برخی منابع ۳۰ نفر کشته و زخمی شدند. ● شبکه خبری مصری «القاهره» گزارش داد، شیخ هاشم صفی‌الدین نفر دوم حزب در این حمله کشته شده است. صفی‌الدین رئیس شورای اجرایی حزب‌الله و پدر شوهر زینب سلیمانی دختر قاسم سلیمانی است. تا لحظه تنظیم



حذف وی خودداری می‌کند. با این حال حلقه‌های امنیتی وی تقویت شده است».

همزمان با افزایش شدت درگیری‌ها میان اسرائیل و حزب‌الله، دو روز پس از اعلام خبر ترور هاشم صفی‌الدین نفر دوم حزب‌الله لبنان، منابع اسرائیلی می‌گویند، موساد در تعقیب حسن نصرالله دبیرکل این تشکیلات سیاسی و تروریستی است که در دهه هشتاد میلادی توسط جمهوری اسلامی در لبنان بنیان گذاشته شد.

روزنامه «یدیوت آحارونوت» روز شنبه ۱۵ ژوئن (۲۶ خردادماه) در مقاله‌ای نوشت موساد بطور صد درصدی در هر ساعت از شبانه‌روز اطلاع دارد که نصرالله چطور جابجا می‌شود و کجا مستقر است.

اکنون گفته می‌شود نصرالله در محله «ضاحیه» بیروت در یک زیرزمین مخفی شده. برخی منابع عربی معتقدند این وضعیت وی، احتمال تمایل تل‌آویو به ترور او را تقویت می‌کند.

سمدار بیری سردبیر بخش عربی روزنامه «یدیوت آحارونوت» می‌گوید، «یک مقام بلندپایه ایرانی پس از کشته شدن طالب سامی عبدالله مشهور به «ابوطالب» از فرماندهان ارشد حزب‌الله در حمله هوایی اسرائیل به بیروت رفت، اما [به دلیل شرایط امنیتی] به دفتر حزب‌الله نرفت».

وی توضیح داد، «دبیرکل حزب‌الله حتی با نزدیکان خودش در یک اتاق در بسته دیدار می‌کند، این یعنی موساد در تعقیب حسن نصرالله است».

سمدار بیری همچنین می‌نویسد: «نصرالله عالی‌ترین مقام حزب‌الله است اما نسل جدیدی از فرماندهان زیر نظر او در ساختار حزب‌الله رشد می‌کنند، می‌توان حدس زد اخباری که گاهی در مورد اسامی جانشینان آینده وی مطرح می‌شود، نصرالله را ناراحت می‌کند زیرا او گمان می‌کند که این خبرها توسط اسرائیل درز داده می‌شود تا او را تضعیف کرده و تنش‌های داخلی در رهبری سازمان ایجاد کند... نصرالله نیز متقاعد شده است که در تیررس اسرائیل قرار دارد، اما خودش را پنهان می‌کند».

وی در ادامه عنوان کرد، «به نظر می‌رسد که فرماندهان موساد می‌دانند چگونه با دقت صد درصد در هر ساعتی از روز مکان نصرالله را مشخص کنند حتی اگر محل خود را عوض کند... خود نصرالله نیز به این باور رسیده که دست اسرائیل به وی می‌رسد اما فعلاً از حذف وی خودداری می‌کند. با این حال حلقه‌های امنیتی وی تقویت شده است».

در بخش دیگری از این مقاله آمده، یوسی کوهن رئیس سابق موساد اخیراً با صریح‌ترین عبارات اعلام کرد، «ما از محل دقیق اختفای دبیرکل گروه تروریستی حزب‌الله اطلاع داریم و هر لحظه اراده کنیم می‌توانیم کارش را تمام کنیم... اگر آنها تصمیم بگیرند دست از پا خطا کنند، اسرائیل در هر لحظه می‌تواند این کار را انجام دهد».

شکار «ابوطالب» فرمانده یگان نصر حزب‌الله ضربه سنگینی به این گروه تروریستی وارد آورد. این در حالیست که هنوز سرنوشت قطعی هاشم صفی‌الدین نفر دوم حزب‌الله لبنان مشخص نیست. برخی ادعا می‌کنند وی کشته شده و برخی دیگر می‌گویند جان سالم به در برده اما حالش وخیم است.

بعضی مقامات اسرائیلی می‌گویند حذف حسن نصرالله احتمال وقوع جنگ مستقیم میان اسرائیل و حزب‌الله را افزایش می‌دهد. حال آنکه برخی معتقدند از میان بردن عامل و مدافع جنگ قاعدتا احتمال وقوع جنگ را تضعیف می‌کند!

## هشدار وزیر خارجه اسرائیل به حسن نصرالله:

# در صورت وقوع جنگ تمام‌عیار حزب‌الله نابود می‌شود



مراسم تشییع جنازه «ابوطالب» از فرماندهان ارشد حزب‌الله که در حمله هوایی اسرائیل کشته شد/ عکس: رویترز

به اسرائیل در مورد درگیری احتمالی با حزب‌الله هشدار می‌دهند. عاموس هوشستاین مشاور ارشد جو بایدن به مقامات اسرائیلی گفته ادامه رویارویی اسرائیل و حزب‌الله می‌تواند به «حمله گسترده ایران» منجر شود.

هوشستاین گفت که امیدوار است طرفین (اسرائیل و حزب‌الله) بر سر توقف درگیری‌ها توافق کنند اما چنین توافقی بدون آتش‌بس رسمی در غزه قابل اجرا نیست.

این مشاور آمریکایی ابراز امیدواری کرد که عملیات ارتش اسرائیل به رفع طی دو یا سه هفته پایان یافته و از شدت درگیری بین حزب‌الله و ارتش اسرائیل کاسته شود.

در ماه‌های اخیر شمار زیادی از فرماندهان ارشد حزب‌الله در حملات اسرائیل کشته شدند با اینهمه مقامات این گروه ادعا می‌کنند، «اسرائیل از توان واقعی مقاومت در لبنان هیچ اطلاعی ندارد».

رادیوی ارتش اسرائیل به نقل از روزنامه «الاکهار» گزارش داد طالبان به جمهوری اسلامی اطمینان داده در صورت جنگ شدید بین اسرائیل و حزب‌الله، هزاران جنگجو به لبنان می‌فرستد.

اخیراً سفیر جمهوری اسلامی در کابل نیز گفت، افغانستان «محور مقاومت» است و اگر نیاز شد نیروهای «استشهادی» از افغانستان به غزه خواهند رفت.

حسین سلامی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز ۳۰ خرداد در یک سخنرانی با تکرار ذهنیات آخرالزمانی خود ادعا کرد، «قدرت‌های شیطانی فکر کردند به این ترتیب فضای تنفس قدرت‌ها به مرور تنگ خواهد شد و اضلاع جدیدی به هندسه قدرت جهانی افزوده خواهد شد و بشریت در آستانه یک قیام جهانی برای به دست آوردن مجد و عظمت خود قرار خواهد گرفت».

شماری از تحلیلگران معتقدند جمهوری اسلامی خود را آماده می‌کند تا در صورت شکست حماس در غزه، از طریق حزب‌الله اهرم‌های تهدید علیه اسرائیل را تقویت کند و به ویژه آنکه تجربه حملات مستقیم موشکی و پهپادی از ایران به اسرائیل به مقامات تهران نشان داد که همچنان گزینه حزب‌الله دستاوردهای بیشتری برای آنها علیه اسرائیل خواهد داشت تا حمله مستقیم از ایران.

● در پی افزایش تنش‌ها میان اسرائیل و حزب‌الله، مقامات تل‌آویو بطور جدی در حال بررسی یک اقدام در حد و اندازه‌ی یک جنگ تمام‌عیار احتمالی با این گروه‌اند.

● حسن نصرالله رهبر حزب‌الله تهدید کرده که این گروه شهر حیفا را با موشک هدف قرار خواهد داد.

● عاموس هوشستاین مشاور ارشد جو بایدن به مقامات اسرائیلی گفته ادامه رویارویی اسرائیل و حزب‌الله می‌تواند به «حمله گسترده ایران» منجر شود.

● رادیوی ارتش اسرائیل به نقل از روزنامه «الاکهار» گزارش داد طالبان به جمهوری اسلامی اطمینان داده در صورت جنگ شدید بین اسرائیل و حزب‌الله، هزاران جنگجو به لبنان می‌فرستد.

اسرائیل در واکنش به حملات موشکی حزب‌الله لبنان، عملیات علیه پایگاه‌های این گروه تروریستی را گسترش داده و حذف فرماندهان و عوامل کلیدی حزب‌الله را پیش می‌برد. در پی افزایش تنش‌ها میان اسرائیل و حزب‌الله، مقامات تل‌آویو بطور جدی در حال بررسی یک اقدام در حد و اندازه‌ی یک جنگ تمام‌عیار احتمالی با این گروه‌اند.

با افزایش احتمال این جنگ بخشی از مأموریت‌های ارتش اسرائیل در جبهه جنوبی در رفع علیه حماس بطور موقت متوقف شده است. حسن نصرالله رهبر حزب‌الله تهدید کرده که این گروه شهر حیفا را با موشک هدف قرار خواهد داد.

در واکنش به این تهدید، اسرائیل کاتز، وزیر خارجه اسرائیل، در پستی در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت، «نصرالله امروزه فیلمبرداری از بنادر حیفا که شرکت‌های بین‌المللی از جمله شرکت‌های چینی و هندی آنجا مستقر هستند، می‌بالد و آنها را تهدید به حمله می‌کند. ما به لحظه تصمیم برای تغییر قوانین علیه حزب‌الله و لبنان بسیار نزدیک هستیم. در یک جنگ همه‌جانبه، حزب‌الله نابود خواهد شد و لبنان به شدت ضربه خواهد خورد».

وی تأکید کرد، «دولت اسرائیل در خط مقدم و جبهه داخلی هزینه خواهد داد، اما با یک ملت قوی و متحد و قدرت کامل ارتش اسرائیل، ما امنیت را به ساکنان شمال [اسرائیل] باز می‌گردانیم».

روزنامه «هآرتس» گزارش می‌دهد مقامات کاخ سفید

# فشار نمایندگان مجلس آمریکا به دولت بایدن برای اجرای تحریم‌های نفتی علیه جمهوری اسلامی



جمهوری اسلامی از طریق کشتی‌هایی که ردیاب آنها خاموش است اقدام به انتقال نفت در دریاها می‌کند

● حدود ۴۰ نماینده در نامه‌ای از جو بایدن خواسته‌اند «قانون کشتیرانی» و «قانون تحریم انرژی ایران و چین» را اجرا کند. طرحی که بعد از تصویب در کنگره، پنجم اردیبهشت ماه با امضاء رئیس جمهوری آمریکا تبدیل به قانون شد.

● در این نامه خطاب به وزرای خارجه و خزانه‌داری آمده است، تحریم‌های موجود علیه نفت ایران باید به شدت اجرا شود» و دو وزارتخانه موظف‌اند با یکدیگر همکاری کنند تا تجارت غیرقانونی نفت ایران را مهار کنند. ● امضاکنندگان نامه هشدار دادند، جمهوری اسلامی از طریق صادرات نفت، گروه‌های تروریستی را تأمین مالی می‌کند و حمله عملیات مرگبار «هفت اکتبر» حماس، یا موشک‌پرانی حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری و همچنین کشته شدن سه سرباز آمریکایی در اردن با موشک‌های گروه‌های نیابتی در عراق نتایج آن هستند.

● جواد اوجی وزیر نفت جمهوری اسلامی می‌گوید، «ما به وضعیت قبل از تحریم‌های ظالمانه نزدیک شده‌ایم و هیچ مشکلی در وصول مطالباتمان نداریم». وی افزوده «هر دولتی در آمریکا سر کار بیاید نمی‌تواند مانع صادرات و تولید نفت ایران شود».

یک گروه دو حزبی از نمایندگان مجلس در آمریکا از دولت بایدن خواسته است که با اجرای فوری تحریم‌های جدید سختگیرانه علیه جمهوری اسلامی، صادرات غیرقانونی نفت از ایران به چین را هدف قرار دهد.

شمار می‌روند، از جمله استفاده از مدل‌های کامپیوتری برای شبیه‌سازی وسایل انفجاری هسته‌ای، دنبال نکند. با اینهمه کمال خرازی رئیس شورای راهبردی روابط خارجی جمهوری اسلامی اردیبهشت ۱۴۰۳ در اظهاراتی تهدیدآمیز گفت، «ما تصمیمی برای ساخت مپ هسته‌ای نداریم، اما در صورت تهدید موجودیت ایران، چاره‌ای جز تغییر دکترین نظامی ما وجود نخواهد داشت.»

طبق گزارش جدید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که خردادماه منتشر شد، جمهوری اسلامی ایران تقریباً ۱۴۲ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصد غنی شده دارد که نسبت به گزارش قبلی در فوریه (اسفند ۱۴۰۲)، بیش از ۲۰ کیلوگرم افزایش یافته است.

بر اساس ارزیابی‌های آژانس اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل، رژیم ایران برای غنی‌سازی این مقدار اورانیوم تا ۹۰ درصد و



از شروط آمریکا برای مذاکره بر سر توافق اتمی جدید با ایران متوقف کردن فعالیت‌های موشکی سپاه پاسداران است

ساخت دست‌کم سه مپ اتم تنها به چند هفته زمان نیاز دارد. یک مقام آمریکایی می‌گوید، هیچ نتیجه‌گیری مشخصی در مورد این اطلاعات جدید وجود ندارد، اما سؤالاتی را ایجاد می‌کند که باید توسط ایالات متحده و اسرائیل مورد بحث قرار گیرد. هیأت آمریکایی توسط جیک سالیوان مشاور امنیت ملی کاخ سفید و طرف اسرائیلی توسط ران درمر وزیر امور استراتژیک و تزاچی هانگی مشاور امنیت ملی اسرائیل رهبری خواهند شد. این دیدار نتیجه سفر چند هفته پیش سالیوان به اسرائیل است. نتایج و دستیارانش در دیدارهای خود با سالیوان خواستار گفتگوی عمیق در مورد وضعیت برنامه هسته‌ای ایران شدند.

اینهمه در حالیست که اظهارات زیادی در مورد اهداف نظامی فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی مطرح شده است. از جمله علی مطهری عضو پیشین هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی که گفته بود، «از همان ابتدا که وارد فعالیت هسته‌ای شدیم هدفمان ساخت مپ و تقویت قوای بازدارنده بود، اما نتوانستیم محرمانه بودن این مسئله را حفظ کنیم و گزارش‌های محرمانه از سوی مجاهدین خلق آن را افشا کرد». محمود آقامیری، رئیس دانشگاه «پهشتی» بیشتر گفته بود، «طبق فتوای علی خامنه‌ای ساخت مپ اتم حرام شرعی است، اما اگر نظر و فتوای ایشان تغییر کند ما توانایی ساخت مپ اتم هم داریم. با توانایی که در حوزه هسته‌ای داریم، ساخت مپ اتم برای ما خیلی راحت‌تر از نساختن مپ اتم است.»

# آمریکا و اسرائیل در حال بررسی اطلاعات جدید «مدل‌سازی تولید سلاح اتمی» ایران هستند

● در شرایطی که مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌گوید قادر به راست‌آزمایی و تصمیم‌گیری صحیح‌آمیز بودن برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی نیست، آژانس‌های اطلاعاتی ایالات متحده و اسرائیل در حال بررسی اطلاعات جدیدی درباره «مدل‌سازی کامپیوتری متخصصان هسته‌ای ایران برای پژوهش و توسعه تسلیحات هسته‌ای» هستند.

● مقامات ارشد ایالات متحده و اسرائیل تحت عنوان «گروه راهبردی استراتژیک آمریکا-اسرائیل» روز پنجشنبه ۲۰ ژوئن در کاخ سفید دیدار خواهند کرد تا در مورد وضعیت برنامه هسته‌ای ایران و سایر موضوعات گفتگو کنند.

در شرایطی که مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌گوید قادر به راست‌آزمایی و تصمیم‌گیری صحیح‌آمیز بودن برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی نیست، آژانس‌های اطلاعاتی ایالات متحده و اسرائیل در حال بررسی اطلاعات جدیدی درباره «مدل‌سازی کامپیوتری متخصصان هسته‌ای ایران برای پژوهش و توسعه تسلیحات هسته‌ای» هستند.

پایگاه خبری «آکسیوس» روز ۱۸ ژوئن (۲۹ خردادماه) به نقل از چند مقام آمریکایی و یک مقام سابق اسرائیلی به آکسیوس گزارش داد، هدف از این مدل‌سازی هنوز مشخص نیست. تعدادی از مقامات هشدار می‌دهند که این اطلاعات پیام‌های نگران‌کننده در مورد بلندپروازی‌های تسلیحاتی جمهوری اسلامی دارد. اما برخی دیگر آن را نشان‌دهنده تغییر در سیاست و استراتژی هسته‌ای ایران نمی‌دانند. هرچند جمهوری اسلامی بارها ادعا کرده که به دنبال تسلیحات هسته‌ای نیست.

مقامات ارشد ایالات متحده و اسرائیل تحت عنوان «گروه راهبردی استراتژیک آمریکا-اسرائیل» روز پنجشنبه ۲۰ ژوئن در کاخ سفید دیدار خواهند کرد تا در مورد وضعیت برنامه هسته‌ای ایران و سایر موضوعات گفتگو کنند. این اولین گفتگوی سطح بالا و عمیق بین آمریکا و اسرائیل درباره برنامه هسته‌ای ایران از مارس سال ۲۰۲۳ تا کنون خواهد بود. یک مقام آمریکایی و یک اسرائیلی گفتند که اطلاعات جدید باعث ایجاد «ظن» و «نگرانی» در مورد فعالیت‌های تحقیق و توسعه هسته‌ای ایران شده است.

نهاد‌های اطلاعاتی ایالات متحده در سال ۲۰۰۷ به این نتیجه رسیدند که جمهوری اسلامی ایران از سال ۲۰۰۳ تا کنون برنامه هسته‌ای نظامی فعالی نداشته است. مقامات آمریکایی به آکسیوس گفتند که این ارزیابی تغییری نکرده است. یک مقام آمریکایی و یک مقام اسرائیلی به آکسیوس گفته‌اند سازمان‌های اطلاعاتی آنها هیچ نشانه‌ای مبنی بر دستور مقامات ایران برای برنامه هسته‌ای نظامی ندیده‌اند. به عنوان بخشی از برنامه، رژیم ایران متعهد شد فعالیت‌هایی را که به عنوان بخشی از طراحی و توسعه هسته‌ای به

## رافائل گروسی: برجام بی‌معنا شده و کسی از آن تبعیت نمی‌کند



رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مصاحبه با خبرنگار روزنامه روسی «ایزوستیا» در وین

ارژیم] ایران و آمریکا یکدیگر را به دلیل شکست برجام سرزنش می‌کنند... اما ما نمی‌توانیم اجازه دهیم سناریویی شبیه کره شمالی تکرار شود، اگرچه تمام تلاش‌ها و مذاکرات طی چندین دهه بی‌نتیجه مانده است.»

مدیرکل سازمان بین‌المللی انرژی اتمی در همین مصاحبه «مشکلات دسترسی به تأسیسات هسته‌ای ایران را تأیید کرد.»

جمهوری اسلامی از حدود یک سال پیش شماری از زبده‌ترین بازرسان آژانس را که متخصص در زمینه راست‌آزمایی از فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی بودند در فهرست سیاه قرار داد و مجوزشان برای ورود به ایران را تمدید نکرد.

رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ماه‌های اخیر بارها به اعضای شورای حکام هشدار داد که «همی‌توانم تضمین کنم برنامه هسته‌ای ایران صلح‌آمیز است.» چنین عدم اطمینانی به معنی آنست که مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قادر نیست تضمین کند که سانتریفیوژها در ایران برای غنی‌سازی مخفیانه با غلظت بالاتر از حد مجاز استفاده نشوند.

سه قدرت اروپایی شنبه ۲۶ خردادماه با انتشار بیانیه‌ای مشترک اقدامات جمهوری اسلامی برای راه‌اندازی سانتریفیوژهای بیشتر در تأسیسات اتمی فردو و نطنز را محکوم کردند. در این بیانیه آمده بود این اقدامات برجام را «تهی» می‌کند.

حکومت ایران به تلافی تصویب قطعنامه تویبخی در شورای حکام، تعداد سانتریفیوژها برای غنی‌سازی اورانیوم در تأسیسات اتمی نطنز و فردو را افزایش داد.

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بارها نسبت به تبدیل جمهوری اسلامی به کره شمالی دوم در زمینه اتمی هشدار داده است.

● رافائل گروسی در مصاحبه با روزنامه روسی «ایزوستیا» با اشاره به توسعه برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی گفت، «من فکر می‌کنم باید به دیپلماسی بازگردیم، ما برجام را داشتیم، اکنون فقط روی کاغذ وجود دارد و بی‌معنا شده، هیچکس آن را اجرا نمی‌کند، کسی آن را دنبال نمی‌کند.»

● وی توضیح داد، «تلاش‌هایی برای احیای برجام در وین صورت گرفت اما متأسفانه با اینکه آنها نسبتاً به موفقیت نزدیک بودند، به دلایلی که برای من، که درگیر این روند نبودم ناشناخته است، شکست خوردند.»

● مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در بخشی از این مصاحبه هشدار داد، «ما نمی‌توانیم اجازه دهیم سناریویی شبیه کره شمالی تکرار شود، اگرچه تمام تلاش‌ها و مذاکرات طی چندین دهه بی‌نتیجه مانده است.»

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌گوید، توافق اتمی با جمهوری اسلامی موسوم به «برجام» بی‌معنا شده و هیچکس از آن تبعیت نمی‌کند.

رافائل گروسی در مصاحبه با روزنامه روسی «ایزوستیا» (Известия) که ۱۷ ژوئن (۲۸ خردادماه) منتشر شد، با اشاره به توسعه برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی گفت، «من فکر می‌کنم باید به دیپلماسی بازگردیم، ما برجام را داشتیم، اکنون فقط روی کاغذ وجود دارد و بی‌معنا شده، هیچکس آن را اجرا نمی‌کند، کسی آن را دنبال نمی‌کند.»

وی توضیح داد، «تلاش‌هایی برای احیای برجام در وین صورت گرفت اما متأسفانه با اینکه آنها نسبتاً به موفقیت نزدیک بودند، به دلایلی که برای من، که درگیر این روند نبودم ناشناخته است، شکست خوردند.»

گروسی افزود، «جای تعجب ندارد که طرفین به ویژه

مایک لاولر، جرد موسکوویت، جاش گوتهایمر و حدود ۴۰ نماینده در نامه‌ای از جو بایدن خواسته‌اند «قانون کشتیرانی» و «قانون تحریم انرژی ایران و چین» را اجرا کند. طرحی که بعد از تصویب در کنگره، پنجم اردیبهشت ماه با امضاء رئیس جمهوری آمریکا تبدیل به قانون شد.

دولت بایدن از سوی جمهوریخواهان و همچنین مخالفان دموکراسی خواه جمهوری اسلامی متهم است که با جمهوری اسلامی مباحثات می‌کند و تحریم‌ها را نادیده گرفته است.

در این نامه خطاب به وزرای خارجه و خزانه‌داری آمده است، تحریم‌های موجود علیه نفت ایران باید به شدت اجرا شود» و دو وزارتخانه موظف‌اند با یکدیگر همکاری کنند تا تجارت غیرقانونی نفت ایران را مهار کنند.

این دو لایحه بنادر، پالایشگاه‌ها و سایر مؤسسات مالی چینی را که در معاملات نفت ایران دخالت دارند، در چین هدف قرار می‌دهد.

در بخش دیگری از نامه آمده که جمهوری اسلامی از طریق صادرات نفت، گروه‌های تروریستی را تأمین مالی می‌کند و حمله عملیات مرگبار «هفت اکتبر» حماس، یا موشک‌پرانی حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری و همچنین کشته شدن سه سرباز آمریکایی در اردن با موشک‌های گروه‌های نیابتی در عراق نتایج آن هستند.

امضاکنندگان این نامه تأکید کرده‌اند، «در حالی که ایران به کارزار ترور خود ادامه می‌دهد، ما از شما می‌خواهیم که تحریم‌های وضع شده از طریق قانون کشتیرانی و قانون تحریم‌های انرژی ایران و چین را به سرعت اجرا کنید.»

وزیر نفت جمهوری اسلامی روز ۳۰ خرداد در نشستی در مجلس شورای اسلامی گفت، «ما به وضعیت قبل از تحریم‌های ظالمانه نزدیک شده‌ایم و هیچ مشکلی در وصول مطالبات مان نداریم.» وی افزوده «هر دولتی در آمریکا سر کار بیاید نمی‌تواند مانع صادرات و تولید نفت ایران شود.»

جواد اوجی عنوان کرد، صادرات نفت جمهوری اسلامی نسبت به میزان صادرات پیش از دولت ابراهیم رئیسی سه برابر شده و وصول درآمدهای ارزی افزایش یافته است.

وی در بخش دیگری از صحبت‌هایش با بیان اینکه «در ابتدای دولت فروش نفت سنگین و فوق‌سنگین نداشتیم»، گفت: «در این سه سال به فضل الهی و با کار جهادی و شبانه‌روزی، تولید نفت خام کشور بیش از یک میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه افزایش پیدا کرد.»

طبق آمارهای صندوق بین‌المللی پول ایران در سال ۲۰۲۳ روزانه یک میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه صادر کرده که نسبت به سال پیش از آن ۵۰۰ هزار بشکه افزایش داشته است. این در شرایطی است که جمهوری اسلامی به نفت ایران چوب حراج زده و زیر قیمت بازار نفت را به چین می‌فروشد.

قابل توجه اینکه همین ارزان‌فروشی نفت به چین به یکی از مباحث مناظره‌های انتخاباتی نمایشی ریاست جمهوری اسلامی در ایران تبدیل شده است. چنانکه مسعود پزشکیان که از سوی اصلاح‌طلبان حمایت می‌شود، پرسیده، «چه کسی باید جواب بدهد که چرا مفت دارایی‌های خود را می‌فروشیم؟» این پرسش که معلوم نیست با چه کسی مطرح شده در حالیست که حامیان سیاسی وی در دولت حسن روحانی شریک غارت منابع ملی ایران از جمله ارزان‌فروشی این منابع و ایران‌فروشی به روسیه و چین هستند.

پزشکیان با اشاره به اینکه «تحریم فاجعه است» این را هم گفت که «در مسیر غلط دور زدن تحریم، کلی بخور بخور وجود دارد!» «بخوربخوری» که در حلقه‌های وابسته به حکومتی که او برای ریاست جمهوری‌اش نامزد شده صورت گرفته و در دولت بعدی هم صرف نظر از اینکه چه کسی رئیس آن باشد، ادامه خواهد یافت.

## ابعاد ناشناخته قتل مشکوک بهاره لاهی کارگردان و مستندساز ایرانی



بهاره لاهی

یکی دیگر از مخاطبان «توانا» ضمن تاکید بر حضور بسیار فعال بهاره لاهی در جریان خیزش انقلابی ۱۴۰۱، از درگیری او با یکی از دست‌اندرکاران جشنواره فیلم «فجر» خبر داد و نوشت: «بهاره پس از آن شدیداً دنبال خروج از کشور بود. از اواخر بهمن‌ماه ۱۴۰۲ ارتباطش با همه قطع شد، حتی خانه‌اش را تغییر داد و از تهران به کرج نقل مکان کرد. هیچکس از او خبری نداشت، موبایلش خاموش بود و این گمان در ذهن دوستان و آشنایان ایجاد شد که شاید باز هم بازداشت شده باشد. به همه جا مراجعه شد، ولی اثری از او پیدا نشد. تا اینکه اخیراً خانواده‌اش در پی پیگیری‌ها متوجه شدند که او روز ۱۴ فروردین در بهشت سکینه کرج به عنوان مجهول‌الهویه دفن شده است.»

او همچنین اعلام کرد: «گفته می‌شود چند روز قبل‌تر همسایه‌ها به پلیس از بوی بدی که از آپارتمان بهاره می‌آید خبر می‌دهند و می‌گویند زنی تنها اینجا زندگی می‌کرد.» این مخاطب «توانا» گفته: «وقتی خانواده به محل زندگی دخترشان می‌روند، خانه شخم زده شده بود! پلیس می‌گوید بهاره خودکشی کرده، ولی ابهامات اینجاست که اگر خودکشی کرده، چه کسی خانه را بهم ریخته؟ چرا موبایل و لپ‌تاپ او مفقود شده؟ چرا با اینکه کارت ملی او در پرورنده پلیس موجود است و در خانه یافت شده، به صورت مجهول‌الهویه دفن کردند؟ چرا از طریق اطلاعات بنگاه مسکن و کارت ملی، خانواده‌اش را پیدا نکردند و خبر ندادند؟ چرا خانواده‌اش را تهدید کرده و دعوت به سکوت کردند؟»

یکی دیگر از مخاطبان «توانا» که ساکن همان محله زندگی بهاره در کرج است، گفته: «وقتی همسایه‌ها خبر دادند که از آن آپارتمان بو می‌آید، پلیس که وارد شد، در آپارتمان از بیرون با یک قفل بزرگ بسته شده بود، چگونه آن دختر به در بیرونی خانه قفل زده بود؟! از طرفی توقف مداوم یک خودروی تیبای سفید با دو سرنشین مرد جلوی آن خانه در روزهای قبل توجه ساکنان محل را جلب کرده بود...»

یکی دیگر از افراد مطلع نیز گفته است: «در مدتی که بهاره مفقود بود، کارت بانکی‌اش کار می‌کرد، یعنی نمی‌شد از این طریق پیدا کنند که چه کسی از کارت بانکی او استفاده می‌کند؟»

هنوز مشخص نیست که آیا بهاره لاهی بازداشت شده است یا نه؟ چگونه کشته شده؟ آیا خارج از خانه

لاهی، کارگردان و سازنده فیلم‌های کوتاه و مستند، در زندان‌های جمهوری اسلامی، رئیس هیئت مدیره انجمن فیلم کوتاه ایران «ایسفا» وابسته به خانه سینما با انتشار نامه‌ای خطاب به مدیرعامل خانه سینما، خواستار پیگیری و شفاف‌سازی ابعاد مجهول‌پرورنده مرگ بهاره لاهی شد. امیر توده روستا در نامه‌ای که روز سه‌شنبه ۲۲ خردادماه خطاب به مدیرعامل خانه سینما نوشته شده، بهاره لاهی را یکی از اعضای انجمن فیلم کوتاه ایران معرفی کرده و خواستار دریافت «گزارش واقعی» نهادهای امنیتی، انتظامی و قضایی درباره احتمال «قتل، فوت یا درگذشت مشکوک» این فیلمساز شده است.

او در این نامه تاکید کرده اعضای صنف فیلم کوتاه خانه سینما «مُصرانه» خواستار «پیگیری و شفاف‌سازی» درباره چگونگی مرگ بهاره لاهی هستند: «انجمن فیلم کوتاه ایران بطور جدی و مصرانه خواهان پیگیری و شفاف‌سازی در مورد از دست دادن یکی از اعضای صنف خود است و امیدوار است با پیگیری خانه سینما ابعاد مجهول این واقعه‌ی تلخ روشن شود.»

بهاره لاهی یکی از داوران آکادمی جوایز «ایسفا» بود که سال گذشته در کنار داوران دیگر در هر دو مرحله‌ی داورى حضور داشت. موسسه توانا که پیشتر گزارش داده بود بهاره لاهی در زندان کشته شده و بدون اطلاع خانواده‌اش در آرامستان «بهشت سکینه» کرج به خاک سپرده شده در روز چهارشنبه ۲۳ خرداد در مورد جان باخت این کارگردان و فیلمساز مخالف جمهوری اسلامی به نقل از چند تن از مخاطبان خود موضوعات جدیدی را منتشر کرد و به نقل از مخاطبانش نوشت «پلیس» علت مرگ را خودکشی اعلام کرده است. «توانا» به نقل از یکی از این کاربران نوشت: «آنچه شمداربار بهاره لاهی نوشتید درست است. خانواده‌اش به شدت تحت فشار هستند و مادر خانواده نگران پنج فرزند دیگرش است.» مراسم یادبود بهاره لاهی، در تکیه ایرانی در شهر آمل حدود ده روز پیش برگزار شده است که به گفته کاربران مراسم خیلی شلوغی بود. با آنکه چند ماه بود کسی از بهاره خبر نداشت و او بیش از دو ماه پیش کشته شده بود، ولی خبر مرگ او حدود دو هفته پیش به خانواده داده شد. این مخاطب «توانا» همچنین اطلاعاتی در مورد خانواده بهاره لاهی و شغل آنها و سابقه آشنایی با این خانواده داده است.

● بهاره لاهی، ۴۰ ساله اهل آمل و ساکن تهران، در جریان اعتراضات سراسری به مدت ۱۰ روز بازداشت بود و اواخر اسفندماه ۱۴۰۲ بطور ناگهانی مفقود شد. پیکر وی بعد از چند مدت بی‌خبری از او، روز ۱۲ فروردین در آپارتمانی در کرج پیدا شد که در بیرونی آن با قفل بسته شده بود.

● بر اساس اطلاعات منتشر شده در سامانه «بهشت سکینه» شهرداری کرج تاریخ فوت بهاره لاهی حاجی دلانی را ۱۴ فروردین ۱۴۰۳ ذکر کرده است. این تاریخ ۲ تا ۴ هفته پس از مفقود شدن وی است.

● رئیس هیئت مدیره انجمن فیلم کوتاه ایران «ایسفا» وابسته به خانه سینما، در نامه‌ای که به مدیرعامل خانه سینما نوشته، بهاره لاهی را یکی از اعضای انجمن فیلم کوتاه ایران معرفی کرده و خواستار دریافت «گزارش واقعی» نهادهای امنیتی، انتظامی و قضایی درباره احتمال «قتل، فوت یا درگذشت مشکوک» این فیلمساز شده است.

● موسسه توانا که پیشتر گزارش داده بود بهاره لاهی در زندان کشته شده و بدون اطلاع خانواده‌اش در آرامستان «بهشت سکینه» کرج به خاک سپرده شده در روز چهارشنبه ۲۳ خرداد در مورد جان باخت این کارگردان و فیلمساز مخالف جمهوری اسلامی به نقل از چند تن از مخاطبان خود موضوعات جدیدی را منتشر کرد و به نقل از مخاطبانش نوشت «پلیس» علت مرگ را خودکشی اعلام کرده است.

● پاسخ به پرسش‌ها و ابهامات این پرورنده نیز موضوعی است که تنها از پلیس علمی و بازپرسان جنایی مسئول و مستقل و آزاد بر می‌آید که در جمهوری اسلامی چنین امری مطلقاً امکان ندارد.

برخی منابع حقوق‌بشمی در ایران، از قتل «بهاره لاهی حاجی دلانی» کارگردان فیلم‌های کوتاه و مستندساز و فیلمنامه‌نویس در زندان و خاکسپاری مخفیانه وی در آرامستان «بهشت سکینه» کرج به عنوان مجهول‌الهویه خبر داده‌اند. با اینهمه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ادعا کرده است که این فیلمساز معترض، خودکشی کرده است.

بهاره لاهی، ۴۰ ساله اهل آمل و ساکن تهران، در جریان اعتراضات سراسری به مدت ۱۰ روز بازداشت بود و اواخر اسفندماه ۱۴۰۲ بطور ناگهانی مفقود شد.

پیکر وی بعد از چند مدت بی‌خبری از او، روز ۱۲ فروردین در آپارتمانی در کرج پیدا شد که در بیرونی آن با قفل بسته شده بود. بر اساس اطلاعات منتشر شده در سامانه «بهشت سکینه» شهرداری کرج تاریخ فوت بهاره لاهی حاجی دلانی را ۱۴ فروردین ۱۴۰۳ ذکر کرده است. این تاریخ ۲ تا ۴ هفته پس از مفقود شدن وی است.

بعد از دو ماه وقتی پلمب خانه برداشته شد و خانواده بهاره لاهی وارد خانه‌اش شدند، خانه بهم ریخته و تفتیش شده بود، اثری از موبایل و لپ‌تاپ بهاره نبود، ماموران گفتند این لوازم از ابتدا نبوده، اما کارت ملی او در پرورنده آگاهی موجود بود، با این حال بجای آنکه پیکر را در سردخانه نگه‌دارند و به خانواده اطلاع دهند، دو روز بعد در ۱۴ فروردین ۱۴۰۳ جسد وی را به عنوان مجهول‌الهویه مخفیانه و بدون اطلاع خانواده وی در «بهشت سکینه» کرج دفن کردند. درگذشت بهاره لاهی روز ۱۴ فروردین ۱۴۰۳ و حدود ۲۰ روز پس از اعلام گم شدن وی ثبت شد.

به دنبال انتشار گزارش‌هایی درباره «کشته شدن» بهاره

## راه اندازی پرواز مستقیم «ماهان ایر» از ایران به چین!



مسافرانی که در اولین پرواز ماهان، مستقیم از تهران به گروزی رفتند

افزایش پروازها به ویژه به قفقاز تقسیم کار کنند. تلاش برای افزایش پروازهای مستقیم از ایران به تاتارستان، کازان یا سایر شهرهای روسیه در پوشش توسعه گردشگری صورت می‌گیرد هرچند تقویت همکاری‌های نظامی و امنیتی میان دو طرفین بسیار قوی‌تر روابط آنها در حوزه اقتصادی است. یکی از اصلی‌ترین تهدیدات برای امنیت اروپا، پشتیبانی نظامی جمهوری اسلامی از روسیه است. در همین ارتباط رهبران «گروه هفت» روز جمعه ۱۴ ژوئن (۲۵ خرداد) به جمهوری اسلامی در مورد توسعه برنامه غنی‌سازی هسته‌ای و ارسال تسلیحات به روسیه هشدار دادند. آنها تهدید کردند «در صورت انتقال موشک‌های بالستیک تهران به روسیه، آماده اجرای اقدامات جدید خواهند بود».

در سال‌های اخیر جمهوری اسلامی تلاش زیادی برای گسترش نفوذ خود در چین کرده است. تلاش برای تأسیس دپارتمان آموزش زبان فارسی در دانشگاه دولتی چین یکی از این برنامه‌هاست. جمهوری چین پاتوق عوامل سپاه است. بسیاری از رزمی‌کاران از جمله فایتهای نزدیک به نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی برای شرکت در مسابقات «کیک‌بوکسینگ» یا «مبارزه در قفس» به شهرهای مختلف چین رفت و آمد دارند. نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی در پوشش همین مسابقات با باندهای مواد مخدر، جنایتکاران و قاچاقچیان در ارتباط هستند.

روابط حکومت ایران با چینی‌ها پیچیده است. سابقه نشان می‌دهد در مأموریت‌های ضدآزمایی و خرابکاری‌های جمهوری اسلامی در خاک اروپا، چینی‌ها نقش اجرایی پررنگی دارند. به عنوان مثال محمدحسین دوتایف تبعه اتریشی چچن‌تبار که اقدام به فیلمبرداری از محوطه خارجی ساختمان شبکه ایران‌اینترنشنال در لندن کرده بود یکی از متهمین اصلی توطئه علیه روزنامه‌نگاران ایرانی مخالف جمهوری اسلامی است.

سوابق نشان می‌دهد مسیرهایی که هواپیماهای ماهان از ایران به آنجا پرواز می‌کنند صرفاً محدود به جابجایی عادی مسافر یا کالا نمی‌شود بلکه خطوطی برای حمل محموله‌های ممنوعه یا نیروهای نظامی و شبه نظامی هستند. اخیراً برخی منابع غیررسمی گزارش دادند جابجایی برخی شبه‌نظامیان در قاره آفریقا مأموریت جدیدی است که به ماهان ایر واگذار شده است.

● شرکت هواپیمایی «ماهان ایر» اصلی‌ترین شریک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ترابری و حمل تسلیحات، پرواز مستقیم بین تهران و گروزی مرکز جمهوری چین روسیه راه‌اندازی کرده است. اولین پرواز تهران به گروزی روز دوشنبه ۱۰ ژوئن (۲۱ خرداد ۱۴۰۳) در این شهر به زمین نشست. ● ماشاءالله عسکری همت مدیر هواپیمایی ماهان در روسیه به خبرگزاری «ایرنا» گفت، قرار است هفته‌ای یک پرواز رفت و برگشت در مسیر تهران- گروزی در روزهای دوشنبه انجام شود و در صورت افزایش تقاضا امکان انجام سه پرواز در هفته در این مسیر پیش‌بینی شده است. ● در سال‌های اخیر جمهوری اسلامی تلاش زیادی برای گسترش نفوذ خود در چین کرده است. تلاش برای تأسیس دپارتمان آموزش زبان فارسی در دانشگاه دولتی چین یکی از این برنامه‌هاست.

شرکت هواپیمایی «ماهان ایر» اصلی‌ترین شریک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ترابری و حمل تسلیحات، پرواز مستقیم بین تهران و گروزی مرکز جمهوری چین روسیه راه‌اندازی کرده است. اولین پرواز تهران به گروزی روز دوشنبه ۱۰ ژوئن (۲۱ خرداد ۱۴۰۳) در این شهر به زمین نشست. ● ماشاءالله عسکری همت مدیر هواپیمایی ماهان در روسیه به خبرگزاری «ایرنا» گفت، قرار است هفته‌ای یک پرواز رفت و برگشت در مسیر تهران- گروزی در روزهای دوشنبه انجام شود و در صورت افزایش تقاضا امکان انجام سه پرواز در هفته در این مسیر پیش‌بینی شده است.

درحال حاضر، ماهان چهار پرواز در هفته از تهران به مسکو و بالعکس (در روزهای یکشنبه، سه شنبه، چهارشنبه و پنجشنبه هر هفته) دارد. همچنین یک پرواز رفت و برگشت در روزهای جمعه هر هفته در مسیر تهران- سن‌پترزبورگ انجام می‌دهد. رمضان قدیروف رهبر مسلمان چین به عنوان یکی از اصلی‌ترین نوچه‌های پلادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه شناخته می‌شود. چینی‌ها در جنگ علیه اوکراین به ارتش روسیه کمک می‌کنند. چینی‌ها مرتکب جنایت‌های فجیع و هولناکی علیه غیرنظامیان در سوریه و اوکراین شده‌اند. هواپیمایی ماهان به دلیل همکاری و پشتیبانی از سپاه پاسداران در فهرست تحریم‌های بین‌المللی قرار دارد. کاظم جلالی سفیر جمهوری اسلامی در مسکو پیشتر خواسته بود که شرکت‌های هوایی ایران و روسیه برای

کشته شده و بعد پیکرش به خانه منتقل شده؟ آیا داخل خانه کشته شده و خانه را تفتیش کرده‌اند؟ ولی دنبال چه چیزی می‌گشتند؟ لپ‌تاپ و گوشی موبایل او چه شد؟! دلیل اصرار بر سکوت خبری در مورد او چیست؟

بهاره لاهی حاجی دلانی کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس جوانی که از سوی نیروهای امنیتی به قتل رسید در جریان خیزش انقلابی ۱۴۰۱ به مدت ده روز در بازداشت بود و در اواخر اسفند ماه ۱۴۰۲ مفقود شد.

وی بهاره لاهی فارغ‌التحصیل دانشگاه «سوره» با مدرک کارشناسی کارگردانی سینما و کارشناس ارشد ادبیات نمایشی از دانشگاه تربیت مدرس بود که در سابقه فعالیتش داوری سی و دومین جشنواره فیلم کوتاه تهران و جشنواره سینمای جوان را هم داشت.

بر اساس اطلاعات مندرج در وبسایت مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، او یکی از کارگردانان مجموعه «عصرآباد» به تهیه‌کنندگی محمدرضا اصلانی در سال ۸۸ بوده است. پیشتر یکی از بستگان دور این زندانی سیاسی به «توانا» گفته بود: «از خانواده بهاره لاهی فقط برای دادن آدرس مزار فرزندشان ۱۵ میلیون دریافت کردند. نیروهای اطلاعاتی آنها را تهدید کرده‌اند که حق عزاداری ندارند و خانواده بهاره به امید اینکه بتوانند پیکر فرزندشان را به زادگاهش شهر آمل منتقل کنند، سکوت کرده‌اند و از ترس عوامل حکومتی اطلاع‌رسانی نکرده‌اند».

به گفته این منبع، خانواده از اسفند ۱۴۰۲ از دخترشان بی‌خبر بودند، تا اینکه خبر درگذشت فرزندشان را دریافت کردند. گوهر عشقی مادر ستار بهشتی کارگر وبلاگ‌نویس که سال‌ها قبل در بازداشت و تحت بازجویی کشته شد، در شبکه اجتماعی اینستاگرام با تأکید بر اینکه «جمهوری اسلامی باید برود»، بهاره لاهی را یک «قهرمان ملت» نامید که به دلیل شرکت در «قیام مهسا» توسط «نیروهای سرکوبگر خامنه‌ای» زندانی شده بود.

همچنین مهدی کوهیان، حقوقدانی که پرونده سینمایی‌ها را معمولاً پیگیری می‌کند، در ایکس نوشت: «اینکه برای مرگ (به هر علتی که باشد) هنرمندانی چون #داریوش\_مهرجویی، #وحیده\_محمدی فر یا #کیومرث\_پوراحمد ده‌ها بیانیه و اظهارنظر می‌کنیم و از #بهاره\_لاهی گذر می‌کنیم، نشان از #استاندارد\_دوگانه ماست! از دست دادن بهاره لاهی دارای ابعاد ناشناخته‌ایست که در حال رسیدگی است.» او نام بهاره لاهی را در کنار نام‌هایی قرار داده که به احتمال زیاد حکومت در قتل آنها دست داشته است.

خواهر بهاره لاهی نیز در پستی اینستاگرامی نوشت: «امیدوارم (در دنیای پس از مرگ) بدون رنج، بدون ظلم، بدون سیاهی زندگی کنی.»

بهاره لاهی که به گواهی فایل صوتی منتشر شده از وی در جامعه سینماگران، فرد ناشناخته‌ای نبود، در موبایل و لپ‌تاپ خود چه چیزی داشت؟ چرا می‌خواست به خارج از ایران برود؟ آیا از اعتراضات مردم و جنایات رژیم فیلمی درست کرده بود؟ چرا احساس ناامنی می‌کرد و خانه‌اش را بدون اطلاع تغییر داده بود؟ چرا از اواخر بهمن هیچ خبری از او نداشتند؟ چرا با آنکه کارت ملی‌اش در پرونده آگاهی بود، به خانواده خبر ندادند و ابتدا مجهول‌الاهو به دفن‌اش کردند؟ چرا به خانواده گفتند که اطلاع‌رسانی نکنند و سکوت کنند تا بتوانند پیکرش را به آمل منتقل کنند؟ هنگام پیدا کردن پیکرش، چرا در آپارتمانش از بیرون قفل بود؟ خودش چگونه می‌توانست این کار را کرده باشد؟ پاسخ به این پرسش‌ها و ابهامات این پرونده نیز موضوعی است که تنها از پلیس علمی و بازپرسان جنایی مسئول و مستقل و آزاد بر می‌آید که در جمهوری اسلامی چنین امری مطلقاً امکان ندارد.

## در پی حمله حوثی‌ها دو کشتی در دریای سرخ در آستانه غرق شدن هستند؛ ناوشکن «جماران» به درخواست کمک خدمه پاسخ نداد



ناو «جماران»

● مرکز عملیات تجارت دریایی بریتانیا (UKMTO) یکشنبه اعلام کرد حوثی‌ها یک کشتی تجاری دیگر را در دریای سرخ حوالی «المخاء» در یمن هدف قرار دادند.

● سازمان عملیات تجارت دریایی بریتانیا اعلام کرد کشتی اوکراینی «ورینا» که در دریای عدن مورد حمله قرار گرفت در حال سوختن و غرق شدن است. کشتی یونانی «ام وی توتر» نیز که با محموله ۸۰ هزار تنی ذغال سنگ هدف حمله حوثی‌ها قرار گرفت وضعیت بهتری ندارد و در آستانه غرق شدن است.

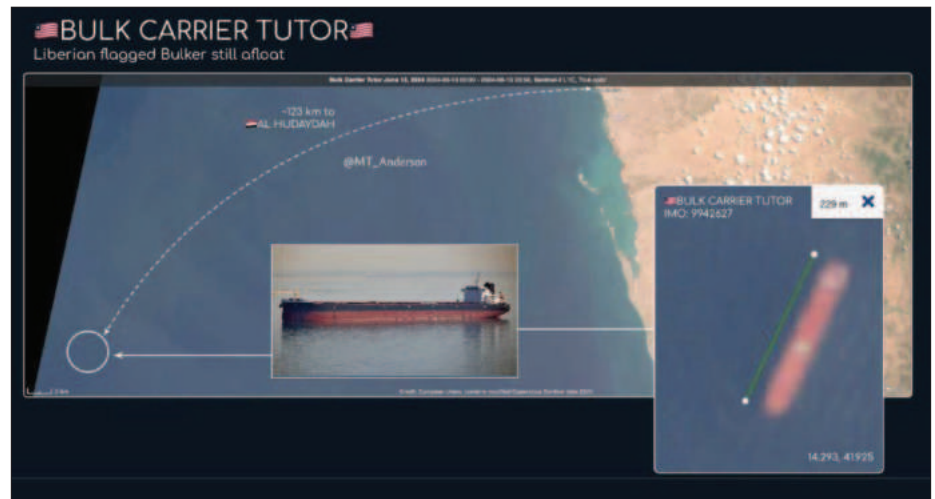
● بر اساس گزارش ستاد فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا (سنتکام) روز شنبه ۱۵ ژوئن (۲۶ خرداد) وقتی خدمه کشتی باری اوکراینی «ورینا» در پیامی اضطراری درخواست کمک کردند، ناوشکن «جماران» متعلق به ارتش جمهوری اسلامی در نزدیکی این کشتی بود، اما به درخواست کمک خدمه این کشتی پاسخ نداد.

● سنتکام تاکید کرده است که این اقدامات «بدخواهانه و بی‌ملاحظه حوثی‌های مورد حمایت [رژیم] ایران، ثبات منطقه‌ای را تهدید می‌کند و جان دریانوردان را در سراسر دریای سرخ و خلیج عدن به خطر می‌اندازد».

● ناوشکن «جماران» در حالی از کمک به خدمه کشتی اوکراینی خودداری کرده که همزمان روز شنبه ۲۶ خردادماه در دانشگاه افسری نیروی زمینی ارتش، مراسم

## حملات بی‌وقفه حوثی‌ها در دریای سرخ؛

کشتی یونانی «ام وی توتر» با محموله ۸۰ هزار تنی ذغال سنگ در آستانه غرق شدن!



موقعیت کشتی «توتر» در دریای سرخ

دوم کشتی) در دریا ناپدید شده است. سازمان «اینترکارگو» که نماینده مالکان کشتی‌های باری است، در بیانیه‌ای از دولت‌ها خواست وضعیت امنیت دریانوردی در منطقه نزدیک به یمن را تقویت کنند. در بیانیه سنتکام به حمله شبه‌نظامیان حوثی به کشتی باری «ورینا» متعلق به اوکراین اشاره شده است. این کشتی با پرچم پالاوا و تحت مدیریت یک شرکت لهستانی در حال حرکت در خلیج عدن بود که با دو موشک کروز در روز پنجشنبه ۲۶ خرداد مورد حمله قرار گرفت.

در جریان حمله به این کشتی اوکراینی یک ملوان غیرنظامی نیز به شدت مجروح شد که توسط نیروهای آمریکایی برای معالجه به کشتی متعلق به نیروی‌های ائتلاف در منطقه منتقل گشت. این کشتی بعد از اصابت موشک به بدنه آن به شدت آسیب دیده است و گزارش شده که یکی از خدمه آن نیز مجروح شده است. سنتکام تاکید کرده است که این اقدامات «بدخواهانه بی‌ملاحظه حوثی‌های مورد حمایت ایران، ثبات منطقه‌ای را تهدید می‌کند و جان ملوانان را در سراسر دریای سرخ و خلیج عدن به خطر می‌اندازد».

بر اساس گزارش‌هایی که در یک ماه گذشته سنتکام درباره حملات حوثی‌ها به صورت رسمی منتشر کرد کاملاً پیداست هم شدت حملات حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته و هم تعداد کشتی‌هایی که مورد اصابت انواع موشک یا پهپاد قرار می‌گیرند بیشتر از گذشته شده است. این یعنی آنها از نظر تسلیحاتی و تکنولوژی پشتیبانی‌های بیشتری دریافت می‌کنند و در هدف‌گیری دقیق‌تر عمل کرده‌اند.

بعد از آغاز عملیات اسرائیل در غزه علیه حماس، علی‌خامنه‌ای دست‌کم سه بار در سخنرانی‌های خود از دولت‌های عربی منطقه خواست «شریان‌های حیاتی اسرائیل را قطع کنند».

از میان متحدان جمهوری اسلامی حوثی‌ها هستند که با پشتیبانی مداوم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش ده‌ها کشتی را که به مقصد اسرائیل حرکت می‌کرده یا به نوعی مالکان یهودی داشتند هدف حملات خود قرار دادند.

هرچند در مقطعی کوتاه حضور ناوهای آمریکایی و انگلیسی و انجام چند رشته عملیات علیه نیروهای حوثی و پایگاه‌های آنها در خاک یمن از شدت حملات آنان کاست اما آنها بار دیگر حملات را با شدت بیشتری آغاز کرده‌اند.

● ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) اعلام کرد، کشتی یونانی «ام وی توتر» که خدمه آن بعد از حمله حوثی‌ها در دریای سرخ تخلیه شده بودند در حال غرق شدن است.

● ناو آمریکایی فیلیپین سی (سی جی ۵۸) و دیگر نیروهای ائتلاف خدمه این کشتی را تخلیه کردند.

● ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) جمعه ۱۴ ژوئن (۲۵ خرداد) اعلام کرد، کشتی یونانی «ام وی توتر» که بعد از حمله حوثی‌ها در دریای سرخ خدمه آن تخلیه شده بودند در حال غرق شدن است.

سنتکام در این بیانیه توضیح داد، «کشتی باربری ام وی توتر، با پرچم لیبریا و متعلق به یونان، روز چهارشنبه ۱۲ ژوئن (۲۳ خرداد) با یک قایق انتحاری هدایت‌شونده (شهپاد) شبه‌نظامیان حوثی مورد حمایت ایران مورد حمله قرار گرفت که باعث آسیب موتور خانه کشتی و ورود آب بسیار به آن شد.»

بر اساس گزارش ارتش آمریکا، در این حمله یک خدمه کشتی یونانی مفقود شده است. یک قایق کوچک سفیدرنگ به طول ۵ تا ۷ متر حاوی مواد منفجره با قسمت تحتانی کشتی باری «توتور» برخورد کرده بود.

ناو آمریکایی فیلیپین سی (سی جی ۵۸) و دیگر نیروهای ائتلاف خدمه این کشتی را تخلیه کردند.

محموله کشتی یونانی ذغال سنگ بود و در نزدیکی بندر حدیده در دریای سرخ مورد حمله قرار گرفت. به گفته مقامات فیلیپینی آب وارد این شناور و موتورخانه آن شده و دیگر قادر به حرکت نیست. به گفته یک منبع آگاه در مصاحبه با رویترز، یک گروه نجات محموله‌های دریایی، دو کشتی را برای تخلیه ۸۰ هزار تن ذغال سنگ کشتی «توتور» به منطقه فرستاده است.

پیش از این شرکت عملیات تجارت دریایی بریتانیا اعلام کرده بود خدمه کشتی یونانی هدف قرار گرفته توسط حوثی‌ها تخلیه شدند و این کشتی بدون سرنشین در دریا سرگردان است! بعد از انفجار در کشتی توتر یک ملوان فیلیپینی (مهندس

گرمیاداشت سالروز اعطای «نشان فداکاری» توسط

علی خامنه‌ای به ارتش برگزار می‌شد!

● آسوشیتدپرس گزارش داد کارزار مقابله با حوثی‌ها شدیدترین نبردی است که نیروی دریایی آمریکا بعد از جنگ دوم جهانی به خود دیده است.

مرکز عملیات تجارت دریایی بریتانیا (UKMTO) یکشنبه ۱۶ ژوئن (۲۷ خردادماه) اعلام کرد حوثی‌ها یک کشتی تجاری دیگر را در دریای سرخ حوالی «المخاء» در یمن هدف قرار دادند. خدمه این کشتی از وقوع دو انفجار در نزدیکی خود خبر دادند اما ادعا شد که کشتی به حرکت خود ادامه داده است. همزمان گزارش شد ناو «جهاران» متعلق به ارتش جمهوری اسلامی از کمک به خدمه یک کشتی در حال غرق شدن خودداری کرده است.

با وجود عملیات نیروهای ائتلاف علیه حوثی‌ها در خاک یمن، حملات آنها به کشتی‌های تجاری نه تنها افزایش پیدا کرده بلکه دقیق‌تر نیز شده و خسارات بیشتری هم بر جای می‌گذارد. اینهمه نشان می‌دهد که آنها هم از نظر تسلیحاتی و هم از نظر اطلاعاتی نسبت به ماه‌های قبل تقویت شده‌اند. سازمان عملیات تجارت دریایی بریتانیا همچنین اعلام کرد کشتی اوکراینی «ورینا» که در دریای عدن مورد حمله قرار گرفت در حال سوختن و غرق شدن است.

بر اساس گزارش منابع بین‌المللی، کشتی یونانی «ام وی توتر» نیز که با محموله ۸۰ هزار تُنی ذغال سنگ هدف حمله حوثی‌ها قرار گرفت وضعیت بهتری ندارد و در آستانه غرق شدن است. بر اساس گزارش ارتش آمریکا، در این حمله یک خدمه کشتی یونانی مفقود شده است. یک قایق کوچک سفیدرنگ به طول ۵ تا ۷ متر حاوی مواد منفجره با قسمت تحتانی کشتی باری «توتور» برخورد کرد و بعد از انفجار آب وارد موتورخانه شد.

بعد از آغاز عملیات اسرائیل در غزه علیه حماس، علی خامنه‌ای دست‌کم سه بار در سخنرانی‌های خود از دولت‌های عربی منطقه خواست «شریان‌های حیاتی اسرائیل را قطع کنند».

بر اساس گزارش ستاد فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا (سنتکام) روز شنبه ۱۵ ژوئن (۲۶ خرداد) وقتی خدمه کشتی باری اوکراینی ورینا در پیامی اضطراری درخواست کمک کردند ناوشکن «جهاران» متعلق به ارتش جمهوری اسلامی که در نزدیکی این کشتی بود، به درخواست کمک خدمه این کشتی پاسخ نداد.

سنتکام تأکید کرده است که این اقدامات «بدخواهانه و بی‌ملاحظه‌ی حوثی‌های مورد حمایت [رژیم] ایران، ثبات منطقه‌ای را تهدید می‌کند و جان دریانوردان را در سراسر دریای سرخ و خلیج عدن به خطر می‌اندازد.» در نهایت کشتی باری فله‌بر «آنا متا» به درخواست ملوانان کشتی اوکراینی که در حال سوختن بود برای کمک پاسخ داد.

ناوشکن «جهاران» در حالی از کمک به خدمه کشتی اوکراینی خودداری کرده که همزمان روز شنبه ۲۶ خردادماه در دانشگاه افسری نیروی زمینی ارتش، مراسم گرمیاداشت سالروز اعطای «نشان فداکاری» توسط علی خامنه‌ای به ارتش برگزار می‌شد!

آسوشیتدپرس گزارش داد کارزار مقابله با حوثی‌ها شدیدترین نبردی است که نیروی دریایی آمریکا بعد از جنگ دوم جهانی به خود دیده است. حملات حوثی‌ها نشان می‌دهد آنها اغلب کشتی‌ها و ملوان‌هایی را هدف قرار می‌دهند که هیچ ارتباطی با جنگ ندارند. بر اثر این حملات نظامی، حمل و نقل از طریق دریای سرخ برای انتقال محموله‌های تجاری و انرژی بین آسیا، اروپا و خاورمیانه به نصف رسیده است.

## جاوید رحمان: کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت «جنایات شنیع علیه بشریت و نسل‌کشی» بوده است

● گزارشگر ویژه سازمان ملل شکنجه گسترده زندانیان سیاسی را نیز نشانه‌ای از «جنایت علیه بشریت» و «اقدام خصمانه» جمهوری اسلامی علیه زندانیانی خواند که به دلیل اختلاف عقیده سیاسی با حکمرانان جمهوری اسلامی مورد آزار و مجازات قرار گرفتند.



گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور ایران در گزارش جدید، کشتار زندانیان سیاسی و اقلیت‌های مذهبی در دهه شصت خورشیدی توسط جمهوری اسلامی را «جنایت‌های شنیع علیه بشریت و نسل‌کشی» خواند.

جاوید رحمان گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور ایران روز گذشته در پنجاه و ششمین نشست جانبی شورای حقوق بشر سازمان ملل به کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت خورشیدی توسط جمهوری اسلامی اشاره و این کشتار را «جنایت‌های شنیع علیه بشریت و نسل‌کشی» خواند.

او در نشستی که با عنوان «بحران مصونیت در ایران: از دهه شصت تا مهسا امینی» برگزار شد با اشاره به کشتار بهاییان و زندانیان سیاسی که در سال ۱۳۶۷ اعدام شدند گفت این گزارش بر «جنایات علیه بشریت» که طی سال‌های ۱۹۸۲-۱۹۸۱ میلادی (۱۳۶۰) و در سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) در جمهوری اسلامی رخ داده است، تمرکز دارد.

گزارشگر ویژه سازمان ملل تأکید کرد «نسل‌کشی» به شیوه‌های مختلف علیه اقلیت‌های مذهبی به ویژه بهائیان از سوی جمهوری اسلامی انجام شده و بهائیان تنها به واسطه اینکه اقلیت مذهبی بودند «هدف» قرار گرفته‌اند. قتل، اعدام‌های خودسرانه و فراقانونی، اسارت و زندانی شدن آنها، ناپدید شدن اجباری و شکنجه هزاران زندانی سیاسی و اقلیت مذهبی در این گزارش مورد بررسی قرار گرفته است.

او تأکید کرد که اعدام‌های دهه شصت از جمله شامل زنانی می‌شد که بعضی از آنها پیش از اعدام مورد تجاوز قرار گرفته بودند. تعداد زیادی نوجوان زیر ۱۸ سال که کودک محسوب می‌شدند هم جزو اعدام‌شدگان بودند. وی گفت بسیاری از احکام اجرا شده‌ی اعدام حتی بدون برگزاری دادگاه در دستور کار گرفته است.

گزارشگر ویژه سازمان ملل شکنجه گسترده زندانیان سیاسی را نیز نشانه‌ای از «جنایت علیه بشریت» و «اقدام خصمانه» جمهوری اسلامی علیه زندانیانی خواند که به دلیل اختلاف عقیده سیاسی با حکمرانان جمهوری اسلامی مورد آزار و مجازات قرار گرفتند.

جاوید رحمان همچنین با اشاره به اینکه بخش زیادی از اعدام‌ها و خاکسپاری پیکر اعدام‌شدگان در سازوکاری مخفیانه از سوی حکومت انجام شده تأکید کرد جمهوری اسلامی از هر گونه اطلاع‌رسانی در اینباره از جمله ارائه مشخصات محل دفن اعدام‌شدگان خودداری کرده است.

او در بخشی از سخنانش به خانواده‌ها و بازماندگان اعدام‌های دهه شصت پرداخت و گفت بازماندگان این قربانیان همچنان با پیامدهای کشته‌شدن عزیزانشان دست و پنجه نرم می‌کنند. جاوید رحمان طی سخنرانی و ارائه این گزارش، از جامعه بین‌المللی خواست برای پاسخگو کردن مرتکبان این جنایت و پایان دادن به مصونیت آنها گام‌های عینی برداشته و مکانیسم تحقیقاتی را فعال کند.

جاوید رحمان همچنین با اشاره به سابقه جمهوری اسلامی در پنهان کردن شواهد این کشتار خواستار روشن شدن ابعاد این جنایات و ارائه روایتی صادقانه از سوی حکومت در اینباره شد. گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور ایران با اشاره به آمارهای موجود درباره کشتارهای دهه شصت گفته این موضوع فقط به اتفاقاتی در گذشته مربوط نیست بلکه سرکوب‌ها تا زمان حال نیز ادامه داشته نگرانی‌های جدی در مورد نقض فاحش حقوق بشر از سوی جمهوری اسلامی وجود دارد. او گفت با وجود در دسترس بودن شواهد و مدارک تا به امروز، مقامات جمهوری اسلامی که مرتکب نقض گسترده و جدی حقوق بشر شده‌اند در قدرت باقی مانده‌اند و جامعه بین‌الملل هم نتوانسته باقی خواهد این افراد را مورد بازخواست و پاسخگویی قرار دهد.

نشست شورای حقوق بشر از روز سه‌شنبه ۱۸ ژوئن برابر با ۲۹ خردادماه در ژنو آغاز شده تا دوازدهم ژوئیه ادامه دارد. جاوید رحمان به بی‌بی‌سی فارسی گفته مقامات جمهوری اسلامی نه در جریان تحقیقاتش در این زمینه نه تنها با او همکاری نداشتند که کارشکنی هم کردند.

او همچنین با اشاره به کشتار گسترده زندانیان سیاسی و اقلیت‌های مذهبی، به بی‌بی‌سی فارسی گفته در همان مقطع دهه شصت خورشیدی هم کارشناس سازمان ملل در زمینه نسل‌کشی به بهائیان اشاره کرده است.

هزاران زندانی سیاسی در دهه شصت، به ویژه در تابستان ۶۷، به دلیل هواداری یا عضویت در گروه‌ها و سازمان‌هایی مانند سازمان مجاهدین خلق ایران، حزب توده ایران، فداییان خلق (اکثریت و اقلیت) و دیگر گروه‌ها اعدام شدند.

بنا بر گزارش‌ها، اعدام‌های تابستان ۶۷ با فتوا و تأیید روح‌الله خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی، از طریق کمیته‌ای مشهور به «هیئت مرگ» صورت گرفت که او اعضای آن را منصوب کرده بود.

ابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم و معروف به «قاضی مرگ» که ۳۰ اردیبهشت امسال در سانحه سقوط هلی‌کوپتر کشته شد و مصطفی پورمحمدی کاندیدای کنونی در چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی از اعضای این کمیته بودند.

## کارگاه قصه خوانی در «بنیاد فرهنگی ژاله اصفهانی» لندن



من آن را برای کسانی که ثبت نام کرده‌اند ایمیل می‌کنم. ما با خواندن آن داستان و کسب آمادگی ذهنی در جلسه حاضر می‌شویم و درباره آن با راهنمایی‌های خانم شکوری به بحث و تبادل نظر می‌پردازیم. اولین جلسه ما در تاریخ ۱۱ ماه مه برگزار شد که در آن داستانی کوتاه از ادگار آلن پو شاعر و نویسنده آمریکایی را مورد بحث و بررسی قرار دادیم. دومین جلسه ما ۸ ژوئن برگزار شد و داستانی از آنتون چخوف را که خوانده بودیم مورد بحث و بررسی قرار دادیم. چخوف از نظر سبک نگارش درست در نقطه مقابل ادگار آلن پو قرار دارد. آلن پو نویسنده تخیلی است ولی چخوف

رسیدیم که اسم کارگاه را «قصه‌خوانی» بگذاریم. برنامه این کارگاه را اینطور مشخص کردیم که محل فراگیری خوانش درست قصه است؛ مشخص‌تر آنکه در خوانش داستان به چه مسائلی باید اهمیت و توجه نشان دهیم و چگونه ژانر داستان را مشخص کنیم؛ و نیز نقاط ضعف و قوت داستان را تشخیص دهیم.

البته مختصری هم در مورد نویسنده و سبک نگارش‌اش باید اطلاعاتی داده می‌شد. تصمیم گرفتیم بخش کوتاهی را نیز به داستان‌نویسی اختصاص دهیم. در این قسمت یاد می‌گیریم که در نوشتن داستان کوتاه چه اصولی را باید

● کارگاه قصه‌خوانی بنیاد فرهنگی ژاله اصفهانی ایرانیان و فارسی‌زبانانی را که به ادبیات و داستان علاقه دارند گرد هم می‌آورد. کیهان لندن در مورد این پروژه با هایدو نفریه از اعضای هیئت امنای این بنیاد و همچنین مسئول و گرداننده کارگاه و شیوا شکوری نویسنده و مربی کارگاه قصه‌خوانی گفتگو کرده است.

کارگاه قصه‌خوانی بنیاد فرهنگی ژاله اصفهانی ایرانیان و فارسی‌زبانانی را که به ادبیات و داستان علاقه دارند گرد هم می‌آورد. کیهان لندن در مورد این پروژه با هایدو نفریه از اعضای هیئت امنای این بنیاد و همچنین مسئول و گرداننده کارگاه و شیوا شکوری نویسنده و مربی کارگاه قصه‌خوانی گفتگو کرده است.

● خانم نفریه، ایده برگزاری کارگاه قصه‌خوانی چگونه شکل گرفت؟

-در جشنواره شعر بنیاد فرهنگی ژاله اصفهانی که در ماه اکتبر ۲۰۲۳ در دانشگاه لندن برگزار شد، ما فرم‌هایی را برای جذب علاقمندان به فعالیت‌های داوطلبانه با بنیاد در میان حاضران پخش کردیم. در این فرم‌ها خواسته شده بود کسانی که وقت آزاد دارند و مایلند با بنیاد همکاری داوطلبانه بکنند، موضوع‌هایی را که به آنها علاقمند هستند و می‌توانند در آن حوزه‌ها همکاری داشته باشند مشخص کنند. با جمع‌آوری فرم‌ها و انجام یک برآورد کلی از نظرات و پیشنهادات دریافتی دیدم که اکثریت خواهان فعالیت در زمینه شعر، ترجمه، داستان، ادبیات، نقد و پژوهش هستند. در میان این فرم‌ها خانم شیوا شکوری هم اظهار علاقه کرده بودند که در همین زمینه‌ها با بنیاد همکاری داوطلبانه داشته باشند. من با خانم شکوری به عنوان نویسنده با خواندن رمان‌ها و داستان‌های کوتاه ایشان آشنایی داشتم. با ایشان تماس گرفتم و ایده خودم را برای تشکیل یک کارگاه در زمینه داستان‌نویسی- در آن‌موقع هنوز عنوان قصه‌خوانی نداشت- با او مطرح کردم. قرار گذاشتیم باهمدیگر صحبت کنیم و امکانات عملی این برنامه را بسنجیم. خانم شکوری برخورد بسیار سازنده و مثبت با این ایده داشت. بعد از بحث و تبادل نظر به این نتیجه



هایدو نفریه و شیوا شکوری

یک نویسنده ژالیست است. صحبت در مورد سبک‌ها و مکاتب نویسندگی بسیار جالب است و نظرها را جلب می‌کند.

فضای جلساتی که تا کنون داشتیم، مثبت و زنده بوده و بحث و تبادل نظر پویایی داشته‌ایم. کارگاه با تسلطی که خانم شکوری بر موضوع دارند و با شرکت فعال حاضران جنبه آموزشی بالایی دارد و ما بازخوردهای بسیار

رعایت کنیم. نحوه کار در این قسمت آنست که خانم شکوری موضوعی را به شرکت‌کنندگان می‌دهد و آنها زمان محدودی برای نوشتن قصه کوتاه و یا مطلبی درباره آن دارند. در این قسمت هرچند زمان بسیار کوتاه است ولی ما متوجه شدیم که شماری از علاقمندان قلم خوب و توانایی هم دارند. بنابراین جنبه غالب این کارگاه قصه‌خوانی و نقد آنست. خانم شکوری داستانی کوتاه را انتخاب می‌کنند و



# گفتگو با شاهین مقدم درباره رأی دادگاه اونتاریو در پرونده پرواز پی‌اس ۷۵۲: بزرگترین سد در برابر افشای واقعیت را دولت کانادا می‌دانیم



ویدئو

کرده و مطرح شده که جمهوری اسلامی هواپیما را به عنوان سپر انسانی قرار داده است و قاضی پرونده زیرکانه و با دقت حکم صادر کرده که واقعاً راه برای دعوی آینده در مجامع بین‌المللی باز است.

وی همچنین توضیح می‌دهد: «این حکم بر اساس یک شکایت خصوصی بود که توسط خانواده‌ها انجام شد، در هیچ کجای حکم هم اشاره نشده که سپاه و قاسم سلیمانی و بقیه آنها بی‌گناه بودند». حامد محمدی در ارتباط با همین نکات با شاهین مقدم گفتگو کرده است.

دیوان عالی اونتاریو ۱۰ ژوئن (۲۱ خردادماه) طی حکمی شرکت هواپیمایی اوکراین را به دلیل «سهل‌انگاری» در توجه به هشدارهای امنیتی و ایمنی، مسئول پرداخت غرامت کامل به خانواده‌های قربانیان پرواز PS752 دانست که سحرگاه ۱۸ دی‌ماه ۱۳۹۸ با موشک‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سرنگون شد.

شاهین مقدم از خانواده‌های جانباختگان این پرواز درباره جزئیات این حکم می‌گوید: «دادگاه ادعای جمهوری اسلامی در مورد غیرعمدی بودن شلیک موشک‌ها را نفی

منظورم از متن همان کشف منظور و موضوع است که گاه بین خطوط پنهان است و هدف بعدیم هم آشنایی ساختن گروه با جزئیات تشکیل‌دهنده داستان است. در بخش آموزش داستان‌نویسی هم سعی می‌کنم با توجه به داستان انتخاب شده، بروم جلو تا ارتباط پیوسته‌ای بین همه بخش‌ها برقرار باشد.

● در مقایسه با این کارگاه، دوره‌های آموزش فنون داستان‌نویسی در بریتانیا که شما در آنها شرکت کرده‌اید چه تفاوتی دارد؟

– راستش در سیستم آموزشی بریتانیا که در عالی بودنش شکی نیست و نمی‌توانید کلاسی را پیدا کنید که در دو ساعت هم به داستان‌خوانی بپردازد و هم به نقد و هم به تاریخچه نویسنده و هم به آموزش داستان‌نویسی. اینجا همه چیز تخصصی است. مثلاً برای نوشتن «سرگذشت‌نامه» کلاس مخصوصی است. برای «داستان کوتاه‌نویسی» هم همینطور. برای «رمان‌نویسی» هم کلاس مخصوصی است و همینطور برای «نقد و بررسی» و... من از تجربیات خودم که در این کلاس‌ها چه حضوری و چه آنلاین شرکت کرده‌ام، شکلی ترکیبی ارائه دادم. بار اول هم هست و راستش باید ببینیم بعد از شش ماه چه نتیجه‌ای خواهد داشت و چه تاثیری روی گروه داشته و آیا آنها از این کلاس‌ها لذت برده‌اند و تمایل به یادگیری اختصاصی در یکی از این بخش‌ها دارند یا نه.

– تاثیر آموزش را به هیچ وجه نباید دست کم گرفت. دقت به جزئیات، رها کردن تخیل، سانسور نکردن ذهن و جاری شدن در ژانرهای متفاوتی که جوابگوی فوران روحی است، فقط با آموزش است که بالنده می‌شود. نویسنده به نقد و یادگیری از نقد ارزش می‌گذارد و گستردگی عقاید مختلف را می‌پذیرد و از دگمی و هیجانات خودخواهانه و رفیق‌بازی و باندبازی و نان بهم قرض دادن و... دیگر روابطی که فقط به ادبیات ضربه می‌زنند دست می‌کشد. چون می‌فهمد تنها راه بالندگی و فراتر رفتن در بیشتر کار کردن و بیشتر آموختن و تمرین کردن و در میان مردم و جزئیات زندگی چرخیدن است.

● جایگاه و نقش تمرین و ممارست در این کارگاه کجاست؟ چه شگردهایی برای درگیر ساختن فعال شرکت‌کنندگان در کارگاه به کار می‌بندید؟

– تمرین‌های نوشتاری‌ای که من می‌دهم خیلی کوتاه‌اند، چون این کارگاه مختص یادگیری داستان‌نویسی نیست، ولی آنچه مرا به وجد می‌آورد تمایل فراوان خود جمع است؛ ظاهراً همه گروه تشنه یادگیری‌اند. من فقط از روش‌های نوشتاری کوتاه و موثر در داستان‌نویسی استفاده می‌کنم.

● آیا تلاش می‌کنید به شرکت‌کنندگان کمک کنید تا دریابند که اصلاً استعداد و علاقه‌ای به این کار دارند؟

– راستش نه. تلاش من در وهله اول، آشنایی گروه با بهترین‌های ادبیات است؛ چه متن و چه زندگی نویسنده.

خوبی درباره کلاس دریافت کردیم. در حال حاضر چه تعدادی در جلسات کارگاه شرکت می‌کنند؟ چه مراحل را طی کرده‌اید تا این پروژه عملی شود؟

– من و خانم شکوری ابتدا هدف و فعالیت کارگاه را مشخص کردیم: هدف گردهمایی حول محور ادبیات برای فارسی‌زبانان است؛ فعالیت‌ها عبارتند از: خواندن داستان، شناسایی نقاط ضعف و قدرت داستان؛ گفتگو در مورد ژانر و موضوع داستان؛ تمرین داستان‌نویسی، یعنی نوشتن داستانی کوتاه در زمانی کوتاه.

پس از این مرحله، من این طرح را در جلسه هیئت امنای بنیاد مطرح کردم که مورد موافقت قرار گرفت و آنرا در راستای توسعه اقدامات فرهنگی بنیاد دیدند. بعد از آن، با شیوا شکوری در مورد نحوه اداره جلسات کارگاه تصمیم گرفتیم. دیگر آنکه در مورد داستان‌هایی که بعد از خوانده شدن در جلسه باید مورد بحث و گفتگو قرار بگیرند تصمیم‌گیری کردیم. برخی از این داستان‌ها به قلم خود خانم شکوری است و برخی از نویسندگان دیگر. داستان‌های کوتاه توسط خانم شکوری انتخاب می‌شوند؛ از آنجا که خودشان مترجم ورزیده‌ای هستند شماری از این داستان‌ها با ترجمه خودشان است و برخی از کارهای مترجمان زبده دیگر.

تصمیم گرفته شد که جلسات کارگاه در دومین شنبه هر ماه برگزار شود. اطلاعیه کارگاه را بنیاد درست کرد که به هموندان و علاقمندان بنیاد فرستادیم. برنامه‌های بنیاد ژاله اصفهانی معمولاً در وبسایت بنیاد و اینستاگرام آن اعلام می‌شود. ۱۵-۱۶ نفر در جلسات ما شرکت می‌کنند و با توجه به دو ساعت جلسه کارگاه این تعداد مناسبی است زیرا وقت کافی برای هر یک از شرکت‌کنندگان برای اظهار نظر و درگیر شدن در بحث و تبادل نظر هست.

● آیا از نسل جوان هم شرکت‌کننده دارید؟

– ما خوشبختانه پنج نفر شرکت‌کننده از نسل جوان از ۲۰ ساله تا ۳۰ ساله داریم که مایه خوشوقتی است زیرا که یکی از اهداف بنیاد فرهنگی ژاله اصفهانی جذب نیروی جوان به برنامه‌های ماست.

● خانم شکوری، اسم دقیق کارگاه چیست و چه موضوع‌هایی را به شرکت‌کنندگان آموزش می‌دهید؟

– اسم دقیق همان «کارگاه قصه‌خوانی» است. ما به نقد داستان، زندگی نویسنده و دوران تاریخی او، یک درس کوتاه داستان‌نویسی و تمرین‌هایی نوشتاری در پنج تا ده دقیقه می‌پردازیم.

● آیا به نظر شما داستان‌خوانی و نقد راهی است به سوی داستان‌نویسی؟

– می‌تواند یکی از راه‌ها باشد. چون خوانندگان از طریق نقد و آنالیز داستان با اجزای تشکیل‌دهنده آن آشنا می‌شوند و با واژه‌هایی مثل شخصیت، موضوع، پلات، ژانر و... احساس بیگانگی نخواهند کرد.

● در بین ایرانیان این تصور بیشتر حاکم است که نویسنده یا شاعر باید بطور طبیعی و غریزی نویسنده و شاعر و هنرمند باشد. نظر شما چیست؟ استعداد چه جایگاهی در این میان دارد؟

– به نظر من استعدادی که با تکنیک‌های داستان‌نویسی و به‌خصوص با زبان دومی آشنا نباشد، تا جای محدودی پیش می‌رود. نوشتن هم مثل موسیقی یا نواختن یک ساز بیشتر نیازمند به یادگیری و تمرین و بازخورد و دقت دارد.

● آموزش روش‌مند و سیستماتیک در زمینه آموزش داستان‌نویسی، که در کشورهای پیشرفته رایج است، چه نقش و تاثیری در پرورش نویسندگان می‌تواند داشته باشد؟

## واکنش وزارت خارجه جمهوری اسلامی به بیانیه «گروه هفت»: در حفاظت از امنیت مان «قاطعانه» عمل می‌کنیم!



ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی

● سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی، هشدار «گروه هفت» در مورد تهدیدات اتمی و ارسال تسلیحات به روسیه را ناشی از «اهداف مغرضانه سیاسی» دانست.

● ناصر کنعانی روز یکشنبه در واکنش به بیانیه رهبران «گروه هفت» در مورد اقدامات خرابکارانه و مشکوک جمهوری اسلامی ایران، با ادعای «صلح‌آمیز» بودن برنامه‌های اتمی رژیم مدعی شد قطعنامه شورای حکام علیه برنامه‌های اتمی ایران «سیاسی» است و بانیان آن [سه قدرت اروپایی] و برخی دولت‌ها از ساز و کارهای بین‌المللی علیه کشورهای مستقل «سوء استفاده» می‌کنند.

● وی تهدید کرد، «جمهوری اسلامی ایران در حفاظت و دفاع از امنیت و منافع ملی خود در برابر هرگونه رفتار و اقدام نسنجیده، قاطعانه عمل خواهد کرد».

● کنعانی افزود، «متأسفانه برخی کشورها با انگیزه‌های سیاسی و با توسل به طرح ادعاهای واهی و اثبات نشده، سعی در تداوم به‌کارگیری سیاست ناکارآمد و شکست خورده خود برای اعمال و تداوم تحریم‌ها علیه ملت ایران دارند»، وی به رهبران «گروه هفت» توصیه کرد از تجارب گذشته درس بگیرند و دست از «سیاست‌های



رومهایی از نسل جدید سانتریفیوژها در ایران / عکس: رویترز

آنها همچنین هشدار دادند، شتاب دادن به تولید اورانیوم ۶۰ درصدی خطرات قابل توجهی برای گسترش تسلیحات اتمی دارد و اقدامات اخیر ایران نگران‌کننده است.

آلمان، بریتانیا و فرانسه بعد از تصویب قطعنامه تویخی علیه جمهوری اسلامی در شورای حکام، در نامه‌ای مشترک به شورای امنیت موارد نقض برجام توسط ایران را تشریح کردند. در این نامه با صراحت تهدید به فعال ساختن «مکانیسم ماشه» (بازگشت مجدد تحریم‌های سازمان ملل) نشد اما تأکید شد که قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل که توافق هسته‌ای را تضمین می‌کند و این اختیار در آن فراهم شده، در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ منقضی می‌شود.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی خرداد ۱۴۰۲ در جمع مدیران و کارکنان برنامه اتمی جمهوری اسلامی با طرح این پرسش که «چرا غربی‌ها به فعالیت‌های اتمی ایران گیر داده‌اند؟» گفته بود، «ما روی مبنای اسلامی‌مان نمی‌خواهیم طرف سلاح [هسته‌ای] برویم و الا اگر این نبود، جلوی طرف را نمی‌توانستند بگیرند! همچنانکه جلوی پیشرفت‌های هسته‌ای ما را تا الان نتوانستند بگیرند!»

این در حالیست که اظهارات زیادی در مورد اهداف نظامی فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی مطرح شده است. از جمله علی مطهری عضو پیشین هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی که گفته بود، «از همان ابتدا که وارد فعالیت هسته‌ای شدیم هدفمان ساخت مپ و تقویت قوای بازدارنده بود، اما نتوانستیم محرمانه بودن این مسئله را حفظ کنیم و گزارش‌های محرمانه از سوی مجاهدین خلق آن را افشا کرد».

در واکنش به هشدار سه قدرت اروپایی درباره توسعه برنامه‌های اتمی ایران، وزارت خارجه جمهوری اسلامی در بیانیه‌ای ادعا کرد، «برنامه هسته‌ای ایران همواره ماهیتی کاملاً صلح‌آمیز داشته و سلاح هسته‌ای هیچ جایگاهی در دکتورین نظامی و دفاعی ایران ندارد».

وزارت خارجه جمهوری اسلامی دوشنبه ۲۸ خردادماه با محکوم کردن بیانیه آلمان، بریتانیا و فرانسه آن را «پوچ و بی‌اعتبار» و دربرگیرنده «ادعاهای خلاف واقع» دانست. در بخشی از این بیانیه آمده، «طنز تلخ ماجرا این است که کشورهایی که رویکرد سیاسی و غیرسازنده داشته و خود مسئول و بانی وضع موجود برجام هستند، ایران را به تهمی کردن برجام از محتوا متهم می‌کنند».

سه قدرت اروپایی شنبه ۲۶ خرداد با انتشار بیانیه‌ای مشترک اقدامات جمهوری اسلامی برای راه‌اندازی سانتریفیوژهای بیشتر در تأسیسات اتمی فردو و نطنز را محکوم کردند. در این بیانیه آمده بود این اقدامات برجام را «تهدی» می‌کند. در این بیانیه تأکید شده بود، ایران با بهره‌برداری از ده‌ها سانتریفیوژ پیشرفته در سایت غنی‌سازی نطنز و اعلام آماده شدن برای نصب هزاران سانتریفیوژ دیگر در سایت‌های فردو و نطنز، گام‌های بیشتری در راستای تهمی کردن برجام برداشته است.

## ادعای وزارت خارجه جمهوری اسلامی: سلاح هسته‌ای هیچ جایگاهی در دکتورین نظامی ما ندارد!

● در واکنش به هشدار سه قدرت اروپایی درباره توسعه برنامه‌های اتمی ایران، وزارت خارجه جمهوری اسلامی در بیانیه‌ای ادعا کرد، «برنامه هسته‌ای ایران همواره ماهیتی کاملاً صلح‌آمیز داشته و سلاح هسته‌ای هیچ جایگاهی در دکتورین نظامی و دفاعی ایران ندارد».

● وزارت خارجه جمهوری اسلامی دوشنبه ۲۸ خردادماه با محکوم کردن بیانیه آلمان، بریتانیا و فرانسه آن را «پوچ و بی‌اعتبار» و دربرگیرنده «ادعاهای خلاف واقع» دانست.

● سه قدرت اروپایی شنبه ۲۶ خرداد با انتشار بیانیه‌ای مشترک اقدامات جمهوری اسلامی برای راه‌اندازی سانتریفیوژهای بیشتر در تأسیسات اتمی فردو و نطنز را محکوم کردند. در این بیانیه آمده بود، ایران با بهره‌برداری از ده‌ها سانتریفیوژ پیشرفته در سایت غنی‌سازی نطنز و اعلام آماده شدن برای نصب هزاران سانتریفیوژ دیگر در سایت‌های فردو و نطنز، گام‌های بیشتری در راستای تهمی کردن برجام برداشته است.

● اینهمه در حالیست که اظهارات زیادی در مورد اهداف نظامی فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی مطرح شده است. از جمله علی مطهری عضو پیشین هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی که گفته بود، «از همان ابتدا که وارد فعالیت هسته‌ای شدیم هدفمان ساخت مپ و تقویت قوای بازدارنده بود، اما نتوانستیم محرمانه بودن این مسئله را حفظ کنیم و گزارش‌های محرمانه از سوی مجاهدین خلق آن را افشا کرد».

در واکنش به هشدار سه قدرت اروپایی درباره توسعه برنامه‌های اتمی ایران، وزارت خارجه جمهوری اسلامی در بیانیه‌ای ادعا کرد، «برنامه هسته‌ای ایران همواره ماهیتی کاملاً صلح‌آمیز داشته و سلاح هسته‌ای هیچ جایگاهی در دکتورین نظامی و دفاعی ایران ندارد».

وزارت خارجه جمهوری اسلامی دوشنبه ۲۸ خردادماه با محکوم کردن بیانیه آلمان، بریتانیا و فرانسه آن را «پوچ و بی‌اعتبار» و دربرگیرنده «ادعاهای خلاف واقع» دانست. در بخشی از این بیانیه آمده، «طنز تلخ ماجرا این است که کشورهایی که رویکرد سیاسی و غیرسازنده داشته و خود مسئول و بانی وضع موجود برجام هستند، ایران را به تهمی کردن برجام از محتوا متهم می‌کنند».

سه قدرت اروپایی شنبه ۲۶ خرداد با انتشار بیانیه‌ای مشترک اقدامات جمهوری اسلامی برای راه‌اندازی سانتریفیوژهای بیشتر در تأسیسات اتمی فردو و نطنز را محکوم کردند. در این بیانیه آمده بود این اقدامات برجام را «تهدی» می‌کند. در این بیانیه تأکید شده بود، ایران با بهره‌برداری از ده‌ها سانتریفیوژ پیشرفته در سایت غنی‌سازی نطنز و اعلام آماده شدن برای نصب هزاران سانتریفیوژ دیگر در سایت‌های فردو و نطنز، گام‌های بیشتری در راستای تهمی کردن برجام برداشته است.

➔ «مخرب» بردارند.

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی، در واکنش به بیانیه «گروه هفت» در مورد تهدیدات اتمی و ارسال تسلیحات به روسیه، آن را ناشی از «اهداف مغرضانه سیاسی» و «مخرب» دانست.

ناصر کنعانی روز یکشنبه ۲۷ خردادماه در واکنش به بیانیه رهبران «گروه هفت» در مورد اقدامات خرابکارانه و مشکوک جمهوری اسلامی ایران، با ادعای «صلح‌آمیز» بودن برنامه‌های اتمی رژیم مدعی شد قطعنامه شورای حکام علیه برنامه‌های اتمی ایران «سیاسی» است و بانیان آن [سه قدرت اروپایی] و برخی دولت‌ها از ساز و کارهای بین‌المللی علیه کشورهای مستقل «سوء استفاده» می‌کنند.

وی تهدید کرد، «جمهوری اسلامی ایران در حفاظت و دفاع از امنیت و منافع ملی خود در برابر هرگونه رفتار و اقدام نسنجیده، قاطعانه عمل خواهد کرد.»

بخشی دیگر از صحبت‌های کنعانی در مورد هشدار دولت‌های غربی به جمهوری اسلامی درباره ارسال موشک به روسیه بود. وی در این ارتباط عنوان کرد، «همانطور که بارها اعلام کرده‌ایم، هرگونه تلاش برای مرتبط ساختن جنگ اوکراین به همکاری‌های دوجانبه جمهوری اسلامی ایران و روسیه، اقدامی صرفاً با اهداف مغرضانه سیاسی است.»

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی افزود، «متأسفانه برخی کشورها با انگیزه‌های سیاسی و با توسل به طرح ادعاهای واهی و اثبات نشده، سعی در تداوم به‌کارگیری سیاست ناکارآمد و شکست خورده خود برای اعمال و تداوم تحریم‌ها علیه ملت ایران دارند. فلذا به گروه هفت توصیه می‌کنیم با درس گرفتن از تجارب قبل، از سیاست‌های مخرب گذشته فاصله بگیرد.»

کنعانی همچنین در پيامی که در «ایکس» به اشتراک گذاشت، خطاب به «دشمنان» جمهوری اسلامی تأکید کرد «ایران هر تهدیدی را به فرصت تبدیل و هر جسور ماجراجو را ناکام و پشیمان خواهد کرد.» وی تهدید کرد، «هر کس آزموده شده را بیازماید، پشیمانی بر او فرود می‌آید.»

رهبران «گروه هفت» روز جمعه ۱۴ ژوئن (۲۵ خرداد) به جمهوری اسلامی در مورد توسعه برنامه غنی‌سازی هسته‌ای هشدار دادند و گفتند در صورت انتقال موشک‌های بالستیک تهران به روسیه، آماده اجرای اقدامات جدید خواهند بود.

هفت قدرت صنعتی دنیا که نشست آنها در جنوب ایتالیا برگزار شد، در بیانیه‌ای از جمهوری اسلامی خواستند ادامه غنی‌سازی ۶۰ درصدی اورانیوم را که هیچ توجیه غیرنظامی معتبری ندارد، متوقف کند.

در بخشی از بیانیه «گروه هفت» آمده که رژیم «ایران باید در گفتگوهای جدی شرکت کند و با همکاری کامل و انطباق با مکانیسم نظارت و راست‌آزمایی آژانس تضمین‌های قانع‌کننده‌ای در مورد صلح‌آمیز بودن برنامه‌های اتمی خود ارائه دهد هرچند بارها این خواسته از سوی دولت‌های غربی مطرح شده اما در عمل تأثیری بر رویکرد جمهوری اسلامی نداشت.

همچنین سه قدرت اروپایی (بریتانیا، فرانسه و آلمان) روز شنبه ۲۶ خرداد با انتشار بیانیه‌ای مشترک اقدامات جمهوری اسلامی برای راه‌اندازی سانتریفیوژهای بیشتر در تأسیسات اتمی فردو و نطنز را محکوم کردند. در این بیانیه آمده است این اقدامات بجرام را «تهی» می‌کند.

یک هفته پس از تصویب قطعنامه توییحی علیه جمهوری اسلامی در شورای حکام، آژانس بین‌المللی در گزارشی اعلام کرد که جمهوری اسلامی تعداد سانتریفیوژها در تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم را افزایش داده است.

## گزارش‌ها در باره حمله یک افغان با قمه به امام جماعت و نمازگزاران «مسجد جوادیه» تهران

● منابع غیررسمی گزارش دادند که یک افغان بامداد یکشنبه ۲۷ خردادماه با قمه به امام جماعت مسجد جوادیه تهران و شماری از نمازگزاران حمله کرده است.

وی تأکید کرد، «جوادیه تهران در یک سال اخیر شاهد افزایش جمعیت افغان‌ها شده است.»

یکی از اهالی محله جوادیه در ویدیویی شرح داد، «این افغان در همسایگی مسجد زندگی می‌کرده که در هنگام نماز صبح به نزدیک مسجد میره و فریاد مینه نماینده خدا روی زمین هست و به او دستور داده شده که شیعیان را بکشد.» تأیید یا رد این ادعا به صورت مستقل ممکن نیست. داود معصومی معاون سازمان ملی مهاجرت روز شنبه ۱۹ خردادماه در یک سخنرانی در شهر قم گفته بود، «بحث افغانستان‌هراسی و تشویش اذهان مردم ایران عملیات‌های روانی دشمن است.» وی با بیان اینکه «اتباع افغانستانی و غیرافغانستانی باید قدم به قدم با مسئولان ایران همراه و همسو شوند»، تأکید کرد: «دشمنان در سال‌های گذشته با تشویش اذهان عمومی، نسبت به اتباع افغانستانی، عملیات‌های روانی در کشور به راه انداخته‌اند.»

او همچنین مدعی شده بود، «اتاق فکر دشمنان که سرمنشاء آن رژیم غاصب اسرائیل است و عده‌ای وطن فروش در تلاش برای تفرقه میان مردم ایران و افغانستان



مسجد جوادیه در جنوب تهران

هستند.» معصومی توضیح داد، «هدف ما در حوزه اتباع، رفتن به سمت امت واحد اسلامی است و باید مراقب ترفندهای دشمنان در این زمینه از جمله ایران‌هراسی و افغان‌هراسی باشیم.»

پیش از این «شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی» آذرماه ۱۴۰۲ حضور، اسکان و اشتغال اتباع افغانستان را در ۱۶ استان شامل آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان، کردستان، کرمانشاه، ایلام، لرستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، گیلان، مازندران، سیستان و بلوچستان، هرمزگان و همدان ممنوع اعلام کرده بود.

اخیراً وزارت «مهاجرین و عودت‌کنندگان» طالبان از برگشت داوطلبانه و اجباری چهار هزار و ۸۱ مهاجر از ایران خبر داد. به گزارش خبرگزاری افغانستانی «شفقتا» این افراد از مرز ابریشم در نیمروز وارد این کشور شده‌اند.

حضور پُر تعداد اتباع خارجی در راهپیمایی‌های حکومتی در چند شهر ایران به ویژه در تهران، مشهد و قم ابعاد سوء استفاده چندمنظوره حکومت از آنها را به عنوان سپاهی لشکر نشان می‌دهد. تحلیلگران معتقدند جمهوری اسلامی از افغان‌ها به عنوان ابزاری در خدمت پروپاگاندا و همچنین نیروهایی برای تقویت ماشین سرکوب رژیم بهره‌برداری می‌کند.

● یکی از اهالی محله جوادیه در ویدیویی شرح داد، «این افغان در همسایگی مسجد زندگی می‌کرده که در هنگام نماز صبح به نزدیک مسجد میره و فریاد مینه نماینده خدا روی زمین هست و به او دستور داده شده که شیعیان را بکشد.» تأیید یا رد این ادعا به صورت مستقل ممکن نیست.

منابع غیررسمی گزارش دادند که یک افغان بامداد یکشنبه ۲۷ خردادماه با قمه به امام جماعت مسجد جوادیه تهران و شماری از نمازگزاران حمله کرده است.

اهالی محل گفته‌اند در این حمله دو الی سه نفر از جمله یک سرباز وظیفه نیروی انتظامی مجروح شده‌اند.

بعضی می‌گویند امام جماعت برای نجات نمازگزاران در مقابل هجوم آن افغان مقاومت کرده و برخی دیگر ادعا می‌کنند مردم تلاش کردند امام جماعت را از دست مهاجم نجات دهند.

در باره این رویداد، هادی کسای‌زاده خبرنگار و فعال رسانه ساکن تهران در مطلبی کوتاه در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت، که افغان‌ها به امام جماعت مسجد جوادیه تهران و چندین نمازگزار با قمه حمله کرده و حال یکی از نمازگزاران وخیم است.

## متحد استراتژیک جمهوری اسلامی روسیه است یا غرب؟



با مثلث ترامپ، نتانیاهو و بن سلمان، در اتحادی فراگیر علیه رژیم ایران شرکت کرد و تمامی تحریم‌های وضع شده علیه جمهوری اسلامی را به اجرا گذاشت و همچنین با چراغ سبز او بود که اسرائیل بدون درگیر شدن در پدافند هوایی روسیه، تمامی مواضع وابستگان حکومت ایران را در سوریه هدف قرار داد.

اگر از گذشته‌ها بگذریم و به وقایع سیاسی امروزه نیز نظر بیافکنیم، باز هم رد پای بایدن و اروپا را در بقای جمهوری اسلامی به وضوح خواهیم دید. در حالی که نفس‌های جمهوری اسلامی به شماره افتاده و مردم ایران آماده قیامی گسترده بودند، بایدن با اسم رمز برجام میلیاردها دلار پول به بانک‌های آیت‌الله‌های رژیم ایران سرازیر کرد و جمهوری اسلامی را از سقوط حتمی نجات داد و برای نجات نیروهای نیابتی رژیم، در همان ماه‌های اول ریاست جمهوری در کاخ سفید، حوثی‌های یمن را از لیست تروریستی خارج کرد.

امروز آنکه برای حماس اشک می‌ریزد، نه روسیه و نه کشورهای عربی، بلکه غرب است که خود را به آب و آتش می‌زند تا حماس را از نابودی نجات دهد.

دغدغه غرب مردم غزه نیست، چرا که آنان همانگونه که به مردم عراق و افغانستان و اوکراین و غیره پناه دادند تا نبرد به پایان برسد، می‌توانستند کشورهای غربی و عربی را وادار کنند تا به مردم غزه تا زمان پایان حماس، پناه داده و پس از آن، آنها را به سرزمین خود بازگردانند، اما غرب به همراه حماس، از این مردم سپر انسانی ساخته و نگران از دست رفتن نیروهای نیابتی خود هستند.

این سازمان ملل و اتحادیه اروپا بود که در خلال انقلاب مهسا، با آغوش باز از ابراهیم رئیسی استقبال کرده و با او عکس یادگاری گرفتند و امروزه نیز برای این جنایتکار بزرگ، در شورای امنیت می‌ایستند و ادای احترام می‌کنند.

اگر حزب‌الله لبنان و حماس و حوثی‌های یمن و غیره را نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی بنامیم، می‌بایست جمهوری اسلامی را هم نیروی نیابتی غرب بنامیم که با شعار «مرگ بر آمریکا» در جهت منافع آمریکا و غرب گام بر می‌دارد و با پولی که توسط غرب تامین می‌شود، نیروهای نیابتی خود را تغذیه می‌کند.

آری به بیراهه نرویم، متحد استراتژیک جمهوری اسلامی، آمریکا و اروپا هستند و نه روسیه!

متحد آمریکا بود، و پس از آن انگلیس و فرانسه نیز این کار را به سرعت انجام دادند، این در حالیست که اتحاد شوروی در آن زمان با یک هفته تاخیر و در اثر فشار تبلیغاتی غرب، جمهوری اسلامی را به رسمیت شناخت.

**بخش دوم: شواهد معاصر درباره حمایت غرب از جمهوری اسلامی**

حال چنانچه این مطالب را به تاریخ بسپاریم و به دنیای امروز باز گردیم نیز باز رد پای غرب را در تمامی جنایات جمهوری اسلامی مشاهده می‌کنیم.

طبق خبر منتشر شده در «یورونیوز» به تاریخ ۲۰۲۳/۰۷/۰۳ پهبادهای شاهد ۱۳۱ جمهوری اسلامی از ریزپردازنده‌ها و نیمه‌هادی‌هایی ساخته شده که توسط ۱۸ شرکت مستقر در ایالات متحده، آلمان و ژاپن ساخته شده است! و طبق خبر منتشر شده در «ایران اینترنشنال» به شماره ۲۰۲۳۰۸۰۷۴۲۶۳ شرکت بوش آلمانی سازنده دوربین‌های مداربسته امنیتی جمهوری اسلامی است که در سرکوب معترضان به کار رفته است!

در همین راستا می‌توان به خبر منتشر شده در تاریخ ۵ آذر ۱۴۰۱ در خبرگزاری «voa» (صدای آمریکا) اشاره کرد که طی تحقیقی که توسط تیم ناظران «فرانس ۲۴» انجام شده، گلوله‌های ساچمه‌ای شرکت فرانسوی- ایتالیایی برای سرکوب اعتراضات استفاده شده و باعث نابینایی صدها معترض جوان در ایران شده است!

حتی اگر از گلوله‌های گاز اشک‌آور ساخت اروپا تا پابندهای الکترونیک زندانیان سیاسی ساخت انگلیس و غیره بگذریم، ما چگونه می‌توانیم چشمان خود را از حمایت بدون قید و شرط اوپاما از جمهوری اسلامی ببندیم؟

روسیه در تمامی تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی بدون کم و کاست شرکت کرد، اما آنکه میلیاردها دلار پول نقد با هوایما به جمهوری اسلامی پیشکش کرد، اوپاما بود و نه روسیه. آمریکا و غرب بودند که در غالب برجام مجوز خرید و فروش اسلحه و غنی‌سازی و غیره را برای رژیم ایران تسهیل کردند و نکته جالب ماجرا اینجاست که طبق گفته محمد جواد ظریف، روسیه مخالف برجام بود و پس از جنگ اوکراین نیز روسیه از آن به عنوان کارتی به سود خود استفاده کرد و نگذاشت به جایی برسد.

در دوران ریاست جمهوری ترامپ، پوتین همراه و همسو

● در حالی که خلخالی مشغول اعدام‌های فله‌ای بود و بسیاری از ارتشیان وطن‌پرست یا در زندان‌ها کشته و یا شکنجه می‌شدند، غرب بطور پنهانی به حمایت از این رژیم ادامه می‌داد و طبق اسناد منتشر شده، آمریکا در سال‌های اولیه انقلاب میلیاردها دلار کمک مالی به ایران ارائه کرد و جالب توجه این است که اولین کشوری که در جهان رژیم شبه‌داعش جمهوری اسلامی را به رسمیت شناخت، ایالات متحده آمریکا بود، و پس از آن انگلیس و فرانسه نیز این کار را به سرعت انجام دادند، این در حالیست که اتحاد شوروی در آن زمان با یک هفته تاخیر و در اثر فشار تبلیغاتی غرب، جمهوری اسلامی را به رسمیت شناخت.

● در سال‌های بعد و اکنون نیز حتی اگر از گلوله‌های گاز اشک‌آور ساخت اروپا تا پابندهای الکترونیک زندانیان سیاسی ساخت انگلیس و غیره بگذریم، ما چگونه می‌توانیم چشمان خود را از حمایت بدون قید و شرط اوپاما از جمهوری اسلامی ببندیم؟

● همچنین روسیه در تمامی تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی بدون کم و کاست شرکت کرد، اما آنکه میلیاردها دلار پول نقد با هوایما به جمهوری اسلامی پیشکش کرد، اوپاما بود و نه روسیه. آمریکا و غرب بودند که در غالب برجام مجوز خرید و فروش اسلحه و غنی‌سازی و غیره را برای رژیم ایران تسهیل کردند و نکته جالب ماجرا اینجاست که طبق گفته محمد جواد ظریف، روسیه مخالف برجام بود و پس از جنگ اوکراین نیز روسیه از آن به عنوان کارتی به سود خود استفاده کرد و نگذاشت به جایی برسد.

همچنین با چراغ سبز پوتین بود که اسرائیل بدون درگیر شدن در پدافند هوایی روسیه، تمامی مواضع وابستگان حکومت ایران را در سوریه هدف قرار داد.

**سیمرغ -** از همان آغاز انقلاب ۵۷ جمهوری اسلامی ایران در تقابل با غرب قرار گرفت؛ شعاری که تا امروز نیز پابرجا مانده است. اما آیا واقعاً غرب دشمن اصلی رژیم ایران است یا متحدی پنهان در تاریکی؟ این پرسشی است که ذهن بسیاری از تحلیلگران سیاسی را به خود مشغول کرده است. در این مقاله، به بررسی شواهد تاریخی و معاصر از روابط پیچیده ایران با غرب می‌پردازم و تلاش می‌کنم تا به پاسخی روشن و مستدل برای این پرسش دست یابم.

**بخش اول: شواهد تاریخی از حمایت غرب از جمهوری اسلامی**

با وجود شعار «نه شرقی، نه غربی» جمهوری اسلامی، شواهد متعددی از نقش‌آفرینی غرب در انقلاب ۵۷ وجود دارد به گونه‌ای که این مطلب در خاطرات شاه و علم و سایر درباریان به وضوح مشخص است.

خبرگزاری‌های غربی، به ویژه بی‌بی‌سی فارسی، در پوشش اخبار انقلاب و تهییج افکار عمومی نقش کلیدی داشتند و فرانسه با دادن تریبون به خمینی و تسهیل بازگشت او به ایران، بطور مستقیم در روند انقلاب دخالت کرد.

در حالی که خلخالی مشغول اعدام‌های فله‌ای بود و بسیاری از ارتشیان وطن‌پرست یا در زندان‌ها کشته و یا شکنجه می‌شدند، غرب بطور پنهانی به حمایت از این رژیم ادامه می‌داد و طبق اسناد منتشر شده، آمریکا در سال‌های اولیه انقلاب میلیاردها دلار کمک مالی به ایران ارائه کرد و جالب توجه این است که اولین کشوری که در جهان رژیم شبه‌داعش جمهوری اسلامی را به رسمیت شناخت، ایالات

## نقش الگوهای رفتاری در سرنوشت مردم



● مردمی که از قاتلان اجدادشان الگو بگیرند، خود تبدیل به قاتلان فرزندانشان می‌شوند. این مورد به این دلیل است که وقتی مردم از کسانی که اجدادشان را به قتل رساندند و به حقوقشان تجاوز کردند و آنها را غارت کردند الگو بگیرند نخواهند توانست راه‌های اشتباهی را که می‌روند به درستی ببینند و وقتی از خواب غفلت بیدار می‌شوند که نسل‌های بعد از خود یعنی فرزندان و نوه‌هایشان را قربانی جهل خود کرده باشند. عده‌ای هم هرگز از این خواب بیدار نمی‌شوند و با وجود قربانی کردن نسل‌های جوان‌تر همچنان به عقاید جاهلانه‌شان ادامه می‌دهند.

ترانه جوانبخت - همه ما از دوران کودکی درباره الگوهای رفتاری شنیده‌ایم. این الگوها کسانی هستند که برای والدین ما و یا دوستان و معلمان ما سرمشق بوده‌اند و از نظر آنها بهترین در نظر گرفته شده‌اند و به عنوان نمونه برای زندگی زبازند آنها بوده‌اند. در کشور ما ایران که برخی از مردم آن مذهبی هستند بیشتر این الگوها از تاریخ ادیان در نظر گرفته شده‌اند و البته برای برخی نیز این الگوها از بین دانشمندان و فیلسوفان گذشته کشور ما و یا دیگر کشورها بوده‌اند. اینکه افرادی را به عنوان الگو انتخاب کنیم یک نکته است و اینکه اساس و مبنای این انتخاب ما چه بوده نکته دیگریست. نیز این مورد که آیا انتخاب فرد یا افرادی به عنوان الگوی رفتاری واقعا نیاز مردم جامعه است و آیا این انتخاب‌ها و جهات عقلانی و اخلاقی دارد نکات دیگری است که همگی برای بررسی الگوهای رفتاری در یک جامعه ضروری است.

وقتی دانشمندان، فیلسوفان، ادیبان و هنرمندان گذشته کشورمان را از کودکی الگو قرار دهیم نه تنها با گذشت زمان با یادگیری حوزه‌های مختلف خسته نمی‌شویم بلکه با نوآوری در آن حوزه‌ها انرژی تازه برای ادامه راه آنها می‌گیریم. این نشان می‌دهد که نه تنها الگو گرفتن از بزرگان‌مان که با نوآوری در عرصه‌های علمی، فلسفی، ادبی و هنری به بشریت خدمت کردند از نظر عقلانی و اخلاقی کار درستی است بلکه برای بهتر شدن زندگی خودمان و دیگران ضروری است.

## هدف از سفر پوتین به کره شمالی: تحلیل یک استراتژی سیاسی



رهبران کره شمالی و روسیه در سفر پوتین به پیونگ یانگ / ژوئن ۲۰۲۴ / رویترز

جبهه روسیه علیه غرب قرار گیرد. روسیه و چین در رابطه با ایالات متحده از دو جناح سیاسی متفاوت در این کشور حمایت می‌کنند. چین ترجیح می‌دهد که دموکرات‌ها که بطور سنتی موافق بسط روابط اقتصادی با آن کشور هستند در قدرت باقی بمانند و روسیه از روی کار آمدن جمهوریخواهان به‌خصوص شخص دونالد ترامپ حمایت می‌کند و این موجب نوعی دوگانگی در منافع بلندمدت آنها با آمریکا می‌شود؛ همین دوگانگی سیاسی در روابط با اروپا هم مشاهده می‌گردد.

### گشودن جبهه‌ای جدید در شرق آسیا

در این میان، پوتین به دنبال گشودن جبهه‌ای جدید در شرق آسیا است. تقابل با آمریکا و ایجاد یک جبهه جدید در این منطقه می‌تواند توجه و منابع نظامی و سیاسی آمریکا را از جنگ اوکراین منحرف کند. رهبر کره شمالی، کیم جونگ-اون، با سیاست‌های ضدآمریکایی خود می‌تواند در این راستا به یک هم‌پیمان استراتژیک برای روسیه تبدیل شود.

### اهداف استراتژیک و نمادین

سفر پوتین به کره شمالی علاوه بر اهداف عملی، دارای بُعدی نمادین نیز هست. این سفر پیامی است به جامعه بین‌المللی مبنی بر اینکه روسیه همچنان قادر است هم‌پیمانان جدیدی پیدا کند و جبهه‌های جدیدی در مقابله با فشارهای بین‌المللی بگشاید.

و در پایان، سفر پوتین به کره شمالی به ویژه در شرایط کنونی جنگ اوکراین و فشارهای بین‌المللی، اقدامی استراتژیک با اهداف چندگانه است. اگرچه کره شمالی نمی‌تواند بطور مستقیم و قابل توجهی به جنگ اوکراین کمک کند، اما با تقویت روابط خود با این کشور، روسیه امیدوار است تا از فشارهای ناتو و آمریکا بکاهد و با گشودن جبهه‌ای جدید در شرق آسیا، تعادل نیروها در صحنه بین‌المللی را به نفع خود تغییر دهد. این حرکت همچنین پیامی نمادین است که نشان می‌دهد روسیه در جستجوی هم‌پیمانان جدید است و از تمام ابزارهای موجود برای مقابله با فشارهای بین‌المللی استفاده می‌کند.

\*بهرام فرخی دانش‌آموخته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از دانشگاه رم و ساکن ایتالیا است.

● این سفر در حالی انجام می‌شود که روسیه درگیر جنگی فرسایشی در اوکراین است و تلاش می‌کند تا از فشارهای بین‌المللی، به ویژه از سوی ناتو و ایالات متحده، بکاهد. اما هدف واقعی پوتین از این سفر چیست؟ آیا کره شمالی می‌تواند نقشی حیاتی در معادلات جنگ اوکراین ایفا کند؟ ● یکی از دلایل احتمالی این سفر، ناامیدی روسیه از چین است. با وجود روابط نزدیک اقتصادی و سیاسی بین پکن و مسکو، چین حاضر نشده تمامی سیاست‌های خارجی و روابط اقتصادی خود را در خدمت روسیه بگذارد. پکن همچنان به تجارت با غرب و حفظ روابط دیپلماتیک با کشورهای غربی علاقمند است و نمی‌خواهد بطور کامل در جبهه روسیه علیه غرب قرار گیرد.

● بهرام فرخی - سفر ولادیمیر پوتین به کره شمالی پرسش‌هایی را در رابطه با این دیدار طرح می‌کند که در این مقاله سعی می‌شود تا پاسخی برای آنها یافت.

این سفر در حالی انجام می‌شود که روسیه درگیر جنگی فرسایشی در اوکراین است و تلاش می‌کند تا از فشارهای بین‌المللی، به ویژه از سوی ناتو و ایالات متحده، بکاهد. اما هدف واقعی پوتین از این سفر چیست؟ آیا کره شمالی می‌تواند نقشی حیاتی در معادلات جنگ اوکراین ایفا کند؟

### کمک‌های محدود کره شمالی در جنگ اوکراین

کره شمالی به دلیل شرایط اقتصادی و تکنولوژیک خود نمی‌تواند کمک محسوسی به روسیه در جنگ اوکراین بدهد. این کشور با وجود داشتن ارتش بزرگی از لحاظ تعداد نفرات، فاقد تجهیزات نظامی پیشرفته و زیرساخت‌های لازم برای پشتیبانی از جنگی به بزرگی جنگ اوکراین است. بنابراین به نظر نمی‌رسد که کره شمالی بتواند تغییری اساسی در وضعیت میدانی این جنگ ایجاد کند.

### چین و محدودیت‌های روابط با روسیه

یکی از دلایل احتمالی این سفر، ناامیدی روسیه از چین است. با وجود روابط نزدیک اقتصادی و سیاسی بین پکن و مسکو، چین حاضر نشده تمامی سیاست‌های خارجی و روابط اقتصادی خود را در خدمت روسیه بگذارد. پکن همچنان به تجارت با غرب و حفظ روابط دیپلماتیک با کشورهای غربی علاقمند است و نمی‌خواهد بطور کامل در

## ۱۹۸۹ نقطه‌ی عطف تاریخی



فرو ریختن دیوار برلین / ۱۰ نوامبر ۱۹۸۹ / رویترز

یالتا تقسیم کره تصمیم‌گیری می‌شود، کره شمالی در دوران «جنگ سرد» به یکی از اقمار و یا با جرأت می‌شود گفت به یکی از مستعمره‌های شوروی تبدیل شد. برای درک وقایع روز نگاهی به تاریخ الزامی است: فروپاشی دیوار برلین تصادفی نبود بلکه نتیجه‌ی ناتوانی اقتصاد اتحاد جماهیر شوروی و شکست سیاسی ایدئولوژی مارکسیستی-لنینیستی بود. در دیکتاتوری تک‌حزبی شوروی نه عدالت اجتماعی و طبقاتی وجود داشت و نه ابتدایی‌ترین حقوق شهروندی. حقیقتی که میخائیل گورباچف به آن پی برده و در نتیجه «گلاسنوست» را به مثابه تخفیف در سانسور و «پرسترویکا» را به مثابه فرم‌های اقتصادی به راه انداخت که سرانجام موجب سقوط این دیکتاتوری توتالیتر شد. شوروی در خصوص تسلیحات نظامی رقیب اصلی غرب بود ولی در پایان اسطوره‌ی کمونیسم، پیمان ورشو نیز شکستی تاریخی خورد.

### شکست دیکتاتوری‌های سوسیالیستی

تحولات تاریخی با اصلاحات اقتصادی در چین و در شوروی با اصلاحات اقتصادی و سیاسی شروع شد. آغاز پایان دیکتاتوری‌های سوسیالیستی را شاید بشود در سه رخداد تاریخی خلاصه کرد:

در اعتصابات مردمی در آلمان شرقی علیه سیاست‌های استالینیستی در ژوئن ۱۹۵۳  
سرکوب جنبش دموکراتیک در مجارستان در نوامبر ۱۹۵۶  
سرکوب بهار آزادی پراگ توسط تانک‌ها و ارتش روسیه می‌توان حتی ادعا نمود که آغاز شکست کمونیسم چینی هم در سال ۱۹۸۹ شروع شد چرا که کمونیسم چینی هم دیگر تبدیل شده است به یک سرمایه‌داری دولتی. ←

● تحولات تاریخی با اصلاحات اقتصادی در چین و در شوروی با اصلاحات اقتصادی و سیاسی شروع شد. آغاز پایان دیکتاتوری‌های سوسیالیستی را شاید بشود در سه رخداد تاریخی خلاصه کرد: در اعتصابات مردمی در آلمان شرقی علیه سیاست‌های استالینیستی در ژوئن ۱۹۵۳؛ سرکوب جنبش دموکراتیک در مجارستان در نوامبر ۱۹۵۶؛ سرکوب بهار آزادی پراگ توسط تانک‌ها و ارتش روسیه.

● نظم بین‌المللی لیبرال، نظامی است که شامل کشورهای غربی دموکراتیک می‌شود، کشورهایی که قادر به اصلاح و تصحیح سیاست‌های خود هستند. ناتو نیز به عنوان ستون نظامی این نظم بین‌المللی لیبرال در رقابت سیستم‌ها از جمله وظیفه‌ی حفاظت از دموکراسی‌ها را دارد.

● نظم بین‌المللی لیبرال اما بیشتر به صلح وابسته است تا به جنگ. البته صلح معجزه نیست بلکه یک امر الزامی است که هرچه بیشتر قابل یافتن می‌شود. مخالفان یک نظم جدید بین‌المللی لیبرال که بر مبنای منشور سازمان ملل عمل کند تا حال هیچ آلت‌ناتیو سازنده‌ای ارائه نکرده‌اند.

● نبود نهادهای بین‌المللی که بتوانند موازین حقوق بشر را در جهان تضمین کنند، موجب ضعف دموکراسی‌های غربی و ادامه‌ی حکومت دیکتاتوری‌ها می‌شود. ارزش‌های منشور سازمان ملل متحد فعلاً فقط در قوانین اساسی کشورهای اروپایی و سایر کشورهای دموکراتیک غربی به مرحله‌ی اجرا رسیده است و حتی شاید در آینده دستخوش سیاست‌های پوپولیستی غیردموکراتیک نیروهای همان کشورها شود.

وحید وحدت حق - سفر رسمی جدید ولادیمیر پوتین به کره شمالی و دیدار او با پیونگ یانگ رابطه‌ی شوروی و کره شمالی را به یاد می‌آورد. بعد از اینکه در کنفرانس

اینکه یک عده از افرادی که در قرن‌های گذشته ادعای خدانشناسی و الگو بودن برای دیگران داشتند تبعیت کنند و الگو بگیرند باید از نظر نوع زندگی که آن افراد داشتند و نتایجی که در زندگی مردم ما به وجود آورده‌اند به درستی بررسی شود. متأسفانه بسیاری از مردم ما در ایران به دلیل جهل و نادانی از کسانی که برای گرفتن قدرت هم‌معان‌شان را در قرن‌های گذشته مورد قتل و غارت قرار دادند الگو گرفتند و چون ایندسته از مردم ما دچار جهل مرکب هستند به جهلی که دارند واقف نیستند و از آن آگاهی ندارند به همین دلیل از چنین کسانی الگو گرفتند اما از مصیبت‌های این الگو گرفتند مطلع نیستند.

مردمی که از قاتلان اجدادشان الگو بگیرند، خود تبدیل به قاتلان فرزندان‌شان می‌شوند. این مورد به این دلیل است که وقتی مردم از کسانی که اجدادشان را به قتل رساندند و به حقوق‌شان تجاوز کردند و آنها را غارت کردند الگو بگیرند نخواهند توانست راه‌های اشتباهی را که می‌روند به درستی ببینند و وقتی از خواب غفلت بیدار می‌شوند که نسل‌های بعد از خود یعنی فرزندان و نوه‌هایشان را قربانی جهل خود کرده باشند. عده‌ای هم هرگز از این خواب بیدار نمی‌شوند و با وجود قربانی کردن نسل‌های جوان‌تر همچنان به عقاید جاهلانه‌شان ادامه می‌دهند.

حقیقت تلخ که در پس واقعیت‌های تاریخ معاصر ایران نهفته است با این جهل و الگو گرفتن نامناسب مردم از قاتلان و غارتگران اجداد ما و قربانی شدن کودکان و نوجوانان و جوانان در ایران هشدار جدی به همه است که اگر همچنان به این جهل و نادانی ادامه دهند در سال‌های آینده باز هم شاهد قربانی شدن نسل‌های جوان‌تر خواهیم بود.

تنها راه نجات مردمی که به داشتن الگوهای رفتاری نادرست مبتلا هستند، آموختن اندیشیدن و از خود پرسیدن به آنهاست که ببینند و از خودشان بپرسند که اساس و مبنای داشتن این الگوهای رفتاری چیست و چرا باید چنین افرادی را که تاریخ نشان داده بجز قتل و غارت و تجاوز به حقوق مردم کار دیگری نکرده‌اند الگوهایشان شوند. با آموختن اندیشه‌ورزی و پرسشگری است که می‌توان مردم را از گرداب این معضل‌هایی که نسل‌های گذشته عامل آن بوده‌اند رها کرد.

برای چنین مردمی وقتی بزرگان علم، فلسفه، ادبیات و هنر از کشورمان بوده‌اند الگوگرفتن‌های درست و شایسته کار دشواری نیست. باید آنها را با انتخاب نوع زندگی آن بزرگان و زیستن به همان روشی که آنها زیستند یعنی یادگیری و نوآوری در همه حوزه‌های فکری و هنری به الگو گرفتن از آنها تشویق کرد. این روش باعث می‌شود کسانی که جز اتلاف وقت و تبلی و بی‌انگیزگی در زندگی خودشان و اطرافیان‌شان ندیده‌اند این نوع زندگی را ببینند، مزیت‌های آن را حس کنند و با درک و اطمینان از درستی این نوع الگوهای رفتاری به همان روش بزرگان اندیشه و هنر که در کشورمان زیستند و هنوز هم الگوهای برخی از مردم دنیا هستند زندگی کنند.

یقیناً نقش الگوهای رفتاری در سرنوشت مردم دخیل است. مردم ما می‌توانند با اندیشیدن درباره آنچه در این سال‌ها در حق خود و فرزندان‌شان کرده‌اند الگوهای شایسته‌ای را که همانا بزرگان اندیشه و هنر از سرزمین ما ایران بوده‌اند برای خود برگزینند و با زیستن به روش همان بزرگان سرنوشت‌شان را به سمت بهروزی و سعادت رقم زنند.

شایسته است که ما ایرانیان در سراسر دنیا با اندیشیدن و پرسش کردن درباره نوع زندگی‌مان و زندگی الگوهای رفتاری‌مان برای نجات هموطنان خود و نیز خدمت به بشریت کوشا باشیم.

\*دکتر ترانه جوانبخت دانش‌آموخته چند رشته علوم انسانی و علوم تجربی، پژوهشگر و نویسنده ساکن کانادا است.

۱۷۷۰ تا تقریباً ۱۸۳۰ و انقلاب فرانسه بین سال‌های ۱۷۸۹ تا ۱۷۹۹ قابل تصور نیست، البته آنها تا امروز نیز تضادهای خود را دارند.

### صلح و دموکراسی جهانی

یووال نواح هراری در کتابش «۲۱ درس برای قرن ۲۱» نوشته است که سال‌های اول قرن بیست و یکم صلح‌آمیزترین دوران در تاریخ بشر بود و بیانگر اینکه جنگ از نظر اقتصادی و ژئوپولیتیک بی‌معنی شده است. بعد از حمله‌ی روسیه به اوکراین و شروع جنگ اوکراین او در مقاله‌ی در مجله آلمان «اشپیگل» نوشت که حتی رهبرانی که منطقی فکر می‌کنند در نهایت می‌توانند مرتکب کارهای بسیار احمقانه شوند. این تصمیم ولادیمیر پوتین بود که بطور خودکامه بشریت را وارد دوره‌ی جدیدی از جنگ نماید با تمام خسارات انسانی، اقتصادی و محیط زیستی که در پی دارد.

واقعیات تاریخی نشان می‌دهند که از سال ۱۹۴۵ به بعد هیچ جنگ مستقیمی بین قدرت‌های بزرگ رخ نداده است. درگیری‌ها اغلب منطقه‌ای بوده‌اند. اما پیشرفت تاریخ بشریت امری محتوم است: امپراتوری روم حدود ۵۰ تا ۷۵ درصد بودجه‌ی خود را صرف ارتش می‌کرد و امپراتوری عثمانی در قرن هفدهم حدود ۶۰ درصد این بودجه را به نیروهای نظامی اختصاص داده بود. میانگین مخارج دولت بریتانیا از سال‌های ۱۶۸۵ تا ۱۸۱۳ در حدود ۷۵ درصد بوده است. در حالی که هزینه‌های نظامی امروز حدود ۳٫۵ درصد از تولید ناخالص داخلی در ایالات متحده را تشکیل می‌دهد و ایالات متحده چهار برابر چین خرج تسلیحات نظامی می‌کند که بخش انگلی و مخرب هر اقتصاد به شمار می‌رود. طبق گزارش سال ۲۰۲۴ «موسسه پژوهش صلح اسپیری» امروز ۱۲۵۱۲ مپ ام‌تی در جهان وجود دارد که سایه‌ی وحشتناکی بر روند صلح در جهان می‌اندازد.

ولی نظم بین‌المللی لیبرال بیشتر به صلح وابسته است تا به جنگ. البته صلح معجزه نیست بلکه یک امر الزامی است که هرچه بیشتر قابل دست یافتن می‌شود. مخالفان یک نظم جدید بین‌المللی لیبرال که بر مبنای منشور سازمان ملل عمل کند تا حال هیچ آلترناتیو سازنده‌ای ارائه نکرده‌اند.

در یک کشور دموکراتیک و در یک نظام بین‌المللی و جهانی لیبرال پول می‌تواند برای معلمان، پرستاران و مددکاران اجتماعی خرج شود بجای تانک و موشک و مپ ام‌تی. پس می‌شود گفت که صلح امری اجتناب‌ناپذیر است و آزادی و حقوق بشر نیز همچنین. و البته سقوط دیکتاتورهای شاید تنها به دلیل ضعف اقتصادی آنها برای جهانی که صلح در آن حاکم باشد، الزامی است. بی‌دلیل هم نیست که پناهجویانی که به اروپا و غرب فرار می‌کنند دقیقاً به خاطر نظم دموکراتیک آن به کشورهای آزاد می‌آیند. البته این صادقانه هم نیست که غرب را مسئول اصلی نقض حقوق بشر در کشورهای دیگر دانست.

حق حاکمیت ملی هنوز میزان و معیار اصلی سیاست بین‌الملل و روابط بین‌الملل است. یک کشور اروپایی می‌تواند تصمیم بگیرد که با دولت طالبان روابط دیپلماتیک برقرار نکند ولی با جمهوری اسلامی ایران به دلیل حفظ منافع اقتصادی خود رابطه سیاسی- اقتصادی داشته باشد. در همین ارتباط البته صرفاً حفظ منافع اقتصادی هر روز بیش از پیش می‌تواند در تناقض با حفظ منافع امنیتی غرب قرار گیرد.

\*وحدت حق کارشناس و پژوهشگر علوم سیاسی و روابط بین‌الملل ساکن برلین است.

و دور از موازین دموکراتیک در فکر اجرای منشور سازمان ملل نیز نیستند. یادآوری می‌شود که در پنجم اوت ۱۹۹۰ کشورهای اسلامی در قاهره اعلامیه اسلامی حقوق بشر را تصویب کردند. این اعلامیه در حقیقت تا حدی نفی منشور حقوق بشر سازمان ملل است و به این صورت کشورهای اسلامی یک نه بزرگ به درک غرب از دموکراسی و حقوق بشر را اعلام کردند. روسیه هم حداقل در حکومت پوتین به کشوری ضدغربی تبدیل شده است، اگرچه رقیبی برای غرب محسوب نمی‌شود.

به این ترتیب فقدان نهادهای جدید بین‌المللی که بتوانند منشور حقوق بشر سازمان ملل را به تحقق برسانند و فقدان اراده کشورهای عضو سازمان ملل برای اجرای مبانی منشور سازمان ملل بزرگترین مانع تحقق دموکراسی در ابعاد جهانی است. البته نباید فراموش شود که پافشاری بر استقلال و حاکمیت ملی به عنوان امری اجتناب‌ناپذیر مانع بزرگ دیگری برای رسیدن به جهانی دموکراتیک است. برای مثال جمهوری اسلامی ایران در تبلیغات خود از دخالت کشورهای بیگانه در زمانی صحبت می‌کند که فعالین و دولت‌های دموکرات و آزادخواه از حقوق بشر مردم ایران دفاع می‌کنند. می‌شود خلاصه کرد که بزرگترین مشکل جهانشمول شدن موازین و ارزش‌های حقوق بشری و دموکراسی مقابله‌ی اکثر کشورهای اسلامی و البته مقابله‌ی به ویژه چین و روسیه با غرب است. ولی چنانچه روند پیشرفت اتحادیه اروپا در نظر گرفته شود، قابل مشاهده است که در اروپا کشورهایی که صد سال پیش روابط فوق‌العاده متخاصمی با یکدیگر داشتند، امروز حداقل یک پایه مشترک اقتصادی و سیاسی و دموکراتیک دارند. فقدان مناسبات و ساختارهای بین‌المللی در چارچوب سازمان ملل متحد که قدرت به کرسی نشاندن موازین حقوق بشری را در سراسر دنیا داشته باشد یک نقض اصلی در پیشرفت گام‌های دموکراتیک در جهان امروز است.

دموکراسی نه فقط در روسیه شکست خورده بلکه در بعضی کشورهای اروپای شرقی مانند مجارستان که مانند لهستان از سال ۲۰۰۴ به بعد عضو اتحادیه‌ی اروپا شدند نیز ناکام مانده است چرا که دولت‌های راست‌گرای که حتی موازین اتحادیه اروپا را قبول ندارند در آنجا روی کار آمدند. امروز در آلمان و فرانسه نیروهای پوپولیست و راست‌گرا و غیردموکراتیک قوی شده‌اند. غرب تا کنون نه فقط نتوانسته ارزش‌های حقوق بشری خود را جهانی سازد بلکه جنبش‌های پوپولیستی از درون می‌خواهند موازین دموکراتیک را تضعیف کنند. البته نبود نهادهای بین‌المللی که بتوانند موازین حقوق بشر را در جهان تضمین کنند، موجب ضعف دموکراسی‌های غربی و ادامه‌ی حکومت دیکتاتوری‌ها می‌شود. ارزش‌های منشور سازمان ملل متحد فعلاً فقط در قوانین اساسی کشورهای اروپایی و سایر کشورهای دموکراتیک غربی به مرحله‌ی اجرا رسیده است و حتی شاید در آینده دستخوش سیاست‌های پوپولیستی غیردموکراتیک نیروهای همان کشورها شود. این یک واقعیت است که مهاجرانی که در کشورهای اروپایی زندگی می‌کنند چنانچه تابعیت کشورهای اروپایی را نداشته باشند حقوق یکسان با شهروندان اروپایی ندارند. یعنی حقوق بشر در ساختار کنونی جهان تنها در کشورهای دموکراتیک برای مردم همان کشور قابل اجرا است.

ارزش‌های دموکراتیک در غرب از ابتدا تناقضاتی داشته است. توماس جفرسون سومین رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا هم برده‌دار بود و هم در اوایل قرن نوزدهم اولین شعارهای حقوق بشری را می‌داد. باید تأکید شود که ارزش‌های حقوق بشری بدون انقلاب آمریکا بین سال‌های

→ امروزه اختلاف طبقاتی در چین کمونیست بیداد می‌کند. یک درصد طبقه‌ی بالای چین یعنی اشراف حزب حاکم ۳۰/۶ درصد (سی درصد و شش دهم درصد) ثروت کل کشور چین را در چنگ خود دارند.

در حالی که اولین انتخابات نیمه آزاد در ۴ ژوئن ۱۹۸۹ در لهستان انجام می‌شد، در سوم و چهارم ژوئن ۱۹۸۹ حزب کمونیست چین جنبش دموکراسی‌خواهی را در میدان تیان‌آهن در پکن سرکوب کرد. حزب کمونیست چین حزبی آریستوکرات است که اصلاحات اقتصادی را از اوایل دهه‌ی هشتاد میلادی شروع کرد ولی جلوی آزادی‌های سیاسی- اجتماعی را گرفت آنهم درست در زمانی که که فرار دستجمعی مردم از آلمان شرقی از طریق چکسلواکی و مجارستان به آلمان غربی به راه افتاده بود.

یادآوری می‌شود که آمریکا در اوج قدرت خود و یک‌قطبی شدن جهان یعنی در سه سال اول بعد از سقوط شوروی بسر می‌برد و گویا هیچ رقیبی نداشت. بعد از حمله‌ی صدام حسین در ۲ اوت ۱۹۹۰ به کویت، شورای امنیت سازمان ملل رای مثبت به عملیات نظامی یک ائتلاف بین‌المللی می‌دهد. گورباچف نیز به آمریکا رای داده و این ائتلاف را تأیید می‌کند.

بین سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۲ کنترل زرادخانه‌های اتمی روسیه از دست می‌رود و این امر خطیر و با اهمیت موجب ابهام‌های تاریخی بزرگی می‌شود. درست در زمانی که دنیای غرب مست‌پیروزی و موفقیت‌رای‌گیری در شورای امنیت و آزادخواهی برای جهان بود، خطری جدید جهان را تهدید می‌کرد: هرج و مرج و گسترش سلاح‌های اتمی. در این برهه‌ی زمانی همکاری اتمی و نظامی غیررسمی روسیه با کشورهایی مانند کره شمالی اوج می‌گیرد که در ادامه‌ی روابط علنی دوران شوروی با کره شمالی قرار داشت.

روسیه بار دیگر در صدد فاصله گرفتن از ایالات متحده‌ی آمریکا برآمد و به آغوش چین و کره‌ی شمالی می‌رود. گرایشی که امروز نیز در سطح دیگری قابل مشاهده است. روسیه پس از فروپاشی نظام شوروی به دنبال ائتلاف‌های جدید بود و از سال ۱۹۹۲ به بعد سیاست جدیدی را جهت فاصله گرفتن از ایالات متحده‌ی آمریکا آغاز کرد. در دسامبر ۱۹۹۲ بوریس یلتسین رئیس‌جمهور وقت روسیه با یانگ شانگگون رئیس‌جمهور وقت چین معاهده‌های دوستی در جهت مقابله با یک‌قطبی شدن جهان توسط ایالات متحده آمریکا امضا کرد. چین و روسیه هر دو خواهان چندقطبی شدن جهان می‌شوند.

### عدم موفقیت ارزش‌های دموکراتیک و حقوق بشری به معنی مرگ غرب نیست

نظم بین‌المللی لیبرال، نظامی است که شامل کشورهای غربی دموکراتیک می‌شود، کشورهایی که قادر به اصلاح و تصحیح سیاست‌های خود هستند. ناتو نیز به عنوان ستون نظامی این نظم بین‌المللی لیبرال در رقابت سیستم‌ها از جمله وظیفه‌ی حفاظت از دموکراسی‌ها را دارد. از این رو می‌شود گفت که تاریخ به پایان نرسیده و عرصه‌ی جدیدی در تاریخ بشریت شروع شده که حتی شانس‌هایی برای عدالت اجتماعی جهانشمول و آزادی را هم می‌تواند در بر داشته باشد.

جهان فعلاً تقسیم شده است به دو قطب اصلی قدرت که ایالات متحده‌ی آمریکا و چین باشند. قدرت‌های دیگر نسبت به دو قدرت آمریکا و چین در مقام‌های ضعیف‌تری قرار گرفته‌اند. روسیه به کمک نظامی چین و کره شمالی و جمهوری اسلامی ایران وابسته است و کشورهای اسلامی غرق در مشکلات منجلاط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی

## رئیس اداره تعزیرات حکومتی پاوه در یک حمله مسلحانه به قتل رسید



حامد ترکاشوند / عکس: ایرنا

● حامد ترکاشوند رئیس اداره تعزیرات حکومتی شهرستان پاوه بامداد روز شنبه ۱۵ ژوئن (۲۶ خردادماه) توسط فرد یا افراد ناشناس در حوالی منزلش در «شهرک الهیه» کرمانشاه کشته شد.

● این شهرک شامل چند «کوی سازمانی» است که پرسنل دادگستری، سپاهی‌ها، خانواده جانبازان، پرسنل سازمان‌های حکومتی و دولتی در آن سکونت دارند.

● مهدی قنادی مدیر روابط عمومی دادسرای عمومی و انقلاب استان کرمانشاه به «ایسنا» گفت، «طبق بررسی‌های صورت گرفته قاتل از ساعت‌ها قبل مقابل منزل مرحوم ترکاشوند کمین کرده بود و به محض خروج او از منزل در یکی از محلات شهر کرمانشاه به سمتش شلیک می‌کند».

● وی توضیح داد، «قاتل با استفاده از اسلحه خود چهار گلوله به سمت سر و سینه مرحوم ترکاشوند شلیک کرده که منجر به فوت او می‌شود».

حامد ترکاشوند رئیس اداره تعزیرات حکومتی شهرستان پاوه بامداد روز شنبه ۱۵ ژوئن (۲۶ خردادماه) توسط فرد یا افراد ناشناس در شهر کرمانشاه کشته شد.

براساس گزارش «ایرنا» وی ضرب گلوله در حوالی منزل شخصی خود در شهر کرمانشاه به قتل رسید. برخی منابع گزارش دادند منزل وی در قسمت «معراج» شهرک الهیه کرمانشاه قرار دارد.

این شهرک شامل چند «کوی سازمانی» است که پرسنل دادگستری، سپاهی‌ها، خانواده جانبازان، پرسنل سازمان‌های حکومتی و دولتی در آن سکونت دارند.

مهدی قنادی مدیر روابط عمومی دادسرای عمومی و انقلاب استان کرمانشاه به «ایسنا» گفت، «طبق بررسی‌های صورت گرفته قاتل از ساعت‌ها قبل مقابل منزل مرحوم ترکاشوند کمین کرده بود و به محض خروج او از منزل در یکی از محلات شهر کرمانشاه به سمتش شلیک می‌کند».

وی توضیح داد، «قاتل با استفاده از اسلحه خود چهار گلوله به سمت سر و سینه مرحوم ترکاشوند شلیک کرده که منجر به فوت او می‌شود».

شهرستان پاوه در استان کرمانشاه با بیش از ۶۵ هزار نفر جمعیت در ۱۲۵ کیلومتری شمال غربی شهر کرمانشاه واقع است.

## ریزش معدن شن و ماسه شازند؛ کشف پیکر بی‌جان دو راننده و ادامه عملیات نجات



مدیرکل مدیریت بحران استانداری مرکزی روز گذشته نیز توضیح داده بود که «حدود ۴۵ تیم تخصصی در این عملیات شرکت دارند و تجهیزات مختلف اعم از دستگاه‌های آنست، سگ‌های زنده‌یاب و... مورد استفاده قرار گرفته است».

او تأکید کرده بود که تیم‌های عضو ستاد مدیریت بحران تا اطلاع ثانوی در آماده‌باش هستند و عملیات جستجو همچنان ادامه دارد.

لطف‌الله پرندین فرماندار شازند نیز گفته بود به دلیل اینکه آوار سنگ در معدن این شهرستان در وسعت قابل توجه و در شیب منفی قرار دارد، کار امدادسانی با سختی‌هایی همراه شده است.

فرماندار شازند درباره علت این حادثه گفته «دو فرضیه در خصوص ریزش معدن وجود دارد که دلیل اول انفجار روز گذشته در این معدن و دلیل دوم رعد و برق‌های سنگین روز جمعه در منطقه بوده که این دو علت به همراه شیب تند کوه باعث وقوع حادثه شده است، البته این منطقه بر روی گسل نیز قرار دارد و بارها تأکید شده که بهره‌برداری بی‌رویه از معدن انجام نشود».

فرماندار شازند با بیان اینکه علت دقیق وقوع حادثه پس از بررسی‌های دقیق کارشناسی توسط مراجع مربوطه مشخص خواهد شد، خاطرنشان کرد: «حجم آوار و سنگ‌ها بسیار بالاست بطوری که برخی سنگ‌هایی که ریزش کرده حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ تن هستند».

همچنین حجت‌الله کاظمی مدیرکل بحران استانداری مرکزی نیز در گفتگو با خبرنگاری «تسنیم» هرگونه اظهار نظر در اینباره را به بررسی دقیق موضوع از سوی کارشناسان موکول کرده و گفته باید بر ضرورت یافتن مفقودین تأکید کرد.

مهدی هشترودی دادستان عمومی و انقلاب شازند هم از بازداشت مالک معدن با دستور قضایی خبر داده است.

سازمان پزشکی قانونی مرگ دو هزار و ۱۱۵ کارگر را بر اثر حوادث کاری در سال ۱۴۰۲ ثبت کرده است. معدنکاران از جمله کارگرانی هستند که به دلیل عدم رعایت استانداردهای ایمنی از سوی کارفرمایان با حوادث زیادی روبرو می‌شوند.

دهم خردادماه امسال نیز دو کارگر معدن آبنیل در استان کرمان زیر آوار زغال‌سنگ حبس شدند. کارگران توانستند یکی از همکاران خود را زنده از زیر آوار بیرون بیاورند اما یک کارگر دیگر به نام علی فروغی در این حادثه جان باخت.

● پیکر دو نفر از رانندگان ساعاتی پس از حادثه پیدا شد اما از سرنوشت دو راننده دیگر اطلاعی در دست نیست.

● فرماندار شازند: احتمال اول علت حادثه انفجار روز گذشته در این معدن و علت دوم رعد و برق‌های سنگین روز جمعه است، البته این منطقه بر روی گسل نیز قرار دارد و بارها تأکید شده که بهره‌برداری بی‌رویه از معدن انجام نشود.

● دادستان عمومی و انقلاب شازند هم از بازداشت مالک معدن با دستور قضایی خبر داده است.

در پی ریزش معدن شن و ماسه در شهرستان شازند، چهار راننده در زیر حجم عظیمی از آوار مدفون شدند. پیکر بی‌جان دو راننده شناسایی شد اما تلاش گسترده تیم‌های امدادی برای نجات این افراد همچنان ادامه دارد.

حادثه دلخراش فروریختن معدن شن و ماسه در منطقه «پل دوآب» شهرستان شازند در استان مرکزی چهار راننده را زیر هزاران تن سنگ و شن مدفون کرد. این حادثه ساعت ۹:۴۵ دقیقه صبح روز یکشنبه ۲۷ خردادماه رخ داد و پیگیری برای یافتن مفقودان همچنان ادامه دارد.

بر اساس گزارش‌ها چهار راننده مدفون شده، دو راننده کمپرسی و دو راننده بیل مکانیکی بودند که در محدوده معدن شماره ۵ شن و ماسه شهرستان شازند مشغول کار بودند. پیکر دو نفر از رانندگان ساعاتی پس از حادثه پیدا شد اما از سرنوشت دو راننده دیگر تا لحظه تنظیم این گزارش اطلاعی در دست نیست.

علیرضا شهرجردی مدیرعامل جمعیت «هلال احمر» استان مرکزی عصر ۲۷ خرداد مرگ دو تن از چهار کارگر محبوس شده در زیر آوار معدن شازند را تأیید کرد. او گفت امدادگران پیکر دومین کارگر را از زیر آوار بیرون آوردند و جستجو برای یافتن دو کارگر دیگر ادامه دارد.

بهنام نظری معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری مرکزی صبح امروز دوشنبه ۲۸ خرداد ۱۴۰۳ در گفتگو با خبرنگاری «ایسنا» گفته با روشن شدن هوا عملیات نقطه‌زنی و سنداژ برای شناسایی محل دقیق مفقودین معدن شازند که از شب گذشته آغاز شده بود به صورت فنی و تکنیکی با بهره‌گیری از تمام توان دستگاه‌های اجرایی شدت گرفته است.

بهنام نظری افزوده حجم بالای آوار و وزن بالای سنگ‌های ریزش کرده که به بیش از ۳۰۰ تن می‌رسد کار جستجو و آواربرداری را سخت و دشوار کرده است.



# توقف عملیات نجات کارگران مدفون شده در معدن شن و ماسه شازند؛ مرگ ۲۶ کارگر معدن در ۱۴ ماه!



● به گفته فرماندار شهرستان شازند این عملیات در پی ریزش دوباره بخشی از دیواره معدن متوقف شده و از دو راننده دیگر به عنوان «مفقودی» نام برده شده است.

● از ابتدای فروردین ۱۴۰۲ تا ۲۶ خرداد امسال و تا پیش از وقوع حادثه در معدن سنگ شازند، ۲۶ کارگر در ۲۱ حادثه در معادن کشور کشته شدند.

● روزنامه «اعتماد» نوشته نکته نگران کننده در حوادث معادن از ابتدای سال ۱۴۰۲ تا ۲۶ خرداد امسال، ارتباط مستقیم هشدار کارشناسان معدن با بی توجهی پیمانکاران و بهره‌برداران به اصول ایمنی و طراحی معدن است.

ساعاتی پس از اعلام شناسایی موقعیت دو راننده مدفون شده در معدن شن و ماسه شازند، خبر توقف عملیات امداد و نجات منتشر شد.

لطف‌الله پرندین فرماندار شهرستان شازند غروب روز دوشنبه ۲۸ خردادماه اعلام کرده همزمان با آواربرداری و جابجایی سنگ‌ها، کوه به میزان یک‌چهارم بار اول ریزش کرد و به دلیل خطرات احتمالی، ادامه عملیات نجات دو راننده مدفون زیر آوار ناشی از ریزش معدن متوقف شده است. حادثه دلخراش فروریختن معدن شن و ماسه در منطقه «پل دوآب» شهرستان شازند در استان مرکزی چهار راننده را زیر هزاران تن سنگ و شن مدفون کرد. این حادثه ساعت ۹:۴۵ دقیقه صبح روز یکشنبه ۲۷ خردادماه رخ داد.

چهار راننده مدفون شده، دو راننده کمپرسی و دو راننده بیل مکانیکی بودند که در محدوده معدن شماره ۵ شن و ماسه شهرستان شازند مشغول کار بودند. پیکر دو نفر از رانندگان ساعاتی پس از حادثه پیدا شد و عملیات نجات دو راننده دیگر تا عصر دیروز ادامه داشت.

اکنون به گفته فرماندار شهرستان شازند این عملیات در پی ریزش دوباره بخشی از دیواره معدن متوقف شده و از دو راننده دیگر به عنوان «مفقودی» نام برده شده است.

با گذشت دو روز از ریزش معدن شن و ماسه شازند هنوز علت این حادثه اعلام نشده است. با اینهمه به نظر می‌رسد عدم توجه مالک معدن به هشدارها و رعایت نکردن استانداردهای ایمنی سبب بروز حادثه باشد.

فرماندار شازند دیروز درباره علت این حادثه گفت: «دو فرضیه در خصوص ریزش معدن وجود دارد که دلیل اول انفجار روز گذشته در این معدن و دلیل دوم رعد و برق‌های سنگین روز جمعه در منطقه بوده که این دو علت به همراه شیب تند کوه باعث وقوع حادثه شده است، البته این منطقه بر روی گسل نیز قرار دارد و بارها تاکید شده که بهره‌برداری بی‌رویه از معدن انجام نشود.»

مهدی هشترودی دادستان عمومی و انقلاب شازند هم از بازداشت مالک معدن با دستور قضایی خبر داده است. روزنامه «اعتماد» در شماره امروز سه‌شنبه ۲۹ خرداد ۱۴۰۳ خبر داد که از ابتدای فروردین ۱۴۰۲ تا ۲۶ خرداد امسال و تا پیش از وقوع حادثه در معدن سنگ شازند، ۲۶ کارگر در ۲۱ حادثه در معادن کشور کشته شدند.

بر اساس این گزارش ۷ حادثه در معادن کشور رخ داده که ۵ حادثه در معادن زغال سنگ (استان‌های خراسان جنوبی و کرمان)، یک حادثه در معدن شن و ماسه (استان مرکزی) و یک حادثه در معدن سنگ (گیلان) بوده و در این حوادث، ۸ کارگر معدن، کشته شده‌اند که ۵ کارگر به دلیل ریزش

بنابراین امروز نصف نیروی انسانی متخصص خود را از دست داده‌ایم. اوج معدنکاری و فعالیت‌های زمین‌شناسی که در سال‌های قبل‌تر داشته‌ایم امروز به نصف رسیده است!» بر اساس آمارهای ارائه شده از سوی مرکز ملی آمار، در حالی که تعداد معادن از سال ۶۵ تا ۱۴۰۱ افزایش یافته اما شمار معادن فعال در کشور کاهش یافته است!

روزنامه «فرهیختگان» نیز فروردین امسال با استناد به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نوشت «ایران به لحاظ ذخائر معدنی جزو ۱۰ کشور نخست جهان و اولین کشور خاورمیانه است و ۷ درصد ذخایر معدنی جهان در کشورمان جای دارد. این در حالیست که غنای منابع و ذخایر عظیم معدنی، ایران را یکی از غنی‌ترین مناطق جهان از نظر توانایی تأمین مواد اولیه مورد نیاز صنعت کرده اما این ظرفیت درآمدزا همچنان بی‌استفاده مانده است.

سعید عسکرزاده، دبیر انجمن تولیدکنندگان و صادرکنندگان سنگ آهن ایران به روزنامه «فرهیختگان» گفته بود «با وجود اینکه ما در این سال‌ها به شدت بحث واگذاری معادن و مزایده‌های دولتی را شاهد بودیم که قاعدتا باید منجر به بالا رفتن تعداد معادن فعال کشور می‌شد اما وضعیت حوزه معادن در شرایط مطلوبی قرار ندارد.»

محمدرضا بهرامن رئیس خانه معدن ایران و نایب‌رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران ارزیابی کرده که برای رسیدن بخش معدن کشور به رشد ۷ تا ۸ درصدی نیاز به حداقل ۱۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری است.

محمدرضا بهرامن همچنین گفته در برنامه هفتم توسعه آمده که بخش معدن باید در مدت پنج سال، با رشد پیش‌بینی شده سالانه ۱۳ درصد، بیشترین تأثیرگذاری را بر تحقق رشد اقتصادی کشور، ایفا کند؛ این در حالی است که رشد فعلی بخش معدن خوشبینانه ۳ درصد تخمین زده می‌شود. چطور می‌توان چنین هدفی را محقق کرد؟

ناتوانی جمهوری اسلامی در جذب سرمایه‌گذاری در بخش معدن و واگذاری معادن به نهادهایی چون سپاه پاسداران سبب تشدید مشکلات در بخش معدن شده است. نهادهای حکومتی معادن را به پیمانکاران می‌سپارند و به دلیل عدم حمایت دولت و نبود نظارت صحیح نهادهای ناظر، رعایت نکات ایمنی از سوی پیمانکاران نادیده گرفته شده و سبب بروز حوادثی می‌شود که کارگران قربانیان آن هستند.

معدن، یک کارگر به دلیل برق گرفتگی، یک کارگر به دلیل گیر افتادن در نوار نقاله معدن و یک کارگر به دلیل واژگونی لودر در هنگام خاک و لاشه‌برداری جان خود را از دست داده‌اند.

این گزارش همچنین نشان می‌دهد تعداد حوادث منجر به فوت کارگران معدن در ۸۷ روز آغازین امسال در مقایسه با مدت مشابه پارسال (اول فروردین تا ۲۶ خرداد ۱۴۰۲) افزایش یافته است.

از ابتدای فروردین تا پایان اسفند پارسال، ۱۴ حادثه ریزش، انفجار گاز، واژگونی لودر، سقوط آوار و نقص سیستم فنی در معادن مس، سنگ، خاک رس و زغال سنگ در استان‌های آذربایجان شرقی، سمنان، همدان، چهارمحال و بختیاری، اصفهان، کرمان و یزد اتفاق افتاده و در این حوادث، ۱۸ کارگر معدن کشته شدند در حالی که تعداد کارگران جانباخته در حوادث شغلی معادن در فاصله اول فروردین تا ۲۶ خرداد پارسال، دو نفر و تعداد حوادث در ۸۷ روز ابتدای سال ۱۴۰۲، سه فقره بوده است.

به گزارش «اعتماد» نکته نگران کننده در حوادث معادن از ابتدای سال ۱۴۰۲ تا ۲۶ خرداد امسال، ارتباط مستقیم هشدار کارشناسان معدن با بی توجهی پیمانکاران و بهره‌برداران به اصول ایمنی و طراحی معدن است چنانکه از ۲۱ حادثه‌ای که از ابتدای فروردین ۱۴۰۲ تا ۲۶ خرداد امسال در معادن کشور رخ داده و به جانباختن ۲۶ کارگر معدن منجر شده، ۵ مرگ به دلیل واژگونی لودر، یک مرگ به دلیل برق گرفتگی، ۱۵ مرگ به دلیل ریزش سنگ و زغال، یک مرگ به دلیل گیر کردن در نوار نقاله، یک مرگ به دلیل گیر افتادن زیر چرخ لودر، دو مرگ به دلیل سقوط از ارتفاع و یک مرگ به دلیل نقص سیستم فنی بوده است.

فروردین امسال نیز رضا جدیدی مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی، فناوری اطلاعات و بودجه سازمان زمین‌شناسی در گفتگو با روزنامه «جهان صنعت» از کاهش ۵۰ درصدی نیروهای متخصص و دانش‌آموخته رشته‌های مرتبط با معدن در کشور خبر داد.

او گفته بود «تبلور نیروی انسانی متخصص از دانشگاه‌ها شکل می‌گیرد اما متأسفانه طی ۱۰ سال گذشته دانش‌آموختگان رشته گرایش‌های زمین‌شناسی، جغرافیا و معدن در کلیه گرایش‌ها حدود ۵۴ درصد افت داشته است.

## سهم ۱۶ درصدی زنان از بازار کار ایران تبعیض جنسیتی تا پرداخت حقوق بازنشستگی ادامه دارد



● نرخ مشارکت زنان در سطح پایینی قرار دارد و از هر ۱۰۰ مرد و ۱۰۰ زن در سن کار، ۶۸ مرد و تنها ۱۴ زن در بازار کار فعالیت دارند.

در برابر ۲۲ میلیون و ۴۱ هزار مرد شاغل در بازار کار ایران در سال گذشته، تنها ۴ میلیون و ۵۹۶ هزار نفر زن شاغل بودند. این ارقام بیانگر سهم ۱۶ درصدی زنان از بازار کار ایران است.

آمارهای مرکز آمار ایران نشان می‌دهد نرخ مشارکت مردان ۶۸/۴ درصد و نرخ مشارکت زنان تنها ۱۴/۲ درصد بوده است. با اینکه هر دو نرخ نسبت به سال ۱۴۰۱ افزایش یافته اما همچنان نرخ مشارکت زنان در سطح پایینی قرار دارد. معنای این اعداد این است که از هر ۱۰۰ مرد و ۱۰۰ زن در سن کار، ۶۸ مرد و تنها ۱۴ زن در بازار کار فعال هستند. بر اساس تعاریف مرکز آمار ایران، جمعیت فعال به افرادی اطلاق می‌شود که در سن اشتغال (۱۵ سال و بالاتر) قرار داشته و به صورت بیکار یا شاغل در بازار کار حضور دارند. بنابراین، صرف شاغل بودن ملاک نیست و حتی افراد بیکار نیز در جمعیت فعال حساب می‌شوند. البته باید توجه داشت که «بیکار» از نظر مرکز آمار ویژگی‌هایی دارد. به بیان دقیق‌تر، بیکار به شخصی اطلاق می‌شود که شغل ندارد اما یا به دنبال کار می‌گردد و یا اگر کاری برای او پیدا شود تمایل به کار کردن دارد. این در حالیست که بر اساس دسته‌بندی‌های مرکز آمار ایران حتی افرادی که اشتغال پاره‌وقت دارند و ممکن است یک ساعت در هفته کار کنند هم جزو جمعیت شاغل محاسبه می‌شوند. از سوی دیگر افرادی که بطور موقت کار خود را ترک کرده باشند یا سربازان یا کارآموزان را هم جزو جمعیت شاغل محاسبه می‌کنند!

با در نظر گرفتن شیوه دسته‌بندی مرکز آمار ایران، این مرکز گزارش داده در سال گذشته بطور کلی ۶۴ میلیون و ۵۵۱ هزار و ۸۵۲ نفر در سن اشتغال، یعنی ۱۵ سال یا بالاتر، قرار داشته‌اند. با این حال، تنها ۲۶ میلیون و ۶۳۸ هزار و ۳۰۱ نفر از آنها به صورت فعال در بازار کار مشارکت داشتند و باقی یا تمایلی به کار کردن نداشتند و یا نسبت به یافتن شغل ناامید بوده‌اند. بر این اساس، نرخ مشارکت در سال گذشته ۴۱/۳ درصد برآورد شده که برای زنان و مردان متفاوت است.

میانگین جهانی زنان در نیروی کار در سال ۲۰۲۲، ۳۹/۴۹ درصد بوده است. ایران در رتبه‌بندی شاخص نرخ مشارکت زنان در میان ۱۸۰ کشور در جایگاه ۱۷۴ قرار دارد. پایین‌تر از پاکستان، هند و عربستان، و در کنار کشورهایی چون عراق، جیبوتی، مصر، نیجر، الجزیره، کوزوو و سومالی!

در حالی که پیش از انقلاب ۵۷ نرخ مشارکت اقتصادی زنان روندی رو به رشد داشت اما در سال ۱۳۶۰ میزان مشارکت زنان نسبت به مردان کاهش چشمگیری یافت و در سال ۱۳۷۵ به ۱۲/۱ درصد رسید. در زمستان ۱۴۰۲ نیز مشارکت اقتصادی جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر و اشتغال جمعیت به صورت میانگین در مردان پنج برابر زنان بود. در این فصل مشارکت اقتصادی در مردان ۰/۶۸ و در زنان ۱۳/۸ و اشتغال جمعیت در زنان ۱۱/۶ و در مردان ۶۳/۱ اعلام شد. این در حالیست که ایران در میان ۱۴۶ کشور جهان در زمینه «بیشرفت تحصیلی زنان» در رتبه ۱۱۲ قرار دارد. مقایسه آمار اشتغال زنان و جمعیت تحصیلکرده در ایران نشان می‌دهد جمهوری اسلامی هیچ برنامه مشخصی برای استفاده از

پرویز براتی معتقد است که «روی آوردن به دستفروشی دلایل بسیاری دارد اما زنان میانسالی که تنها خانه‌داری و فرزندداری را به‌خوبی یاد گرفته‌اند و فرصت آموزش و تحصیل نداشته‌اند حالا که مجبورند به معیشت خانواده کمک کنند، کار دیگری جز دستفروشی پیدا نمی‌کنند.»

او همچنین سیاست‌های جمهوری اسلامی برای افزایش جمعیت و فرزندآوری را مورد اشاره قرار داد و گفت: «از طرفی قانون جوانی جمعیت تصویب می‌کنیم و از طرف دیگر می‌بینیم که به دلیل شرایط حاکم بر جامعه، هر روز شمار زیادی از جوانان که پتانسیل فرزندآوری دارند از کشور مهاجرت می‌کنند. وقتی دختران جوان برای تامین مخارج دانشگاه خود مجبورند در مترو دستفروشی کنند، وقتی زنان برای کمک به معیشت خانواده مجبورند پابه‌پای همسر خود در خارج از خانه کار کنند، رسیدن به رویای جوانی جمعیت با تصویب قانون و صدور ابلاغیه رویایی دست‌نیافتنی به نظر می‌رسد.»

زنان همچنین در بسیاری از رشته‌های شغلی در دریافت دستمزد نیز دچار تبعیض جنسیتی هستند. بارها گزارش شده که کارفرمایان دستمزدی کمتر از مردان می‌دهند و یا مزایایی چون حق اولاد و حق مسکن را به دلیل اینکه زن را «سرپرست خانوار» نمی‌دانند، از دستمزدها آنها کسر می‌کنند. فعالان کارگری همچنین گزارش می‌دهند کارگران زن بعد از بازنشستگی، مشمول برخی مزایای مزدی نمی‌شوند این در حالیست که در زمان اشتغال مانند مردان کارگر حق بیمه به صندوق تامین اجتماعی می‌پردازند. در همین رابطه کانال تلگرامی «اتحاد بازنشستگان» به نقل از یک بازنشسته زن که در یک شرکت تولیدی زنجان کار می‌کرده نوشته «زمانی که ما خانم‌ها شاغل بودیم تفاوتی با آقایان در زمینه‌ی کسورات بیمه نداشتیم چرا الان ما زنان بازنشسته نباید مزایایی مثل عائله مندی و حق اولاد داشته باشیم؟ چرا این مزایای مزدی که حق مسلم ماست، از ما دریغ می‌شود؟» او در ادامه نوشته «سوال این است که آیا از ما کمتر از مردان حق بیمه کسر می‌شد؟ مگر در پرداخت حق بیمه و مالیات با آقایان برابر نبودیم؟»

زنان دانش‌آموخته و متخصص ندارد. علی‌خامنه‌ای بارها در سخنرانی‌های مختلف اعلام کرده که از دیدگاه اسلام وظیفه اصلی زنان خانه‌داری و البته فرزندآوری است. او این نگاه را در برنامه افزایش جمعیت نیز تزیق و به عنوان یک سیاست کلی از سوی نهادهای قانونگذار و اجرایی تزیق کرده است.

همین رویکرد سبب شده نرخ مشارکت اقتصادی زنان به شدت کاهش پیدا کرده و جمعیت زنان تحصیلکرده جویای کار نیز بیش از دو برابر از مردان تحصیلکرده جویای کار باشد. آمارها نشان می‌دهد حدود ۶۰ درصد زنان تحصیلکرده ایرانی بیکار هستند و بخش زیادی از آنها به دلیل ناامیدی در یافتن شغل مناسب، به جمعیت غیرفعال اقتصادی پیوسته و خانه‌نشین شده‌اند. نابرابری جنسیتی در بازار کار سبب شده جمعیت زنانی که به مشاغل کاذب مانند زباله‌گردی و دستفروشی مشغول هستند افزایش یابد. وبسایت «تجارت نیوز» هفته گذشته در گزارشی به افزایش دستفروشی از سوی زنان پرداخت و نوشت زمانی مردم فقط به دیدن مردان دستفروش با سن و سال بالا که سیگار و چسب و فندک می‌فروختند عادت داشتند اما حالا دختران جوان هم به جرگه دستفروشان پیوسته‌اند. از فروش کتاب در پمپ بنزین گرفته تا دستفروشی در کنار خیابان و مترو. پرویز براتی، جامعه‌شناس، درباره افزایش شمار زنان دستفروش به «تجارت نیوز» گفت: «قطعاً یکی از مهم‌ترین عوامل روی آوردن زنان به دستفروشی مشکلات معیشتی و اقتصادی است. این مسئله حتی بعد از همه‌گیری کرونا بسیار بیشتر شد و در مطالعات آماری که از سوی دانشجویان جامعه‌شناسی انجام گرفت مشخص شد میزان زنان دستفروش بعد از همه‌گیری کرونا به دلیل مشکلات معیشتی تقریباً بیش از دو برابر افزایش پیدا کرده است.»

این جامعه‌شناس افزود که «دستفروشی جزو مشاغل کاذب به شمار می‌رود اما وقتی جامعه‌ای با این شدت از تورم و فقر دست به گریبان است نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم مردم معیشت خود را به خاطر قوانین تعطیل کنند. هرچه باشد به قول بسیاری از دستفروش‌ها این کار بهتر از بالا رفتن از دیوار مردم است.»

# برگزاری دادگاه آتش‌سوزی در زندان اوین

## ۴۴ متهم بدون داشتن وقت دفاع محاکمه شدند

پیام سلمانزاده برادر رضا سلمانزاده از جانب‌اختگان اعتراضات آبان ۹۸ که پدرش رضا سلمانزاده فعال مشروطه‌خواه زندانی از جمله متهمان این پرونده است با انتشار یک ویدئو اعلام کرد که دادگاه روز گذشته برای محاکمه ۴۴ متهم پرونده ناعادلانه بوده است. پیام سلمانزاده نیز توضیح داده که به وکلا اجازه دفاع از متهمان داده نشد و به متهمان نیز حتی یک دقیقه فرصت نرسید که از خودشان دفاع کنند. وی از ملت ایران خواسته تا صدای این زندانیان باشند.

سازمان حقوق بشر ایران پیشتر اعلام کرده بود که قرار است جلسه دوم دادگاه این پرونده چهارشنبه ۳۰ خرداد ۱۴۰۳ برگزار شود. پیام سلمانزاده اما تأکید کرده که در نهایت در جلسه روز گذشته اعلام شده جلسه دیگری برای رسیدگی به این پرونده برگزار نخواهد شد. سازمان حقوق بشر ایران به نقل از یک منبع آگاه گزارش داده، نماینده دادستان قصد داشت که زندانیان را در جریان آتش‌سوزی مقصر جلوه بدهد و خانواده‌های جانب‌اختگان را به جان زندانیان بیندازد. ۴ متهم ردیف اول اتهامات را رد کرده و اعلام کردند که با شکنجه از آنها اعترافات اجباری گرفته شده است.

بر اساس این گزارش اعضای خانواده یکی از کشته‌شدگان در این آتش‌سوزی گفته «فرزند من با ۳ گلوله کشته شد. مگر زندانیان سلاح داشتند که فرزند مرا بکشند؟»

یکی دیگر از اعضای خانواده کشته‌شدگان نیز گفته «به ما گفتند که بچه‌تان خفه شده ولی هیچوقت به ما اجازه ندادند که پیکر پسرمان را ببینیم و بدون حضور ما او را دفن کردند.» شامگاه شنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۱ و در اوج اعتراضات جنبش ملی که یک ماه پیشتر در پی قتل حکومتی مهسا امینی آغاز شده بود، زندان اوین دچار آتش‌سوزی شد.

همزمان با شعله‌های زبانه کشیده از زندان، صدای تیراندازی و انفجارهای پی در پی به گوش رسید و برخلاف ادعای مسئولان مبنی بر کنترل آتش‌سوزی و درگیری، صدای تیراندازی تا ساعت‌ها ادامه داشت. در پی آتش‌سوزی زندان اوین شماری از زندانیان مجروح و کشته شدند.

گزارش‌ها حاکی از آن است که گارد ویژه زندان اوین به قصد تحریک زندانیان سیاسی و ایجاد درگیری با آنها به بند ۴ هجوم برده و «حیدر حیدر» گویان آنها را تهدید کرده بود. زندانیان سیاسی هم در پاسخ شعارهایی مثل «می‌کشم می‌کشم، هر آنکه خواهرم کشت» و «اوین شده دانشگاه، تهران شده بازداشتگاه» سر دادند و سرود خواندند. ساعاتی پس از این آتش‌سوزی «اتحادیه آزاد کارگران ایران» گزارش داده بود که حدود ساعت ۹ امشب شنبه ۲۳ مهرماه ۱۴۰۱، زندانیان محبوس در بند ۷ زندان اوین دست به اعتراض و شورش زدند. متعاقب این اتفاق صدای تیراندازی شدید کل فضا را در برگرفت و تلفن‌های زندان بطور کامل قطع شد.

همزمان خبرگزاری «هرانا» به نقل از یک منبع مطلع نوشته که «فضای زندان اوین امنیتی شده و امروز نیز گارد ویژه به زندان اوین اعزام شده که برای تحریک مقابل زندانی‌ها حیدر حیدر می‌خوانده‌اند. همچنین جوّ زندان رجایی شهر کرج نیز امنیتی‌تر از قبل شده است.»

کانون نویسندگان ایران نیز با انتشار متنی در کانال تلگرامی این کانون، از انتقال ناگهانی چهار زندانی سیاسی از زندان اوین به زندان «رجایی شهر» کرج خبر داده بود.



نهادهای امنیتی را قاتلان فرزندان خویش شماره و اعلام کردند که هیچ شکایتی از متهمین نداشته و آنها را نیز قربانی این واقعه دانستند.

خبرگزاری «هرانا» افزوده «پدر یکی از جانب‌اختگان خطاب به قاضی اعلام کرد که فرزندش با اصابت ۳ گلوله کشته شده است و دلیل مرگ فرزندش را که خفگی ناشی از استنشاق دود توسط مسئولین اعلام شده بود را کذب محض برشمرده و دخالت متهمین در مرگ فرزند خود را قاطعانه رد کرد. سایر خانواده‌های جانب‌اختگان نیز اشاره کردند که مسئولین امنیتی و زندان اوین اجازه رویت جنازه فرزندانشان را به آنها نداده‌اند. این خانواده‌ها اعلام کردند که متهمین این پرونده بیگناه هستند و از آنها هیچگونه شکایتی ندارند.»

همچنین قاضی دادگاه در جریان این جلسه از پذیرفتن وکلای متهمین نیز خودداری کرده است. رامین صفرنیا وکیل مدافع میثم دهبان‌زاده، لقمان امین‌پور، مجید روشن‌نژاد و رضا سلمانزاده از متهمین این پرونده توسط قاضی از دادگاه اخراج شد. «هرانا» نوشته «این اقدام غیرقانونی قاضی با اعتراض این زندانیان همراه بود. ولی قاضی دادگاه بر اخراج وکیل متهمین از جلسه دادگاه اصرار ورزید و تنها به اخذ مکتوب دفاعیات از متهمین پرونده مبادرت کرد.»

مجید روشن‌نژاد، لقمان امین‌پور، میثم دهبان‌زاده، محمد حسین مرادی، سینا میرزایی، مسعود حسین‌زاده، رضا حاجی، محمد سبحان موذن‌زاده، ایوب امامی‌زاده، نیما محمدی، علیرضا اسلمی، حمیدرضا ناظر، امیرحسین یوسفوند، میثم مرادیان، احمدرضا کونانی، سبحان حیات‌پور، ساسان زمانی، رضا سلمان‌زاده، حسین بهزادی، محمد گراوند، سید محمدحسین موسوی، قاسم محمدی، عرفان ظریف، جلال نصرالهی، غلامحسین هاشمی سیاوشانی، مسعود پرچمی، حسن ملک‌شاهی، محمدعلی دلخواسته، سعید خداپور، سید میلاد ابوالوفایی، اشکان کافی، علیرضا والی، محمد خان میرزایی، کامران نادعلی، امید آستانه، علیرضا ناظری، رحمان علیپور، سید علی موسوی، مجید کریمی و علی صادقی شیرسوار از زندانیانی هستند که در این دادگاه به اتهام نقش داشتن در آتش‌سوزی زندان اوین محاکمه شدند.

● جلسه دادگاه در شعبه ۱۱۴۸ دادگاه کیفری دو تهران با حضور نماینده دادستان و نماینده سازمان زندان‌ها به عنوان شاکیان این پرونده و ۴۴ متهم برگزار شد.

● خانواده‌های کشته‌شدگان آتش‌سوزی در این دادگاه مسئولان زندان اوین و نهادهای امنیتی را قاتلان فرزندان خویش اعلام کرده و تأکید کردند هیچ شکایتی از زندانیانی که به عنوان متهم معرفی شده‌اند ندارند.

● اعضای خانواده یکی از کشته‌شدگان در این آتش‌سوزی گفته «فرزند من با ۳ گلوله کشته شد. مگر زندانیان سلاح داشتند که فرزند مرا بکشند؟»

● یکی دیگر از اعضای خانواده کشته‌شدگان نیز گفته «به ما گفتند که بچه‌تان خفه شده ولی هیچوقت به ما اجازه ندادند که پیکر پسرمان را ببینیم و بدون حضور ما او را دفن کردند.»

دادگاه رسیدگی به اتهامات ۴۴ متهم در پرونده آتش‌سوزی زندان اوین و در حالی که متهمان و وکلای آنان وقت دفاع نیافتند برگزار شد. خانواده‌های کشته‌شدگان آتش‌سوزی در این دادگاه مسئولان زندان اوین و نهادهای امنیتی را قاتلان فرزندان خویش اعلام و تأکید کردند هیچ شکایتی از زندانیانی که به عنوان «متهم» از سوی دستگاه قضائی معرفی شده‌اند ندارند.

خبرگزاری هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، گزارش داده جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات چهل تن از متهمان پرونده آتش‌سوزی زندان اوین دیروز، سه‌شنبه ۲۹ خرداد ۱۴۰۳، برگزار شد.

جلسه در شعبه ۱۱۴۸ دادگاه کیفری دو تهران با حضور نماینده دادستان و نماینده سازمان زندان‌ها به عنوان شاکیان این پرونده و ۴۴ «متهم» برگزار شده است. اتهامات وارد شده به متهمان این پرونده «اخلال در نظم زندان، سرپیچی و تمرد از دستور مامورین و افساد فی الارض» اعلام شده است.

خبرگزاری «هرانا» به نقل از منابع آگاه گفته «در جریان این جلسه پس از قرائت کیفرخواست توسط نماینده دادستان و شرح واقعه آتش‌سوزی در زندان اوین، این افراد توسط نماینده دادستان و نماینده سازمان زندان‌ها به عنوان متهمان اصلی وقوع آتش‌سوزی در بندهای ۷ و ۸ زندان به «اخلال در نظم زندان، سرپیچی و تمرد از دستور مامورین و افساد فی الارض» متهم شدند.»

این گزارش افزوده «در جریان این آتش‌سوزی ۹ نفر از زندانیان جان باختند. در این دادگاه این متهمان به نقش داشتن در مرگ این افراد نیز متهم شدند. در دادگاه، قاضی فقط به ۴ نفر از متهمین اجازه دفاع از خود در برابر اتهامات وارده را داد که همه متهمین به اتفاق، تمامی اتهامات را بی‌اساس و اعترافات اجباری خود را ناشی از فشار و ارباب‌بازجویان در سلولهای انفرادی بند ۲۴۱ حفاظت قوه قضاییه و بند ۲۴۰ وزارت اطلاعات دانسته و آنها را فاقد اعتبار قلمداد کردند.»

یک منبع مطلع نزدیک به خانواده یکی از این زندانیان نیز به خبرگزاری «هرانا» گفته «خانواده‌های کشته‌شدگان آتش‌سوزی در زندان اوین نیز با رد ادعاهای دادستان و نماینده سازمان زندان‌ها مبنی بر نقش داشتن زندانیان و متهمان در مرگ فرزندانشان، مسئولین زندان اوین و

## هشدار معاون وزیر صمت درباره تشدید محدودیت برق اختلال در فعالیت صنایع فولاد و سیمان



اما با قطع و جیره‌بندی برق صنعتی و ادارات، در تلاش است برق بخش خانگی دچار قطع طولانی مدت نشود تا از اعتراض احتمالی شهروندان جلوگیری کند.

روز شنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۳ برق ۱۶ دستگاه اجرایی پرمصرف ملی و استانی شامل چند ساختمان بانک عامل کشور توسط شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ، قطع شد. وزارت نیرو در پی قطع برق ۱۶ دستگاه اجرایی در تهران تأکید کرده «مصرف برق تمامی ادارات و دستگاه‌های اجرایی شهر تهران از طریق کنتور و سامانه‌های هوشمند به صورت لحظه‌ای از راه دور در حال رصد است و در صورت عدم رعایت مصوبه ابلاغی، برق ادارات پرمصرف به منظور حفظ پایداری شبکه توزیع برق و تامین آسایش هموطنان، بدون اغماض قطع خواهد شد».

همچنین بر اساس ابلاغ استانداری تهران، تمامی ادارات، موظف به رعایت ساعات کاری ابلاغ شده با هدف کاهش مصرف برق بخش اداری و همچنین خاموش کردن سامانه‌های سرمایشی، از ساعت ۱۲ ظهر هستند.

در آنسو تعرفه هزینه برق نیز برای بخش خانگی افزایش یافته و سخنگوی صنعت برق از صدور قبوض میلیونی برای مشترکان پرمصرف از جمله خانوارهایی که از کولر گازی استفاده کنند خبر داده است.

مصطفی رحبی مشهدی سخنگوی صنعت برق مردم را تهدید کرده که «در این شرایط مشترکان پرمصرف و فوق پرمصرف باید مراقب قبوض نجومی ناشی از مصرف بی‌محابای برق باشند، چرا که در صورت رعایت نکردن الگوی مصرف در تابستان قبض‌های میلیونی دریافت خواهند کرد». مصطفی رحبی مشهدی گفته مشتریانی که از یک کولر گازی استفاده می‌کنند باید منتظر قبضی در حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان باشند و اگر از دو کولر گازی استفاده کنند، قبض برق به میزان ۲ میلیون تومان می‌رسد.

این در حالیست که در استان‌های جنوبی ایران به دلیل گرمای هوا از اواخر فروردین شهروندان ناچار هستند از کولر استفاده کنند و به دلیل رطوبت بالای هوا، امکان استفاده از کولر آبی را ندارند و از کولر گازی استفاده می‌کنند.

وزارت نیرو گفته «علی‌اکبر محرابیان به عنوان وزیر نیرو و همچنین معاونینی که او برای خود مشخص کرد بدون اینکه آشنایی با وزارت نیرو داشته باشند در رأس امور قرار گرفتند که شاید بتوان گفت عمده مشکلات نیز از همین جا شروع شد».

این کارشناس انرژی و برق تأکید کرده که «واقعیت این است که قطعی برق در صنایع فولاد بدون اطلاع قبلی صورت می‌گیرد؛ در صورتی که این قطعی برق از پیش اعلام می‌شد باز هم کمی شرایط متفاوت بود چرا که در آن صورت می‌توانستند دستگاه‌هایی که ممکن است از این قطعی آسیب ببینند را خاموش کنند، اما اینکه قطعی برق بدون اطلاع صورت می‌گیرد منجر به آسیب‌رسانی به دستگاه‌ها می‌شود که این اقدام منجر به خسارت‌های چندین میلیاردی به صنایع فولاد شده است».

همچنان عباس هادی‌زاده مدیر عامل سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران گفته بود برق اکثر شهرک‌های صنعتی جیره‌بندی شده است و «قرار است برق در شهرک صنعتی خاوران با ۹۵۰ واحد صنعتی هم هفته‌ای ۲۴ ساعت قطع شود و این شاهد مثال همان اصطلاح است که می‌گفت: گل بود به سبزه نیز آراسته شد».

این فعال صنعتی درباره پیامدهای قطع برق گفته بود «واحد صنعتی که باید بتواند در بازار رقابت کند؛ بتواند جنسش را بفروشد؛ آن را با کیفیت مناسب تولید کند و هزینه‌های بیمه و کارگر و قیمت‌های سرسام‌آور اجناس را پرداخت کند؛ مجبور می‌شود کم‌فروشی و کم‌سازی کرده و یا جنس تقلبی مصرف کند؛ درهرصورت واحدهای صنعتی باید منافع بپردازند و این طبیعی است و تمام این اتفاقات به‌گفته او به علت سوءمدیریت‌ها رخ می‌دهد».

عباس هادی‌زاده تأکید کرده بود که «متأسفانه مسیر مدیریت کلان کشور را به نحوی پیش می‌برند که ما حداقل به خواسته‌هایمان نمی‌رسیم و نمی‌دانیم صنوف دیگر چه می‌کنند؟ موتور برق می‌خرند؟ یا بیمه‌شان چه می‌کنند و واقعا مشکلات عدیده‌ای در مسیرمان است».

جمهوری اسلامی در حالی با کسری شدید برق روبروست

● در نامه معاون وزیر صمت به مسئول این وزارتخانه با عبارت «آنی - حائز اهمیت» آمده که «مقرر شد برق موردنیاز صنایع فولاد از اول خرداد تا ۳۱ شهریور ۲۴۰۰ تا ۳۸۰۰ مگاوات ساعت باشد در حالی که صنایع فولادی به ۵۵۰۰ مگاوات ساعت برق در هر ماه نیاز دارند».

● یک کارشناس انرژی و برق تأکید کرده «واقعیت این است که قطعی برق در صنایع فولاد بدون اطلاع قبلی صورت می‌گیرد».

معاون وزیر صمت در نامه‌ای به وزیر صمت نسبت به تشدید محدودیت بر برق صنایع هشدار داده و پیش‌بینی کرده در تابستان امسال فشار بر صنایع فولاد و سیمان افزایش خواهد یافت.

رضا محتشمی‌پور معاون معدنی وزیر صمت در نامه‌ای خطاب به عباس علی‌آبادی وزیر صمت تأکید کرده «توان اسمی برق کشور به ۹۰ هزار مگاوات ساعت رسیده و در حالی که هنوز به ماه‌های گرم سال نزدیک نشده‌ایم پیک مصرف برق به ۷۰ هزار مگاوات رسیده است».

در این نامه که در ابتدای آن عبارت «آنی - حائز اهمیت» نوشته شده آمده که «مطابق با سال‌های گذشته این معاونت شروع به برنامه‌ریزی و همکاری با وزارت نیرو برای اعمال محدودیت برق صنایع کرده و مقرر شد برق موردنیاز صنایع فولاد از اول خرداد تا ۳۱ شهریور ۲۴۰۰ تا ۳۸۰۰ مگاوات ساعت باشد در حالی که صنایع فولادی به ۵۵۰۰ مگاوات ساعت برق در هر ماه نیاز دارند».

به گفته محتشمی‌پور، برق مورد نیاز صنعت سیمان نیز برای مدت زمان یادشده ۵۰۰ تا ۶۵۰ مگاوات ساعت در نظر گرفته شده در حالی که این صنعت به ۱۰۰۰ مگاوات ساعت برق در ماه نیاز دارند.

معاون وزیر صمت در ادامه این نامه نوشته «با وجود اینکه هنوز گرمای هوا به اوج نرسیده است، محدودیت‌ها بیش از انتظار است و پیش‌بینی این معاون این است که در سال ۱۴۰۳ اعمال محدودیت بر برق صنایع کشور بسیار تشدید خواهد شد، همچنین پیش‌بینی می‌شود در ماه‌های تیر و مرداد فعالیت صنایع زنجیره فولاد و سیمان با اختلال بسیار زیادی همراه شود و عملاً منجر به کاهش تولید و افزایش قیمت‌ها در بازار شود».

در این نامه همچنین آمده که «وجود ناترازی‌های فعلی به نظر می‌رسد شرکت مدیریت برق منطقه‌ای امکان تامین برق برای شیفت شب را نیز به طور کامل در ماه‌های تیر و مرداد نداشته و محدودیت‌های بسیار بیشتری بر صنایع اعمال شود». روزنامه «آرمان ملی» نیز هفته‌گزارشی در گزارشی به کمبود برق در واحدهای تولیدی و صنعتی اشاره کرده و نوشته «در بحبوحه مشکلات اقتصادی، مالیات، مشکلات بیمه، قیمت مواد اولیه و کمبود آن، مشکل واردات و کمرگ و غیره این قطعی برق هم قوز بالا قوز شده و به تدریج باید به فکر تعطیلی واحدهای صنعتی خود باشند».

مهدی دولت تحلیلگر و فعال اقتصادی گفته «قطعی برق صنایع هشدار بر گزارشات بورسی فصل بعدی این شرکت‌ها خواهد بود و با فرا رسیدن فصل پاییز اثر این گزارش‌ها دیده خواهد شد».

محمدحسین دیده‌بان کارشناس حوزه انرژی و برق نیز روز شنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۳ در گفتگو با نبض بازار درباره عملکرد

# گزارش اتاق بازرگانی ایران و اتاق تهران درباره سیاست خارجی جمهوری اسلامی: رویا فروشی بس است!

نویسندگان گزارش تأکید کرده‌اند که سیاست خارجی متوازن، پویا و دستاورد محور از طریق طراحی و اجرای یک دیپلماسی اقتصادی هدفمند، سیاست‌های اقتصادی پنج‌گانه را تقویت می‌کند. هدف این دیپلماسی اقتصادی، تحریم‌زدایی و تنیدگی در زنجیره‌های جهانی ارزش است. تولید رقابت‌پذیر تنها در متن و بطن اقتصاد جهانی امکان‌پذیر است.

آنها همچنین با اشاره به «تحریم»‌ها به عنوان مهم‌ترین چالش دیپلماسی اقتصادی ایران نوشته‌اند که به دلیل تحریم‌ها زمینه‌های ساختاری لازم برای تعامل ایران با اقتصاد جهانی به شدت آسیب دیده است. دسترسی به زیرساخت‌های مالی بیمه‌ای، سرمایه‌گذاری و داده‌های لازم برای تعامل اقتصاد داخلی با اقتصاد جهانی تقریباً قطع شده است. از همین‌روست که تعاملات اقتصادی در سطح کلان عمدتاً با کشورهای محدودی در قالب‌های خاصی صورت می‌گیرد و به ویژه در بخش خصوصی به تهاتر و تعامل مالی با تکیه بر صرافی‌ها محدود شده است. روشن است که یک اقتصاد بزرگ در مقیاس ایران را نمی‌توان با تکیه بر تهاتر، صرافی و رویا فروشی اداره کرد و به پیش برد.

این گزارش توضیح داده که بدون لغو یا تعلیق تحریم‌ها، امکان ارتباط نرمال با اقتصاد جهانی وجود نخواهد داشت و بدون ارتباط نرمال با اقتصاد جهانی، تولید رقابت‌پذیر در حد رویا باقی خواهد ماند. تولید رقابت‌پذیر در صنایع کنونی اقتصاد کشور به ویژه صنعت نفت و خودرو به شدت به زیرساخت‌های بین‌المللی وابسته است. بدون احیای دسترسی به این زیرساخت‌ها، اساساً پارادایم اقتصادی کشور در حد حفظ بقای اقتصادی باقی خواهد ماند.

روزنامه «جهان صنعت» نیز در یادداشتی در مقدمه این گزارش نوشته «حقیقت این است که مقوله سیاست خارجی ایران در این سال‌ها روندی عجیب را تجربه کرده و با وابسته شدن اقتصاد ایران به حزب کمونیست چین شعار اصلی انقلاب اسلامی یعنی «استقلال» مخدوش شده است. حالا همه می‌دانند اگر روزی چین خرید نفت ایران را متوقف کند، ددرسهای شهروندان و بنگاه‌ها غیرقابل تحمل خواهد شد.» این توضیحات در حالی از سوی اتاق بازرگانی ایران و اتاق تهران خطاب به نامزدهای چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ارائه شده که مواضع هر شش نامزد در حوزه اقتصاد نشان می‌دهد آنها حتی به راهکارهای حل مشکلات اقتصادی فکر نکرده‌اند و اساساً از درک مشکلات زیرساختی و بحران‌های اصلی اقتصاد کشور نیز ناتوان بوده‌اند. سابقه دهه‌های گذشته نشان می‌دهد چه در دولت‌های اصلاح‌طلب و چه در دولت‌های اصولگرای جمهوری اسلامی، موارد حیاتی مانند جذب سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد اقتصاد و توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و کاهش وابستگی اقتصاد به درآمدهای نفتی اساساً جایی نداشته است.

هر یک از این دولت‌ها هر زمان توانسته‌اند خامفروشی نفت کنند، پس از پر کردن جیب «خودی»‌ها و هزینه کردن برای اهداف ایدئولوژیک حکومت، با پولپاشی به بخش‌های مختلف اقتصاد، یک تنفس کوتاه‌مدت ایجاد کرده و با بروز کوچکترین بحران یا اختلالی در خامفروشی نفت هزاران مشکل انباشه در اقتصاد خود را نشان داده و معیشت مردم در بن‌بست گرفتار شده است.



دو نهاد اصلی بخش خصوصی اقتصاد ایران در گزارش مشترک خود تأکید کردند که «با تداوم وضع موجود و مداخلات گسترده دولت در بازارهای مختلف، سیگنال‌دهی قیمت‌ها به عنوان مهم‌ترین شاخص جهت دهنده به فعالیت‌های اقتصادی به درستی کار نخواهد کرد و امکان بهبود قابل توجه فعالیت‌های اقتصادی وجود دارد از سوی دیگر با توجه به دشواری صادرات، تقاضای تولید هم کاسته شده بنابراین رشد اقتصادی متاثر خواهد شد.»

این گزارش افزوده افزایش مالیات نیز با توجه به آثار انگیزشی منفی بر آحاد اقتصادی زمینه کاهش رشد اقتصادی را فراهم کرده و همزمان کاهش مخارج دولت از طریق کاهش تقاضای کل در اقتصاد نیز اثر مشابهی بر تولید و رشد خواهد داشت بنابراین دستیابی به رشد اقتصادی بالا و تداوم آن در گرو انجام اصلاحات اساسی در حوزه‌های پولی، ارزی مالی و تجاری و انرژی است که انجام آنها نیازمند سرمایه اجتماعی دولت و همراهی مردم است. گزارش مشترک اتاق بازرگانی و اتاق تهران تأکید کرده که «روشن است که یک اقتصاد بزرگ در مقیاس ایران را نمی‌توان با تکیه بر تهاتر، صرافی و رویا فروشی اداره کرد و به پیش برد.»

در این گزارش سیاست خارجی جمهوری اسلامی مورد نقد قرار گرفته و تأکید شده که تحقق اهداف سیاست اقتصادی فوق مستلزم داشتن سیاست خارجی است که با درکی عقلایی و کنشی هوشمندانه رابطه هم‌افزای رفاه در داخل- صلح در خارج را سرلوحه اقدامات خود قرار دهد و با پیگیری رهیافت ثبات و صلح به خصوص در سطح منطقه‌ای زمینه‌ساز کامیابی سیاست‌های پنج‌گانه یادشده گردد.

در ادامه آمده که درک عقلایی از روابط بین‌الملل کنونی، جهانی بسیار متحول و سیال را پیش روی ما ترسیم می‌کند که از دوران اتحادیه‌های داغی و پیوستن نامتوازن به یک بلوک ثروت- قدرت جهانی فاصله گرفته و به شراکت‌های چندگانه و منعطف با حداکثر بلوک‌های ثروت- قدرت نزدیک می‌شود تا منافع ملی کشور را در این عرصه پیچیده و پرتلاطم تأمین کند.

● گزارش مشترک اتاق بازرگانی و اتاق تهران تأکید کرده روشن است که یک اقتصاد بزرگ در مقیاس ایران را نمی‌توان با تکیه بر تهاتر، صرافی و رویا فروشی اداره کرد و به پیش برد.

● در تمامی دولت‌های گذشته سیاست‌گذاری بلندمدت و کلان اقتصادی به منظور تغییرات ساختاری در اقتصاد ایران با ناکامی مواجه بوده است و آنچه فضای غالب سیاست‌گذاری را قبضه کرده، سیاست‌گذاری‌های مناسبی و اقتضایی بوده است.

● درک عقلایی از روابط بین‌الملل کنونی، جهانی بسیار متحول و سیال را پیش روی ما ترسیم می‌کند که از دوران اتحادیه‌های داغی و پیوستن نامتوازن به یک بلوک ثروت- قدرت جهانی فاصله گرفته و به شراکت‌های چندگانه و منعطف با حداکثر بلوک‌های ثروت- قدرت نزدیک می‌شود تا منافع ملی کشور را در این عرصه پیچیده و پرتلاطم تأمین کند.

اتاق بازرگانی ایران و اتاق تهران در گزارشی مشترک با عنوان «آینده اقتصاد، تولید و بخش خصوصی؛ بینش‌های رییس‌جمهور آینده و پیشنهادها» سیاست خارجی جمهوری اسلامی را زیر سوال برده و تأکید کرده رویا فروشی در حوزه سیاست خارجی دیگر پاسخگو نیست.

در این گزارش «فقدان سند استراتژی، توسعه صنعتی و ناتوانی در شناسایی و حمایت از صنایع پیشران»، «تنگناهای ساختاری بخش تولید»، «تداوم تحریم‌ها، بی‌ثباتی سیاسی، نوسانات سیاست‌های ارزی»، «ساختار بودجه‌ای وابسته به منابع نفت و گاز»، «سیاست‌های تجاری ناکارآمد» و «ناکارآمدی سیاست خارجی» از جمله مهم‌ترین چالش‌های اقتصاد ایران معرفی شده است.

این گزارش تأکید کرده در تمامی دولت‌های گذشته سیاست‌گذاری بلندمدت و کلان اقتصادی به منظور تغییرات ساختاری در اقتصاد ایران با ناکامی مواجه بوده است و آنچه فضای غالب سیاست‌گذاری را قبضه کرده، سیاست‌گذاری‌های مناسبی و اقتضایی بوده است.

بخش دیگری از این گزارش به ناکامی دولت‌های جمهوری اسلامی در مدیریت تورم اقتصاد پرداخته و نوشته از نظر بخش خصوصی عدم شناسایی کانون اصلی تورم در سال گذشته باعث قفل‌شدگی فعالیت بنگاه‌ها و دست‌درازی دولت و شرکت‌های دولتی به منابع بانکی شد.

همچنین آمده که بر اساس گزارشات شاخص مدیران خرید (شامخ) تورمی که در حال حاضر کشور درگیر آن است تورم ناشی از فشار هزینه‌ها است که در اثر نوسانات و جهش‌های ارزی سال‌های اخیر به بخش تولید تحمیل شده و متعاقباً اثر خود را در تورم مصرف‌کننده گذاشته است. همچنین طبق مطالعات داخلی و خارجی صورت گرفته در خصوص اقتصاد ایران، کانون اصلی تورم در کشور از ناحیه نرخ ارز است که هزینه‌های تولید را افزایش داده و سازوکار خلق نقدینگی را فعال کرده است.

آنها افزوده‌اند که دولت‌ها طی دهه‌های گذشته برنامه مشخصی برای توسعه اقتصادی کشور نداشتند بنابراین ارتباط معناداری بین بخش‌های کشاورزی صنعت و خدمات در کشورمان وجود ندارد و حتی در مقیاس داخلی زنجیره‌های ارزش شکل نگرفته‌اند.

## شاخص فلاکت به تفکیک استانی در سال ۱۴۰۲؛ استان یزد در صدر جدول فلاکت!



افزایش مالیات‌ها (به عنوان مثال افزایش ۱۱ درصدی مالیات ارزش‌افزوده از ۹ درصد به ۱۰ درصد) عملاً موجب کاهش مصرف خصوصی شده و می‌تواند باعث تشدید رکود اقتصادی شود. کاهش تقاضای موثر، بخش تولید و صاحبان صنایع را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد و می‌تواند به رکود بیش از پیش واحدهای تولیدی بینجامد. افزایش نامتناسب دستمزدهای پولی با نرخ تورم، به‌ظاهر سیاستی برای حمایت از کارفرمایان تصور می‌شود؛ اما در عمل سیاستی ضد تولید است.

«کیهان لندن» در گزارشی با اشاره به بودجه هنگفتی که هر ساله به اسم «محرومیت‌زدایی» به نهادهای حکومتی می‌رسد نوشته در عمل این پولپاشی‌ها هیچ دستاوردی برای محرومان نداشته است.

پایگاه «داده‌های باز ایران» با انتشار گزارشی نوشته دست‌کم ۱۷ هزار میلیارد تومان از منابع مالی کشور در سال ۱۴۰۳ به نام «محرومیت‌زدایی» و فعالیت اقتصادی در «مناطق محروم»، در اختیار نهادهای نظامی- اقتصادی زیر نظر رهبر جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد.

تحقیقات پایگاه داده‌های باز ایران نشان می‌دهد در میان جدول‌ها و متی بودجه سال ۱۴۰۳، منابع مالی متنوعی برای این کار در نظر گرفته شده است: از تشکیل قرارگاه‌های «محرومیت‌زدایی» در سپاه و ارتش و کمک ۲/۵۰۰ میلیارد تومانی به گروه‌های جهادی برای فعالیت در «مناطق محروم»، تا تحویل رایگان ۲ هزار میلیارد تومان از اموال ملیکی دولت به «بسیج سازندگی»؛ اما این اقدام به بسیج و گروه‌های جهادی و قرارگاه‌ها محدود نمی‌شود.

در بودجه امسال، برای بنگاه‌های اقتصادی زیر نظر رهبر جمهوری اسلامی، مانند «ستاد اجرایی فرمان امام»، «بنیاد علوی» و «بنیاد شهید» نیز سهمی جداگانه با عنوان «حمایت از اشتغال با اولویت مناطق محروم» در نظر گرفته شده که مجموع آن به حدود ۱۷ هزار میلیارد تومان می‌رسد.

همچنین جمهوری اسلامی در سال‌های گذشته به بهانه «محرومیت‌زدایی» بخشی از نیروهای بسیجی و طلاب رانیز به‌در مناطق مختلف روستایی و استان‌های محروم جامایی کرده و این گروه‌ها حتی بخشی از وظایف محوری دولت از جمله در زمینه انجام پروژه‌های عمرانی و یا آموزش در مدارس را بر عهده دارند.

شده است. بخش گسترده‌ای از حقوق‌بگیران نیز با وجود اشتغال، اما به دلیل درآمدهای ناچیز، زیر خط فقر قرار داشته و در فلاکت بسر می‌برند.

رحیم تقی‌زاده پژوهشگر اقتصادی و استاد دانشگاه در یادداشتی در روزنامه «دنیای اقتصاد» نوشته بر اساس گزارش بانک جهانی (دسامبر ۲۰۲۳) نزدیک به ۳۰ درصد از جامعه ایران زیر خط فقر و ۴۰ درصد نیز در معرض فقیر شدن قرار دارد. سرکوب دستمزد نیروی کار و متعاقب آن مستمری بازنشستگان باعث گسترش شاغلان فقیر در ایران می‌شود. طبقه متوسطی که عمده دارایی و منشأ خلق ارزش آنها نیروی کارشان است، در شرایط تورمی حاکم، روزه‌روز قدرت خرید خود را از دست می‌دهند و به سمت فقر سوق پیدا می‌کنند. براساس گزارش مرکز آمار، ۸۹ درصد از کل جمعیت فقیر ایران، شاغلان سابق و لاحق هستند. این عدد برای جامعه در حال توسعه شوک‌آور است؛ زیرا نشان می‌دهد که اشتغال در حال از دست دادن ماهیت فقرزدایی است و افراد شاغل به‌رغم مشارکت در بازار کار نمی‌توانند معیشت و زندگی خود را تامین کنند.

در این یادداشت آمده که «سرکوب دستمزدها و کاهش مزد حقیقی در میان‌مدت باعث کاهش بهره‌وری نیروی کار می‌شود و عملاً اهداف پیش‌بینی‌شده در برنامه‌های توسعه و سیاست‌های کلان معطوف به رشد اقتصادی ناشی از رشد بهره‌وری را با مشکل مواجه می‌کند (سهم ۳۵ درصدی بهره‌وری در تامین رشد اقتصادی ۸ درصدی). در شرایط کاهش مزد حقیقی، نیروی کار بطور طبیعی و به لحاظ روانی، شکاف بین مزد و تورم را حس کرده و به جای تلاش برای افزایش بهره‌وری، به‌عنوان واکنشی اعتراضی، به دنبال راهی برای کاهش بهره‌وری خواهد بود. از سوی دیگر کارکرد مزد علاوه بر تامین معیشت، منبعی برای سرمایه‌گذاری نیروی انسانی و تامین آموزش است. نیروی کار اگر در معیشت خود گرفتار باشد، چگونه می‌تواند بخشی از مزد خود را در زمینه بهبود مهارت‌ها و آموزش‌های خود صرف کند و بهره‌وری و نهایتاً رشد اقتصادی محقق شود؟»

این یادداشت افزوده «کاهش قدرت خرید حقوق‌بگیران ناشی از شکاف بین دستمزد اسمی و تورم و از سوی دیگر

● دو سوم استان‌های ایران در زیر نمودار میانگین شاخص فلاکت کشوری دارند و تنها یک سوم استان‌ها وضعیتی بهتر از میانگین کشوری دارند.

● استان یزد بیشترین سطح شاخص فلاکت را در سال ۱۴۰۲ داشته است. شاخص فلاکت در این استان معادل ۵۷/۴ بوده که ۸/۶ واحد نسبت به میانگین کشوری بالاتر بوده است. ● کارشناسان معتقدند سیاست‌های ناکارآمد دولت از یکسو سبب افزایش تورم و از سوی دیگر باعث افزایش بیکاری شده است. بخش گسترده‌ای از حقوق‌بگیران نیز با وجود اشتغال، اما به دلیل درآمدهای ناچیز، زیر خط فقر قرار داشته و در فلاکت بسر می‌برند.

آمار شاخص فلاکت مربوط به سال ۱۴۰۲ نشان می‌دهد استان یزد در مرکز ایران بدترین وضعیت در زمینه شاخص فلاکت را دارد. این آمارها همچنین از شدت فلاکت در دو سوم استان‌های ایران حکایت دارند.

بررسی آمارهای شاخص فلاکت استانی در سال ۱۴۰۲ نشان می‌دهد استان یزد بیشترین سطح شاخص فلاکت و استان تهران کمترین سطح را داشته است.

شاخص فلاکت از افزودن نرخ بیکاری و تورم به دست آمده و یکی از شاخص‌های اقتصادی است که می‌تواند وضعیتی از حال و آینده جامعه از جمله افزایش ناهنجاری‌ها را به نمایش بگذارد. افزایش این شاخص نشان می‌دهد با افزایش بیکاری و تورم سطح رفاه در خانوارها کاهش پیدا کرده است.

وبسایت «اکوایران» در گزارشی وضعیت شاخص فلاکت در سال ۱۴۰۲ را با تفکیک استانی بررسی کرده است. این گزارش نشان می‌دهد بیشترین سطح شاخص فلاکت مربوط به استان یزد اختصاص داشته است. دو سوم استان‌های ایران در زیر نمودار میانگین شاخص فلاکت کشوری دارند و تنها یک سوم استان‌ها وضعیتی بهتر از میانگین کشوری دارند.

بررسی آمارهای شاخص فلاکت استانی در سال ۱۴۰۲ حاکی از آن است که شاخص فلاکت در کل کشور معادل ۴۸/۸ بوده است. این در حالیست که ۱۰ استان کشور وضعیتی بهتر از میانگین کشوری و ۲۱ استان وضعیت نامناسب‌تری داشته‌اند.

بهترین وضعیت شاخص فلاکت در سال ۱۴۰۲ مربوط به استان تهران بوده است. طبق آمارها شاخص فلاکت در استان تهران معادل ۴۳/۲ بوده که نسبت به میانگین کشوری ۵/۶ واحد کمتر بوده است. به بیانی می‌توان گفت استان تهران وضعیت مناسب‌تری در نرخ بیکاری و تورم سالانه نسبت به سایر استان‌های کشور داشته است.

در سمت دیگر استان یزد قرار گرفته است که بیشترین سطح شاخص فلاکت را در سال ۱۴۰۲ داشته است. شاخص فلاکت در این استان معادل ۵۷/۴ بوده که ۸/۶ واحد نسبت به میانگین کشوری بالاتر بوده است. به عبارتی در سال گذشته استان یزد نامناسب‌ترین وضعیت رفاهی و اجتماعی را برای خانوارهای خود داشته است بطوری که مجموع نرخ تورم سالانه و نرخ بیکاری این استان از سایر استان‌های کشور بیشتر بوده است. در این میان بررسی استان‌های بزرگ نیز از اهمیت بالایی برخوردار است برای مثال استان اصفهان با شاخص فلاکت ۵۵/۵ جایگاه ششم را در میان استان‌های کشور داشته است و یا استان البرز با شاخصی معادل ۵۱/۸ جایگاه هشتم در شاخص فلاکت استانی را را به خود اختصاص داده است.

کارشناسان معتقدند سیاست‌های ناکارآمد دولت از یکسو سبب افزایش تورم و از سوی دیگر باعث افزایش بیکاری

## سوء استفاده دولت از صنعت اتومبیل‌سازی برای جبران کسری بودجه



به شیوه اصولی بر «اهلیت‌سنجی» نیز تأکید کرده است. او نوشته «اهلیت‌سنجی» در واگذاری مدیریت به بخش خصوصی واقعی، می‌تواند به جلب اعتماد عمومی به فرآیند خصوصی‌سازی نیز کمک کند. وقتی مردم می‌دانند که شرکت‌های دولتی به خریداران واجد شرایط واگذار می‌شوند، احتمال حمایت بیشتر آن‌ها از خصوصی‌سازی وجود دارد و پشتوانه محکمی برای تداوم این مسیر مثبت برای اقتصاد کشور خواهد بود. اینهمه در حالیست که کارشناسان بازار اتومبیل معتقدند اساساً طرح‌های جمهوری اسلامی برای واردات اتومبیل پیش نخواهند رفت و اتومبیل‌هایی که در حال حاضر به ایران وارد می‌شوند نیز از دلان خریداری می‌شوند. امیر حسن کاکایی کارشناس صنعت اتومبیل در اینباره گفته که «خودروسازان معتبر دنیا با ما کار نمی‌کنند و کسانی که در حال حاضر خودرو وارد می‌کنند از واسطه‌ها می‌خرند و آن واسطه‌ها هم خیلی ضعیف هستند.»

به گفته امیر حسن کاکایی «خودرو چیزی نیست که الان سفارش بدهی و یک ماه بعد سر جالیز تحویل بگیری، زمان می‌برد، به خصوص این که در دنیا یک کمبود خودرو نسبت به تقاضا وجود دارد.»

این کارشناس گفته که «در سه سال گذشته وکلای مجلس بدون توجه به مسائل سیستمی تصمیم گرفتند و راه حل رفع مشکلات مربوط به خودرو را بازشدن مسیر واردات خودرو دیدند، اما چون از لحاظ سیستمی خیلی از مسائل حل نشده بود و شاید هم قابل حل نباشد، واردات خودرو در سال پیش اجرا نشد و امسال هم تا به این لحظه می‌گویند حدود ۴ هزار و خورده‌ای خودرو وارد کشور شده است.»

امیر حسن کاکایی تأکید کرده که «مشکل ما که واردات خودرو نیست، مشکل اساسی ما کمبود ارز است و از طرفی ساختارهای نامناسب صنعت خودرو است، مگر ساختار با واردات حل می‌شود، تا زمانی که سیاست‌گذاری‌ها درست نشود و مسئولین دست از سیاسی‌کاری و بازی از صنعت خودرو نکشند، مشکل حل نمی‌شود. برای نمونه شما ببینید مگر اخیراً که مونتاژکاران رنده کرده‌اند، وضعیت مردم بهتر شده است؟ این سبب شده فقط یک عده که پولدار هستند راحت خودرو بخرند، اما مشکل عامه مردم که حل نشده است.»

هزار دستگاه اتومبیل در این ماه وارد ایران شده است. بر این اساس تا اواخر سال گذشته تنها حدود ۱۰ هزار دستگاه اتومبیل به کشور وارد شده است. همچنین طی دو ماهه نخست سال ۱۴۰۳، تعداد سه هزار و ۱۰۰ اتومبیل به ارزش ۶۹ میلیون و ۴۰۰ هزار دلار وارد ایران شد. این ارقام نشان می‌دهد در نهایت دولت موفق به واردات حدود ۱۳ هزار اتومبیل به کشور شده است. در همین رابطه جعفر قادری نماینده شیراز در دوازدهم دوره مجلس شورای اسلامی گفته «به همه ثابت شده تا زمانی که مدیریت دست دولت باشد مشکلات حل نمی‌شود و خودروسازی روندی که باید دهه‌ها پیش در راستای رشد و توسعه طی می‌کرد را پشت سر نمی‌گذارد؛ ضمن اینکه وضعیت خودروسازی بدتر شده است و اقتصاد را نیز درگیر چالش‌های مختلفی می‌کند.»

جعفر قادری افزوده «با اینکه واردات خودرو می‌تواند محلی جهت کسب درآمد برای دولت باشد اما به دلیل محدودیت‌های ارزی این موضوع نیز چندان عملیاتی نشد. اگر واردات خودرو آزاد شود دولت می‌تواند درآمدی را از محل عوارض داشته باشد و از این راه بخشی از نیازهای مالی شرکت‌های دانش‌بنیانی را که در زمینه صنایع از جمله صنعت خودروسازی تحقیق و پژوهش می‌کنند، تأمین کند.» این نماینده مجلس تأکید کرده که «واردات باید آزاد شود تا دولت بتواند از شرکت‌های دانش‌بینان برای توسعه و افزایش دانش فنی حمایت و دستیابی آنها به تکنولوژی‌های روز را تسهیل کند؛ در غیر این صورت ما همچنان واردکننده قطعه باقی می‌مانیم و امید به ارتقای صنعت قطعه‌سازی هم‌تراز با رشد امروز دنیا نیست.»

صنعت اتومبیل‌سازی و بازار اتومبیل ایران در عمل در انحصار دو شرکت بزرگ «ایران خودرو» و «سایپا» قرار دارد که این دو شرکت هم‌اکنون در مجموع با زیان ۲۰۰ هزار میلیارد تومانی روبرو هستند. محمود رضوی کارشناس صنعت اتومبیل‌سازی در یادداشتی در روزنامه «هم‌میهن» مشکل صنایع بزرگ از جمله صنعت اتومبیل‌سازی را در شیوه «خصوصی‌سازی» دانسته است. او با برشمردن مزایایی چون «کارایی و سودآوری»، «مسئولیت‌پذیری»، «حفاظت از منافع عمومی»، «رقابت عادلانه» و «شفافیت» برای خصوصی‌سازی

عبدالله یزدان‌بخش عضو «کارگروه خودرو» کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی ایران: دولت از صنعت خودرو برای جبران کمبود بودجه استفاده می‌کند و در این صنعت با تمرکز بر این خط مشی سیاست‌گذاری و اعمال نفوذ می‌کند. دخالت دولت در صنعت اتومبیل‌سازی و سایه مافیاهای بزرگ حکومتی بر سر این صنعت سبب قفل شدن یکی از بزرگ‌ترین صنایع قرن گذشته ایران شده است.

یک عضو هیئت نمایندگان اتاق ایران گفته دولت از صنعت اتومبیل برای جبران کسری بودجه استفاده می‌کند و در این صنعت با تمرکز بر این خط مشی، سیاست‌گذاری و اعمال نفوذ می‌کند.

عبدالله یزدان‌بخش، عضو «کارگروه خودرو» کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی ایران به خبرنگاری «ایلنا» گفته «صنایع ایران در خودرو و غیر از آن باید به بخش خصوصی واگذار شود به ویژه که در کشور ما اشخاص توانمندی برای در اختیار گرفتن مدیریت شرکت‌های خودروساز وجود دارند.»

عبدالله یزدان‌بخش گفته «در همه دنیا مفاهیمی که بر مدیریت بخش خصوصی دلالت می‌کند معانی یکسانی دارد و مدیریت بخش خصوصی در یک بنگاه تمام ارکان آن را از قبیل، تولید، پخش، عرضه، بازاریابی، صادرات، قیمت‌گذاری و... دربرمی‌گیرد و همه این ارکان، زنجیره‌های مرتبط بهم هستند.» این فعال صنفی تأکید کرده که «انتصاب یک مدیر بخش خصوصی به ریاست شرکت‌های خودروساز کشور و بطور کلی بنگاه‌های فعال در همه صنایعی که در اختیار دولت هستند به معنای واگذاری مدیریت در تمام این ارکان به این مدیر است تا برای شرکت‌های خودروساز شرایطی بهتر از آنچه امروز برقرار است را رقم زند و برای این شرکت‌ها منشأ تحول باشد.»

او در بخش دیگری از این گفتگو از سیاست‌های دولت برای جبران کسری بودجه از صنعت اتومبیل‌سازی خبر داده و گفته «دولت از صنعت خودرو برای جبران کمبود بودجه استفاده می‌کند و در این صنعت با تمرکز بر این خط‌مشی سیاست‌گذاری و اعمال نفوذ می‌کند.»

دخالت دولت در صنعت اتومبیل‌سازی و سایه مافیاهای بزرگ حکومتی بر سر این صنعت سبب قفل شدن یکی از بزرگ‌ترین صنایع قرن گذشته ایران شده است. یکی از آخرین راهکارها برای برون‌رفت صنعت اتومبیل‌سازی، واردات اتومبیل از خارج بود که این طرح هم در عمل با شکست روبرو شده است.

وزارت صمت «آیین‌نامه واردات خودرو» را در شهریور ۱۴۰۱ ابلاغ کرد که بر اساس آن باید تا پایان سال ۱۴۰۱ صد هزار دستگاه و تا پایان بهار ۱۴۰۲ نیز صد هزار دستگاه دیگر اتومبیل به کشور وارد می‌شد. این در حالیست که آمارهای گمرک نشان می‌دهد از ابتدای بهمن سال ۱۴۰۱ و حدود پنج ماه پس از ابلاغ «آیین‌نامه واردات خودرو»، تا انتهای خرداد ۱۴۰۲ فقط ۲۴۶ دستگاه خودرو وارد کشور شد که ارزش آن ۵/۴ میلیون دلار بوده است. تعداد اتومبیل‌های وارد شده به کشور از ابتدا تا انتهای شهریور ۱۴۰۲ به دو هزار دستگاه اتومبیل و با ارزش ۳۶ میلیون دلار رسید.

در ماه‌های مهر و آبان، حدود هزار و ۵۰۰ دستگاه اتومبیل و در آذرماه ۹۰۰ دستگاه اتومبیل وارد کشور شد. روند واردات در دی‌ماه با کاهش روبرو شد و در این ماه ۶۱۱ دستگاه اتومبیل به کشور وارد شد. آمارهای گمرک بیانگر افزایش واردات اتومبیل در بهمن‌ماه است و در مجموع سه

# چند وعده غذای حیوان خانگی برخی شهروندان از حقوق ماهانه یک خانوار کارگری بیشتر است

شاپ) در خیابان فرشته تهران است! به گونه‌ای که پول چند وعده خوراک یک سگ خانگی در یک شهر، تمام درآمد ماهانه‌ی دست کم یک میلیون خانوار چهار نفره در همان شهر است...»

اینهمه چیزی جز «بی‌عدالتی» را به نمایش نمی‌گذارد؛ غذای پت پولدارها بیشتر از دستمزد ماهانه‌ی دست‌کم یک میلیون نفر در تهران است؛ از این یک میلیون نفر، «خوشبخت‌ترین‌ها» آنهایی هستند که کارگر رسمی و بیمه شده به حساب می‌آیند و در بهترین حالت، تمام مزایای مزدی را می‌گیرند و حقوق ماهانه‌شان حدود فقط ۱۱ یا ۱۲ میلیون تومان است! این یک میلیون نفر در سخت‌ترین شرایط ممکن بسر می‌برند اما مجبورند نیروی کار خود را به ارزان‌ترین قیمت تقریباً به مفت بفروشند با این حال، دولت اراده‌ای برای بهبود وضعیت ندارد؛ دستمزد این کارگران اصلاح نمی‌شود، حق‌شان بر بازنشستگی پیش از موعد در حال نابودی است، محکوم‌اند به جان‌کندن تا زمان پیری و از کار افتادگی با دستمزد بیگاری و هزار شرط و شروط جدید برای چندرغاز مقرری بیمه بیکاری‌شان گذاشته‌اند!

حسین راغفر اقتصاددان نیز معتقد است «ساختار کج اقتصاد ایران خصوصاً بعد از جنگ تحمیلی به گونه‌ای سرمایه‌گذاری را در فعالیت‌های مالی رشد داد که موجب نابرابری‌های گسترده شد و اکنون وضعیت را به جایی رسانده که نرخ بازدهی سرمایه، بیشتر از نرخ بازدهی نیروی کار و تولید واقعی شده است.»

این اقتصاددان با اشاره به نابرابری ساختاری ایجاد شده در طی سه دهه گذشته گفته «مسئله مالی شدن اقتصاد در کشور ما، عمدتاً بعد از جنگ تحمیلی با برنامه‌هایی که مطرح کردند به ویژه از سال ۱۳۷۸ که قانون تاسیس بانک‌های خصوصی مصوب شد، اتفاق افتاد. از ۱۳۷۹ به بعد، این جریان با تشکیل سه بانک خصوصی آغاز شد تا جایی که در دولت نهم چندین بانک در یک روز تاسیس شد! تسهیلات نیز به نحوی خاص توزیع شد و عمدتاً آنها را به بخش‌های نامولد و بخش تجارت تخصیص دادند. در این شرایط، اعتبارات بخش تجارت از تسهیلات بانکی به شدت افزایش پیدا کرد.»

حسین راغفر بخشی از ناآرامی‌هایی که در ۱۴۰۱ رخ داد را واکنشی به نابرابری‌های ساخته شده در کشور دانسته و گفته «بخش قابل توجهی از جمعیت کشور از زندگی عادی محروم شده‌اند. کسی که حتی اگر در این شهر به دنیا آمده باشد و اجدادش هم در آن بوده باشند، نمی‌تواند در آن خانه بخرد! شاهد نابرابری‌هایی هستیم که سیستم به اسم بازار آزاد ساخته است. برندگان چپاول اقتصاد کشور و منابع انرژی آن، تصمیماتی می‌گیرند اما هر روز به اسم بازار و بازار آزاد سیاست‌ها را پیش می‌برند. در حالی که آنچه ادعا می‌کنند قیمت‌گذاری دستوری است، اعتراض می‌کنند که «قیمت‌گذاری دستوری»، تنها یک شعار است. کدام قیمت‌گذاری دستوری؟! مردم هر روز چپاول می‌شوند، هیچکس نیست که بگوید چرا روزانه شاهد افزایش قیمت‌ها هستیم! آن هم در کالاهایی که یارانه ارزی دریافت می‌کنند! این‌ها به اعتراضات در کشور دامن می‌زند. متأسفانه ما اکنون شاهد اقتصاد رفاقتی غارتی هستیم، مگر اینکه جهت‌گیری‌های اساسی تغییر کند.»



در حال فتح آخرین سنگ‌های باقیمانده برای طبقه کارگر هستند و نمی‌دانند «کارگر بودن» در شهر دوقطبی یعنی چه! «ایلنا» نوشته بیغوله‌ای در حوالی تهران، شهری که دست‌کم یک میلیون خانواده در آن از صبح تا شب با شرافت تمام زحمت می‌کشند و با پول کارگری نمی‌توانند سرپناه فراهم کنند؛ شهری که در آن چند صد هزار نفر از راه زباله‌گردی، زندگی خود را می‌گذرانند و هر شب سر بر خشت سرد و نیمکت پارک می‌گذارند؛ اینها همه در همین تهران زندگی می‌کنند، شهری که در آن، لامبورگینی ۲۵ میلیارد تومانی یا آپارتمان ۹۰۰ میلیارد تومانی به سادگی آب خوردن معامله می‌شود.

بر اساس این گزارش در همان شهری که حیدر [یک کارگر] نمی‌تواند یک سقف در حاشیه‌ها بالای سر فرزندانش داشته باشد، آپارتمان‌های ۹۰۰ میلیارد تومانی در زعفرانیه و فرشته معامله می‌شوند و خریداران و معامله‌گران آنها که مشخص نیست واقعاً یک روز در عمرشان «کار» کرده باشند، اصلاً نمی‌دانند که امثال حیدر، هرچه «کار» می‌کنند بازهم زورشان به نان خالی و خانه‌ای ۳۰ متری نمی‌رسد، نمی‌دانند که کارگران چطور با ماهی ۱۱ میلیون تومان حقوق زندگی می‌کنند یا به عبارت درست‌تر زنده می‌مانند که سالش می‌شود ۱۳۲ میلیون تومان و اگر خودشان و فرزندانشان و نوه‌هایشان تمام عمر جان بکنند بازهم یک اتاق از آن آپارتمان‌های لاکچری نصیب‌شان نمی‌شود!

محمد حسین روانبخش، جامعه‌شناس، چند نمای نزدیک از این شهر قطبی‌شده را رو کرده است: «کسرو خوراک گوشت آبدار مخصوص سگ‌های بالغ، ۸۵۰ هزار تومان؛ کسرو مخصوص سگ با طعم مرغ و بوقلمون، ۶۸۰ هزار تومان؛ خوراک ویژه پروبیوتیک به همراه حشرات خشک شده مخصوص همستر، ۵۲۰ هزار تومان؛ یونجه‌ی معطر، تهیه شده در کوه‌های آلپ، کاملاً طبیعی مخصوص جوندگان خانگی، ۴۰۰ هزار تومان، قلاده چرم طبیعی در سه سایز، ۸۰۰ هزار تومان و... اینها قیمت برخی از محصولات موجود در یک فروشگاه حیوانات خانگی زنجیره‌ای (پت

به گفته فعالان حقوق کودک شمار زیادی از کودکان کار در کارگاه‌های غیررسمی مشغول کار هستند که دولت مطلقاً برای نظارت و ساماندهی این کارگاه‌ها اقدامی انجام نمی‌دهد.

در همان شهری که حیدر [یک کارگر] نمی‌تواند یک سقف در حاشیه‌ها بالای سر فرزندانش داشته باشد، آپارتمان‌های ۹۰۰ میلیارد تومانی در زعفرانیه و فرشته معامله می‌شوند و خریداران و معامله‌گران آنها که مشخص نیست واقعاً یک روز در عمرشان «کار» کرده باشند، اصلاً نمی‌دانند که امثال حیدر، هرچه «کار» می‌کنند باز هم زورشان به نان خالی و خانه‌ای ۳۰ متری نمی‌رسد.

غذای «پت» پولدارها بیشتر از دستمزد ماهانه‌ی دست‌کم یک میلیون نفر در تهران است؛ از این یک میلیون نفر، «خوشبخت‌ترین‌ها» آنهایی هستند که کارگر رسمی و بیمه شده به حساب می‌آیند و در بهترین حالت، تمام مزایای مزدی را می‌گیرند و حقوق ماهانه‌شان حدود فقط ۱۱ یا ۱۲ میلیون تومان است!

یکی از ابعاد فقر و گرانی افزایش جمعیت کودکان کار و خیابان است که تعداد آنها در شهر تهران دست‌کم ۵۰۰۰ تن اعلام شده است. جمهوری اسلامی در چهار دهه گذشته با توزیع انواع ناعدالتی‌ها و نابرابری‌ها فقر و فلاکت در کشور را گسترش داده است.

علی کاظمی دبیر مرجع ملی حقوق کودک از برآورد وجود حدود ۵۰۰۰ کودک کار و خیابان در شهر تهران خبر داده است. او گفته از اوایل اسفندماه تا کنون، ۲۱۳۹ کودک در وضعیت خیابان ساماندهی شده‌اند که ۱۷۶۴ نفر از آنها افغانستانی، ۵۶ کودک پاکستانی و بقیه آنها ایرانی هستند. او همچنین گفته در استان تهران اکثریت این کودکان مشکل بازماندن از تحصیل دارند و در برخی استان‌های دیگر که ترکیب غالب جمعیت کودکان کار و خیابان را اتباع ایرانی تشکیل می‌دهند، علاوه بر بازماندن از تحصیل، مشکل فقر مادی را هم باید به عنوان متغیر موثر در افزایش شمار این کودکان در نظر گرفت.

این در حالیست که فعالان حقوق کودک، شمار کودکان کار و خیابان را بیش از آمار اعلام شده از سوی حکومت می‌دانند. به گفته فعالان حقوق کودک شمار زیادی از کودکان کار در کارگاه‌های غیررسمی مشغول کار هستند که دولت مطلقاً برای نظارت و ساماندهی این کارگاه‌ها اقدامی انجام نمی‌دهد. به نظر می‌رسد هدف اصلی دولت و شهرداری از ساماندهی کودکان کار و خیابان، کودکانی باشد که در خیابان‌ها و اماکن عمومی به دستفروشی یا گدایی مشغول هستند تا با کاهش شمار این کودکان از دید عموم، بتوانند گزارش‌هایی از ساماندهی کودکان کار و خیابان ارائه دهند! فقر و فلاکت گسترده در جامعه به اشکال مختلف خود را نشان می‌دهد که کودکان کار و خیابان تنها یکی از نمونه‌های آن هستند. خبرگزاری «ایلنا» در گزارشی با عنوان «از لامبورگینی ۲۵ میلیاردی تا کارگری که خانه ندارد/ چند وعده غذای پت بیشتر از حقوق یک ماه کارگران!» به فاصله طبقاتی در پایتخت و فقری که در میان اقشار کم‌درآمد موج می‌زند پرداخته است.

در مقدمه این گزارش آمده جامعه شدیداً دوقطبی‌ست و حقوق اکثریت در حال از دست رفتن است؛ ثروتمندان



# بودجه هنگفت برای نهادهای حکومتی و «هیچ» برای محرومان با «برنامه ملی آبادیران»!



حمیدرضا خان محمدی رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیزیات مدارس کشور امرداد گذشته با ارائه گزارشی از مدارس نیازمند بازسازی و نوسازی، گفته بود بهسازی و نوسازی مدارس به «نیروهای جهادی» سپرده شده است. او در توجیه این اقدام گفته بود مدارس به دلیل نداشتن سرانه دچار مشکلات مالی هستند و خودشان نمی‌توانند کلاس‌های درس را ترمیم کنند.

محمود نقوی مدیر کل آموزش و پرورش استان همدان نیز امرداد پارسل گفت «رنگ آمیزی مدارس حاشیه استان از دیگر اقدامات در دستورکار آموزش و پرورش بوده که تاکنون بیش از ۱۰۰ مدرسه در این طرح ثبت نام کرده و خوشبختانه آموزش و پرورش توانسته ۲ میلیارد تومان بودجه برای این کار دریافت کند و سهم هر مدرسه ۲۰ میلیون تومان است.» مدیرکل آموزش و پرورش استان همدان تأکید کرده بود که «این رنگ‌آمیزی کاملاً جهادی است و توسط نیروهای جهادی و بسیج دانش‌آموزی رقم می‌خورد، بطوری که رنگ توسط آموزش و پرورش خریداری شده و به صورت رایگان توسط جهادگران نقاشی می‌شود.»

وزارت آموزش و پرورش نوسازی ۱۱۵۰ مدرسه با ۳۵۰۰ کلاس درس در استان لرستان را با اعتباری حدود ۶۰۰ میلیارد تومان به قرارگاه «امام حسن مجتبی» وابسته به سپاه پاسداران سپرده است.

همچنین آذرماه گذشته رضا مراد صحرایی وزیر آموزش و پرورش گفته بود این وزارتخانه ۲۰۰ هزار معلم نیاز داشته که برای جبران کمبود معلم امسال ۷۰ هزار نفر جذب شدند که در میان آن‌ها ۵۸۰۰ نیروی جهادی و ۱۳۰۰ مربی قرآن بودند.

سردار حمید دامغانی فرمانده سپاه قدس گیلان هم روز گذشته خواستار آن شد که «موانع اداری پیش روی گروه‌های جهادی برداشته شود» و مدعی شده بود که «گروه‌های جهادی نرم افزار خاص انقلاب اسلامی هستند و یکی از آثار مثبت و سازنده آن فرهنگ سازی و کادر سازی در عرصه میدان و عمل است.»

«مناطق محروم»، در اختیار نهادهای نظامی- اقتصادی زیر نظر رهبر جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد.

تحقیقات پایگاه داده‌های باز ایران نشان می‌دهد در میان جدول‌ها و متن بودجه سال ۱۴۰۳، منابع مالی متنوعی برای این کار در نظر گرفته شده است: از تشکیل قرارگاه‌های «محرومیت‌زدایی» در سپاه و ارتش و کمک ۲/۵۰۰ میلیارد تومانی به گروه‌های جهادی برای فعالیت در «مناطق محروم»، تا تحویل رایگان ۲ هزار میلیارد تومان از اموال ملیکی دولت به «بسیج سازندگی»؛ اما این اقدام به بسیج و گروه‌های جهادی و قرارگاه‌ها محدود نمی‌شود.

در بودجه امسال، برای بنگاه‌های اقتصادی زیر نظر رهبر جمهوری اسلامی، مانند «ستاد اجرایی فرمان امام»، «بنیاد علوی» و «بنیاد شهید» نیز سهمی جداگانه با عنوان «حمایت از اشتغال با اولویت مناطق محروم» در نظر گرفته شده که مجموع آن به حدود ۱۷ هزار میلیارد تومان می‌رسد.

این گزارش افزوده موارد یاد شده تنها اعتباراتی هستند که در بودجه به صراحت با عنوان «محرومیت‌زدایی و حمایت از مناطق محروم» به نهادهای زیر نظر رهبر جمهوری اسلامی تعلق گرفته است. این نهادها بجز بودجه عمومی به منابع مالی غیرشفاف دیگری نیز دسترسی دارند که اطلاعی از آنها در دست نیست. اما همین مبالغ هم قابل مقایسه با اعتباراتی است که دستگاه‌های دیگر مانند کمیته امداد، سازمان بهزیستی و استانداری‌ها برای پشتیبانی و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر در اختیار دارند.

جمهوری اسلامی در سال‌های گذشته به بهانه «محرومیت‌زدایی» بخشی از نیروهای بسیجی و طلاب را نیز به در مناطق مختلف روستایی و استان‌های محروم جانیابی کرده و این گروه‌ها حتی بخشی از وظایف محوری دولت از جمله در زمینه انجام پروژه‌های عمرانی و یا آموزش در مدارس را بر عهده دارند.

محمدحسین پورثانی معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش ماه گذشته از فعالیت رسمی ۵۰ هزار گروه جهادی در کشور خبر داد.

● جمهوری اسلامی سال‌هاست شعار محرومیت‌زدایی می‌دهد اما محرومیت در کشور با سرعت در حال گسترش است. در مقابل اما پولپاشی به نهادهای حکومتی به اسم «محرومیت‌زدایی» در جریان است.

● دست‌کم ۱۷ هزار میلیارد تومان از منابع مالی کشور در سال ۱۴۰۳ به نام «محرومیت‌زدایی» و فعالیت اقتصادی در «مناطق محروم»، در اختیار نهادهای نظامی- اقتصادی زیر نظر رهبر جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد.

فقر و محرومیت در ایران در حال گسترش است اما «محرومیت‌زدایی» بهانه‌ای برای پولپاشی به نهادها و سازمان‌های مختلف حکومتی شده است. گزارش جدیدی نشان می‌دهد امسال دست‌کم ۱۷ هزار میلیارد تومان به همین بهانه در اختیار نهادهای زیر نظر رهبر جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد.

«برنامه ملی آبادیران» از سه‌شنبه گذشته نمایشگاهی با عنوان «آبادیران» را در تهران برگزار کرده است. «برنامه ملی آبادیران» از جمله کانال‌های توزیع رانت و منابع به بهانه انجام پروژه‌های محرومیت‌زدایی است که از دو سال پیش و در دولت ابراهیم رئیسی فعالیت خود را آغاز کرده است.

«برنامه ملی آبادیران» با شعار «نوآوری برای آبادانی» از سوی معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست جمهوری تدوین و راه‌اندازی شده است. هدف ایران برنامه «پیشرفت و آبادانی کشور به دنبال رفع چالش‌های مناطق محروم و روستایی، ایجاد اشتغال پایدار و توسعه زنجیره ارزش ظرفیت‌های بومی مناطق کمتر برخوردار با استفاده از ظرفیت شرکت‌های دانش‌بنیان، خلاق و فناور و سایر ارکان زیست بوم نوآوری و فناوری» اعلام شده است.

همچنین اعلام شده در قالب این برنامه ملی همه نهادهای دولتی و غیردولتی فعال در آبادانی و پیشرفت ایران همچون بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی، «ستاد اجرایی فرمان حضرت امام»، «کمیته امداد امام خمینی» به دنبال توانمندسازی و ارتقای مناطق محروم با استفاده از دانش، فناوری و نوآوری خواهند بود.

اتصال شرکت‌های دانش‌بنیان به بازار پروژه‌های محرومیت‌زدایی از طریق خیریه‌ها، سمن‌ها و نهادهای دولتی و حاکمیتی مسؤول، کمک به توسعه مناطق محروم از طریق معرفی ظرفیت‌های شرکت‌های دانش‌بنیان برای پاسخ به چالش‌ها و ایجاد اشتغال پایدار و توسعه بازار و تسهیل خرید کالا و خدمات شرکت‌های دانش‌بنیان و فناور در راستای عمران، آبادانی و محرومیت‌زدایی نیز از اهداف و کارکردهای این برنامه ملی اعلام شده است.

بررسی فعالیت‌های این پروژه نشان می‌دهد طی دو سال و با وجود برگزاری دو دوره نمایشگاه نه درباره وضعیت مالی و نه درباره پروژه‌های به سرانجام رسیده آن اطلاع‌رسانی دقیق نشده است.

جمهوری اسلامی سال‌هاست شعار محرومیت‌زدایی می‌دهد اما محرومیت در کشور با سرعت در حال گسترش است. در مقابل اما پولپاشی به نهادهای حکومتی به اسم «محرومیت‌زدایی» در جریان است.

پایگاه «داده‌های باز ایران» با انتشار گزارشی نوشته دست‌کم ۱۷ هزار میلیارد تومان از منابع مالی کشور در سال ۱۴۰۳ به نام «محرومیت‌زدایی» و فعالیت اقتصادی در

# سیستان و بلوچستان محروم، ابزار سوءاستفاده‌ی نامزدها در تبلیغات نمایش انتخابات!



مشکلات استان سیستان و بلوچستان اشاره نکرده است. سعید جلیلی نیز در جملاتی کلی و شعارهای تکراری گفته «ساحل چاهار فرصت بسیار خوبی دارد. در سواحل مکران یک جهان فرصت از شیلات و صنایع کشتی‌سازی وجود دارد» و «صنایع تبدیلی می‌تواند آنجا به کار گرفته شود».

علیرضا زاکانی که فریبکارانه‌ترین وعده‌های انتخاباتی را در میان شش نامزد مورد تأیید شورای نگهبان ارائه کرده، درباره سیستان و بلوچستان هم گفته «۵۸۰۰ کیلومتر ساحل داریم، اما به آنها بی‌توجه هستیم. مردم این مناطق در کپر زندگی می‌کنند. انتقال آب از دریا به بخش‌های مرکزی کشور خوب است، اما بهتر است صنایع به کنار سواحل ساخته شود. با این کار سواحل مکران قابل توسعه است و این سواحل را توسعه می‌دهیم».

امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی رئیس کنونی «بنیاد شهید» نیز گفته «جمعیت سواحل طبق برنامه هفتم باید حدود دو برابر شود، بزرگترین سرمایه سواحل مکران، بلوچها هستند و باید به آنها کمک کنیم بجای اینکه سرمایه خود را به هند و... ببرند، به این سواحل بیاورند. مانند کاری که در کیش یا مناطق آزاد انجام دادیم، باید در مکران هم انجام دهیم، اگر سرمایه‌گذاران داخلی بیایند، سرمایه‌گذاران اعراب همسایه هم می‌آیند».

مسعد پزشکیان نامزد مورد حمایت اصلاح‌طلبان که رگه‌هایی قوی از قومگرایی دارد نیز بدون اشاره به مشکلات مردم و حتی بدون در نظر گرفتن آمارها درباره استان‌های محروم کشور، صرفاً سیستان و بلوچستان را به «اقلیت» و «مرزی» بودن پیوند زده و گفته «باید کاری کنیم بر اساس عدالت، با حقوق مناطق مختلف کردستان، لرستان، سیستان و بلوچستان، خوزستان برخورد شود».

این سخنان از سوی پزشکیان در حالی مطرح شده که استان غیرمرزی کهگلوپه و بویر احمد در کنار سیستان و بلوچستان از محروم‌ترین استان‌های ایران است و استان یزد در «مرکز» ایران نیز بیشتری میزان شاخص فلاکت را دارد!

اظهارات شش نامزد مورد نظر علی‌خامنه‌ای در چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری بیانگر عدم آگاهی و ناآشنایی آنها با مشکلات مردم استان سیستان و بلوچستان و بی‌اطلاعی از وضعیت فقر و فلاکت در استان‌های مختلف کشور است!

این مرکز اخیراً نیز گزارش مربوط به «شاخص فلاکت استان‌های کشور» را منتشر کرده که عدد آن برای سیستان و بلوچستان، ۴۸/۳ درصد اعلام شده است. هرچند این عدد از میانگین کشوری اندکی پایین‌تر است، اما همچنان وضعیت سخت ناشی از تجمع تورم و بیکاری را در این استان نشان می‌دهد اگرچه این معضل گریبان کل کشور را گرفته است چرا که ایران در فهرست کشورهایی با بالاترین عدد شاخص فلاکت در جهان قرار دارد.

مشکلات زیست‌محیطی در این استان نیز بیداد می‌کند و سیاست‌های نادرست جمهوری اسلامی در مدیریت آب و دیپلماسی شکست خورده جمهوری اسلامی با افغانستان برای دریافت حقا به هیرمند، دست به دست هم داده تا این استان را به عنوان کانون بحران‌های اقلیمی تبدیل کند.

جمهوری اسلامی حتی در مدیریت بحران پس از وقوع چند نوبت سیل در این استان در ماه‌های گذشته نیز ناتوان بوده و همچنان شمار زیادی از شهروندان با مشکلات ناشی از سیل اسفند و فروردین گذشته درگیرند.

در چنین شرایطی اما نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری اسلامی استان سیستان و بلوچستان را نه به عنوان یکی از مهم‌ترین اولویت‌های دولت آینده، بلکه یا تنها به عنوان محوری برای تبلیغات مورد توجه قرار داده و یا اصلاً به آن توجه نکرده و نادیده‌اش گرفته‌اند.

اظهارات نامزدهای چهاردهمین دوره انتخابات ریاست دولت درباره این استان نشان می‌دهد غالب آنها حتی از زیر وب مشکلات شهروندان ساکن این استان نیز مطلع نیستند! مصطفی پورمحمدی از چهره‌های امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی و نامزد چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری با گذشت نیمی از روزهای تبلیغات انتخابات اصلاً به موضوع سیستان و بلوچستان اشاره نکرده است.

او در سال ۱۳۹۶ که به عنوان وزیر دادگستری در دولت حسن روحانی فعالیت می‌کرد هم بدون اشاره به مشکلات انباشته در این استان، آن را «بهشت سرمایه‌گذاری» خوانده و گفته بود: «این استان در زمینه اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی از بسیاری از استان‌های کشور جلوتر و پیشگام‌تر است!»

محمدباقر قالیباف رئیس کنونی مجلس شورای اسلامی نیز از دیگر نامزدهایی است که در روزهای گذشته مطلقاً به

● سیستان و بلوچستان بیشترین نرخ بیکاری و فقر را در میان ۳۱ استان ایران دارد و تعداد زیادی از شهروندان در ازای دستمزدی ناچیز برای تأمین حداقل نیازهای زندگی به سوختبری مشغول‌اند.

● جمهوری اسلامی حتی در مدیریت بحران پس از وقوع چند نوبت سیل در این استان در ماه‌های گذشته نیز ناتوان بوده و همچنان شمار زیادی از شهروندان با مشکلات ناشی از سیل اسفند و فروردین گذشته درگیرند.

● استان سیستان و بلوچستان با اینکه از نظر جمعیت در ردیف دهم قرار دارد اما ۲۰ درصد از کل احکام اعدام در سال ۲۰۲۳ میلادی در این استان اجرا شده است.

سیستان و بلوچستان به عنوان محروم‌ترین استان ایران در حالی در لابلای وعده‌های نخب‌های انتخاباتی شش نامزد مورد تأیید علی‌خامنه‌ای قرار گرفته که هیچ‌یک از آنان به مشکلات اصلی که زندگی شهروندان را مختل کرده نمی‌پردازند.

مشکلات انباشته در سیستان و بلوچستان امکان داشتن یک زندگی عادی را از بخش زیادی از شهروندان این منطقه گرفته است. فقر، بیکاری، نبود امکاناتی چون جاده‌های ایمن، آب آشامیدنی، گاز و برق در بخش قابل توجهی از استان و حتی در دسترس نبودن مدرسه برای بسیاری از دانش‌آموزان در روستای محل زندگی، تنها بخشی از مشکلات شهروندان در این استان است.

گزارش‌ها حاکی از اینست که نیمی از جمعیت استان دچار «فقر قطعی» هستند. سیستان و بلوچستان بیشترین نرخ بیکاری و فقر را در میان ۳۱ استان ایران دارد و تعداد زیادی از شهروندان در ازای دستمزدی ناچیز برای تأمین حداقل نیازهای زندگی به سوختبری مشغول‌اند.

روزنامه «اعتماد» به تازگی در گزارشی با عنوان «جولان جوامرگی در دو استان کرمان و سیستان و بلوچستان» نوشته سن و سال متوفیان در کل کشور طی یک دوره ۱۲ ساله، چهار سال افزایش پیدا کرده و در واقع امید به زندگی بیشتر شده، اما در استان‌های کرمان و سیستان و بلوچستان این روند ایستا یا کاهشی بوده است. به عبارت دیگر این دو استان که به ترتیب رتبه‌های اول و دوم پنهان‌ترین استان‌های ایران را به خود اختصاص داده‌اند، پایین‌ترین سن متوفیان را دارند.

از سوی دیگر، دکتر علی‌مرادی متخصص پوست و مو گفته حدود ۱۰ درصد از دانش‌آموزان در استان سیستان و بلوچستان درگیر اگزما هستند.

همچنین استان سیستان و بلوچستان با اینکه از نظر جمعیت در ردیف دهم قرار دارد اما ۲۰ درصد از کل احکام اعدام در سال ۲۰۲۳ میلادی در این استان اجرا شده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس چندی پیش سیستان و بلوچستان را بر اساس داده‌های مربوط به سال ۱۴۰۱، محروم‌ترین استان کشور توصیف کرده و آورده بود نزدیک به ۳۰ درصد از خانوارهای این استان در محرومیت بسر می‌برند.

روزنامه «اعتماد» در اردیبهشت امسال بر اساس همین گزارش، سیستان و بلوچستان را «با اختلاف بسیار بالایی، محروم‌ترین استان ایران» دانست و نوشت: «اختلاف سطح محرومیت سیستان و بلوچستان با استانی مانند تهران ۲۸ درصد است.»

همچنین مرکز آمار در گزارشی که داده‌های آن مربوط به سال ۱۳۹۹ بود اعلام کرد میانگین درآمد سالانه در مناطق شهری استان سیستان و بلوچستان با دیگر استان‌ها اختلاف زیادی دارد.

# ترک تحصیل به دلیل فقر برای ایرانی‌ها؛ سهمیه و تخفیف شهریه برای اتباع خارجی



● دانشگاه بین‌المللی «امام رضا» اعلام کرده اتباع افغانستانی در سه مقطع تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا، و در ده‌ها رشته دانشگاهی با ۵۰ درصد تخفیف می‌توانند ثبت نام کنند.

جمهوری اسلامی برای ثبت نام دانشجویان افغانستانی در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا تخفیف ۵۰ درصدی شهریه در نظر گرفته است. همچنین چندصد هزار دانش‌آموز افغانستانی در حال استفاده از یارانه و بودجه تخصیص یافته برای دانش‌آموزان هستند. این در حالیست که گزارش‌ها از ترک تحصیل تعداد قابل توجهی دانش‌آموز و دانشجوی ایرانی به دلیل مشکلات مالی حکایت دارند.

دانشگاه بین‌المللی «امام رضا» اعلام کرده اتباع افغانستانی در سه مقطع تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا با ۵۰ درصد تخفیف می‌توانند ثبت نام کنند. تخفیف در نظر گرفته شده برای دانش‌آموزان خارجی در رشته‌های مختلف علوم انسانی، فنی مهندسی، تربیت بدنی و علوم ورزشی، علوم اداری، علوم تربیتی و روانشناسی، معماری و شهرسازی است.

اتباع افغانستانی متقاضی تحصیل در این دانشگاه بدون شرکت در کنکور و تا آخر تیرماه امسال مهلت ثبت نام دارند. دانشگاه بین‌المللی «امام رضا» دانشگاهی نیمه‌دولتی است که از سال ۱۳۷۸ زیر نظر آستان قدس رضوی و وزارت علوم تحقیقات و فناوری فعالیت می‌کند.

حضور گسترده دانشجویان و دانش‌آموزان افغانستانی در ساختار آموزشی ایران با هشدارها و ابراز نگرانی کارشناسان و فعالان حوزه آموزش همراه بوده است. بر اساس گزارش‌ها در برخی مدارس کشور شمار دانش‌آموزان افغانستانی بیشتر از دانش‌آموزان ایرانی است و همچنین پیش‌بینی شده شمار دانشجویان افغانستانی در برخی رشته‌ها در دانشگاه‌های مختلف بیش از دانشجویان ایرانی شود.

آمارها نشان می‌دهند در حال حاضر هم ۹۰ درصد دانشجویان بین‌المللی در ایران از افغانستان و عراق هستند و دست کم ۲۰۰ دانشگاه در کشور مجوز جذب دانشجوی خارجی را دارند. سازمان امور دانشجویان نیز اعلام کرده برنامه‌ای برای جذب ۳۲۰ هزار دانشجوی بین‌المللی در پنج سال آینده و بر اساس برنامه هفتم توسعه دارد. بر این اساس ۲۸۸ هزار نفر از این دانشجویان از دو کشور عراق و افغانستان وارد کشور می‌شوند که حداقل ۲۰۰ هزار نفر از آنها اهل افغانستان خواهند بود!

بر اساس آمارهای ارائه شده از سوی آموزش و پرورش ۶۱۴ هزار و ۱۹۹ دانش‌آموز دختر و پسر افغانستانی در مدارس ایران تحصیل می‌کنند که ۱۴۴ هزار و ۲۲۶ دانش‌آموز در تهران و حومه مشغول تحصیل هستند. آمارها همچنین بیانگر اینست که هر سال ۳۳۵ میلیون دلار معادل حدوداً ۱۰ هزار میلیارد تومان برای دانش‌آموزان اتباع در مدارس دولتی هزینه می‌شود. خیرالله خرابی معاون اداره کل پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه نیز اعلام کرده که جمعیت دانش‌آموزان اتباع افغانستانی در برخی کلاس‌های درس بیشتر از دانش‌آموزان ایرانی است. اینهمه در حالیست که آمارهای مرکز آمار ایران نشان می‌دهد در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ در مقاطع تحصیلی مختلف ۹۲۹ هزار و ۷۹۸ نفر از تحصیل بازماندند. فقر عامل اصلی بازماندن از تحصیل و ترک تحصیل کودکان در ایران اعلام شده است.

مسعود زمریدیان مؤسس آموزشگاه کودکان استثنایی در فردیس البرز آذرماه گذشته در گفتگو با «اعتماد» گفته بود که «کمبود امکانات مالی و دوری مسیر به دلیل عدم

توانایی پرداخت هزینه‌های بسیار گزاف سرویس ایاب و ذهاب منجر به ترک تحصیل بعضی از دانش‌آموزان استثنایی می‌شود، چرا که بسیاری از این عزیزان از بضاعت مالی کمی برخوردار بوده و در فقر شدید بسر می‌برند.»

مسعود زمریدیان با بیان اینکه «در سفره بسیاری از این خانواده‌ها و بچه‌هایشان اقلام اساسی مانند مرغ، گوشت، میوه، پروتئینی و... پیدا نمی‌شود» گفته بود از ۱۸۰ نفر دانش‌آموز این مرکز تقریباً بیش از ۱۰۰ نفر از آنها از خانواده‌های بسیار بی‌بضاعت و در سطح خیلی پایین زیر خط فقر هستند. هادی موسوی نیک کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز آبان‌ماه پارسال گفته بود که یک و نیم میلیون کودک در آستانه ترک تحصیل قرار دارند و ۱۴ میلیون کودک نیز در خانوارهایی زندگی می‌کنند که حداقل سبب غذایی را نمی‌توانند دریافت کنند.

هادی موسوی نیک گفته که بر اساس آمار آموزش و پرورش حدود ۴۵۰ هزار کودک بازمانده از تحصیل داریم، حدود یک و نیم میلیون نفر کودک در معرض بازماندگی از تحصیل داریم. بر اساس گزارشی که دو سال پیش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ارائه کرد ۷۰ درصد موارد ترک تحصیلی مربوط به دهک‌های اول تا پنجم درآمدی هستند که کمترین درآمد را دارند.

بر اساس جدیدترین آمار ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران ۵۵۶ هزار دانش‌آموز قبل از ورود به مقطع دبیرستان، به دلایلی که اصلی‌ترین آن فقر و محرومیت عنوان شده ناچار به «ترک تحصیل» شده‌اند. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز همراه پارسال در گزارشی تعداد دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ را ۹۱۱ هزار و تعداد دانش‌آموزان ترک تحصیل کرده را ۲۷۹ هزار تن اعلام کرد.

بنا بر این گزارشی اگر چه میزان ترک تحصیل در یک دهه اخیر در دوره متوسطه دوم حدود ۲۲ درصد کاهش یافته اما در عوض میزان ترک تحصیل در دوره ابتدایی حدود ۲۰ درصد و در دوره متوسط اول حدود ۵۰ درصد بیشتر شده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اینکه میزان بازماندن از تحصیل با سطح رفاه خانواده‌ها ارتباط مستقیم دارد، اعلام کرده بود که بیشترین میزان بازماندگی از تحصیل و ترک تحصیل در پنج استان سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، خراسان رضوی، خراسان شمالی و گلستان بوده است. در استان سیستان و بلوچستان حدود ۱۸ درصد از دانش‌آموزان از تحصیل بازمانده‌اند. وضعیت مشابهی نیز در آمارهای ورود به دانشگاه در میان اقشار کم‌درآمد وجود دارد. منصور کبکانیان عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی سال گذشته با اعلام آماری از ورودی دانشگاه‌ها گفته بود که «تنها ۲ درصد از رتبه‌های زیر ۳۰۰۰ آزمون ورودی‌های دانشگاه‌ها در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ جزو دهک‌های اول، دوم و سوم یعنی اقشار کم‌برخوردار و محروم بوده‌اند و دهک‌های هشتم، نهم و دهم ۸۰ درصد این ورودی‌ها را تشکیل داده‌اند.»

منصور کبکانیان در ادامه گفته بود که «در بین ورودی‌ها به دانشگاه‌ها دهک اول ۰/۲ درصد و دهک دهم ۴۸/۱ درصد هستند. در رشته‌های پزشکی و دندانپزشکی ورودی‌های دهک کم‌برخوردار و محروم ۱/۳ درصد هستند. او افزوده بود که در آینده نزدیک ۸۶ درصد پزشکان و دندانپزشکان ایران از دهک هشت، نه و ده یعنی قشر کاملاً مرفه و مرفه هستند. جمهوری اسلامی به جای سیاستگذاری کارآمدی برای ایجاد عدالت آموزشی در میان همه اقشار درآمدی و فراهم کردن امکان تحصیل در میان کودکان و نوجوانان اقشار کم‌درآمد، با سپردن سهمیه دانشگاه‌ها به اتباع خارجی و طراحی برنامه‌های بورسیه و تخفیف شهریه برای آنها، در عمل به ناعدالتی آموزشی دامن می‌زند.

انسب خزعلی معاون ریاست جمهوری اسلامی در امور زنان و خانواده آبان‌ماه گذشته از بورسیه دختران دانشجو از غزه خبر داده و گفته بود در ابتدا سه نفر از دانشجویان غزه را بورس می‌کنیم و دانشگاه‌ها به ترتیب این کار را ادامه دهند و «دختران دانشجوی غزه را استقبال می‌کنیم که بیایند در اینجا درس بخوانند.» او در ادامه افزوده بود که «قبلاً اعلام کردیم از دانشجویان افغانستانی حمایت می‌کنیم و در دانشگاه‌ها به ویژه دانشگاه‌هایی که اختصاص به بانوان دارد، از این افراد استقبال خواهیم کرد.»

معاون ابراهیم رئیسی در امور زنان و خانواده گفته بود: «جایگاهی که اسلام برای زن، خانواده و حفظ ارزش‌های خانواده قائل است، از مسئولیت‌هایی است که بر دوش ما قرار دارد و اگر این خانواده‌ها و حیات طبیعه و شهدا و آثاری که شما ترجمه‌هایش را می‌بینید نبودند و این زیبایی‌ها تصویر نشده بود، در مقابل ظلمی که در فلسطین مشاهده می‌کنید، این بزرگی‌ها، پاکی‌ها و اینارها برای بودن انسانیت جای تجلیل و تقدیر دارد.»

# لایوشانی مافیای دارویی وابسته به حکومت در آلودگی فلزی محلول‌های دیالیز منجر به مسمومیت و مرگ بیماران کلیوی

اینهمه در حالیست که حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد از مجموع ۲۰۰ نفرولوژیست فعال کشور در زمینه دیالیز صفاقی نیز از این اتفاق اطلاعی نداشتند و حتی رئیس انجمن نفرولوژی هم در ابتدا بی‌اطلاع بود.

نجفی می‌گوید: «به دلیل بی‌اطلاعی بخشی از پزشکان و پرستاران کشور از اتفاق رخ داده، تعدادی از بیماران جان‌شان را از دست دادند، بنابراین لازم است که به دور از بهره‌برداری‌های سیاسی و نگران کردن بیماران، اطلاعات منطقی به آگاهی عموم برسد.»

محمدرضا یک پزشک متخصص اورولوژی در گفتگو با کیهان لندن، آلومینیوم را یک عنصر غیرضروری برای بدن انسان می‌داند که مقدار ناچیز آن در رژیم غذایی از طریق دستگاه گوارش جذب می‌شود با این حال، ورود آلومینیوم زیاد به بدن می‌تواند اثرات سمی در پی داشته باشد. میزان زیاد این عنصر در بدن کشنده است، اما اگر بیمار زنده بماند، دچار از کار افتادن کلیه و عوارض عصبی و اختلال در عملکرد کبد و مغز می‌شود. دکتر محمدرضا بر تاثیرات سمی آلومینیوم بر روی رفتار، سیستم اعصاب، سیستم هورمونی و خون‌سازی نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: «اصولا دولت و مسئولین به درستی جزئیات مسئله را عنوان نمی‌کنند و به خصوص در رابطه با شرکت‌های داروسازی که متعلق به خودشان است مثلاً شرکت داروسازی ثامن در مشهد متعلق به آستان قدس رضوی و وابسته به خودشان است، هر گندی بزند لایوشانی می‌کنند و یکجوری مسئله را کم‌اهمیت

ایرج نجفی استاد بازنشسته‌ی دانشگاه علوم پزشکی ایران و محقق اصلی دیالیز صفاقی در کشور بیشترین میزان مسمومیت‌ها و مرگ‌ها را از اصفهان، شیراز، مشهد و تهران گزارش داده و گفته است: «ممکن است درگیری وسیع‌تر باشد، اما اطلاعی نداشته باشیم. از وزارت بهداشت خواستیم که بیمار دیالیز صفاقی از نظر وجود آلومینیوم در خون، سالانه یک تا دو بار آزمایش شود، اما مرکز آماده‌ای برای این کار وجود ندارد. سازمان انرژی اتمی دستگاه‌ها را دارد اما آنطور که باید، با ما همکاری نمی‌کند. پس از اتفاق رخ داده اطلاع دارم که شرکت ثامن در مشهد، این آزمایش‌ها را برای بیماران مشهدی انجام داده است.»

محمد اسماعیل‌خانی مدیر انجمن خیریه حمایت از بیماران کلیوی استان اصفهان نیز از این مسئله اظهار بی‌اطلاعی کرده و با بیان اینکه «مشکل جمع شده» ادعا کرده است: «ما از نظر درمانی به ماجرا ورود نمی‌کنیم، یکی، دو مورد با ما تماس داشتند که این مسئله را شنیده بودند، اما کسی به ما گزارش مستقیم نداد.»

او در حالی از این مسئله مهم اظهار بی‌اطلاعی کرده که به گفته خودش، استان اصفهان ۳ هزار بیمار دیالیزی دارد که ۳۸۰ تا ۴۰۰ نفرشان دیالیز صفاقی می‌شوند. متخصصانی که در این مدت روی موضوع کار کرده‌اند، می‌گویند که ۱۰ تا ۱۵ درصد بیماران کلیوی در اصفهان مسموم شده‌اند. گزارش مسمومیت‌ها با این محلول از تهران، شیراز، مشهد و اصفهان رسیده و متخصصان از سایر استان‌ها بی‌اطلاع‌اند.

● بر اساس گزارش رسانه‌های داخلی، محلول درمانی آلوده به آلومینیوم تولید شرکت «ثامن» وابسته به «آستان قدس رضوی» که برای «دیالیز صفاقی» بیماران کلیوی استفاده می‌شود و از دی‌ماه ۱۴۰۲ توزیع شده بود، تا اردیبهشت‌ماه امسال تعداد زیادی از بیماران را مسموم کرده و به کام مرگ فرستاده است.

● متخصصانی که در این مدت روی موضوع کار کرده‌اند، می‌گویند که ۱۰ تا ۱۵ درصد بیماران کلیوی در اصفهان مسموم شده‌اند. گزارش مسمومیت‌ها با این محلول از تهران، شیراز، مشهد و اصفهان رسیده و متخصصان از سایر استان‌ها بی‌اطلاع‌اند.

● یک پزشک متخصص اورولوژی در گفتگو با کیهان لندن می‌گوید: «اصولا دولت و مسئولین به درستی جزئیات مسئله را عنوان نمی‌کنند و به خصوص در رابطه با شرکت‌های داروسازی که متعلق به خودشان است ... هر گندی بزند لایوشانی می‌کنند و یکجوری مسئله را کم‌اهمیت جلوه داده و جلوی تحقیق و تفحص را می‌گیرند.»

● «این سرم‌ها فقط میزان بالای آلومینیوم نداشته‌اند بلکه سرب کادمیوم جیوه هم به مقدار بیش از استاندارد داشته‌اند در حالی که مسئولین فقط به آلومینیوم اشاره می‌کنند. این میزان املاح سنگین فاتحه کبد، کلیه و مغز بیمار را می‌خواند. البته الان هم مشکل منتفی نشده زیرا بسیاری از بیماران هنوز مقدار زیادی از این سرم‌ها را در منزل ذخیره کرده‌اند و روح‌شان از مسموم بودن آنها خبر ندارد.»

فیروزه نوردستروم - بر اساس گزارش رسانه‌های داخلی، محلول درمانی آلوده به آلومینیوم تولید شرکت «ثامن» وابسته به «آستان قدس رضوی» که برای «دیالیز صفاقی» بیماران کلیوی استفاده می‌شود و از دی‌ماه ۱۴۰۲ توزیع شده بود، تا اردیبهشت‌ماه امسال تعداد زیادی از بیماران را مسموم کرده و به کام مرگ فرستاده است. در «دیالیز صفاقی» (PD) از یک جداره داخلی شکم بیمار برای رد و بدل محلول دیالیز با خون استفاده می‌شود. میزان این آلودگی در محلول‌های «دیالیز صفاقی» بسیار بالا و بین ۵ تا ۱۰ برابر حد مجاز برآورده شده است. به گفته رئیس انجمن نفرولوژی این سرم‌ها، دست‌کم جان ۱۰ بیمار را گرفته است. تنها در تهران ۳ نفر و در اصفهان ۴ نفر به همین علت فوت کرده‌اند.

در این مدت، بیماران با نشانه‌های گیجی، منگی، حواس‌پرتی، درد عضلانی، بی‌اشتهایی، تشنج و ... دیده شده‌اند. برخی هم کارشان به بخش مراقبت‌های ویژه و ونتیلاتور رسید و در نهایت برخی جان خود را از دست دادند.

عضو خانواده یکی از بیمارانی که در پی مصرف محلول دیالیز صفاقی دچار مشکل شده، به خبرنگارین گفته: «برادر ۶۰ ساله‌ی من نزدیک پنج سال است که دیالیز صفاقی می‌شود، اما حدوداً از چهار ماه پیش بود که به شدت بی‌اشتها شده بود و بعضاً غذا هم که می‌خورد، بلافاصله حالت تهوع به او دست می‌داد. در کنار این علائم، تکلم‌اش هم دچار مشکل شده بود. نمی‌دانستیم علت چیست، گمان می‌کردیم این حالت صرفاً ضعف ناشی از دیالیز باشد. نه ما و نه پزشکان فکرش را هم نمی‌کردیم که ماه‌هاست آلومینیوم وارد خون برادرم می‌شود.»

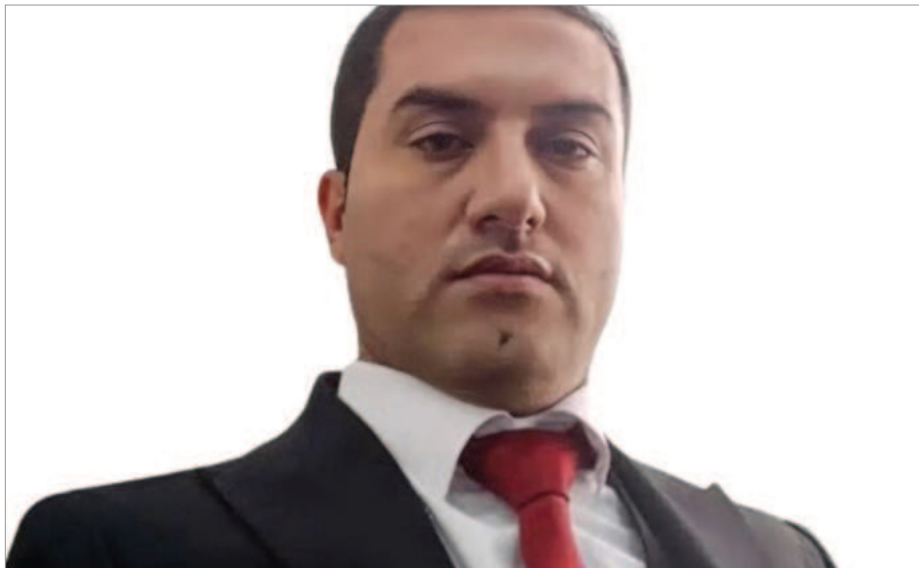


جلوه داده و جلوی تحقیق و تفحص را می‌گیرند.» به گفته این متخصص، «این سرم‌ها فقط میزان بالای آلومینیوم نداشته‌اند بلکه سرب کادمیوم جیوه هم به مقدار بیش از استاندارد داشته‌اند در حالی که مسئولین فقط به آلومینیوم اشاره می‌کنند. این میزان املاح سنگین فاتحه کبد، کلیه و مغز بیمار را می‌خواند. البته الان هم مشکل منتفی نشده زیرا بسیاری از بیماران هنوز مقدار زیادی از این سرم‌ها را در منزل ذخیره کرده‌اند و روح‌شان از مسموم بودن آنها خبر ندارد.»

ایرج نجفی نیز که از تعداد مسمومیت‌ها بی‌اطلاع است گفته که «حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد بیماران مرکز خودش و بیماران دیالیز صفاقی اصفهان درگیری‌های سنگینی پیدا کرده‌اند؛ البته ممکن است سایر بیماران هم درگیر شده باشند اما علائم‌شان خفیف باشد». به گفته او، «مسمومیت ناشی از آلومینیوم در جهان بسیار نادر است، ۲۰ سال پیش در کانادا و مالزی چنین اتفاقی افتاد که بلافاصله به آن ورود کردند. پزشکان بطور مرتب توصیه می‌کنند که بیماران باید آلومینیوم خون‌شان را اندازه‌گیری کنند.»



## یاسین موسوی نوکیش مسیحی با اتهامات امنیتی به ۱۵ سال زندان محکوم شد



یاسین موسوی / عکس: محبت نیوز

داخل کشور با هدف برهم زدن امنیت کشور تشکیل شده» و «تبلیغ علیه نظام از طریق ترویج مسیحیت صهیونیستی» که برای اتهام اول به ۱۰ سال و برای اتهام دوم به پنج سال (در مجموع ۱۵ سال) حبس محکوم شده است.

منابع غیررسمی گفته‌اند، در متن کیفرخواست یاسین موسوی آمده که «در اعتراضات سال ۱۴۰۱ نقش فعال داشته است» و همچنین ادعا شده که وی «یکی از سرشبه‌های سازمان [مسیحی] ایلام در استان خوزستان می‌باشد».

این نوکیش مسیحی سوم دی‌ماه ۱۴۰۲ به همراه شمار دیگری از نوکیشان مسیحی در شهر ایذه از جمله اسماعیل نریمان پور بازداشت شد. وی پس از تحمل ۲۰ روز زندان انفرادی در وزارت اطلاعات، به زندان امنیتی «شیبان» اهواز منتقل گردید و به مدت پنج ماه در آنجا در بازداشت بود. وی در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۳ با قید وثیقه «دو میلیارد تومانی» تا زمان برگزاری دادگاه بطور موقت آزاد شد. بر اساس حکم اولیه دادگاه که هفتم خرداد ۱۴۰۳ تشکیل شد وی در مجموع به ۱۵ سال حبس محکوم گردید.

یاسین موسوی پیش از این در مهرماه ۱۳۹۶ (به مدت سه ماه) و در فروردین ۱۴۰۰ (به مدت سه ماه) نیز در زندان امنیتی شیبان محبوس بود. وی همچنین در آبان‌ماه ۱۴۰۱ در جریان اعتراضات ضدحکومتی در شهر ایذه برای چند روز بازداشت شد و مدتی را در زندان گذراند.

همچنین شمار دیگری از نوکیشان مسیحی که سال ۱۴۰۲ در شهر ایذه بازداشت شده بودند، در دادگاه محاکمه شدند. بر اساس شنیده‌ها، از میان آنها حمید افضلی با اتهامات امنیتی به ۱۰ سال زندان محکوم شده است. همچنین نصرالله موسوی و بیژن قلی‌زاده هر کدام به پنج سال زندان، ظهراپ شهبازی به ۹ ماه زندان و ایمان صالحی دیگر نوکیش مسیحی نیز که همچنان در بازداشت بسر می‌برد به ۵ سال زندان محکوم شد. به گزارش «محبت‌نیوز» دو نفر دیگر از نوکیشان مسیحی نیز که نام‌شان محفوظ است هر کدام به دو سال زندان محکوم شده‌اند.

● یک نوکیش مسیحی به نام یاسین موسوی با حکم دادگاه انقلاب شهر اهواز به اتهام «عضویت در گروه‌هایی که قصد اخلال در امنیت ملی دارند» و همچنین «تبلیغ علیه نظام از طریق ترویج مسیحیت صهیونیستی» به ۱۵ سال زندان محکوم شد.

● آژانس خبری مسیحیان ایران «محبت نیوز» ۲۸ خردادماه گزارش داد موسوی با حکم شعبه سوم دادگاه انقلاب شهرستان اهواز به ریاست مهدی فتحی نیا به ۱۵ سال حبس محکوم شده است.

● گفته می‌شود این شهروند مسیحی با دو اتهام امنیتی روبرو شده است: «عضویت در دسته یا جمعیت‌هایی که در داخل کشور با هدف برهم زدن امنیت کشور تشکیل شده» و «تبلیغ علیه نظام از طریق ترویج مسیحیت صهیونیستی» که برای اتهام اول به ۱۰ سال و برای اتهام دوم به پنج سال (در مجموع ۱۵ سال) حبس محکوم شده است.

● منابع غیررسمی گفته‌اند، در متن کیفرخواست یاسین موسوی آمده که «در اعتراضات سال ۱۴۰۱ نقش فعال داشته است» و همچنین ادعا شده که وی «یکی از سرشبه‌های سازمان [مسیحی] ایلام در استان خوزستان می‌باشد».

یک نوکیش مسیحی به نام یاسین موسوی با حکم دادگاه انقلاب شهر اهواز به اتهام «عضویت در گروه‌هایی که قصد اخلال در امنیت ملی دارند» و همچنین «تبلیغ علیه نظام از طریق ترویج مسیحیت صهیونیستی» به ۱۵ سال زندان محکوم شد.

آژانس خبری مسیحیان ایران «محبت نیوز» ۲۸ خردادماه گزارش داد موسوی با حکم شعبه سوم دادگاه انقلاب شهرستان اهواز به ریاست مهدی فتحی نیا به ۱۵ سال حبس محکوم شده است.

گفته می‌شود این شهروند مسیحی با دو اتهام امنیتی روبرو شده است: «عضویت در دسته یا جمعیت‌هایی که در

چند روز پس از انتشار خبر مسمومیت‌ها در ۲۶ خردادماه، سازمان غذا و دارو آلودگی برخی از محلول‌های دیالیز شرکت «ثامن» به فلزات سنگین را تأیید و اعلام کرد: «در آزمایش‌های انجام‌شده روی محلول دیالیز صفاقی شرکت ثامن مشخص شد، برخی تولیدات این شرکت از نظر آلودگی به فلزات سنگین به‌خصوص آلومینیوم، با استاندارد منطبق نبود اما برخی نمونه‌ها قابل قبول بودند.»

طبق اعلام انجمن نفرولوژی کشور، مسئولان شرکت «ثامن» ابتدا نمی‌پذیرفتند، اما به تدریج و با پذیرش این موضوع، اعلام کردند که عامل این آلودگی، مواد اولیه تولید محلول دیالیز صفاقی بوده است. ظاهراً این آلودگی از ابتدای عرضه این محصول (حدوداً از بهمن سال گذشته) وجود داشته و به همین علت، میزان انباشت آن در خون بیماران به صورت تدریجی بالا رفته و باعث عوارض شدید شده است.

پس از اعلام خبر مسمومیت‌ها و آلودگی سرما، به گفته‌ی ایرج نجفی محقق دیالیز صفاقی «همان موقع یعنی از حدود ۱۰ روز پیش، قرار بر این شد تا به صورت فوری محلول‌های جدید تولید شود تا دیگر از منبعی که آلودگی در آن وجود داشت، استفاده نکنند.»

با اینهمه، بیمارانی که این سرما را در خانه ذخیره کرده‌اند در حال مصرف آن هستند. عین موارد دیگر، هیچ آمار دقیقی در این زمینه نیز وجود ندارد. بر اساس آنچه در خبرگزاری‌های داخلی منتشر شده، در ایران حدود ۶۰۰ بیمار دیالیز صفاقی ثبت شده‌اند. در حالی که دکتر شهرزاد عصاره رئیس انجمن نفرولوژی ایران می‌گوید: «در کشور حدود ۸۰۰ بیمار دیالیز صفاقی داریم». در یک دوره تعداد این بیماران ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ نفر بود، اما تعدادشان به ۶۰۰ نفر رسیده است. این در حالیست که بر اساس آمارهای جهانی تعداد این افراد می‌بایست تا کنون به ۱۰ تا ۱۵ هزار نفر می‌رسید.

به گفته ایرج نجفی متخصص نفرولوژی «این بیماران باید به‌سرعت تحت درمان قرار گیرند. باید در بیمارستان‌ها بستری شوند و به‌سرعت پیگیری درمان برایشان انجام شود. اما متأسفانه اورژانسی بودن شرایط خیلی قابل درک نیست و فکر می‌کنند که بیمار دیالیز صفاقی، دیالیز خونی هفته‌ای ۶ بار و هر بار ۴ ساعت را انجام می‌دهد و درمان می‌شود؛ در حالی که ممکن است بیمار دچار تشنج و مرگ شود.»

شرکت دارویی «ثامن» وابسته به «بنیاد بهره‌وری موقوفات آستان قدس رضوی» است و در سال ۶۳ با عنوان «سرم‌سازی ثامن» (سهامی خاص) در مشهد ثبت شد. این شرکت تنها تولیدکننده محلول‌های دیالیز صفاقی در کشور است. قبلاً مدیرعامل این شرکت گفته بود که آنها ظرفیت تولید روزانه ۲۵ هزار کیسه محلول دیالیز صفاقی را دارند و در صورت نیاز می‌توانند حدود پنج هزار بیمار مبتلا به نارسایی مزمن کلیوی را تحت پوشش تولید این محلول قرار دهند.

دکتر محمدرضا متخصص اورولوژی در ادامه توضیحات به کیهان لندن می‌گوید: «شما اگر بتوانید لیست مدیران شرکت «ل‌فاف خزر» و «ثامن» و «برکت» را پیدا کنید، به یک مافیای دارویی می‌رسید که اکثر سهامداران و مدیران آنها یکسری افراد خاص هستند. شرکت «ل‌فاف خزر» که لوازم دیالیز می‌سازد با شرکت داروسازی «ثامن» و «برکت» همه با هم هستند و تحقیق درباره این مسمومیت‌ها هم به هیچ جایی نمی‌رسد. «ل‌فاف خزر» در تولید وسایل دیالیز اشتباه کرده اما کسی جوابگو نیست. به‌خصوص اینکه شرکت «برکت» سهام‌اش متعلق به بیت رهبری است و شرکت «ثامن» هم همینطور است و «ل‌فاف خزر» هم تحت قیمومیت آنها است.»

وزیر دفاع اسرائیل:

## جمهوری اسلامی در حال قاچاق تسلیحات بیشتر به کرانه باختری است

وزیر دفاع اسرائیل دوشنبه ۱۷ ژوئن (۲۸ خردادماه) در بازدید از شمال کرانه باختری که شهر جنین در آن منطقه واقع شده، گفت با توجه به تلاش‌های جمهوری اسلامی برای ارسال غیرقانونی تسلیحات به منطقه، اسرائیل تیم‌های دفاع محلی را از نظر تسلیحاتی تقویت کرده است و اقدامات کنترلی و نظارتی در شهرک‌ها افزایش پیدا کردند. ژنرال یوآو گالانت اعلام کرد که حکومت ایران از طریق شرق کرانه باختری [از راه اردن] برای افزایش اسلحه در میان باندهای مسلح در گروه‌های نیابتی تلاش می‌کند.

## مصطفی ایوب از فرماندهان واحد موشکی «ناصر» حزب‌الله کشته شد

منابع وابسته به ارتش اسرائیل، دوشنبه ۲۸ خردادماه، گزارش دادند در حمله‌ای هدفمند محمد مصطفی ایوب، یکی از عوامل کلیدی یگان راکتی و موشکی «واحد ناصر» حزب‌الله در جنوب لبنان کشته شد.

## اکنون نوبت اروپا است که سپاه را در لیست تروریستی خود قرار دهد

چهارشنبه ۳۰ خرداد ۱۴۰۳ (۱۹ ژوئن ۲۰۲۴) اعلام شد که دولت کانادا سرانجام پس از کشاکش‌های فراوان، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در لیست تروریستی سازمان‌های خارجی خود قرار می‌دهد. در همین ارتباط شاهزاده رضا پهلوی در پیامی ضمن استقبال از این تصمیم و سیاست از نمایندگان پارلمان کانادا و تمامی ایرانی-کانادایی‌هایی که برای به نتیجه رسیدن این کار سال‌ها تلاش کرده‌اند، تأکید کرد که حالا نوبت اروپاست که این گام مهم را بردارد. در این پیام آمده است: «امروز کانادا رسماً سپاه پاسداران



## حمله با تبر به پلیس در هامبورگ حوالی محل تجمع هواداران تیم‌های هلند و لهستان

مقام‌های امنیتی شهر هامبورگ روز یکشنبه ۲۷ خرداد از حمله یک فرد با تبر به پلیس خبر دادند. مأموران پلیس امنیت محوطه محل تجمع هواداران دو تیم فوتبال هلند و لهستان را تأمین می‌کردند.

فرد مهاجم با تیراندازی مأموران زخمی شد اما به شهروندان آسیب نرسید. روز شنبه نیز در حاشیه مسابقات فوتبال یورو ۲۰۲۴ در منطقه‌ای در غرب برلین یک افغان به تماشاچیان فوتبال حمله کرد. وی یکی از هموطنان خود را که همان نزدیکی بود کشت و سه نفر دیگر را زخمی کرد اما پس از تیراندازی پلیس زخمی شد و به زمین افتاد. پیشتر یک افسر پلیس در مانهایم توسط یک اسلام‌گرای افغان کشته شده بود.

ماهان مهرابی:

## مادرم هنوز از حکم اعدام برادرم خبر ندارد

ماهان مهرابی خواهر محمودمهرابی که با اتهامات واهی به اعدام محکوم شده، یکی از سخنرانان مراسم روز ملی شیروورشید، ۲۶ خرداد زاروز مجیدرضا رهنورد، در پاریس بود. وی در گفتگو با اختر قاسمی درباره وضعیت برادرش که هفده ماه است در زندان بسر می‌برد و بیقراری مادر و فشاری که خودش در خارج کشور و خانواده‌اش در ایران تحمل می‌کنند، صحبت می‌کند.

## نامه ده زندانی سیاسی از زندان اوین در حمایت از هموطنان بهائی: داستان ما یکیست

«ما سال‌ها تجربه‌ی زیست با مهوش ثابت و فریبا کمال آبادی و دیگر شهروندان بهائی را داشته‌ایم و بسیار از آنان آموخته‌ایم. علاوه بر آنچه که بر خود و خانواده‌هایشان به سبب سال‌ها حبس تحمیل شده است محروم کردن جامعه



## گروگان سوئدی که با حمید نوری مبادله شده بود از دوست پسرش خواستگاری کرد

یوهان فلودروس دیپلمات ۳۳ ساله سوئدی که یکشنبه ۲۶ خرداد به همراه یک زندانی دیگر با حمید نوری مبادله شد، پس از رسیدن به سوئد از دوست پسرش خواستگاری کرد. گفته شد خواستگاری در پارکینگ فرودگاه استکهلم انجام گرفت و تویاس بیلستروم وزیر خارجه سوئد نیز در مراسم حضور داشت. یوهان فلودروس و سعید عزیزی شهروند ۶۰ ساله ایرانی-سوئدی که توسط جمهوری اسلامی به گروگان گرفته شده بودند، با میانجیگری عمان در ازای آزادی حمید نوری از زندان آزاد شدند و به سوئد برگشتند. حمید نوری به جرم جنایت علیه بشریت در دادگاه سوئد به حبس ابد محکوم شده بود.

پیام تحریک‌آمیز خامنه‌ای به حجاج:

## بدون ملاحظه از اسرائیل و آمریکا اعلام برائت کنید!

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در پیامی که ۲۶ خرداد به مناسبت مراسم حج صادر شد، خواسته «برائت» از اسرائیل و متحدان آن به ویژه آمریکا فراتر از مراسم حج، در همه کشورها و شهرهای مسلمان‌نشین و در همه جای جهان ادامه یابد. در متن این پیام تحریک‌آمیز آمده «گستاخی رژیم رو به زوال صهیونی»، جای هیچگونه ملاحظه و مماشات باقی نگذاشته است و «برائت امسال باید فراتر از موسم و میقات حج، در کشورها و شهرهای مسلمان‌نشین در همه‌جای جهان ادامه یابد، و فراتر از حج گزاران، به آحاد مردم تسری یابد.» وی خواسته «این برائت از رژیم صهیونیست و حامیانش به‌خصوص دولت ایالات متحدهی آمریکا باید در قول و عمل ملت‌ها و دولت‌ها خود را نشان دهد و عرصه را بر جلالان تنگ کند.» مقامات امنیتی عربستان نسبت به هرگونه اقدام ضدامنیتی در مراسم حج هشدار داده‌اند.

## مرگ ۱۱ زائر ایرانی در مراسم حج

بنا به گزارش «شبکه شرق»، پیرحسین کولیوند رئیس



جمعیت «هلال احمر» از مرگ ۱۱ زائر ایرانی هنگام اجرای مراسم حج در عربستان سعودی خبر داد. هنوز علت دقیق فوت این زائران مشخص نشده، اما برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که بیماری‌های زمینهای، گرم‌زدگی و ازدحام جمعیت از جمله عوامل احتمالی هستند. فوت زائران ایرانی در عربستان سعودی موضوعی تکراری است و هر سال تعدادی از ایرانیان در سفر حج جان خود را از دست می‌دهند.

از حضور و آموزه‌هایشان رنجی گران است.»

«سکوت ما در برابر این ستم مضاعف بر گروهی از جامعه که حتا زیست‌شان نیز به عنوان شهروندان بهائی جرم‌انگاری شده است این جنایات را برای رژیم کم‌هزینه کرده است و راه را برای تکرار و تشدید آن هموار می‌نماید.»

«تا پایان دادن به رنج مضاعفی که بر هموطنان بهائی‌مان تحمیل می‌شود در کنارشان ایستاده‌ایم.»

## برق ۱۶ اداره پرمصرف تهران قطع شد

به گزارش خبرگزاری‌های داخلی، در تاریخ ۲۶ خردادماه ۱۴۰۳، شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ به دلیل عدم رعایت مصوبه هیات دولت مبنی بر کاهش مصرف برق توسط ادارات و دستگاه‌های اجرایی، اقدام به قطع برق ۱۶ اداره پرمصرف ملی و استانی در تهران، شامل چند ساختمان بانک‌های عامل کشور کرد. مدیرعامل شرکت تولید، انتقال و توزیع نیروی برق ایران (توانیر) در ۱۵ خرداد ۱۴۰۳ اعلام کرد که «به ۱۰ دستگاه پرمصرف برق در تهران تذکر کتبی داده شده است.» مصطفی رجبی مشهدی با بیان اینکه شرایط برای هر استان متفاوت است، افزود: «در تهران برای ۱۰ دستگاه بد مصرف تذکر کتبی داده شده است.» وی همچنین گفت: «نهادهای عمومی، غیردولتی، شهرداری‌ها و بانک‌ها بیشترین میزان تخطی را در زمینه مصرف برق داشته‌اند.»

## درگیری شدید بازیکنان بعد از پایان مسابقه سپاهان و گل‌گهر

بعد از پایان مسابقه تیم‌های سپاهان و گل‌گهر که شنبه ۲۶ خردادماه در استادیوم «نقش جهان» اصفهان برگزار شد بازیکنان و نیمکت‌نشینان دو تیم با هم درگیر شدند. این دیدار در مرحله نیمه‌نهایی جام حذفی برگزار شد که با نتیجه دو بر یک به سود سپاهان تمام شد. درگیری‌های داخل زمین پس از پایان مسابقه ادامه یافت و به رختکن‌ها نیز کشیده شد. در جریان زد و خورد فیزیکی بین طرفین تعدادی از بازیکنان مصدوم شدند.

## دست‌کم ۹ کشته در آتش‌سوزی بیمارستان «قائم» رشت

دادگستری از «جرم‌انگاری» در این حادثه خبر داد

منشاء این آتش‌سوزی اتاق تأسیسات برق اضطراری (UPS) در طبقات زیرین بیمارستان اعلام شده اما علت آن تا زمان



دست‌کم ۹ کشته در آتش‌سوزی بیمارستان «قائم» رشت؛ دادگستری از «جرم‌انگاری» در این حادثه خبر داد

## طائب: رئیسی را نه دشمن زد و نه نقص فنی بود بلکه لطف الهی بود!

مهدی طائب رییس «قرارگاه عمار» جمعه ۲۵ خرداد در «مجموعه فرهنگی انقلاب اسلامی» (سرچشمه) در «یادواره شهدای هیات محبان العباس» تهران ضمن اعتراف به اینکه زمامداران نظام فقط با مرگ از مقام و منصب خود کنار می‌روند گفت: «رفت آقای رئیسی یکی از الطاف الهی بود، وقتی مسئولان عالی‌رتبه فوت می‌کنند یا دشمن می‌زند یا نقص فنی است.

در مورد آقای رئیسی نه کار دشمن بوده و نه نقص فنی. بلکه خدا او را برده است.» وی با تبلیغ برای سیرک انتخابات و جان‌شینی «قاضی مرگ» گفت: «باید تلاش کرد که مردم را به پای صندوق کشاند.

این انتخابات باید یک قدرتی ایجاد کند و آقای رئیسی در حال تکمیل یک ضلع از قدرت بود!» سیدابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم به همراه وزیر خارجه‌اش روز ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ در حادثه مشکوک سقوط هلی‌کوپتر در ارتفاعات استان آذربایجان شرقی کشته شدند و حالا دولت و وزیرکشور خودش مشغول برگزاری رأی‌گیری زود هنگام برای گزینش رئیس دولت چهاردهم هستند.

## سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی کانادا قرار می‌گیرد

دولت کانادا تصمیم گرفته است که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دهد. شبکه خبری «سی‌بی‌سی» روز چهارشنبه ۱۹ ژوئن (۳۰ خردادماه) به نقل از «منابع آگاه» اعلام کرد پس از سال‌ها تلاش فعالان ایرانی کانادایی و با افزایش فشارهای سیاسی، دولت کانادا «تحت قانون جنایی»، سپاه را در فهرست گروه‌هایی تروریستی کانادا قرار می‌دهد.

قرار است طی روزهای آینده این تصمیم رسماً اعلام شود. با تروریستی اعلام شدن سپاه در کانادا، نهادهای امنیتی



سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی کانادا قرار می‌گیرد

## مکارم شیرازی ۹۸ ساله راهی بیمارستان شد؛

### مردم: «خوش خبر باشید»

دفتر ناصر مکارم شیرازی از مراجع تقلید قم روز دوشنبه ۲۸ اردیبهشت‌ماه اعلام کرد که وی به علت «مسمومیت گوارشی» به بیمارستان منتقل شده است. گفته شد او به توصیه پزشکان به دلیل «مسمومیت غذایی» به بیمارستان رفته است. ایستنا به نقل از نزدیکان مکارم شیرازی نوشت: «در حال حاضر ایشان از بیمارستان مرخص و به منزل منتقل شده‌اند و شرایط جسمانی ایشان مساعد است.» این خبر با واکنش‌های زیادی از سوی مردم در شبکه‌های اجتماعی مواجه شده و این مرجع تقلید ۹۸ ساله را سوژه خنده و جوک‌های خود کرده‌اند. از جمله در کامنت‌های خبر مربوطه نوشته‌اند: خوش خبر باشید!

## مهدی کروبی از رهبران «جنبش سبز»: به پزشکیان رأی دهید!

در شرایطی که مردم حضور در #سیرک انتخابات جمهوری اسلامی را پایمال کردن خون جانباختگان راه آزادی می‌دانند و آن را تحریم کرده‌اند، مهدی کروبی از افراد معروف اصلاح‌طلب و از رهبران «جنبش سبز» توصیه کرده «به مسعود پزشکیان رأی دهید!» حسن کروبی پسر مهدی کروبی با تأکید بر اینکه پدرش در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ۱۴۰۳ از مسعود پزشکیان حمایت خواهد کرد گفت: «پیام ایشان این است که رأی به پزشکیان برای تحقق اهداف کشور لازم است!» این پیام واکنش‌های منفی زیادی را در شبکه‌های اجتماعی به همراه داشت از جمله برخی توصیه کروبی را «وقیحانه» خوانده‌اند و برخی دیگر وی را متهم به «خون‌شویی» کرده‌اند.

## نظرسنجی مؤسسه «گمان» درباره «نگرش ایرانیان به انتخابات ۱۴۰۳»

مؤسسه «گمان» که به عنوان «گروه مطالعات افکارسنجی ایرانیان» در کشور هلند فعالیت می‌کند، به تازگی یک نظرسنجی در ارتباط با انتخابات زود هنگام چهاردهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی که به دلیل کشته شدن ابراهیم رئیسی



نظرسنجی مؤسسه «گمان» درباره «نگرش ایرانیان به انتخابات ۱۴۰۳»

در سقوط هلی‌کوپتر قرار است هشتم تیرماه ۱۴۰۳ برگزار شود، منتشر کرده و از مخاطبان خواسته تا در آن شرکت کنند. این نظرسنجی که آنلاین و بطور ناشناس انجام می‌شود و حدود ۵ دقیقه وقت برای پاسخ دادن به آن لازم است، علاوه بر پرسش‌های رایج جهت بررسی‌های آماری، و همچنین چند پرسش اختیاری که شرکت‌کنندگان می‌توانند به آنها پاسخ دهند، سؤالاتی را درباره «نگرش» سیاسی و اجتماعی ایرانیان مطرح کرده است.

این کشور می‌توانند علیه هر فرد یا نهادی که از نظر مالی یا مادی از این گروه حمایت کند، دست به اقدام بزنند. بانک‌ها نیز قادر خواهند بود دارایی‌های آنها را مسدود کنند.

نمایندگان پارلمان کانادا ماه گذشته به اتفاق آرا این اقدام را تصویب کردند و از دولت لیبرال کانادا به رهبری جاستین ترودو خواستند تا سپاه پاسداران را «تروریستی» اعلام کند.

تنظیم این گزارش همچنان روشن نشده است. بیماران جانباخته همگی در بخش مراقبت‌های ویژه بستری بودند و گفته شده پیکر آنها برای شناسایی علت دقیق مرگ به پزشکی قانونی رشت منتقل شده است. رئیس کل دادگستری استان گیلان گفته علت وقوع حادثه با دستور قضایی توسط مسئولان امر از جمله آتش‌نشانی در حال بررسی است و افزوده «این موضوع جرم‌انگاری شده و قتل غیرعمد تلقی می‌شود.»



### عکس هفته | ندا

۳۰ خرداد ۱۴۰۳ پانزده سال از شلیک گلوله‌ی مأموران مزدور رژیم به سینه‌ی پرشور ندا آقا سلطان گذشت. زن جوان ۲۶ ساله‌ای که نه با معیارهای فرهنگی جمهوری اسلامی همخوانی داشت و نه از نظر سیاسی به هیچکدام از جناحین آن تعلق خاطر داشت و به همین دلیل در رأی‌گیری مناقشه برانگیز خرداد ۸۸ نیز شرکت نکرده بود. بر اساس همین ویژگی‌ها قتل فجیع ندا در خیابان آنهم با چشمانی که تا آخرین لحظه باز و خیره ماند، به یکی از صحنه‌های تاریخی جنبش آزادیخواهی ایرانیان تبدیل شد و جهان را تکان داد. ندا هم صدا و هم دختر آزاده و برومند ایران شد.